



مرکز کارآفرینی
دانشگاه صنعتی شریف

تقدیم به مدیران، صنعتگران و کارآفرینان آینده کشور

که با تکیه بر دانش و تخصص خود برای کشور، ثروت تولید خواهند نمود.

کارآفرین

ابزار دقیق

چشمه غما مجوز مجله فوق به چاپ رسیده است
در کتابخانه الکترونیکی مرکز کارآفرینی
دانشگاه صنعتی شریف
و کلیه حقوق این مرکز را در اختیار دارد

راه روشن

نکا مطر شده در مصاحبه ها ن ریا افراد بوده لزوما نشاندهنده ن ر مرکز کارآفرینی نیست.

دهبیدی پور، مجید ۱۳۵۹

راه روشن / مسئول طرح: مجید دهبیدی پور، مجری طرح: حسین مجدفر؛

همکاران طرح: عباس منتظری هدش، سحر احمدی، فاطمه کوهپر، سارا ذبیحی، مونا ناصری؛

تهران: مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف، بهار ۱۳۹۱

۱۵۲ ص: جدول، نمودار

فهرست نویسی بر اساس فیپا.

کتابنامه

۱. فهرست ۲. پیشگفتار ۳. گفتگو با فارغ التحصیلان کارآفرین دانشگاه صنعتی شریف

مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف ۶۶۱۶۴۷۷۳-۴ www.karafarini.sharif.ir

شناسنامه دیداورندگان

www.aimag.ir

ناشر: هما (هوش مصنوعی و ابزار دقیق)

majdfar@gmail.com

مجری طرح: مهندس حسین مجدفر

همکاران طرح:

دکتر عباس منتظری هدش، مهندس سحر احمدی، فاطمه کوهپر، سارا ذبیحی، مونا ناصری.

شناسنامه کتاب

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۱

قطع: رحلی کوچک

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰ هزار ریال

کارآفرینان منتخب مصاحبه شده در ۴ دوره کتاب «سی کارآفرین» به ترتیب الفبا

ردیف	صفحه	نام خانوادگی	نام	عنوان	ورودی	مقطع ورودی	رشته تحصیلی	سمت	کلید واژه نام شرکت
۱	۵۲	ارمودلی	یوسف	مهندس	۱۳۵۱	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	سازمان انرژی‌های نو
۲	۵۳	آقابابایی	قاسم	مهندس	۱۳۵۳	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسی فرایند طرح گستر
۳	۵۴	ابراهیمی	مهرداد	مهندس	۱۳۶۹	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	توسعه نیروگاه‌های دیزلی پارسین
۴	۵۵	اجلایی	عبدالمهدی	مهندس	۱۳۴۷	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	تولیدی ایران ذوب
۵	۵۶	احمدی کروویق	حسن	دکتر	۱۳۴۷	کارشناسی	مکانیک	رئیس هیئت مدیره	تهران سحاب
۶	۵۷	اردشیریان	فیروز	مهندس	۱۳۴۵	کارشناسی	مکانیک	رئیس هیئت مدیره	ناموران پژوهش و توسعه
۷	۵۸	اسدی	مجتبی	مهندس	۱۳۷۲	کارشناسی	صنایع	مدیر عامل	گروه پژوهشی- صنعتی آریانا
۸	۵۹	افتخاری	عبدالرحیم	مهندس	۱۳۴۸	کارشناسی	صنایع	مدیر عامل	لوله های دقیق کاوه ایرانیان
۹	۶۰	الهامی	علیرضا	دکتر	۱۳۷۶	کارشناسی ارشد	مکانیک	مدیر عامل	نواندیشان خدمات بهسازی صنایع
۱۰	۶۱	امامیان	آریا	مهندس	۱۳۵۴	کارشناسی	صنایع	مدیر عامل	ایمن راه سارو
۱۱	۶۲	امیر ابراهیمی	شاهرخ	مهندس	۱۳۵۳	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسی سیمان سازان
۱۲	۶۳	امیری	فرشید	مهندس	۱۳۷۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسی نگین فناوری شریف
۱۳	۶۴	امینی	شایان	مهندس	۱۳۸۵	کارشناسی ارشد	مکانیک	مدیر عامل	مپتوسا
۱۴	۶۵	انصافی	منصور	مهندس	۱۳۵۳	کارشناسی	عمران	مدیر عامل	صنایع سنگین اسپیدز
۱۵	۶۶	بدیعی	احد	مهندس	۱۳۵۲	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	تولیدی کلر پارس
۱۶	۶۷	بصیری	میثم	دکتر	۱۳۷۶	کارشناسی	برق	مدیر عامل	سگال پردازش
۱۷	۶۸	بلوری افشار	علیرضا	مهندس	۱۳۷۷	کارشناسی	م. شیمی	رئیس هیئت مدیره	فرایند و انرژی فران
۱۸	۶۹	بهرامی	علی اکبر	مهندس	۱۳۶۷	کارشناسی	مکانیک	رئیس هیئت مدیره	تولیدی سردساز خودرو
۱۹	۷۰	بهزاد	مهدی	دکتر	۱۳۷۴	هیئت علمی	مکانیک	هیئت علمی	دانشکده مهندسی مکانیک
۲۰	۷۱	بهشتیان اردکانی	محمدرضا	مهندس	۱۳۵۵	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	پویا شیراز
۲۱	۷۲	بهین فر	عبدالمهدی	مهندس	۱۳۵۰	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	بهین تکنیک
۲۲	۷۳	تبریزی	محمود	دکتر	۱۳۴۵	هیئت علمی	مکانیک	مدیر عامل	تولیدی سیلندر سازی تهران
۲۳	۷۴	جلیلی	رسول	دکتر	۱۳۶۶	کارشناسی ارشد	کامپیوتر	هیئت علمی	دانشکده مهندسی کامپیوتر
۲۴	۷۵	جوادی	رکن الدین	مهندس	۱۳۵۴	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسی و ساختمان صنایع نفت
۲۵	۷۶	حاجیان	حسن	مهندس	۱۳۴۸	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسی پروسکه
۲۶	۷۷	حجت	یوسف	دکتر	۱۳۵۴	کارشناسی	مکانیک	هیئت علمی	دانشگاه تربیت مدرس
۲۷	۷۸	حدیدی	خبرالله	دکتر	۱۳۵۲	کارشناسی	برق	مدیر عامل	نیمه هادی اورمیا
۲۸	۷۹	خاکپور	علی	-	۱۳۷۶	کارشناسی	شیمی	مدیر عامل	آرین فن آزما
۲۹	۸۰	خسروشاهلی	مصطفی	مهندس	۱۳۵۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسی رادها
۳۰	۸۱	خلیلیان	احمد	-	۱۳۷۶	کارشناسی	فیزیک	مدیر فنی	پایکار بنیان پائل
۳۱	۸۲	خیراندیش کشکویی	بهروز	-	۱۳۷۳	کارشناسی	فیزیک	مدیر عامل	نورآفرین ایده
۳۲	۸۳	ذهبیون	محمدناصر	مهندس	۱۳۷۳	کارشناسی	صنایع	مدیر عامل	تیتا سامانه
۳۳	۸۴	ذوالقدر	صمصام	مهندس	۱۳۸۵	کارشناسی ارشد	MBA	مدیر عامل	ساروج بُن پی





ردیف	صفحه	نام خانوادگی	نام	عنوان	ورودی	مقطع ورودی	رشته تحصیلی	سمت	کلید واژه نام شرکت
۳۴	۸۵	ربانی	محمد	مهندس	۱۳۵۰	کارشناسی	عمران	مدیر عامل	سیمان ممتازان کرمان
۳۵	۸۶	رستمیان	هوشنگ	مهندس	۱۳۴۵	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسی رازک پژوهش
۳۶	۸۷	رضویان	میرمجید	دکتر	۱۳۷۵	کارشناسی ارشد	صنایع	معاون تحقیقات	تولیدی فناوریان کارزا
۳۷	۸۸	رهبر	محمد رضا	مهندس	۱۳۷۵	کارشناسی ارشد	عمران	مدیر عامل	پرما یون
۳۸	۸۹	روستا آزاد	رضا	دکتر	۱۳۵۸	کارشناسی	مکانیک	رئیس و عضو هیئت علمی	دانشگاه صنعتی شریف
۳۹	۹۰	ریاضی	میر عباس	مهندس	۱۳۶۲	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسی صدر صانع
۴۰	۹۱	زاهدی	ناصر	دکتر	۱۳۵۲	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	پارس سینا
۴۱	۹۲	زکایی	سعید	مهندس	۱۳۷۶	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	تولیدی پارسا پلیمر شریف
۴۲	۹۳	زیرکچیان زاده	محمود	مهندس	۱۳۶۹	کارشناسی ارشد	م. شیمی	مدیر عامل	نفت فلات قاره
۴۳	۹۴	سید احمدیان	مهدی	مهندس	۱۳۴۶	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسی پنج تاش
۴۴	۹۵	سید حسینی	فرشید	مهندس	۱۳۷۳	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	گروه صنعتی رز موند
۴۵	۹۶	شافعی	غلامرضا	مهندس	۱۳۴۹	کارشناسی	مکانیک	رئیس هیئت مدیره	مدیر
۴۶	۹۷	شمسی	ابوالحسن	مهندس	۱۳۷۸	کارشناسی	مکانیک	مدیر گروه سرمایه گذاری	دفتر مطالعات تکنولوژی شریف
۴۷	۹۸	صاحبکار خراسانی	سید محمد	دکتر	۱۳۷۵	کارشناسی	مکانیک	رئیس	شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران
۴۸	۹۹	صادقیور وجدی	سعید	مهندس	۱۳۶۳	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسی پکتوس
۴۹	۱۰۰	صارمی	امین	مهندس	۱۳۷۸	کارشناسی	کامپیوتر	مدیر عامل	پشتیبان تصمیم مدیران
۵۰	۱۰۱	صفری	مصطفی	مهندس	۱۳۷۶	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	بهینه سازان
۵۱	۱۰۲	طباطبایی	محمد	دکتر	۱۳۵۴	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مرکز توسعه فناوری نیرو
۵۲	۱۰۳	طوفانی نژاد	محمد مهدی	مهندس	۱۳۴۹	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	گروه تولیدی سدید
۵۳	۱۰۴	عالمی	غلامرضا	مهندس	۱۳۶۴	کارشناسی	متالورژی	رئیس هیئت مدیره	سرو هیدرولیک پویا
۵۴	۱۰۵	عسگری	غلامرضا	مهندس	۱۳۵۴	کارشناسی	عمران	مدیر عامل	سازه دژ
۵۵	۱۰۶	عطار	احمد	مهندس	۱۳۴۵	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسان مشاور ناموران
۵۶	۱۰۷	عفیف	جلال	مهندس	۱۳۴۷	کارشناسی	م. شیمی	رئیس	دانشکده صنعت غذای هشتگرد
۵۷	۱۰۸	غروی	محمد رضا	دکتر	۱۳۷۱	کارشناسی ارشد	مکانیک	مدیر عامل	پترو ساخت چهلستون
۵۸	۱۰۹	فاضلیان	سید محمد باقر	-	۱۳۶۶	کارشناسی	شیمی کاربردی	مدیر عامل	تولیدی پدیده شیمی پایدار
۵۹	۱۱۰	فاطمی اردکانی	ولی الله	مهندس	۱۳۶۳	کارشناسی	کامپیوتر	مدیر عامل	توسن (کیش ویر)
۶۰	۱۱۱	فروزان	علی	مهندس	۱۳۸۱	کارشناسی	مکانیک	نایب رئیس هیئت مدیره	مهندسی آسین فولاد
۶۱	۱۱۲	فیوض	هادی	مهندس	۱۳۷۲	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسی لیان خلیج فارس
۶۲	۱۱۳	قاسم زاده	فریدون	دکتر	۱۳۵۴	کارشناسی	صنایع	مدیر عامل	خدمات اینترنتی افرا نت
۶۳	۱۱۴	قاسم زاده	علیرضا	مهندس	۱۳۸۳	کارشناسی	کامپیوتر	مدیر عامل	مهندسی اسکان ایت
۶۴	۱۱۵	قبادی	فریدون	مهندس	۱۳۴۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسان مشاور پارس آب تدبیر
۶۵	۱۱۶	قنبری	محمد حسین	مهندس	۱۳۴۹	کارشناسی	برق	عضو ارشد	نظام مهندسی استان تهران
۶۶	۱۱۷	کارگری	حمید	مهندس	۱۳۴۸	کارشناسی	متالورژی	رئیس هیئت مدیره	صنایع ایران و دانمارک



ردیف	صفحه	نام خانوادگی	نام	عنوان	ورودی	مقطع ورودی	رشته تحصیلی	سمت	کلید واژه نام شرکت
۶۷	۱۱۸	کاظمی	حسن	مهندس	۱۳۵۳	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	تولیدی پارت سازی مشهد
۶۸	۱۱۹	کردستانیچی	رسول	مهندس	۱۳۵۴	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	تولیدی آذر نسب
۶۹	۱۲۰	کریمی اصفهانی	مهدی	مهندس	۱۳۴۶	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	انرژی دانا
۷۰	۱۲۱	کریمی دزفولی	محمد	-	۱۳۷۹	کارشناسی ارشد	شیمی	مدیر عامل	بنیان نوین شیمی پارس
۷۱	۱۲۲	کولانیان	حسام الدین	مهندس	۱۳۷۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	پلاستونیک ساری
۷۲	۱۲۳	کیانمهر	غلامرضا	مهندس	۱۳۶۵	کارشناسی	برق	نایب رئیس هیئت مدیره	مهندسی پایکار بنیان صنعت
۷۳	۱۲۴	گرایلی	مهیار	مهندس	۱۳۷۰	کارشناسی	عمران	مدیر فنی	ساختمانی ست
۷۴	۱۲۵	مبصر	فرید	دکتر	۱۳۷۱	کارشناسی	کامپیوتر	مدیر عامل	مهندسی کاردانا یگانه آسیا
۷۵	۱۲۶	مبصری	عبدالحمید	مهندس	۱۳۴۸	کارشناسی	برق	رئیس هیئت مدیره	مهندسان مشاور تناوب
۷۶	۱۲۷	مجدفر	حسین	مهندس	۱۳۷۴	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	ربات پارسیان
۷۷	۱۲۸	محزون	محمد	مهندس	۱۳۶۵	کارشناسی	برق	مدیر عامل	افرا صنعت هوشمند
۷۸	۱۲۹	محمد زاده	محمود رضا	مهندس	۱۳۷۱	کارشناسی ارشد	بیو الکتریک	مدیر عامل	مهندسی امید سازان حیات
۷۹	۱۳۰	مختاری	حسین	دکتر	۱۳۷۹	هیئت علمی	برق	هیئت علمی	ریلران گستر شریف
۸۰	۱۳۱	مرسی	احمد رضا	مهندس	۱۳۷۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	شناور صنعت تندر
۸۱	۱۳۲	مشایخی	علینقی	دکتر	۱۳۴۵	کارشناسی	مکانیک	هیئت علمی	دانشکده مدیریت و اقتصاد
۸۲	۱۳۳	متمم	محمدباقر	مهندس	۱۳۴۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	بازرگانی مهندسی زحل
۸۳	۱۳۴	مقدم تبریزی	کاوه	مهندس	۱۳۶۶	کارشناسی	برق	مدیر عامل	تولیدی بهسام افزار تهران
۸۴	۱۳۵	مقصودی	علیرضا	مهندس	۱۳۵۲	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	تولیدی لوله و ماشین سازی ایران
۸۵	۱۳۶	ملیحی	فرخ	مهندس	۱۳۵۰	کارشناسی	برق	مدیر عامل	گروه تحقیقاتی فرگل
۸۶	۱۳۷	مؤمنی	سعیدرضا	مهندس	۱۳۵۳	کارشناسی	عمران	مدیر عامل	حاسب سیستم
۸۷	۱۳۸	مهدوی اردکانی	احمد	-	۱۳۷۱	کارشناسی ارشد	فیزیک	مدیر عامل	پوششهای نانو ساختار
۸۸	۱۳۹	میرهادی زاده	میرسعید	مهندس	۱۳۵۳	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	تولیدی گنج چم آرمان
۸۹	۱۴۰	ناصری	داریوش	مهندس	۱۳۶۶	کارشناسی	برق	مدیر عامل	مهندسی پارین کنترل
۹۰	۱۴۱	نظری	محمد	مهندس	۱۳۵۰	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	سینا ماشین
۹۱	۱۴۲	نظری زاده	محمد	مهندس	۱۳۷۳	کارشناسی	عمران	مدیر عامل	مهندسی آرمان سازه
۹۲	۱۴۳	نوروزیان	مصطفی	مهندس	۱۳۶۸	کارشناسی ارشد	صنایع	مدیر عامل	تولیدی گام الکتریک
۹۳	۱۴۴	وزیری بزرگ	محمد حسین	مهندس	۱۳۵۴	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	تولیدی بالین تک
۹۴	۱۴۵	وقایع نگار	سیروس	مهندس	۱۳۴۶	کارشناسی	مهندسی شیمی	مدیر عامل	مهندسی دریک انرژی
۹۵	۱۴۶	وهاب	غلامرضا	مهندس	۱۳۵۰	کارشناسی	برق	مدیر عامل	ایجاد نیرو
۹۶	۱۴۷	ویسه	رضا	دکتر	۱۳۵۲	کارشناسی	متالورژی	مدیر عامل	توسعه مدیران تابان
۹۷	۱۴۸	ویسی	هادی	مهندس	۱۳۸۲	کارشناسی ارشد	کامپیوتر	عضو هیئت مدیره	مهندسی عصر گویش پرداز
۹۸	۱۴۹	هاشمی	حسن	مهندس	۱۳۴۶	کارشناسی	م. شیمی	رئیس هیئت مدیره	مهندسان مشاور چگالش
۹۹	۱۵۰	هداوندی	مرتضی	مهندس	۱۳۸۰	کارشناسی	صنایع	مدیر عامل	رازین پلیمر راه ابریشم
۱۰۰	۱۵۱	هندی	علیرضا	مهندس	۱۳۴۷	کارشناسی	مکانیک	مدیر عامل	مهندسان مشاور رعدان



سوگندنامه مهندسی

من با آگاهی کامل از نقش و تأثیر مهندسی در سازندگی و توسعه پایدار جهان، رفاه و آسایش انسان، حفظ جهان هستی از آلودگی‌های زیست محیطی و تأمین شادی پایدار و دراز مدت خود و دیگران، اینک که به عنوان مهندس خدمت خود را آغاز می‌کنم به پروردگار جهان سوگند یاد می‌کنم که:

- همواره در سراسر زندگی شغلی، حرفه‌ای و اجتماعی خود بدین سوگند وفادار باشم.
- به انسان، به عنوان یک موجود صاحب خرد و شگفت انگیزترین پدیده آفرینش ببیندیشم؛ صدیق و واقع‌بین باشم و به هیچ اقدامی که به انسان و انسانیت آسیب رساند، مبادرت نورزم.
- دانش مهندسی و تجربه حرفه‌ای خود را که میراث مشترک بشری است، مغتنم دانم و کوشش کنم تا آن را به روز نگهدارم و در حد توان خود به گنجینه دانش و تجربه‌های سودمند بشری بیفزایم.
- ایران زادگاه من است که در آن زاده و پرورده شده‌ام، کوشش خواهم کرد که دین خود را به سرزمینم، مردمانم، نیاکانم، و آیندگان ادا کنم.
- در طول زندگی حرفه‌ای خود تلاش کنم تا نقش مؤثری در توسعه پایدار کشورم داشته باشم.
- در حد توان به دانشگاه که مربی علمی و فنی من است و به کسانی که پس از من در این مکان مقدس پرورش خواهند یافت، خدمت کنم.
- سرمایه‌های هستی، چون ماده، انرژی، محیط زیست و نیروی کار را سرمایه‌های تمام بشر بدانم و در حفظ و کاربرد درست و بهسازی آنها کوشش نمایم.
- در تمام فعالیتهای مهندسی خود صداقت، دقت، نظم، عدالت، سرعت عمل، حفظ منابع اجتماع و حقوق دیگران را مراعات کنم و سلامت، ایمنی و آینده نسلها را در نظر داشته و به آنان مهربان، دلسوز و متعهد باشم و همواره سود خویش را در منافع عام جستجو کنم، رشوه‌خواری و سایر رذایل اخلاقی را طرد و برای زحمات خود، ارزشی مادی در حد معقول و متعارف طلب کنم.



- در تمام کوششهای مهندسی خود از دانش روز و آخرین یافته‌های فنی آگاه شوم و آنها را با ابتکار، خلاقیت و نوآوری در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا به کار بندم.
- در تمام کوششهای مهندسی خود استانداردها را مراعات و تنها در حیطه دانش و توانایی خود کار قبول کنم و تنها مدارکی را امضا کنم که به آنها احاطه فنی کامل دارم. در مواردی که منع قانونی و حق مالکیت اختصاصی وجود ندارد، دانش خود را آزادانه و به صورت رایگان منتشر کنم و در اختیار دیگران قرار دهم.
- در ادای وظایف حرفه‌ای محول شده، متعهد، مسئولیت پذیر، مشارکت پذیر و رازدار باشم.
- محیطی پر از محبت، صفا، عشق و علاقه به خدمتگزاری بی‌ریا به مردم و میهنم را به وجود آورم و همکاران خود را بدون توجه به ملیت، نژاد، مذهب، جنسیت، سن و عقیده دوست بدارم و ارزشهای انسانی را در خود پرورش دهم.
- در کوششهای مهندسی خود همیشه فردی متواضع باشم و موفقیتهای به دست آمده را علاوه بر سعی و کوشش خود مرهون تلاش همکاران و نظام آفرینش بدانم و از آنان قدردانی و سپاسگزاری کنم.
- در تمام کوششهای مهندسی خود جويا و پذیرای نقد و اظهار نظر صادقانه همکاران باشم و از لطمه زدن به حیثیت، شهرت، دارایی یا اشتغال دیگران پرهیز و از اقدامات بدخواهانه برای آنان خودداری کنم.
- از کوششهای فرهنگی و فعالیتهای اجتماعی که به منظور توسعه رفاه عمومی در جامعه ایرانی انجام می‌گیرد، استقبال و در آنها شرکت جویم.
- همکاران خود را به رعایت اصول اخلاق مهندسی و وجدان حرفه‌ای تشویق کنم.
- دانش و آگاهی خود را در اجرای طرحها و پروژه‌ها چنان به کار گیرم که نه تنها تخریب محیط زیست را موجب نگردد بلکه به بهبود و تعالی محیط زیست انجامد و همواره آثار مخرب زیست محیطی اجرای پروژه‌ها را در نظر گیرم و چنان برنامه‌ریزی نمایم که نتیجه اقداماتم به توسعه پایدار بینجامد.

بخش ۲

چکیده یک صفحه‌ای از مصاحبه با کارآفرینان

از سال ۱۳۴۹ که نخستین فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف قدم به عرصه‌های صنعت نوپای ایران نهادند، تاکنون بیش از سی هزار نفر از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند. این دانش‌آموختگان در صنایع مختلف دولتی و خصوصی مشغول به کار شده‌اند و هر یک به سهم خود نقشی در گردش چرخ صنعت ایران بر عهده داشته‌اند. از سوی دیگر، دانشجویان و استادان دانشگاه نیز با انتقال تجربیات خود به شرکتهای دانش‌بنیانی که تأسیس کرده‌اند سهمی در خور در پیشرفتهای صنعتی این مرز و بوم داشته‌اند که این روند از سال ۱۳۸۱ و با تشکیل مرکز رشد فناوری‌های پیشرفته شریف، آهنگ سریع‌تری نیز به خود گرفته است.

مرکز کارآفرینی شریف از طریق انجام گفتگو با برخی از این نقش‌آفرینان عرصه صنعت، می‌کوشد تا تجربیات ارزنده و فناوری‌های ایجادشده به دست این افراد را به دیگر اقشار جامعه انتقال دهد و ضمن اطلاع‌رسانی از فعالیتهای کارآفرینانه صورت پذیرفته، شوق خطر کردن و ورود به صحنه کار و کوشش را در میان فارغ‌التحصیلان جدید، تقویت نماید.

کارآفرین باید شجاعت ورود به عرصه‌های جدید را داشته باشد و ریسک‌پذیر باشد.



گفتگو با آقای مهندس یوسف آرمودلی

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۱

مدیرعامل سازمان انرژی‌های نو ایران

زمینه فعالیت سازمان:

انجام پروژه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر

تلفن: ۸۸۰۸۱۴۱۶ و ۳-۸۸۰۸۴۷۷۱

Email: armoudli@iranenergy.org.ir

سخنان گزیده:

- منابع انرژی تجدیدپذیر با دولت، توسعه پیدا نمی‌کند.
- منبع بزرگ انرژی تابش خورشید هست. در سطح کشور ما این انرژی از میزان نفتی که زیر زمین داریم بالاتر است.
- با هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاح الگوی مصرف، توان کارشناسی خیلی بهتر ظهور می‌کند؛ به خاطر این که برای آن حرف‌ها تقاضا ایجاد می‌شود.
- کارآفرین باید اول قصد انجام کار و بعد شجاعت ورود به آن عرصه را داشته باشد. بدون امکانات هم نمی‌شود، بلکه حداقلی از امکانات لازم است.
- هر چیز کوچکی که در کشور ساخته می‌شود باید تبلیغ بشود و از سازنده‌اش قدردانی شود.
- اولین جایی که می‌تواند به روند کارآفرینی کمک کند دولت است و باید این کار را دولت شروع کند و ریسک آن را هم بپذیرد.
- بخش خصوصی ما باید متوجه بشود که مسائلی را باید محققان حل بکنند و باید این دو تا به هم وصل بشوند؛ البته نه به صورت نمادین!
- باید واقعاً مسائل خط تولید را به کمک دانشگاه حل کرد و این طوری نباشد که حاصل تحقیقات ما مقاله بشود و برود در کتابخانه خاک بخورد.
- بزرگترین مزیتی که ورود به عرصه رقابت را ایجاد می‌کند خودباوری در جوانهای ماست.
- دولت باید پروژه‌هایی را که قابل بررسی است جهت بدهد و حمایت بکند و باید بپذیرد که در این راه، ریسک هم هست.
- هیچ دلیلی وجود ندارد که دانشگاه کوچکی در یک شهرستان دور نتواند یک کار بزرگی بکند.
- به دلیل ارزان بودن گاز و سایر منابع انرژی در کشور ما نیروگاههای انرژی‌های تجدیدپذیر را نمی‌شود اجرایی کرد.
- دانشگاه باید برود در صنعت و ببیند مشکلات آنها چیست و به آنها پیشنهاد بکند که من مشکلاتتان را این طوری حل می‌کنم.
- هر موقع فقط یک تولیدکننده داشته‌ایم بعد از مدتی، خارجی‌ها آمده‌اند و تولیدکننده داخلی آن را شکست داده‌اند.
- به دو دلیل، آینده خیلی روشن است: یکی این که در کشور ما خودباوری به وجود آمده است. دوم این که جوانهای بسیار خوب و توانمندی داریم.
- ما فقط یک خط‌کش محاسبه داشتیم ولی الان همه در جیبشان یک مینی کامپیوتر دارند.
- آنهایی که فکرشان را به کار اندازند و بتوانند کار خاص بکنند می‌توانند در جامعه موفق‌تر باشند.
- باید در قانون، روشهای حمایت منطقی از افراد دیده بشود و خلق‌الساعه نباشد که یک نفر یک بودجه‌ای بگیرد و پاسخگو هم نباشد.
- یکی از بزرگترین معضلات کشور ما این است که ما تجارت را به جای تولید برای توسعه پذیرفته‌ایم.



همیشه دست به آچار بودم!



گفتگو با آقای مهندس قاسم آقابابایی علویجه

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۳

مدیرعامل شرکت فرایند طرح گستر

مدیر پروژه پتروشیمی لردگان در شرکت همپا

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی مشاور و طراحی و اجرا

تلفن: ۲۲۳۳۲۵۳

Email: ghasem-aghababaei@yahoo.com

سخنان گزیده:

- معلمهای ما آن قدر ضعیف بودند که مجبور بودم گاهی اوقات خودم درس بدهم و بچه‌ها می‌خواستند معلمان نباید تا آقابابایی بیاید درس بدهد!
- بچه‌های این دوره عوض شده‌اند که طبیعی هم هست. بالاخره امکانات رفاهی بیشتر شده است و مسائل اجتماعی ما با آنها فرق می‌کند.
- در دوران سربازی در زمان جنگ چون امکانات محدود بود و باید تمام ماشینها را برای جبهه تعمیر می‌کردیم، بارها خودم هم دست به آچار شدم.
- یک بار می‌خواستیم قطعه‌ای را نصب کنیم که باید جرتقیل ۳۵۰ تنی می‌داشتیم. جرتقیلها را با شاهینهایی که طراحی کرده بودیم با هم ترکیب کردیم.
- در فولاد مبارکه با وجود سختی‌ها باید کار می‌کردیم. این سختی‌ها هم باعث شد بچه‌هایی که با ما بودند واقعاً مدیرهای خوبی بشوند.
- الان ما از تهران که به اصفهان می‌رویم، به طور متوسط در هر ۶۰ کیلومتر یک کار تأسیساتی انجام داده‌ایم!
- مدیر پروژه بودم، ولی اصلاً به رشته‌ام مربوط نبود، ولی چون می‌دانستند سر در می‌آورم به من پیشنهاد کار می‌کردند؛ چون «مطالعه» می‌کردم.
- بحث کارآفرینی هم یک روال و روند است و خودش پیش می‌آید. فقط کافی است که شما حرکت را آغاز کنید.
- وقتی شما حرکت می‌کنید، در روند توسعه آن به دیگران احتیاج پیدا می‌کنید و این که «تیم» داشته باشید. این خود به خود کار آفرینی را به دنبال دارد.
- در یک پروژه حساب کردم که اگر ۲/۵ ماه این پروژه زودتر تمام شود و ژاپنی‌ها از اینجا بروند پول خرج آنها مشکل مالی پروژه را حل می‌کند!
- بعضی‌ها عقاید طلبند و حاضر نیستند ریسک کنند. یعنی موقعیشان را به خطر نمی‌اندازند و از همه مهم‌تر، کلان‌نگری در مملکت نداریم.
- هر کس باید خودش باشد. مثلاً درخت سیب باید سیب بدهد. نمی‌شود بهش گفت که انار بده! عمده ضربه‌ای که ما می‌خوریم از ریاکاری‌هاست.
- هر چه ارتباط بیشتر باشد هم ایده‌های دانشگاه وارد صنعت می‌شود و هم واقع‌گرایی صنعت به دانشگاه راه می‌یابد تا دید دانشگاهیان اصلاح شود.
- حتی اگر امکان ارتباط دانشگاه و صنعت هم فراهم نباشد وقتی نسل جوان با «تشاط و نیرو و انگیزه» از دانشگاه بیرون بیاید، مشکلی نخواهد داشت.
- به عنوان کسی که صنعت را تجربه کرده‌ام دوست دارم اینها را منتقل کنم و جوانها بیایند و با اطلاعات به روزشان جای ما را بگیرند.
- من اول باید برای جوانها کلی روضه بخوانم که مملکت ما خوب است و جاهای دیگر خبری نیست تا آنها متقاعد شوند که باید «کار» کنند.
- اگر کسی علاقه داشته باشد و فکری منفی در ذهنش نباشد، خیلی زود پیشرفت می‌کند.
- ما از نظر «فردی» بسیار قوی هستیم، ولی به لحاظ گروهی به دلیل سابقه تاریخی‌مان، هر کس راه خودش را ادامه می‌دهد!
- ما با شرکت‌های مختلف کار کرده‌ایم؛ پس نمی‌شود گفت که کار گروهی در ایران اصلاً عملی نیست، ولی سخت است.
- اگر کارفرما پول به من ندهد، هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم. ولی در قوانین جدید اروپا، پیمانکار از کارفرما «ضمانت پرداخت» می‌گیرد.
- این که شما باید در روندی که می‌روید «تأثیرگذار و سازنده» باشید، یک حکم کلی است.
- همه آدمها توانایی‌هایی دارند. آدم موفق کسی است که بتواند توانایی‌های بالقوه خودش را بالفعل کند.
- امیدوارم که یک روز بشود که بچه‌هایی که دارند از این مملکت می‌روند و آنجا هم دل‌نگران این مملکت هستند، بمانند.
- در بحث «مدیریت پروژه» شناخت فرهنگ، تاریخ و ادبیات خیلی مؤثر است. ممکن است در یک جلسه یک شعر، کلی جو جلسه را عوض کند.



دوست دارم از دانش خودم پول در بیاورم نه از تجارت!



گفتگو با آقای مهندس مهرداد ابراهیمی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۶۹

مدیرعامل شرکت توسعه نیروگاههای دیزلی پارسیان

زمینه فعالیت شرکت:

تأمین نیروگاههای برق دیزلی و گازی

تلفن: ۴۰ - ۲۲۱۸۵۱۳۴

Email: aebrahimi@parsian-diesel.com

سخنان گزیده:

- یکی از اشکالات عمده در کشور ما این است که بسیاری از مهندسان، مدیر هستند اما مدیریت نخوانده‌اند.
- امروزه به نیروی انسانی می‌گویند جسمت را بیرون بگذار و فکرت را وارد شرکت کن.
- به جای این که روی رشته تحصیلی و ... تمرکز کنیم، باید پایه و دانش فنی لازم را داشته باشیم.
- اگر مشتری، دانایی کافی نداشته باشد ما نمی‌توانیم موفق باشیم. مشتری باید از عهده دانش فنی که شما در اختیار آنها قرار می‌دهید بر آید.
- تنها عاملی که در برجسته بودن، تأثیر به‌سزایی دارد این است: «متفاوت باشید». یعنی «صادق» باشید و با موضوعات فنی، عمیق برخورد کنید.
- به جای این که داد بزنید که من خوبم، طوری «رفتار» کنید که دیگران داد بزنند که شما خوب هستید. باید شایستگی را در خودتان ایجاد کنید.
- یکی از نکاتی که بسیار مهم است، حمایت صنایع از پروژه‌ها و تزه‌های کاربردی لیسانس و فوق لیسانس است که در ایران از آن استقبال نمی‌شود.
- مشکل عمده ما این است که در جامعه ما بیشتر در میان نخبگان و مدیران، شایسته‌سالاری وجود ندارد.
- در هر جای دنیا اگر بخواهید کسب و کاری را راه بیندازید به راحتی کارآفرین خواهید شد. اما در اینجا ایجاد یک کسب و کار، خیلی سخت است.
- باید بتوانیم کوچک کار کنیم و به شعاع اطراف خودمان اثر مثبت بگذاریم. بگو با که هستی تا بگویم که هستی!
- همواره به دوستانی که قصد شراکت دارند توصیه می‌کنم که ابتدا ببینید آن فرد یا شریک برای خودش چه کرده است که برای شما بکند؟
- جامعه ما نیاز به الگو دارد. الگویی که از نظر علمی، تحصیلی، کاری و حتی اخلاقی برگزیده باشد.
- ما نتوانسته‌ایم در کار تیمی موفق باشیم. شراکت کاری و زندگی اجتماعی در جایی دچار مشکل می‌شود که همه فقط به خودشان فکر می‌کنند.
- از یک نویسنده خارجی نقل می‌کنم که «به هم رسیدن، آغاز است؛ با هم ماندن شادمانی است و با هم کار کردن، کامیابی است».
- کسی که می‌ترسد اطلاعات بدهد به دلیل این است که اطلاعاتش محدود است.
- انسانهای کارآفرین، انرژی زیادی دارند می‌توانند مدیر باشند و نمی‌ترسند که کسی کمکشان نکند، چون خودشان می‌توانند.
- با وجود مشکلات زیادی که بر سر راه افراد کارآفرین وجود دارد، خسته نمی‌شوند؛ چون از پیشرفت این موضوعات لذت می‌برند.
- حتی اگر در ایران کار تیمی هم انجام می‌شود، این گروه‌ها رهبری می‌شوند و خودجوش نیستند.



برخی افراد از شروع کردن می ترسند. آنها احتمالاً از ناشناخته‌های شکست یا حتی پیروزی می‌هراسند.



آقای مهندس عبدالمهدی اجلالی

دانش‌آموخته مهندسی متالورژی، ورودی ۱۳۴۷

مدیرعامل شرکت ایران ذوب

زمینه فعالیت شرکت:

ریخته‌گری

تلفن: ۰۳۱۱ - ۶۶۲۵۷۵۰

Email: iranzobco@yahoo.com

سخنان گزیده:

- موضوع کارآفرینی در کشور از اهمیت زیادی برخوردار است اما مهم‌تر از آن نگرش به کارآفرینی و آغاز حرکت به سمت کارآفرین شدن است.
- هر کس متناسب با وضعیت و موقعیت خود با موانعی روبه‌روست. موانعی که او را از برداشتن نخستین قدم ضروری باز می‌دارد.
- بعضی معتقدند بدون وجود آمادگی و زمینه‌های لازم باید کاری را آغاز کرد. آنها معتقدند باید چرخ را بار دیگر اختراع کرد.
- اگر شما در زمینه فناوری واقعاً یک نابغه نباشید تلاش برای اختراع مجدد چرخ، هدر دادن وقت است.
- برای بیشتر افرادی که کار و پیشه‌ای را آغاز می‌کنند، موضوع اصلی پاسخ دادن به این است که چه طور می‌توانم کاری را بهتر انجام دهم؟
- کارآفرینان موفق، افرادی هستند که بتوانند نوع نگرش و آغاز حرکت به سمت کارآفرین شدن را خوب تعیین کنند.
- مرور سوابق کارآفرینانه نشان می‌دهد، شکوفا شدن صنعت و گام نهادن در عرصه صنعتگران، مستلزم خلاقیت و نوآوری است.
- سوابق رو به رشد کارآفرینان، بیانگر ایجاد فکر نو، صنعت جدید و مطرح شدن کشور در دنیای کنونی صنعت است.
- کارآفرین بودن و خلاق بودن واقعاً دو روی یک سکه هستند.
- برای گام صحیح برداشتن ابتدا می‌باید شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب را شناسایی کرد و سپس برنامه‌ریزی در جهت رفع آن مشکلات نمود.
- دانشگاه و صنعت می‌باید در جهت استحکام روابط یکدیگر تلاش نمایند و با تعریف پروژه‌های مشترک، مسیر حرکتی یکدیگر را هموارتر سازند.
- حرکت دانشگاه و صنعت به موازات یکدیگر باعث حل مشکلات و ایجاد افکار نو، کارهای جدید و نهایتاً «کارآفرین شدن» می‌شود.





نیاز همه ما در این جامعه، کار سخت، دقیق، مداوم و با وجدان است.



گفتگو با آقای دکتر حسن احمدی کرویچ

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۷

رئیس هیئت مدیره مهندسان مشاور تهران سحاب

زمینه فعالیت شرکت:

سدسازی، آب و فاضلاب، آبیاری و زهکشی، منابع آب و سامان‌دهی رودخانه‌ها

تلفن: ۸۸۸۰۳۹۳۰ و ۸۸۸۰۸۱۴۳

Email: tscetehran@yahoo.com

سخنان گزیده:

- درس دادن خیلی راحت‌تر است و انرژی نمی‌برد. اما کار مهندسی، مسئولیت بیشتری می‌خواهد.
- پدرم همیشه می‌گفت اگر باربر هم باشی سعی کن بهترین باربر شهر باشی. بنابراین در هر شغلی بستگی دارد به چه صورت کار کنی.
- گاهی می‌گویند برای متخصصان ارزش لازم را قائل نمی‌شوند. اما من این‌طوری فکر نمی‌کنم.
- درست کار کردن خیلی زحمت دارد و انواع و اقسام تهاجمات و انتقادات به شما می‌شود، اما باید ماند و کار را پیگیری کرد.
- امروزه متخصصان زیادی وجود دارند که خواهان حمایتند ولی باید خودشان هم توانمند و مصر باشند.
- هر کسی که به صورت انفرادی و اجتماعی «مفید» باشد کارآفرین است.
- عوض این که دهها پروژه داشته باشیم و ندانیم که در آنها چه خبر است بهتر است ۵ تا پروژه داشته باشیم ولی پربازده انجامشان بدهیم.
- اگر مدیر پروژه درون کار و در بحر پروژه نباشد، مهندسانی که در آن کار می‌کنند به آن صورت، بازده ندارند.
- ما متأسفانه نظام جایگزینی نداریم که این درد در صنعت ماست. چرا جوانها یکی از آنها نباشند؟
- نقص ما این است که مؤسساتمان قائم به فردند. در صورتی که در دنیا این‌طوری نیست. ساختار جوری است که کارها را به پیش می‌برد.
- راه و رسم جهانی این است که به افراد معمولی و نرمال نیاز دارند و به افراد شاخص آنچنان نیازی نیست.
- ایرانی‌ها که به کشورهای پیشرفته می‌روند خیلی خوب کار می‌کنند و خیلی پیشرفت می‌کنند. چون درون سازمان قرار می‌گیرند.
- اگر ساختار نداریم یک جور دیگر باید جبران کنیم یعنی این را با کار سخت و مداوم عده‌ای شاخص جبران کنیم.
- شرکا باید تقریباً هماهنگ باشند. یکی که پرکار است باید با آدمهای پرکار شریک بشود و یکی هم که کم‌کار است با آدمهای کم‌کار شریک بشود.
- شرکا باید گذشت و فداکاری داشته باشند. کسی نگوید من زیاد کار کرده‌ام ولی دیگری کم کار کرده است. به هر حال، آدمها با هم تفاوت‌هایی دارند.
- وقتی از پول خبری نیست همه، کار می‌کنند! به محض این که یک کم درآمد حاصل شد فوری تضادها شروع می‌شود!
- فرد موفق کسی است که شرمند اهل و اعیالش و همچنین افراد و کارکنانی که برایش کار می‌کنند نباشد که بدترین چیز این است.

دانش در کنار خلاقیت، کارآفرینی را دوجندان می‌کند.



آقای مهندس فیروز اردشیریان

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۵

رئیس هیئت مدیره شرکت ناموران پژوهش و توسعه

زمینه فعالیت شرکت:

ارائه خدمات مهندسی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

تلفن: ۴۴۷۲۸۴۵۸ و ۴۴۷۲۸۴۷۴ و ۰۹۱۲۳۸۰۴۰۹۵

mail: f.ardeshirian@namvaranpnt.com

سخنان گزیده:

- در جامعه ما ایرانی‌ها یک واقعیتی وجود دارد که در کارهای تیمی نحوه برخورد ذهنیتها با هم، تأثیر منفی بر نتیجه کار می‌گذارد.
- رمز موفقیت ما در این کار تیمی پرهیز از انتقادهای غیرسازنده و تحمل همراه با شکیبایی بود.
- شخص کارآفرین دارای ویژگی‌های خاص خود است و خلاقیت، نتیجه‌گرایی و عجولانه عمل کردن از صفات ذاتی اوست.
- کارآفرین موفق شخصی است که آگاه و دانش‌محور باشد.
- افراد بسیاری را می‌شناسم که بسیار خلاقند اما به خاطر این که دانش آنها کم است موفق نمی‌شوند.
- کارکنان، پس زمینه ذهنی مدیران را می‌خوانند.
- ما اصول کاری را حاکم بر روابط دوستانه گذاردیم و بدین ترتیب روند اجرای کارها در مسیر سالم‌تری قرار گرفت.
- در صورتی که احساسات بر اصول کار غلبه نماید نتیجه خوبی به بار نخواهد آورد.
- ضوابط کار باید به گونه‌ای تدوین شود که حیات کاری تیمی ادامه یابد.
- شخص کارآفرین فردی خلاق، نتیجه‌گرا و عجول است.
- پیش از انقلاب تصور نمی‌کردیم که رشد چشمگیری داشته باشیم و توانمندی فنی را تقریباً دور از دسترس می‌دیدیم.
- بعد از انقلاب به علت خروج خارجی‌ها خلاء بزرگی احساس شد و فضای خلاقیت و کارآفرینی شکوفا شد.
- کارآفرینی موفق خواهد بود که در برقراری ارتباط درازمدت با کارفرمایان به نحو مطلوب عمل نماید و صداقت و شفافیت را در گفتار و کردارش پیشه کند.
- شرکت‌های خصوصی، دانشگاهها و شرکت‌های خارجی می‌توانند متفقاً و با هم مطالعات فنی را انجام بدهند و این کار عملی است.
- مرجعی که رابطه قانونی ارتباط صنعت با دانشگاه را می‌تواند برقرار نماید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است.
- کارشناسان مملکت ما در بخش پایین‌دستی صنعت کار می‌کنند و از فناوری‌های بالادستی صنعت فاصله دارند.
- اگر تلاش کنیم بین دانشگاه و صنعت ارتباط بالادستی را به وجود آوریم دانشگاه و صنعت به سوی دستیابی به فناوری پیشرفته سوق داده می‌شوند.
- با آموزش ثمربخش افراد جوان و ترغیب آنها به تلاش و همت و ایجاد انگیزه برای یادگیری است که می‌توان آنها را در مسیر کارآفرینی هدایت کرد.



کشور ما تشنه توسعه و ارتقای دانش مدیریت است.



گفتگو با آقای مهندس مجتبی اسدی

دانش آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۷۲

مدیرعامل گروه پژوهشی - صنعتی آریانا

زمینه فعالیت سازمان:

آموزش، تحقیقات و مشاوره مدیریت

تلفن: ۸۸۳۴۲۹۰۰

Email: asadi@aryanagroup.com

سخنان گزیده:

- در حال حاضر آموزش مدیریت، بسیار فراگیر شده است و در بین مدیران و کارشناسان نیز به صورت جدی گسترش یافته است.
- تعداد کسانی که با پیشینه مهندسی در رشته‌های مدیریت ادامه تحصیل می‌دهند به شدت افزایش یافته است.
- هم آموزش‌دهنده‌ها و مراکز آموزشی افزایش پیدا کرده‌اند و تخصصی‌تر شده‌اند و هم مسائل ما از سطح آموزشهای عمومی، فراتر رفته است.
- ایده محوری در کنار جهان‌بینی مؤسسان در هر کسب و کاری خواه‌ناخواه مسیر خود را پیدا خواهد کرد
- دانش مدیریت و کسب و کار، منابع مالی، تسهیلات، اخذ مجوزها و ... از موضوعات مهمی هستند که مانع از هدر رفت منابع کارآفرینان می‌شوند.
- پیش از شروع کار، وقت زیادی با شرکا صرف کردیم تا ضمن این که به فهم مشتری می‌رسیم، اطمینان یابیم که چارچوب ارزشی یکسانی داریم.
- حفظ اعتماد بین شرکا از جمله بزرگترین سرمایه‌های هر شراکتی است.
- اگر هر مجموعه‌ای حفظ شود و روی کاری تمرکز کند طبیعی است که مسائلش در بازار را حل می‌کند و راه خودش را پیدا می‌کند.
- کارآفرینان در هر جامعه‌ای موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی آن جامعه هستند.
- کارآفرینان با شناسایی فرصت‌ها و خطرپذیری برای ورود به آن عرصه‌ها می‌توانند خالق آگاهی، ثروت و رفاه برای جامعه باشند.
- جامعه بدون کارآفرینان، تکرار گذشته خود خواهد بود. در دنیای پویای امروز حفظ جایگاه برتر هر کشور، نیازمند اندیشیدن و کارآفرینی مداوم است.
- در هر نقشی که در تعامل با کارآفرینان هستیم باید در جایگاه خود، عهده‌دار مسئولیتها و تعهدمان به توسعه کارآفرینی به معنای واقعی آن باشیم.
- فرهنگ جامعه ما به گونه‌ای است که بسیاری از ما نقشهای خود را درست ایفا نمی‌کنیم و به حقوق و مرزهای خودمان اشراف کامل نداریم.
- هنوز باور عمومی در کارگزاران دولتی مبتنی بر پذیرش واقعی بخش خصوصی نیست و بنگاههای خصوصی، جایگاه رسمی قابل اتکایی ندارند.
- در بسیاری از سازمانهای کشور شاهدیم که کارکنان بعد از تغییر محیط کار خود، به تعهدات خود مبنی بر حفظ اسرار و اطلاعات شرکت پایبند نیستند.
- در بخشهای دولتی هنوز فرهنگ حاکم بر بسیاری از کارگزاران دولتی، پشتیبان کارآفرینی نیست.
- دولتها با برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های درست خود ضربه‌گیرهایی را ایجاد می‌کنند که فشار تغییرات محیطی را کنترل کند.
- خیلی وقتها دولت با تغییر مداوم قوانین و مقررات و دادن امتیازات یا مجوز و یا ... بر شدت این تغییرات اضافه می‌کند.



توسعه باید بر محور صنعت باشد.



گفتگو با آقای مهندس عبدالرحیم افتخاری

دانش آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۴۸

مدیرعامل شرکت لوله‌های دقیق کاوه ایرانیان

زمینه فعالیت شرکت:

تولیدکننده لوله و تیوبهای بدون درز و دقیق فولادی

تلفن: ۲۶۲۱۲۸۱۱ و ۲۶۲۱۳۰۹۷

Email: Abdolrahim@hotmail.com

سخنان گزیده:

- علاوه بر فناوری برای صنعتی شدن مهارتهای دیگر از قبیل اقتصاد، بهینه‌یابی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و ... نیز باید وجود داشته باشد.
- فرق اصلی بین مهندسی صنعتی و مدیریت صنعتی همان پیش‌زمینه مهندسی است. یعنی حس مهندسی داشتن.
- دانشگاه در این چهار- پنج سال شما را حرفه‌ای بار نمی‌آورد. فقط به شما نوعی نگرش می‌دهد. یعنی روش برخورد با مسئله، روش حل مسئله و مدلسازی آن.
- جایگزینی واردات و توسعه صادرات دو سر یک طیفند ولی دلیلی هم ندارد ما همه چیز را خودمان تولید کنیم.
- وقتی شما نیازهای داخل کشور را خودتان تولید می‌کنید، هنگامی که با دنیا وارد تعامل می‌شوید از موضع قدرت وارد می‌شوید نه موضع نیاز.
- کارآفرینی دو جنبه دارد: یک جنبه‌اش سرمایه‌گذاری است که افراد خاصی را می‌طلبد و جنبه دیگری وجه اجرایی و مدیریتی کار است.
- سرمایه‌دار صنعتی به انسانها به عنوان نیروی کار و تولید نگاه می‌کند و تاجر به عنوان بازار مصرف و دغدغه این دو کاملاً متفاوت است.
- سرمایه‌گذار صنعتی واقعاً باعث رشد جامعه می‌شود. اگر می‌خواهیم توسعه پیدا کنیم باید تمام تلاش ما برای حمایت از اینها باشد.
- کارآفرینی حتماً اشتغالزایی می‌کند ولی هر اشتغالزایی لزوماً کارآفرینی نیست. فقط با نگرش فرایندی می‌شود کارآفرینی را توسعه داد.
- در کشور ما سازمانها عموماً وظیفه‌ای هستند یعنی خطوط اقتدار، عمودی است در حالی که در نگرش فرایندی، خطوط اقتدار افقی است.
- در نگرش فرایندی، یک آدم بیش از یک رئیس دارد؛ از طرفی یک رئیس تخصصی دارد و از طرف دیگر با مدیر فرایند روبه‌روست.
- فلسفه وجودی دانشگاه، دادن دید به دانشجویان است.
- اگر ما بخواهیم که رشته صنایع واقعاً مهندسی باشد باید پیش‌زمینه مهندسی و دروس مربوطه در آن بیشتر شود.
- تا زمانی که فکر سامان‌یافته و فرایندی غالب نشود انجام کار گروهی برای افراد، بسیار زحمت دارد و تنها راه هم بحث زیاد و نهادینه کردن فرهنگ آن است.
- ۷۰ سال است که صنعت نفت داریم ولی هنوز برای تأمین سوخت، مشکل داریم. ولی خروجی صنعت خودرو چیزی است که مشکل مردم را حل می‌کند.
- دولت باید شرایطی ایجاد کند که سرمایه‌گذار احساس امنیت کند و حرکت کند و دلال، احساس ناامنی کند تا سرمایه‌اش را به سمت تولید بیاورد.
- برای این که صنعت در دوران تحریم لطمه نبیند، باید در همه جا «کمیته‌های ضد تحریم» تشکیل شود که قوانین قبل از تحریمها را عوض کند.
- مهاجرت نخبگان، خیلی از برداشت نفت به دست بیگانه زیانبارتر است. کاش به جای نخبه‌ها چاههای نفتمان را می‌دزدیدند!
- سرمایه‌گذار صنعتی است که نیاز به نیروی نخبه دارد. تنها راه جلوگیری از خروج نخبه‌ها بال و پر دادن به سرمایه‌گذاران صنعتی است.
- اگر فرهنگ کار آفرینی وجود داشته باشد آن‌گاه به نیروی انسانی ارزش داده می‌شود و وقتی به نیروی انسانی ارزش داده شود دیگر مهاجرت نخبه‌ها را نداریم.
- موفقیت روی هدف تعیین می‌شود. بر اساس این که شما چه هدفی تعیین کرده‌اید، درصد رسیدن به آن می‌شود میزان موفقیت.



همواره تحصیلات آکادمیک را در کنار صنعت می‌پسندم.



گفتگو با آقای دکتر علیرضا الهامی امیری

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ارشد ۱۳۷۶

مدیرعامل شرکت نواندیشان خدمات بهسازی صنایع

زمینه فعالیت شرکت:

افزایش ظرفیت توربینهای گازی، ممیزی انرژی، مشاوره

تلفن: ۳ و ۴۴۶۹۱۳۹۲

Email: elhamiam@yahoo.com

سخنان گزیده:

- اقدامات خطرپذیر، اغلب منجر به معرفی محصول یا ارائه خدماتی به جامعه می‌شود که فرد کارآفرین یا خلاق را به ثروت و شهرت می‌رساند.
- اشخاص کارآفرین، عوامل تغییرند که گاهی موجب پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی نیز شده‌اند.
- کارآفرین، فردی است که تصمیم آگاهانه و هوشمندانه می‌گیرد تا کار جدیدی را آغاز کند.
- کارآفرینی یعنی اشتغالزایی مثبت یعنی کاری که دارای ارزش افزوده و مولد باشد.
- برخی از نشانه‌های یک کارآفرین عبارتند از: شجاعت و جسارت و ریسک‌پذیر و خلاق بودن
- یک روز بود که ما به دنبال کار و پروژه بودیم و امروز کار به دنبال ماست.
- کارآفرینی و استفاده از منابع انسانی، به عنوان یک پدیده نوین در اقتصاد، نقش مؤثری را در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها و اشتغالزایی ایفا نموده است.
- امروزه کارآفرینی در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار، دارای نقش کلیدی است. در یک اقتصاد پویا، ایده‌ها، محصولات و خدمات همواره در حال تغییرند.
- کارآفرین الگویی برای مقابله و سازگاری با شرایط جدید و در نتیجه اشتغالزایی را به ارمغان می‌آورد.
- یکی از اهداف یک کارآفرین، تولید ثروت و در یک پله بالاتر، می‌تواند تولید علم و گسترش مرزهای دانش باشد.
- کارآفرینی غلبه حرکت بر سکون و یا غلبه روشنی بر تاریکی‌هاست.
- چنانچه کارآفرین به هدف خود برسد، رسالت خود در قبال جامعه را خود به خود انجام داده است.
- ایجاد فضای رشد و تبلیغات و استفاده از محصول و خدماتی که یک کارآفرین ارائه می‌دهد، می‌تواند بهترین تکریم و مشوق یک کارآفرین باشد.
- کارآفرینان جزو معدود کسانی از افراد جامعه هستند که عمدتاً با سرمایه کم و دست خالی اقدام به ایجاد یک حرفه جدید ریسک‌پذیر نموده‌اند.
- حاکمیت با ایجاد بسترهای مناسب و با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مالی و معنوی و به موقع خود در دوران شکل‌گیری شرکت، کارآفرین را یاری نمایند.
- ایجاد فضای مناسب و رفع تنگناهای همکاری با شرکتهای خارجی به دلایل تحریم از اقدامات مناسبی است که نهادهای حاکمیتی می‌توانند انجام دهند.
- عشق و علاقه فردی که اقدام به کارآفرینی می‌کند، نباید در نطفه خفه شود.
- سازمانهای دولتی و غیر دولتی باید به ایده‌های فرد خلاق، گوش فرا دهند و آنها را در پیشبرد ایده‌های خلاقانه یاری دهند.
- باید در جمع نخبگان، مخترعان و کاشفان به دنبال کارآفرینان گشت.
- یک کارآفرین برتر، هیچ موقع از بازار مصرف غافل نیست و همواره برای حفظ برتری و رقابت‌پذیری خود باید نیازها را شناسایی کند.
- روشهایی که یک کارآفرین برای کارآفرینی اتخاذ کند، باید مشتری‌مدار باشد. پس یک کارآفرین برتر، باید همواره در جمع مصرف‌کنندگان نیز دیده شود.



کارآفرینی فرایندی است که در آن فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق خودش فرصتهای جدید را شناسایی می‌کند و منابع را بسیج می‌کند.



گفتگو با آقای مهندس آریا امامیان

دانش‌آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۵۴

مدیرعامل شرکت ایمن راه سارو

زمینه فعالیت شرکت:

تأمین، تولید و نصب حفاظهای کابلی کنار جاده‌ای

تلفن: ۸۸۸۸۳۵۳۶ و ۸۸۸۸۰۶۳۹

Email: saro_safety@yahoo.com

سخنان گزیده:

- کارآفرینان موتور محرک یک جامعه هستند و کارهای جدیدی می‌کنند یا کارهای قبلی را توسعه می‌دهند می‌توانند کارهای شگفت‌انگیزی بکنند.
- هر کارآفرین یک سری ویژگی‌هایی باید داشته باشد که مهم‌ترین آنها داشتن خلاقیت و نوآوری، قدرت ریسک‌پذیری و اعتماد به نفس است.
- کارآفرین کسی است که از شکست‌ها نترسد و شکست را مقدمه پیروزی بداند و برگردد تا ببیند کجای کارش اشتباه بوده و دوباره از اول تلاش کند.
- ارائه کالاهای نو و ایجاد بازار جدید برای یک محصول هم کارآفرینی است و تأمین منابع جدیدی و یا ایجاد تشکیلات جدید، همه کارآفرینی هستند.
- کارآفرینی یک طیف است و یک نقطه نیست که ما بگوییم که تا این نقطه می‌شود کارآفرین و از این نقطه به بعد فرد، دیگر کارآفرین نیست.
- در مقابل فناوری‌های نو مقاومت هست و ابتدای کار هم همه آن هزینه است و کسب درآمد از آنها مشکل است.
- این فکر که در هر سال تعدادی در حوادث جاده‌ای بر اثر کاری که ما انجام داده‌ایم نجات پیدا می‌کنند یک حس شفعی به من دست می‌دهد.
- کمترین کاری که یک کارآفرین می‌تواند برای جامعه انجام دهد ایجاد اشتغال است. پس جزو وظایف حکومت است که به کارآفرین کمک کند.
- ایجاد اشتغال برای یک نفر هزینه ۳۰ تا ۵۰ میلیونی دارد. دولت‌ها باید بتوانند کارآفرینهای واقعی را شناسایی کنند.
- از آدمهای تحقیر شده و افسرده کارهای بزرگ برنمی‌آید و اگر جامعه به سمتی پیش برود که جوان جامعه افسرده بشود آن جامعه محکوم به فناست.
- جامعه‌ای می‌تواند رشد کند که جوانش با نشاط و امیدوار باشد و این بزرگترین وظیفه هر حکومت است که جامعه جوان کشور را حفظ کند.
- این وجه اشتغالی از کارآفرینی به آن دلیل در جامعه ما پررنگ است که معضل اصلی جامعه ما به‌ویژه برای جوانها اشتغال است.
- من لیسانسی را که مسافرکشی می‌کند دیده‌ام یا کارگری را که از ترس این که اخراج نشود لیسانسش را مخفی می‌کند!
- وقتی یک نفر به عنوان کارآفرین شناخته می‌شود و او تکریم می‌شود از مالیاتش کم کنند یا از بهره وامی که گرفته است کم کنند.
- شاید یکی از نقاط اساسی ضعف مدیریت جامعه ما مشکل شخص‌محوری باشد. در کشورهای صنعتی و پیشرفته، سازمان جامعه را هدایت نمی‌کند.
- مدیریت ما به جای ساختارمحور، شخص‌محور هست، یکی می‌گوید دلیلی برایت می‌آورم که قانع بشوی! آن یکی می‌گوید: بگو تا رد کنم!
- ۷۰ درصد مدیران ما فکر می‌کنند که ساختار، دست و پای آنها را می‌بندد! ۳۰ درصد دیگر هم می‌گویند این به عنوان یک کالای تزئینی است!



باید همه شرکتها آموزش ببینند که چطور از پتانسیل نیروی جوان استفاده کنند.



آقای مهندس شاهرخ امیرابراهیمی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۳

مدیرعامل شرکت سیمان سازان

زمینه فعالیت شرکت:

ساخت و نصب تجهیزات فلزی خط تولید صنایع مختلف، پیمانکاری عمومی پروژهها، EPC

تلفن: ۸۸۷۶۵۲۷۷ و ۳-۸۸۷۴۸۴۱۱

Email: cimansazan@cimansazan.ir

سخنان گزیده:

- پشتکار، عامل اصلی تداوم و گسترش کار ماست.
- بزرگترین نگرانی در حال حاضر، افزایش بی‌رویه حقوق کارکنان و بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه است.
- ما در طول پروژهها، علاوه بر این که مسائل خودمان را حل می‌کنیم، نیروهای بومی را نیز آموزش می‌دهیم.
- در کشور ما زمانی که اختصاص بودجه به پروژهها یا همراهی بانکها با پروژهها در جریان است، پروژه به خوبی انجام می‌گیرد.
- هر تن ظرفیت سالیانه کارخانه ۱۳۰ دلار سرمایه‌گذاری لازم دارد، ولی هر یک تن سیمان حدود ۱۰۰۰ دلار هزینه در بر می‌گیرد تا مصرف شود.
- هم برای تولید و هم برای مصرف باید سرمایه‌گذاری شود.
- دانشجوها باید شیوه برخورد با صنایع را بیاموزند، پس در کل نیازمندیم تا یک فرهنگ‌سازی اصولی صورت گیرد.
- دانشگاه باید صنعت را ترغیب کند و امکاناتی را به وجود آورد تا صنعت جذب آن شود.
- فردی که دانشجویست دیدگاهش تئوری است. او دیدگاه صنعتی ندارد و نمی‌تواند مسائل مربوط به صنعت را حل کند.
- کارهای بزرگ تحقیقاتی را می‌توان در دانشگاه انجام داد، اما اگر بخواهید آن را صنعتی کنید باید با شرکتهای بیرون در ارتباط باشید.
- شرکتهای قوی‌تر از خودمان را دیدیم که ورشکست شدند. یکی از دلایل آن تشتت آرا در آنها بود.
- تشتت آرا و انتظارات بی‌موردی که از دولت برای حمایت وجود دارد، باعث ورشکستگی شرکتهای زیادی در سالهای اخیر شده است.
- اقتصاد برای افرادی مانند ما، در ردیف دوم است و کیفیت کار و درست انجام دادن آن در اولویت اول.
- همیشه باید به مسائل مالی هم توجه داشته باشیم.
- اگر در شرکتها، رشد مغز (مدیریت) نسبت به اندام (بدنه سازمان) متناسب باشد، شرکت می‌تواند به درستی فعالیت کند.
- با این باور اشتباه که توان ما نامحدود است، چند سال پیش ۱۸ پروژه دریافت کردیم که نتیجه آن مشکلات مالی و به خصوص بحران مدیریتی در شرکت بود.
- کارآفرینان نباید بلندپروازی کنند، بلکه توصیه این است که یک مسیر تخصصی پیدا کنند و آن را رشد دهند و در زمینه‌های مختلف کار انجام ندهند.
- کارآفرینان باید توانایی رویارویی با همه سازمانها اعم از دولتی و غیردولتی را داشته باشند.
- اگر فرهنگ صنعتی شدن در کشور رشد کند، جایگاه ما در دنیا از مصرف‌کننده به تولیدکننده تغییر می‌کند.



باید بپذیریم که در نبود قانون کپی‌رایت، دزدی آزاد است!



گفتگو با آقای مهندس فرشید امیری

دانش‌آموخته دو رشته مهندسی مکانیک و برق، ورودی ۱۳۷۷

مدیرعامل شرکت نگین فناوری شریف

زمینه فعالیت شرکت:

تحقیق، طراحی و تولید سامانه AMT کلاچ دستی خودکار شده و زیرمجموعه‌های آن

تلفن: ۶۶۰۶۴۶۰۶

Email: farshid_amiry@yahoo.com

سخنان گزیده:

- اگر نگویی سود، فقط مال من است و بقیه را هم در این سودت و در این دانش فنی شریک بدانی، می‌توانی از استعدادهای همه استفاده کنی.
- هر کس بخواهد برای خودش کار کند ولی طرح تجاری طراحی نکند و آن را به روز نکند، نمی‌تواند بگوید که موفقیت خاصی به دست آورده‌ام.
- بهترین راه پیدا کردن آدم‌های کاری، این نیست که معدل آنها را نگاه کنید. باید ببینید که چه کسی کار بیشتری انجام داده و زجر بیشتری کشیده است.
- از کره‌ای‌ها درس خوبی گرفتم: می‌گفتند که بهتر از همه باش و قیمت کمتر از همه تا چاره‌ای نداشته باشند جز این که از شما بگیرند.
- در درجه اول آدم‌هایی که حس می‌کنند که نباید در جو جامعه غرق شوند کارآفرینند. دوم این که تلاش، مهم‌ترین ویژگی زندگی‌شان است.
- به نظر من ویژگی بارزی که به آنها می‌گفتند کارآفرین این است که حتماً یک ایده خیلی بزرگی در سرشان بوده است که اجرایش کرده‌اند.
- کارآفرینان به خود «کار» خیلی ارزش قائل می‌شدند. پشتکار زیادی هم داشته‌اند و تا به هدفشان هم نمی‌رسیده‌اند، کارشان را رها نمی‌کرده‌اند.
- شما می‌خواهید مثلاً یک وام بگیرید. این فرایند گاهی یک سال طول می‌کشد که طرف طرحش را داده و دیگر این وام به دردش نمی‌خورد.
- در نزد سیاستمداران کلان شاید خیلی از مسائل جا افتاده است ولی به سطح پایین‌تر که اجرایی است می‌رسد، اصلاً این جور نیست.
- ما نسبت به مدیریت عقب هستیم، یعنی آن فناوری که ما توسعه می‌دهیم، به دست مدیریت ضعیف ما از بین می‌رود. مخصوصاً نزد جوانها.
- اگر مدیرعامل شخصاً از پروژه ما حمایت نمی‌کرد نمی‌توانستیم از پس مدیرهایی که فنی نبودند و کار را با تأخیر انجام می‌دادند بر بیاییم.
- وقتی به شخصی سلام کنی، با او ارتباط داری. ارتباط که با پروژه شروع نمی‌شود. اصلاً صنعتی‌ها و دانشگاهی‌ها نمی‌توانند با هم حرف بزنند!
- الان استاد دانشگاه یک نامه می‌نویسد: «لطفاً اگر پروژه‌ای دارید، به ما اعلام کنید!» آنها هم اینها را رسماً سر کار می‌گذارند!
- حداکثر یک کارخانه برای این که از شر سازمان صنایع راحت شود، دو تا پروژه صنعتی هم به دانشگاه می‌دهند و استاد هم آبکی انجام می‌دهد.
- فرد دانشگاهی ما تا وارد صنعت نشود و تا «نبیند» نمی‌تواند اظهار نظر کند.
- در کارخانه گفتند تویی که یک دستگاه خراب را درستش کرده‌ای حتماً می‌توانی همان را «بسازی».
- همیشه ارتباط صنعت و دانشگاه این نیست که استادها بروند. دانشجویها هم جزو دانشگاه هستند می‌توانند بروند و از صنایع بازدید کنند.
- وقتی یک ایده ارزشمندی مطرح می‌شود مشابه آن راه را خیلی‌ها می‌توانند بروند. ولی مهم اینجاست که چه کسی سریع‌تر از بقیه عمل می‌کند.
- باید قبل از این که کپی بکنند خودمان طرح را به آنها با یک قیمتی بفروشیم که اگر بخواهد کپی کند برایش گران‌تر تمام شود.
- دنبال این نبودم که خیلی از من حمایت کنند. همیشه سعی می‌کردم راهم را خودم بروم.
- اگر من با آدم با اعتبارتر از خودم کار کنم مطمئناً به پول نیاز ندارم. حتی می‌توانم جنسم را بفروشم و بعد از فروش آن پولش را بدهم.
- «اعتبار» حرف اول را می‌زند و اینها همه در گرو این هستند که این گونه شرکتها یک جوری حمایت شوند که الآن هم هیچ قانونی برایشان نیست.
- آدم موفق کسی است که به آن چیزی که برای خودش در زندگی طراحی کرده بود رسیده باشد.
- در دانشگاه خصوصاً فقط برای دانشگاه شریف می‌گویم که فن «زندگی در اجتماع» را به ما یاد نداده‌اند!
- استادان دانشگاه وقتی دارند به بچه‌ها درس می‌دهند باید دقت ویژه داشته باشند، چون دارند مدیران ارشد و بزرگان آینده کشور را تربیت می‌کنند.
- باید کارهای عملی در دانشگاه زیاد شود تا ترس بچه‌ها ریخته شود که وقتی ما بیرون می‌رویم، جرئت کنیم که پروژه‌های بزرگ انجام دهیم.



کارآفرینی، ارتقای راههای موجود است.



گفتگو با آقای مهندس شایان امینی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ارشد ۸۵

مدیرعامل شرکت مپتوسا

زمینه فعالیت شرکت:

مجری پروژه‌های قطعه‌سازی، قالب‌سازی و تولید

تلفن: ۰۲۱۸۹۳۹۳۲ و ۰۹۱۲۲۰۱۲۳۰۱

Email: shayan.amini@gmail.com

سخنان گزیده:

- حتی با وجود محدودیتها، رقابت با شرکتهای خارجی برای ما امکان‌پذیر شده است. باید مزایایی به شرکتهای بزرگ بدهند تا بتوانند با شرکتهای نوپا همکاری کنند.
- چون ایران، یک کشور در حال توسعه است، در زمینه‌های زیادی فضای کاری پویایی وجود دارد.
- بسیاری از روشهای نوین بازاریابی، مفید هستند، به شرطی که درست اجرا شوند و شخص ارائه‌دهنده باید اطلاعات و تجربه لازم را نیز داشته باشد.
- در ابتدای کار، نیاز به دادن وام برای کارآفرینان نیست، بلکه باید با توجه به توانمندی شرکتهای نوپا، پروژه‌ای را به آنها برای اجرا بدهند.
- باید فضاهای تبلیغاتی مناسب ایجاد شود تا شرکتهای بتوانند یکدیگر را بشناسند، ارتباطات برقرار شود و به این ترتیب، هزینه تبلیغات نیز کاهش یابد.
- بهترین بازاریابی، نوع دهان به دهان است که در همه جا عمل می‌شود و چون در ایران، اعتماد کم است، درصد بالایی از بازاریابی به این روش است.
- چینی‌ها، روشهای ساخت و تولید را به خوبی می‌دانند، اما تجربه کرده‌اند که چه محصولاتی را با چه قیمتی در ایران می‌توانند به خوبی به فروش برسانند.
- کارآفرین باید در زمینه کاری‌اش تسلط داشته باشد و بتواند کارش را به صورت مستقل و با توانمندی خود در به‌کارگیری تخصص خود و دیگران، مدیریت کند.
- کارآفرین باید در این راه صبور باشد. زیرا در بسیاری از مواقع، امکان به وجود آمدن مشکلات در مسیرهای مختلف وجود دارد که کار را عقب می‌اندازد.
- کارآفرین می‌باید قادر به برقراری ارتباط قوی باشد تا توانایی‌های خودش را به دیگران ثابت کند و این ارتباط را حفظ کند.
- برای کارآفرینی، هوش متوسط مورد نیاز است، ولی نیاز به نابغه بودن نیست و لزومی به تجربه شاگردی در هر رشته هم نیست.
- همه کارآفرینان در ایران و در دنیا، برترینهای رشته‌های تحصیلی‌شان نبوده‌اند. کارآفرین باید هوش اجتماعی‌اش را به مرور و با کسب تجربه، تقویت کند.
- کارآفرینی یعنی این که شکافی را در صنعت شناسایی کرده، آن را پر کنیم و این ایده را توسعه تجاری دهیم.
- سرمایه‌گذاری کردن برای انجام یک کار تکراری، کارآفرینی نیست، بلکه تولید کار و اشتغالزایی است.
- مشکل ما ایرانی‌ها در عدم موفقیت در کار گروهی، ایراد گرفتن بیش از حد از یکدیگر است و عیب‌جویی‌های ما بیشتر از دیدن نقاط قوت است.
- چین با استفاده از این کار گروهی پروژه را در کمترین زمان انجام می‌دهد و در این گروه‌ها هر شخصی تنها روی قسمت خاصی تمرکز می‌کند.
- ضعف در کار گروهی و عدم همکاری مدیر و کارکنان سبب جدایی کارکنان و تمایل به انجام کاری با سطح پایین‌تر، ولی مستقل می‌شود.
- فارغ‌التحصیلان، به خصوص افرادی که در پستهای مدیریتی فعالیت می‌کنند، می‌توانند در برقراری ارتباط صنعت با دانشگاه پیشگام باشند.
- متأسفانه مسئله توان نگارش و ارائه، توانمندی مهمی در دوره دانشگاه محسوب نمی‌شود و بیشتر تمرکز روی مسائل فنی و تخصصی است.
- آموزش نگارش باید کم‌کم و به طرز عملی و در محیطی جذاب و نه به صورت اجبار برای تهیه گزارش، صورت بگیرد تا برای همه دلبپذیر باشد.
- ما توانایی صادرات خدمات و رقابت با کشورهای اروپایی را داریم. ایران می‌تواند جایگزین چین در صنعت جهانی بشود.



برای فارغ التحصیل هر رشته‌ای لازم است که تواند یک پروژه را کنترل و زمان‌بندی کند.



گفتگو با آقای مهندس منصور انصافی

دانش آموخته مهندسی عمران، ورودی ۱۳۵۳

مدیرعامل شرکت صنایع سنگین اسپیدز

زمینه فعالیت شرکت:

تولید اسکلت‌های فلزی

تلفن: ۴ - ۸۸۷۸۸۳۷۱

Email: mansour_ensafi@yahoo.com

سخنان گزیده:

- آدم بدون کار اجرایی، احساس درستی از رشته‌اش ندارد و در اجراست که مسائلی را یاد می‌گیرد که شاید خیلی مهم‌تر از آن چیزهایی باشد که آموخته است.
- شراکت نکات خیلی ظریفی دارد. دوستی لازم هست ولی کافی نیست. اگر آن دوستی و اعتماد بین شرکا حاصل بشود مشکلات، حل و شرکت موفق می‌شود.
- برای رشد شرکت، وجود شریک لازم است. اگر بتواند بین دوستان خودش شریکی پیدا کند به احتمال خیلی زیاد موفق خواهد شد.
- در شراکت هیچ‌کس نباید زیاده‌خواهی کند و گذشت هم لازم است، چون اگر قرار باشد روی جزئی‌ترین مسائل پافشاری بشود دائماً به مشکل بر خواهند خورد.
- این که فرد بتواند خودش را متقاعد کند که همواره با شرکا در ارتباط باشد و حرف آنها را بشنود خیلی مهم است.
- در روز اولی که تقسیم سهم انجام می‌دهند باید نسبت به مسئولیت‌پذیری افراد، تقسیم سهم بشود و وقتی تقسیم‌بندی انجام شد باید آن را بپذیرند و عمل کنند.
- تلاش و روابط عمومی خیلی مهم است و وقتی یک کاری را گرفتی باید به درستی و با کیفیت بالا کار را انجام بدهی.
- هیچ کارآفرینی به دنبال ایجاد اشتغالزایی نیست. او به دنبال اهداف اقتصادی خودش می‌رود ولی وقتی کارش را توسعه می‌دهد این با اشتغالزایی مترادف است.
- دولت باید بسترها و فضا را آماده کند، در غیر این صورت اگر بخواهد یک سری امتیازات خاص بدهد، در طولانی‌مدت، اثرات منفی خواهد داشت.
- هر کسی باید سعی کند در کاری که انجام می‌دهد بهترین باشد. اگر بهترین شدی آدم موفق هستی و باید به نهایت موفقیت هر چه بیشتر نزدیک شد.
- شما وقتی می‌خواهید جذب کنید متأسفانه آدمی را که مد نظر دارید پیدا نمی‌کنید! یعنی صرفاً نیروی انسانی بدون تخصص به درد نمی‌خورد.
- اگر شما بخواهی نیروها را نگه داری ضرر می‌کنی و اگر نگه نداری به این فکر می‌افتی که بعداً دچار مشکل خواهی شد.
- یکی از دانشجویان رشته عمران شریف یک دوره ۶ ماهه همکار ما بود و می‌گفت که کار یک تکنسین را به من داده‌اید! ولی به هر حال، مراتب را باید طی کرد.
- فضای درس و دانشگاه با فضای واقعیت‌های شغلی و کاری خیلی تفاوت دارد. اگر بخواهند در کارشان هم بهترین باشند باید از صفر شروع کنند.
- کارگاه‌های ما در شهرستان‌هاست و دانشجویان قبول نمی‌کردند که برای کارآموزی به آنجا بروند و می‌گفتند که فعلاً این کاغذ را امضا کنید، ما حتماً بر می‌گردیم!
- چقدر خوب است که در مسائل تحقیقاتی بتوانیم از تیم‌های تحقیقاتی کمک بگیریم، مثلاً در مورد بتن الان به بتن‌هایی با مقاومت بالا دست پیدا کرده‌اند.
- خیلی دوست داشتیم که با این امکاناتی که در اختیار داریم چند تا دانشجو می‌آمدند و مثلاً بتنی را بسازند که ما به کارفرما پیشنهاد بدهیم تا از این استفاده کند.
- ما موارد متعددی داشته‌ایم که به اینجا آمده‌اند و رشد کرده‌اند و حدود ۳۰ درصدشان مهاجرت کرده‌اند. ما هم هیچ کاری نمی‌توانست‌ایم بکنیم.
- کار در ایران یک محدودیتی دارد که جوانها فکر می‌کنند که در آن طرف بهتر می‌توانند رشد کنند. نباید مانع رفتن آنها بشویم.
- فرهنگ مستندسازی در ایران ضعیف است که این تقصیر مدیریت و سازمان است که اصلاً باید شرایطی ایجاد بشود که بدون مستندسازی کاری پیشرفت نکند.
- نمی‌شود از کسی انتظار داشت که به صورت فردی بیايد و مستندسازی بکند. در جایی که این مسئله اصلاً اهمیت ندارد این روش باید از بالا ایجاد بشود.



شراکتها و همکاری‌های راهبردی در آینده بیشتر مورد نیاز کشور است.



گفتگو با آقای مهندس احد بدیعی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۲

مدیرعامل شرکت کلر پارس

زمینه فعالیت شرکت:

تولید کلر و مشتقات آن برای تصفیه آب و فاضلاب

تلفن: ۱۲-۶۳۰۰۶۰۹-۴۱۱

Email: ahad_badiee@yahoo.com

سخنان گزیده:

- هرچند روند بهبود، آرام است استقرارش مهم است و این که این روند همیشه ادامه پیدا کند.
- ادامه فعالیت یک واحد تولیدی بدون توسعه و بدون اجرای پروژه‌های جدید و محصولات جدید و بازارهای جدید، امکان‌پذیر نیست.
- وجود منابع نفتی ما را از کار، بی‌نیاز و تنبل کرده است و فرهنگ کاری موجود کشور ما نتیجه آن است.
- در کشور ما خود مسئولان دولتی هم ادعا دارند که اگر برنامه‌ریزی راهبردی داشتیم ما باید الان ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی داشتیم.
- موفقیت بخش خصوصی شاید واقعاً بخش عمده‌اش در بخش رانت و این جور چیزها بوده تا در بخش کارآفرینی!
- هدفمند کردن یارانه‌ها یک بحث جالب می‌تواند باشد که همیشه و همه منتقدان در نحوه اجرایش مشکل دارند و نگران بد اجرا کردنش هستند.
- فرهنگ تنبلی و بیکاری و کم‌کاری واقعاً ایجاد شده است که غیرقابل انکار است و زمان طولانی هم طول می‌کشد تا این اصلاح بشود.
- افراد و شرکتها و کشور در تعامل با همدیگر رشد و پیشرفت می‌کنند و بهره‌وری با خلاقیت است که ایجاد می‌شود.
- در هر کاری افرادی که در کارشان واقعاً پشتکار زیاد و استقامت داشته‌اند و از مشکلات نترسیده‌اند موفق بوده‌اند.
- مدیریت کارآفرین تعریفش این است که از طریق کار کردن با دیگران بتواند افراد را جمع کند و تیم درست کند و آنها را هدایت کند.
- خدا هر انسانی را طوری آفریده و قدرت خلاقیت و توان خیلی بالایی داده است منتها خود انسان از قدرتش بی‌خبر است.
- اگر بشود در جمع و در شرکت تلاش کنیم و کارکنان را با توانایی‌هایشان آشنا کنیم، یک حرکت کارآفرینانه کرده‌ایم.
- با هماهنگی‌ها، صمیمیتها و همکاری‌های تیمی، فرد به نتایجی دست پیدا می‌کند که اصلاً برایش قابل تصور نبوده است.
- وقتی هدفی را تعیین می‌کنیم ابتدا برای تحقق آن برنامه‌ریزی انجام می‌دهیم. البته رسیدن به این هدف قطعاً زحمت زیادی طلب می‌کند.
- در مرحله اول خود کارکنان هستند که باید بتوانند با فراغت ذهنی و فکری از مشکلات زندگی آرام باشند و از همه نظر باید تأمین باشند.
- اگر در یک سازمان به اهدافمان برسیم و بتوانیم رضایت ذی‌نفعان را کسب بکنیم، شاید بشود گفت که به درجه‌ای از موفقیت رسیده‌ایم.
- نقش مدیر بیشتر آن است که بتواند فضای امنیت شغلی و فضای صمیمیت را برای کار گروهی و کسب موفقیت ایجاد کند.
- نیروهایی که یک مقدار باسوادند و می‌توانند معمولاً اینها علاقه‌مندند و تلاش دارند و طبیعتاً درآمد بیشتری هم کسب می‌کنند.
- اگر حاکمیت ما از تصدی‌گری به بحث نظارت برسد که همه جای دنیا هم همین‌طور بوده است، روند کارآفرینی تقویت می‌شود.



تجارت در نهایت، باید به سود خوبی منتج شود.



گفتگو با آقای دکتر میثم منسوب بصیری

دانش‌آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۷۶

مدیرعامل شرکت مهندسی سگال پردازش

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و ساخت تجهیزات الکترونیکی و مخابراتی در حوزه فناوری‌های نوین

تلفن: ۴۴۰۰۴۵۳۹ و ۴۴۰۰۸۵۷۹

Email: m.bassiri@segaltech.com

سخنان گزیده:

- با این که جوان بودیم ولی چون در هیئت مؤسس، چند نفر از مدیران باسابقه حضور داشتند پروژه‌های زیادی گرفتیم.
- شرکت، ترکیبی از مدیران باسابقه و نیروی کار جوان و پویا بود. به همین دلیل به راحتی شروع به رشد نمود.
- بزرگترین لطمه‌ای که در این چند سال به ما وارد شده است مهاجرت افراد به خارج از کشور است. بیش از ۶۰ درصد نیروهای مفیدمان از کشور خارج شده‌اند.
- ما تلاش کرده‌ایم به کمک ابزارهایی همچون مستندسازی و تحلیل این مستندات و ... ضرر مهاجرت نیروهای خود را به خارج از کشور کاهش دهیم.
- تمامی دانشی را که در ذهن یک نفر ایجاد می‌شود نمی‌توان روی کاغذ آورد چون چندین برابر این دانش در ذهن فرد است.
- چون شرکت ما شرکتی کاملاً دانش‌بنیان است، مهم‌ترین سرمایه‌اش نیروی انسانی آن است.
- اخذ گواهینامه‌ها و ثبت آنها بسیار سودمند هستند، چون به کمک آنها می‌توانیم از کمک صندوقهای حمایتی پژوهشی دانشگاهها کمکهای مالی جذب کنیم.
- مدیر یک سازمان قرارداد می‌بندد اما مدیر بعدی که می‌آید می‌گوید که اصلاً نیازی به این کار نبوده و بودجه را قطع می‌کند!
- از دیگر اشکالات، طولانی شدن زمان پول دادن سازمانهاست. برخلاف این که کار جلوتر از برنامه است، برخی اوقات بودجه را متناسب با پیشرفت کار نمی‌دهند.
- اگر من در جایگاه مدیران و مسئولان پژوهشی کشور بودم تمام تلاشم را در جهت بهبود کارهای دانش‌بنیان به کار می‌بستم.
- برخی طرحها به علت مشکلات مدیریتی مثل ناپایداری مدیریتها، تغییر سیاستها یا تغییر مدیریتها، کسری بودجه و ... به نتیجه مورد نظر نرسید.
- مهم‌ترین مشکلاتی که شرکتها دانش‌بنیان با آن مواجهند، این است که حمایت مالی، بسیار ضعیف است. یعنی حمایتها فقط لفظی است.
- سازمانهای دولتی در اغلب موارد اعتقادی به ساخت در داخل ندارند یا اصلاً متوجه نمی‌شوند که کار شما چیست و چه فایده‌ای دارد؟! عدم آینده‌نگری برخی از مدیران سبب می‌شود که تنها به رفع نیاز در زمان حال بیندیشند و قدرت پیش‌بینی و تحلیل آینده را نداشته باشند.
- یک پژوهشگر از خود سرمایه‌ای ندارد و کسی را برای حمایت ندارد؛ چرا که اگر خودش سرمایه داشت که اصلاً برای حمایت به شما مراجعه نمی‌کرد!
- ما احتیاج به مدیرانی داریم که مدیریت فناوری خوانده باشند یا در بخش پژوهش، مدیریت پژوهش خوانده باشند تا حداقل با روشهای رشد فناوری آشنا شوند.
- در دنیا ۳ رشته برتر، اقتصاد، مالی و MBA است و همان‌طور که مستحضرید برای درخواست ادامه تحصیل در این رشته‌ها باید تلاش زیادی کنید.
- مدیریت در ایران کاملاً سنتی است و اصلاً به عنوان یک علم پذیرفته نشده است و به نوعی است که یک نفر همیشه بقیه را هل می‌دهد یعنی مدیریت میدانی.
- الان در دنیا مدیریت را کنار گذاشته‌اند چون به تنهایی کافی نیست و بحثی که مطرح است بحث رهبری (leadership) است.
- رهبری یعنی به نحوی مدیریت کنی که تمامی زیردستان با هم و با هدفی که شما تعیین می‌کنید همسو شوند، بدون هیچ‌گونه استفاده از زور و بخشنامه و ...



«بازاریابی با چشم باز» بیش از هر چیزی اهمیت دارد.



گفتگو با آقای مهندس علیرضا بلوری افشار

دانش آموخته مهندسی شیمی، ورودی ۱۳۷۷

رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی فرایند و انرژی فران

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی، تأمین تجهیزات، ساخت و نصب تأسیسات صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهی، تصفیه‌خانه آب و فاضلاب صنعتی و آب شیرین کن

تلفن: ۷ - ۸۸۶۵۶۶۲۶

Email: afshar@faran-co.com

سخنان گزیده:

- متأسفانه شرکتهای بزرگ یک حالت تمامیت‌خواهی دارند و مدیریتشان کاملاً سنتی است.
- ساده‌ترین راه، جستجو در اینترنت است. حتی اگر کاتالوگ سازنده روی میز کارتان باشد!
- نزدیک به یک سال هیچ حقوقی که از شرکت برداشت نکردیم بماند، هر کدامان هزینه هم می‌کردیم.
- در پیشنهاد فنی که در مناقصه اول دادیم واقعاً سنگ تمام گذاشتیم. پیشنهاد فنی‌مان به حدی کامل‌تر از بقیه بود که مناقصه رفت روی هوا!
- توانستیم ثابت کنیم که شرکت تازه تأسیس هم می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد.
- هر جا بگویند اولین عامل پیشرفت شما چه بوده، روش تبلیغات الکترونیکی را مهمترین عامل می‌دانم که کم‌هزینه‌ترین و پرمخاطب‌ترین روش است.
- در یک بازه زمانی دو ماهه که اسناد مناقصه آمده بود طوری برای این پروژه وقت گذاشتیم که هنر خودمان را در تمام دوران به نمایش گذاشتیم.
- رقبای قوی و سرسختی داشتیم. ولی به هر حال با توجه به کیفیت پیشنهاد فنی که ارائه داده بودیم با فاصله خیلی زیادی از نفر دوم پروژه را گرفتیم.
- من یا سایر دوستان، دنبال یک زندگی عادی نبودیم. عده‌ای روحیه جنگنده دارند و قانع نیستند. البته قانع بودن نه به مفهوم بد کلمه!
- خیلی‌ها این زندگی بدون دغدغه را ترجیح می‌دهند. فقط همین که حداقلها را داشته باشند بایشان کافی است.
- این که صبح از خواب بیدار می‌شوی و باید به ۱۰ تا ۲۰ نفر حقوق بدهی، منجر می‌شود که بیشتر تلاش کنی!
- شاید برایتان باورکردنی نباشد که نیازمند باشید بعدازظهرها بروید و تدریس بکنید و درآمد حاصل را در شرکت تزریق کنید تا چراغ شرکتتان روشن بماند.
- شاید الآن گفتنش بد نباشد که وقتی نیاز به پول دارید لازم باشد با بهترین تحصیلات دانشگاهی بروید و در تاکسی تلفنی کار کنید.
- الآن فکر می‌کنم اگر فرضاً همسرم، همدلی نداشت و بار اقتصادی خانه را به دوش نمی‌کشید، شاید الآن این شرکت وجود نداشت.
- دو نفر که همدیگر را نمی‌شناسند و تازه با هم آشنا شده‌اند هیچ موقع بلافاصله نمی‌توانند با هم شریک بشوند.
- اگر روز اول بدانید که هر کدام از شما چه وظیفه‌ای دارند و شما بیش از حد توان از ایشان انتظار نداشته باشید، خیلی از مشکلات حل می‌شود.
- شرکتی موفق است که بتواند با حداکثر ایجاد روابط از یک سمت و با کمترین نیروها در کوچکترین اندازه ممکن، بزرگترین پروژه‌ها را انجام بدهد.
- همیشه به دنبال شرکتی هستم که از خودم بزرگتر باشد. با شرکت بزرگ یک جور باید مذاکره کرد و با شرکتی که کوچک است یک جور دیگر.



ما در سایه اعتماد کارفرما و طراحی درست، موفق شدیم.



گفتگو با آقای مهندس علی اکبر بهرامی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ارشد ۱۳۶۷

رئیس هیئت مدیره شرکت سردساز خودرو

زمینه فعالیت شرکت:

تولید کولر خودرو

تلفن: ۴۴۰۱۴۵۲۱ و ۴۸۰۰۳۰۰۰

Email: bahrami@sardsaz.org

سخنان گزیده:

- استقلال معنی اش این نیست که همه چیز را خودمان بسازیم. عصر ما، عصر تعامل است.
- توانستن ابعاد دارد؛ ابعاد توجیه اقتصادی و فنی. توان همه اینها وجود دارد ولی گاهی وقتها مثلاً در کار خودمان باید قسمتی را وارد کنیم.
- «نقطه قوت» ما یکی انسجام تیمی و سختکوشی ما و دوم، طراحی درست مدل کسب و کار بود.
- وظیفه دانشگاه، تربیت نیروی انسانی است و در بحث پژوهش، حل مشکلات فردا، ولی صنعت درگیر مسائل امروز است.
- صنعت به دانشگاه اعتماد نمی کند چون حرف دانشگاه برای سالهای دیگر است و نه امروز و یک پروژه بسیار معطل می شود.
- در اصطلاح سازمانی نباید بگذاریم کارمان «پیر» شود و هر بار که احساس کردیم دارد پیر می شود باید یک سوژه جدید را در دلش بنا بگذاریم.
- کارآفرینی، تبلور یک کار گروهی بر پایه دانش مهندسی است؛ ولی با یک حداقلها و الزاماتی.
- کارآفرینی از یک جایی شروع می شود و بعد از مدتی به جای تقریباً قابل قبولی می رسد و به صورت یک تابع نمایی نیست.
- ما زمانی فکر می کردیم که رشد کشورمان به صنایع بزرگ مانند فولاد، سیمان و نفت بستگی دارد. رشد اقتصادی ما باید از صنایع کوچک باشد.
- البته برای توسعه کسب و کارهای کوچک باید زیرساختها را داشت اما توقف در آنها جایز نیست. در این فضاست که کارآفرینی رشد می کند.
- دولت نیست که کارآفرینان را توسعه می دهد. دولت تنها حمایت می کند. به اعتقاد من نقطه شکستگی یک کارآفرینی سالم، «نیاز» است.
- عوامل بیرونی خیلی مهمند و کارآفرین باید بداند با حضورش در بازار، قیمت رقبایش شکسته خواهد شد. پس تا کجا می تواند تحمل کند.
- ای کاش مدرسان، خودشان تجربه عملی داشته باشند. به نظر من استادان دانشگاه -البته نه همه آنها- مسیر کارآفرینی را تجربه نکرده اند!
- در بحث کارآفرینی هم لازمه اش این است که جمعی از افراد که بارها کسب و کارهای مختلف به راه انداخته اند بنیانگذار چنین مرکزی بشوند.
- تبلیغات بردش زیاد نیست. بهترین روش حمایت از کارآفرین فراهم کردن بستر موفقیت اوست. صد نفر یاعلی می گویند ولی یک نفر بلند می کند!
- مبتکران ما احساسی از «زمان» ندارند و فکر می کنند اگر امروز نشد، فردا یا پس فردا! اما هر چیزی زمان مصرف دارد و دیگر فناوری به روز نیست.
- ما در کار گروهی ضعیف هستیم و به توانمندی خودمان قانع نیستیم و ضرورت اثرگذاری دیگران را در کارمان قائل نیستیم که ضعف آموزشی ماست.
- اگر من بخواهم به مهندسی نمره بدهم بالای ۵۰ درصد متعلق به مهارتهای ارتباطی است که یک مهندس را موفق می کند.
- موفق به نظر من یعنی اثرگذار. روزی را خدا می دهد اما آن کسی که می گوید از کار لذت می برم کسی است که در جامعه اثرگذار است.
- در دانشگاه افراد را تربیت می کنند تا یک مسئله فنی را مدل و حل کنند. به مهندس یاد نمی دهیم که با دیگران چگونه چطور همکاری کند.
- نگوید دانشگاه نمی تواند مشکلات صنعت را حل کند. من می گویم فارغ التحصیلان ما نمی توانند مشکلات صنعت را حل کنند!
- کارآفرینی یکی از زیباترین مسیرهایی است که می تواند در هدایت درست و شکستگی صحیح استعدادها جوان ما مؤثر باشد.



تطبیق دروس دانشگاهی با نیاز صنعت، امری ضروری است.



گفتگو با آقای دکتر مهدی بهزاد

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی مکانیک، از سال ۱۳۷۴

رئیس انجمن نگهداری و تعمیرات ایران

رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی ارتعاشات به روش



زمینه فعالیت:

پایش وضعیت، عیب‌یابی ماشینهای دوار، آنالیز ارتعاشات، نگهداری و تعمیرات

تلفن: ۶۶۱۶۵۵۰۹ و ۶۶۱۶۵۵۰۰

Email: m_behzad@sharif.edu

سخنان گزیده:

- انجمنهای علمی باید با دانشگاهها ارتباط داشته باشند. باید مقالات خوبی از دانشگاهها بگیرند. ولی با بخش صنعت نتوانسته‌اند خوب ارتباط برقرار کنند.
- اگر شما توانستید کنفرانسی را برگزار کنید که مدیران میانی خودشان با اختیار در آن کنفرانس شرکت کنند آن وقت آن کنفرانس، ارزش کاربردی دارد.
- گاهی ارجاعات کوچکی به دانشگاهها می‌شد ولی نظام اداری پیچیده دانشگاه از عهده کار کوچک بر نمی‌آمد.
- ما متأسفانه سازوکار خریدمان همیشه آسان‌تر از نگهداری و تعمیرات بوده است. این هم به خاطر این است که ما همیشه یک کشور مصرف‌گرا بوده‌ایم.
- هر کسی در این مملکت با این وضعیت اگر بتواند یک خشت روی خشت دوم بگذارد از دیدگاه من کارآفرین است.
- وقتی شما بخواهید مفهومی را ارتقا بدهید خودبه‌خود مجبورید کارآفرینی کنید. نیاز به افراد دارید، نیاز به اندیشه و تفکر دارید.
- در نگهداری و تعمیرات، کشور ما در خیلی از صنایع به راحتی ۳۰ تا ۵۰ سال از کشورهای دیگر عقب است.
- همان‌طور که «به تعداد انسانها راه برای شناخت خدا وجود دارد» واقعاً به تعداد انسانها راه برای شکوفایی وجود دارد.
- IQ که ضریب هوشی است تعاریف متفاوتی دارد. یکی از آنها که من خیلی به آن اعتقاد دارم «تطبیق با وضعیت» است.
- در کشورهای توسعه‌یافته، مباحث طراحی مهم است. در کشورهای در حال توسعه، کارخانه‌داری مهم‌تر است.
- ما کی به بچه‌هایمان اقتصاد مهندسی و بهره‌برداری را یاد داده‌ایم؟ خب، معلوم است که فارغ‌التحصیل ما خیلی راحت جذب فعالیتهای دیگر می‌شود.
- ما همچنان در نمودار درسی، ریاضیات سنگین به بچه‌ها می‌دهیم، در حالی که دنیا به سوی روشهای تجربی و عددی، انتقال پیدا کرده است.
- ما هنوز نمی‌دانیم در کشور ما ترابری هوایی خوب است، زمینی یا دریایی؟ ما یک نقشه راه کلان برای مهندسی مکانیک می‌خواهیم.
- شما اگر خوب کار نکنید می‌توانید کار را در سطحهای مختلف و با قیمتهای مختلف ارائه بدهید که این به نوعی تطبیق با شرایط است.
- موفقیت می‌تواند برای یک فرد در زمینه‌های متعددی مطرح شود. به تعبیر من کارآفرینی و حل مشکلات صنعت موفقیت خوبی است.
- ما یکی از مشکلاتمان خصوصاً در بحث ارتقا، چاپ مقالات ISI است. ما همه چیزها را در کشور وارد می‌کنیم ولی بدون فرهنگ صحیح آن!
- از هر ده موضوع تحقیقاتی که برای صنعت تعریف می‌کنید اگر یک موضوع هم منجر به قرارداد شود شما آدم موفقی هستید.

مدیر عامل شرکت یویا شیراز

تولید لوله‌های پلی اتیلن و نوار آبیاری قطره‌ای

تلفن: ۴ و ۲۲۷۶۴۴۵۳

Email: mrezabeheshtian@yahoo.com

سخنان گزیده:

- حمایت، هم از طریق آموزش می‌تواند باشد، هم از طریق کمک مالی و هم از نظر شناخت بازار.
- اگر اقتصاد، سالم باشد همه مشکلات حل می‌شود! اقتصاد اگر سالم باشد تک‌تک افراد با هم رشد می‌کنند، یعنی توسعه پایدار انجام می‌شود.
- باید کارآفرینهایی که هستند و بودجه ندارند را بشناسیم و با ایشان ارتباط برقرار کنیم. بعد اینها را جذب کنیم که دوره‌های آموزشی ببینند.
- وقتی شما یک کارخانه بزرگ مثل تویوتا را می‌بینید، طرف از کارگری شروع کرده و صاحب این تشکیلات شده است.
- باید قوانین مجلس مناسب باشد. معافیت‌های مالیاتی باشد. تمام سازمانهای حاکمیتی می‌توانند از کارآفرینان، حمایت بکنند.
- من معتقد به تجارت آزاد و اصلاً به تجارت تحت کنترل اعتقاد ندارم. اگر تجارت سالم باشد خودش راه خودش را می‌رود.
- اگر دلار نرخ واقعی خودش باشد، دیگر چه کسی می‌رود با این دلار ارزان جنس از آنجا بردارد و بیاورد و بنابراین همینجا تولیدش می‌کند.
- تمام کشورهایی که جمعیتشان زیاد است یک روزی یکی از قطبهای صنعتی می‌شوند. مثل هند، برزیل، چین و ... که به دلیل نیروی کار ارزان موفق می‌شوند.
- ایرانی‌ها فکر می‌کنند که همه مدیرند! یا ژاپنی‌ها برعکس همه تابعند. ایرانی‌ها همه‌شان می‌خواهند رئیس بشوند. این به خاطر هوش بالایشان است.
- اگر همه امنیت اقتصادی داشته باشند، با هم همکاری می‌کنند چون هر کسی فکر می‌کند امنیت اقتصادی ندارد و نابرابری می‌بیند.
- آدم باید خوشبین باشد. این اقتصاد دارد با فناوری، جلو می‌رود. اروپا هم دوران رنسانس و جنگهای جهانی را داشته است و الآن به کجا رسیده‌اند. ما هم می‌رسیم!
- کار گروهی، باید آموزش داده بشود. یعنی افراد برای این که کار گروهی کنند باید آموزش ببینند که چگونه کار گروهی و مشارکتی انجام بدهند.
- آموزش فقط آموزش فنی نیست، آموزش می‌تواند مسائل اجتماعی هم باشد. بنابراین، پارامتر مهم دیگر محیط کار سالم است.
- هیچ وقت فقط با کارهای فردی به نتیجه خوبی نمی‌رسیم.
- با کسی شریک شو که اول صادق باشد، بعد هوش و ذکاوت داشته باشد و بعد مدیر هم باشد. اگر طرف همان اولی را نداشته باشد همه اینها به مشکل می‌خورند.
- بهترین کار این است که شما دوره‌های آموزشی مدیریت مالی برای مدیران غیرمالی بگذارید. بازرگانی و تجارت را بدانید. وکالت و زبان و روانشناسی بدانید.
- دانشگاهها باید این امکانات را به ما بدهند که بتوانیم این چیزها را بخوانیم چون دیگر برای ما سخت است که بخوایم کنکور بدهیم.
- ما مطالب را هم خیلی سریع می‌گیریم! چون تجربه‌اش را داریم و آموزش برای ما مصداقهای واقعی را در تجربیات قبلی ندای می‌کند.
- بازرگانی هم در راستای تولید است و لازمه تولید است و نیاز مردم هم هست. اگر ما بتوانیم همه چیزمان را خودمان تولید بکنیم که نمی‌شود!
- نوآوری بدون آینده‌نگری اصلاً نیست. نوآوری یعنی این که آینده‌نگری کرده‌ای! چون نوآوری برای بازارهای آینده است.
- آدم کارآفرین حتماً باید هوش بالا، داشته باشد. بعد از هوش، ریسک‌پذیری‌اش مهم است. مبارزه‌طلب باشد و رفاه‌طلب نباشد.

تقویت کشش بازار برای تولید داخل، امری ضروری است.



گفتگو با آقای مهندس عبدالمهدی بهین فر

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۰

مدیرعامل شرکتهای بهین تکنیک و بهین پارس

زمینه فعالیت شرکت:

قالباسازی، سامانه‌های هوشمند دسترسی (انواع سامانه‌های درب اتوماتیک)، یراق آلات درب شیشه‌ای، قطعات ریخته‌گری دایکست

تلفن: ۶۶۸۰۷۱۱۹ و ۳۳۵۵۶۱۴۸ و ۶۶۸۰۵۹۱۷

Email: behinfar84@yahoo.com

سخنان گزیده:

- دو اصل را باید حتماً در نظر گرفت که هدف از کارآفرینی در درجه اول تولید ثروت است و در مرحله دوم ابزار «ریسک و خلاقیت».
- ایجاد اشتغال «مولد» مهم است و گر نه ممکن است به جای این که جایی را ۱۰ نفر بگردانند، ۱۰۰ نفر آنجا را بچرخانند!
- رتبه ما در جهان در کارآفرینی، صد و چندم است! این حق ما نیست. اگر رتبه ما این است فقط به خاطر ضوابط دست و پا گیر است.
- هر چه قانون کمتر ولی شفاف‌تر باشد، برای فضای کسب و کار بهتر خواهد بود.
- قوانین ما بسیار پیچیده است و کسانی می‌توانند در این مسیر راه بروند که این قوانین را راحت دور بزنند و در جهت منافع خودشان استفاده کنند.
- کارآفرین خودش راه را پیدا می‌کند. مسیر باز و آزاد باعث می‌شود کارآفرین به خلاقیت و فناوری برسد.
- فضای رشته‌های تک‌بعدی در دنیای آینده خیلی سنگین است. یعنی رشته‌های بین‌رشته‌ای بهتر می‌توانند پاسخگوی نیاز ما باشند.
- چرا خیلی‌ها می‌روند مدیریت اجرایی می‌خوانند؟ اصلاً این برای کارآفرین واجب است که برود و این رشته‌های بین رشته‌ای مهندسی را بخواند.
- در ایران شما اگر بخواهید یک فرد یا یک شرکت موفق را تعریف بکنید بسیار فرق دارد تا یک نفر در یک کشور دیگر را بخواهید تعریف کنید.
- انسان اگر از عملکرد خودش راضی باشد به آخر خطش رسیده است! اگر انسان راضی باشد از فردا حرکتی وجود ندارد.
- عمر شرکتهای ما بسیار کوتاه و متغیر است و برای ماندگاری‌شان زمینه، اصلاً مساعد نیست. چون قوانین ما خیلی اما و اگر دارد.
- در مملکت ما همیشه به خاطر این که دولتها درآمدهای نفتی را پشتوانه خودشان داشته‌اند نیاز مالی به تولید صنعتی نداشته‌اند.
- به جای تمام این وامها یک فضایی درست بشود که تقاضا ایجاد بشود و بازار تقویت بشود. تقویت بازار می‌تواند کارآفرینی را تقویت کند.
- یک کارآفرین باید دوره عمر یک محصول را در نظر بگیرد و وقتی که یک محصول به دوره اوجش می‌رسد باید محصول دیگری متولد بشود.
- توسعه، توصیه‌ای نیست، باید انگیزه ایجاد کرد و اعتماد، بزرگترین سرمایه اجتماعی است.
- کارآفرین اگر استقلال نداشته باشد نوآور نمی‌شود ولی خودش جلو می‌رود و خودش مسائل و مشکلات را لمس می‌کند و راه حل پیدا می‌کند.
- واقعاً حیف است که افراد نخبه را چه با مهاجرت و چه با قرار نگرفتن در جایگاهشان در داخل کشور، بی‌اثر کنیم.



باید در ۱۰ تا شاخه بروی تا بالاخره در یکی موفق شوی!

گفتگو با آقای دکتر محمود تبریزی

بازنشسته هیئت علمی دانشکده مهندسی مکانیک

مدیرعامل شرکت سیلندرسازی تهران



زمینه فعالیت شرکت:

تولید مته‌های حفاری نفت و ابزارهای درون چاهی، Dow hole Tools

تلفن: ۴ و ۸۸۷۸۱۲۲۳

Email: dr_tabrizi@cylindersazi.com

سخنان گزیده:

- نیروی انسانی که استخدام می‌شود آمادگی لازم برای شروع کار را ندارند! یعنی دانش و دقت و توانایی فنی لازم را ندارد.
- مهندسی که تازه از دانشگاه بیرون آمده حسی ندارد که ۰/۰۰۱ میلیمتر و یا ۰/۰۱ میلیمتر چه دقتی است.
- الماسه‌ساز را که ساخته بودیم فکر می‌کردیم از فردا مثل پیکان که همه برای آن سر و دست می‌شکنند، در صف خرید از ما قرار می‌گیرند.
- اگر پیش‌بینی شده بود که واردات چطور است و قوانین چطور است، آن بلاها بر سر ما نمی‌آمد!
- قیمت، الان خوب است و مشکلی با قیمت نداریم؛ بلکه مشکل در ترغیب کردن مصرف‌کننده به این است که ابزار ایرانی را مصرف کند.
- بزرگترین ضربه‌ای که من در الماسه‌ساز خوردم این بود که همه کار را «خودم» انجام دادم و هیچ وقت وکیل و «مشاور» نداشتم.
- شما که فردا از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوید، باید ببینید چه کار می‌خواهید بکنید؟ مهم همین است که بدانید برنامه‌تان چه چیزی است؟
- الان مد شده همه می‌روند خارج درس می‌خوانند! خوب رفتید و خواندید و دکترا هم گرفتید! برگشتید! چه کاری می‌خواهید انجام دهید؟
- اگر واقعاً می‌خواهی در دانشگاهها درس بدهی حتماً برو دکترایت را بگیر. اگر می‌خواهی بروی در صنعت، آنچنان احتیاجی به دکترا نداری!
- اگر شما قوانین و روابط کاری، کارگاهی و کار فردی را ندانید، یقیناً نمی‌توانید کار کنید!
- اگر الفبای کار را بلد نباشید، با ضررهایی بزرگ روبه‌رو می‌شوید. باید حتماً الفبای کار، قوانین کار و روابط و ارتباطات را یاد بگیرید.
- یک کارآفرین باید برنامه‌ریزی داشته باشد که بداند چه کار می‌خواهد انجام دهد؟ نه این که فقط یک کار را انجام دهد. باید یک نظام را بچیند.
- آدم باید امکانات جامعه را بتواند خوب بفهمد و آینده‌نگری کند و به قوانین و قواعد کارش آگاه باشد و اگر نداند، ضربه‌های سنگین می‌خورد.
- در ایران یک دفعه قوانین بازرگانی را تغییر می‌دهند. تعرفه ورود را از ۲۰٪ یک دفعه بکنند ۵٪، چنین تصمیماتی تولیدکننده را نابود می‌کند.
- مشکلی که صنعت دارد و نمی‌آورد به دانشگاه، راحت‌طلبی، سوداگری و نبود دید ملی است. می‌گوید اگر مشکلی بود از خارج می‌آوریم!
- صنعت خیلی مشکل دارد و مشکلاتش هم زیاد است. شاید هم واقعاً به دانشگاه اطمینان نمی‌کند. دانستن و «عمل کردن» دو چیز متفاوت است.
- الان در صنعت، نرم‌افزارهایی هست که مقدار زیادی از طرحها را خودشان انجام می‌دهند. خوب این خیلی خوب است که دانشگاه واردش بشود!
- گذاشتن بودجه‌های تحقیقاتی بر گردن صنعت، مهم است. یعنی کارخانجات را موظف کنند که ۱٪ یا ۲٪ فروش را باید برای تحقیقاتشان بدهند.
- دانشگاهها تخصص علمی پیشرفته‌ای دارند ولی ممکن است اصلاً در آن شاخه‌ها «کار» نکرده باشند و اطلاعاتشان خیلی خالی باشد.
- مقالات علمی، ابهاماتی دارد که در «عمل» آزموده نشده است. دانشگاه باید ببیند چطوری می‌تواند این را برای صنعت، عملی کند.
- آدمی که قهرمان شناس است و به فنون شنا آشناست، زود در آب نمی‌پرد! ولی کسی که تازه شنا یاد گرفته، هر آبی را که ببیند زود در آن می‌پرد.
- نوآوری‌هایی که شما در حین کار و تجربه به دست می‌آورید، پایه‌اش علمی است که باید از دانشگاه به همراه داشته باشید.
- پیشنهاد می‌کنم دانشگاه این کار را انجام دهد که هر کسی که علاقه‌مند است از صنعت به دانشگاه بیاید و مثل سمینار، سخنرانی کند.
- کسی که در صنعت کار می‌کند، در آن صنعتی که هست تخصصش شاید ۱۰۰ برابر بهترین دانشجوها باشد.
- «دانشگاه» باید دعوتنامه بفرستد و هزینه سفرش را بدهد تا صنعتگر جلب شود و بیاید.
- من تا الان سه چهار تا شرکت داشته‌ام. ولی در همه به مشکل برخورد کرده‌ام! همه مشکلاتش هم به خاطر انتخاب نادرست شریک بوده است.



موفقیت یک مجموعه مولد دانش بنیان، این است که با انجام تحقیق و توسعه بتواند نیاز آینده بازار را پیش بینی و تأمین کند.



گفتگو با آقای دکتر رسول جلیلی

دانش آموخته مهندسی کامپیوتر، ورودی ارشد ۱۳۶۶

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی کامپیوتر

زمینه فعالیت شرکت:

امنیت فضای تبادل اطلاعات، نرم افزارهای مخابراتی

تلفن: ۶۴۰۶۳۱۰۱ و ۶۶۱۶۶۶۱۷

Email: jalili@sharif.ir

سخنان گزیده:

- کارآفرینی در حوزه مغزافزار یعنی آن کارآفرینی که امروز به عنوان اقتصاد مبتنی بر دانش اطلاق می شود ارزشش بیشتر است.
- کارآفرین برتر، کسی است که بدون استفاده از منابع معدنی، انرژی، بدون تولید دود و فقط با استفاده از مغزهای برتر ما بتواند ارز، وارد کشور کند.
- مجموعه هایی که اختلاف سنی کارشناسانشان کم است، یک مدیرعامل از نظر سن و سال و تحصیل نزدیک تر به خود را راحت تر درک می کنند.
- در زیرساخت ارتباطی، در زمینه ساخت مؤلفه های زیرساخت ما در کشور کوتاهی کرده ایم.
- در حوزه فناوری اطلاعات می دانم که ما در کشور امکان فراهم کردن همه نیازهای کشور را به لحاظ فنی داریم.
- نیاز امروز ما از پنج سال قبل پیش بینی بشود. در این پنج سال، مجموعه های دانش بنیانی به شکل رقابتی بیایند و این مشکل را تحلیل بکنند.
- اصلی ترین چالشی که ما الآن داریم این است که آیا فارغ التحصیلان رشته نرم افزار و ICT را توانسته ایم در کشور بهشان کار مناسب بدهیم؟
- وقتی که قوانین، آن قدر خوب می توانند بخش خصوصی را مدیریت کنند و بعد کنترل کنند، من خودم ضرورتی برای حضور بخش تعاونی نمی بینم.
- کارآفرین با دو چالش اصلی مواجه است. یکی ارجاع کار است و دیگری نقدینگی ارجاع کار.
- ارجاع کار مسئله اول یک کارآفرینی است. کلاً یک مجموعه تولیدی با ارجاع کار واقعی بر سر شوق می آید، تحریک می شود و انگیزه پیدا می کند.
- انعقاد قرارداد، انجام کار، تحویل کار، جلب رضایت مشتری و بعد گرفتن پول، یک فرایند تدریجی، درازمدت و طولانی است.
- سوء استفاده چي احتمالاً وجود دارد و باید کنترل بشود. باید کارآفرین صادق را تشخیص بدهند و مسئله اش را حل بکنند.
- هر جایی که یک سوسوی از تولید داخلی وجود دارد حتی با زحمت و دردسر و تحمل مشکلات، باید درهای کشور را بر تولیدات خارجی بست.
- با صرف جمع شدن به دور هم، شرکت درست نمی شود. اگر شرکتی درست شد، الزاماً باید خروجی تولیدی کند.
- موفقیت این نیست که پیش بینی کنیم که یک محصولی مورد نیاز است و برویم محصول چینی را بیاوریم، جعبه اش را عوض بکنیم تا سود کنیم!
- خطاست که صنعت و دولت ما کاری که کار دانشگاه نیست را به واسطه سهولت مقرراتی به دانشگاه بدهد.
- هر جا که انجام یک کاری فرایندهایش طبیعی است و R&D و نوآوری لازم ندارد، کار دانشگاه نیست.
- دانشگاه باید تلاشش این باشد که کاری که شرکتها انگیزه اش را ندارند، انجام بدهد. چون کاری که ریسک دارد، نوآوری می خواهد.



روشهای توسعه و تعالی انسان، بی نهایت است.



گفتگو با آقای مهندس رکن الدین جوادی

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۵۴

مدیرعامل شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی، مهندسی، تدارکات، ساختمان و نصب، راه اندازی و بهره برداری پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی

تلفن: ۰۰۵ ۲۲۲۱۸ و ۲۲۶۷۹۵۷۳ و ۲۲۲۱۷۳۶۳

Email: rjavadi@oiecgroupp.com

سخنان گزیده:

- بعضی ها کارآفرینی را اشتغالزایی تعریف می کنند؛ یعنی کسی بتواند برای دیگران کاری ایجاد کند که نوع کلاسیک کارآفرینی است.
- شاید مصداق درست کارآفرینی از همان مثل باشد که: «اگر یک آدم گرسنه دیدی به او ماهی نده، ماهیگیری را یاد بده!»
- مثل همان بحثی که راههای رسیدن به خدا بی نهایت است، روشهای توسعه و تعالی انسان هم بی نهایت است.
- در کارآفرینی نخست باید فهم آدمها را بالا برد که این در سایه فراهم کردن زمینه تحقیق و آموزشهای کاربردی امکان پذیر است.
- کسانی که در جامعه، ایده های جدید مطرح می کنند چه در بحث فرهنگ و یا اقتصاد، اینها آدمهایی هستند که کارآفرینند
- در هر جامعه ای، آدمهایی که تئوریسین هستند و آدمهایی که فکر ایجاد می کنند به نظر من کارآفرینهای اساسی هستند.
- تولید قطعه بدون داشتن دانش فنی تولید دستگاه، فقط در حد داروی مسکن است و گره های مقطعی ما را باز می کرد.
- شاید کارآفرینی این باشد که ما فرصتهای مهندسی را ایجاد کنیم و فرصتهای مهندسی ابتدا از طراحی شروع می شود، بعد تدارکات و بعد اجرا.
- دانشگاه به نظر من مهمترین اثرش این است که می تواند ذهن آدم را باز کند. این که یاد می گیرد که برای مشکل، راه حل پیدا کند.
- مهندس دائم به دنبال این است که برای مشکل، «راه حل» پیدا بکند. حالا این راه حل در قالب اجرا باشد یا در قالب طراحی یا ساخت و غیره.
- مهندس اگر حس نداشته باشد به درد نمی خورد! مهندس باید نتیجه کارش را ارزیابی کند، حس داشته باشد. باید با کارش زندگی کند.
- وقتی شما بگویید من می توانم تا بالای یک قله بروم، اگر از اول بگویی نمی توانم، حتماً نمی توانی!
- آدمها اهل چالش هستند و گاهی اهل خودخواهی هستند. ما یکی از مشکلاتمان جذب و نگهداری نیروی خوب است.
- نحوه تربیت بچه ها به دست خانواده و به ویژه دانشگاه است و می تواند آینده آنها را درست تر رقم بزند.
- بعضی ها رفتند دکترا هم گرفته اند ولی الآن مهندس شده اند و فقط عمرشان را تلف کرده اند.
- در دانشکده نفت ما اجبار داشتیم که هر سال تابستان برویم سر کار و دو ماه باید به کارآموزی می رفتیم و نمی توانستیم هم یک جا بمانیم.
- توصیه قوی ام این است که رابطه صنعت و دانشگاه طوری بشود که بچه ها به عنوان بخشی از تحصیلشان به کارورزی در صنایع بروند.
- ما در کار گروهی به آن حد منفی که می گویند نیستیم. نقاط ضعف، زیاد داریم ولی پروژه ها حاصل کار گروهی است.
- ما ایرانی ها به دلیل شیوه آموزشی مان و شیوه فرهنگی که داریم برای خودمان حقوقی بیشتر از جایگاهمان در سازمان قائل هستیم.
- الآن ما در تعریف روابطمان خلأهایی داریم و این خلأها باعث دوباره کاری ها و خنثی کردن انرژی همدیگر و مسائل دیگر می شود.
- ما از لحاظ فنی به مراتب جلوتر از نرم افزار، روابط انسانی و مسائل مدیریتی هستیم و در این زمینه باید خیلی کار شود.
- در اروپا دیدم که بچه از کودکی دو چیز را می آموزد: «کار گروهی» و «نوشتن». آن طور نیست که ما حفظ می کنیم! بچه ها باید خودشان بنویسند.
- ما در انتقال مطالبمان به دیگران به مراتب ضعیف تر از آنها هستیم؛ به خاطر این که یاد نگرفته ایم که گزارش بنویسیم.
- ما در آموزش، اشکالات زیربنایی داریم. آموزشهایمان اصلاً کاربردی نیست.
- شرکتی که جنسی را وارد می کند اگر ساخته شده را بیاورد برایش ارزان تر تمام می شود تا از داخل بخرد! بنابراین باید مقررات قانونی اصلاح شود.
- آدم موفق کسی است که محیطش را بشناسد. هدفش را هم بشناسد و در جهت آن بتواند حرکت کند.



آرامش درونم را با هیچ چیزی عوض نمی‌کنم!



گفتگو با آقای مهندس حسن حاجیان

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۴۸

مدیرعامل شرکت مهندسی پروسکه

زمینه فعالیت شرکت:

- احداث شبکه‌های فشار قوی، ضعیف و نصب پستهای برق
- حفر چاه نیمه عمیق دهانه گشاد و کول‌گذاری آن
- تهیه و توزیع لوازم برق صنعتی و نمایندگی‌ها
- طراحی و ساخت انواع تابلوهای فشار ضعیف و قوی

تلفن: ۷۲۲۳۴۵۶ و ۷۲۲۰۰۵۲ و ۷۲۲۹۶۶۲ - ۰۸۳۱

Email: hassan_hajian@hotmail.com

سخنان گزیده:

- چون دانشگاه، سطح دید من را خیلی بالا برده بود طبیعتاً به خیلی چیزها زود مسلط می‌شدم و دانش خودم را منتقل می‌کردم.
- گرچه تهران برای پول درآوردن خیلی خوب است ولی واقعاً انسان از خودش فاصله می‌گیرد، در انسان بالاتر از مسئله جسم، مسئله روحش است.
- کارآفرین کسی است که نسبت به تمام مسائلی که در امور زندگی‌اش می‌گذرد بی‌تفاوت نباشد.
- نعمت «تفکر» که خداوند به انسان داده خیلی ارزشمند است و باید فکر را به کار بگیریم. فکر انسان وقتی از آن استفاده کند پرورش می‌یابد.
- کارآفرین کسی است که در کارهای روزمره خودش فکرش را به کار نو و ایده نو بدهد و یک کار نویی انجام بدهد.
- به این کار علاقه داشتم، چون کاری ماندگار است و از چاههای حفر شده می‌توان سالیان متوالی استفاده کرد.
- اگر کسی اعتقاد به ارزش‌های معنوی داشته باشد که کارمور نظر ارزشمند و پایدار است دنبال کارآفرینی می‌رود.
- روشهای عملی، برای کسانی که علاقه دارند خیلی راحت و شیرین است و وقتگیر هم نیست.
- دانشگاه دانشجویان را جاهای مختلف بفرستند. دانشجویان هم عکس و هم فیلم بگیرند و هر کس بیاید اندوخته‌هایش را به دیگران منتقل کند.
- فکر هم احتیاج به ورزش دارد. انسان اگر از آن استفاده نکند، ثابت می‌ماند و حتی ممکن است تحلیل هم برود.
- دانشجو قبل از این که مدرکش را بگیرد باید با کار آشنا شود.
- وقتی که مدرک بگیرد خیلی‌ها هستند که رویشان نمی‌شود بروند و از یک تکنسین سؤال بپرسند! این یک واقعیت است.
- هدف از تأسیس دانشگاه در کشورهای خارجی این است که جایی باشد برای کمک به تولید ولی در ایران فقط محل مدرک گرفتن شده است.
- افرادی هم که می‌گیریم فقط کافی است آن شخص دوست داشته باشد که کار را یاد بگیرد. خیلی راحت می‌شود اطلاعات را انتقال داد.
- همیشه می‌خواهم مفید واقع شوم. کاری انجام دهم که مشکلی یا باری از دوش مردم بردارم و توقع مالی زیادی ندارم.
- که اگر انسان جلوی حرص و طمعش را نگیرد تمام دنیا را هم به پایش بریزد باز هم گرسنه است!
- کسب معرفت فارغ التحصیلی ندارد و انسان تا پای گور می‌تواند به دانسته‌های خویش بیفزاید.
- خیلی وقتها خیلی راحت از یک کارگر صفر خیلی چیزها می‌شود یاد گرفت. انسان باید بداند که از چه کسی در چه کاری استفاده کند؟
- خیلی وقتها هر کس فقط به منافع خودش فکر می‌کند و این از دلایل عدم موفقیت است.
- موفقیت را هم در این نمی‌بینیم که حتماً عده زیادی را به کار بگیریم و پول زیادی درآوریم؛ بلکه این است که در حد توانمان مفید واقع شویم.
- وقتی می‌خواهیم به عنوان کارآفرین از بانک وام بگیریم آن‌قدر باید وثیقه و مدرک بدهیم که عملاً برای همه امکان‌پذیر نیست!
- خیلی از کارآفرینان هستند که خیلی از کارها را انجام می‌دهند، ولی چون حمایت نمی‌شوند بدهی بالا می‌آورند و ورشکسته می‌شوند.
- معیار برنده شدن در مناقصه فقط شده قیمت پایین! در حالی که خیلی از اینها کار را «نمی‌توانند» انجام دهند.



نمی‌توانیم کار آفرین تربیت کنیم، بلکه باید کار آفرینها را پیدا کنیم.



آقای دکتر یوسف حجت

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۴

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

معاون اسبق سازمان حفاظت محیط زیست

زمینه فعالیت:

تحقیق و پژوهش مهندسی، ماشینکاری دقیق، مکاترونیک

تلفن: ۸۲۸۸۳۳۶۴ و ۰۹۱۲۲۹۰۸۵۹۳

Email: yhojjat@modares.ac.ir, y_hojjat@yahoo.com

سخنان گزیده:

- کارآفرینی مثل هنرمندی است. هر کس نمی‌تواند به صرف شرکت در کلاس، شاعر یا نقاش خوبی بشود. خیلی‌ها هم بدون شرکت در کلاس، شاعر یا نقاش معروفی می‌شوند. هنرمند شدن، استعداد خدادادی می‌خواهد.
- البته «استعداد» قابل پرورش و شکوفایی است. ذات مستعد را باید پیدا کرد، کشف کرد و تربیت کرد.
- هر انسانی نمی‌تواند کارآفرین باشد. بعضی انسانها ماهیتاً واگن هستند، یعنی خوب بار می‌برند، اما خودشان حرکت نمی‌کنند.
- بعضی انسانها ماهیتاً لکوموتیو هستند، هیچ باری حمل نمی‌کنند اما واگنهای متعددی را به حرکت در می‌آورند.
- یک کارآفرین معمولاً تعداد زیادی از افراد را به کار می‌گیرد. لزومی ندارد همه کارآفرین باشند و اصلاً خلقت خدا هم این طور نیست.
- همه نمی‌توانند کارآفرین باشند. وجود یک کارآفرین در یک جمع چند ده، چند صد یا چند هزار نفری کافی است.
- کارآفرینی، یک ارزش است ولی الزاماً یک برتری نیست. ممکن است ارزش کار بسیاری از کسانی که زیر دست یک کارآفرین کار می‌کنند به مراتب بیش از خود کارآفرین باشد.
- کارآفرینی یک نوع سوداگری و تجارت است. کارآفرین، کسب و کار و بازار را خوب می‌شناسد. قوانین و مقررات و به اصطلاح قاعده بازی را خوب می‌شناسد و می‌تواند بنگاه اقتصادی تأسیس کند. سود و زیان سرش می‌شود.
- ارزش الزاماً به نوع کار نیست، بلکه به خوب انجام دادن کار است. کارآفرین بودن یا نبودن مسئله نیست.
- می‌گویند: دانشمندان در خدمت مدیرانند و مدیران در خدمت سرمایه‌داران. آیا دانشمندان ارزش کمتری از مدیران یا سرمایه‌داران دارند؟
- کارآفرینی الزاماً نوآفرینی نیست. یک عده کارآفرینی را با نوآوری اشتباه کرده‌اند و یک عده هم این دو را با هم آمیخته‌اند.
- نمی‌توان انتظار داشت که تمامی کسب و کارهای جدیدی که در جامعه شکل می‌گیرد نوآورانه باشد.
- بخش بزرگی از خروجی دانشگاهها باید در کارهای شناخته شده، مشغول شوند. درصد کمی ممکن است جذب کارهای جدید شوند.
- موتور محرکه کارآفرینی، سودجویی است. البته این سودجویی می‌تواند مادی هم نباشد. اما در جامعه ما سودجویی بار منفی دارد. این یک مانع اساسی است.
- مانع دیگر، نگاه فرهنگی نادرست به کسانی است که یکباره رشد می‌کنند. فرض اول ما بر این است که این رشد منشأ نادرستی دارد.
- بخشهای غیردولتی که سریع رشد کنند با خطر مواجه می‌شوند. به همین علت صنایع بزرگ ما عمدتاً دولتی باقی مانده است. اینجا تعاونی یک راه حل است.
- مناسب به نظر می‌رسد که شرکتهای غیر دولتی وقتی بزرگ شدند خودشان را به چند شرکت کوچک‌تر بشکنند تا به دست دیگران شکسته نشوند.



ظرفیت فکری یک مهندس، خیلی بزرگ است.



گفتگو با آقای دکتر خیرالله حدیدی

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۵۲

مدیرعامل شرکت نیمه‌هادی اورمیا

رئیس هیئت مؤسس مؤسسه آموزش عالی ارومی

استاد میکروالکترونیک دانشگاه صنعتی ارومیه



زمینه فعالیت شرکت:

میکروالکترونیک

تلفن: ۳۳۶۷۳۶۵ - ۴۴۱

Email: kh.hadidi@urmia.ac.ir, urmia@gol.com

سخنان گزیده:

- همیشه خواسته‌ام آن بوده که کار اصیل و بر اساس ایده خودم باشد، مخصوصاً تلاش برای کارهای غیرمرسوم بوده است.
- راضی نباشید که نتیجه دوره، یک مدرک دکتری و چند مقاله باشد که فقط برای برآوردن کمترین شرایط احراز دکتری کافی است.
- تلاش کنید به جای زود فارغ‌التحصیل شدن با کمترین شرایط، با یک کار علمی فوق‌العاده فارغ‌التحصیل شوید که تأثیری در سطح جهانی داشته باشد.
- کار دکتری باید اصیل و دست‌کم تا حدی ابداعی باشد. برای این که بدون آن، کار شما تأثیر مهمی در زمینه مربوطه نخواهد داشت.
- Post doc یعنی یک موقعیت کاری موقت غیر طولانی که وقتی امکان استخدام دائمی وجود ندارد یک شرکت یا دانشگاه ارائه می‌کند.
- تلاشم این است که این را به دانشجویان منتقل کنم که آدم خیلی کارها می‌تواند بکند. البته نباید بیهوده جلو برود. ولی نباید بیهوده هم بترسد.
- مشکل این است که دانشگاه‌های ما توانایی طراحی را در دانشجویان پرورش نمی‌دهند و بیشتر تأکید بر تحلیل است.
- این که شما بدون اطلاعات کافی بتوانی شروع کنی، یک نوع توانایی است که یک طراح دارد و کسی که نمی‌تواند داشته باشد، توانایی طراحی ندارد.
- انجام کار پیشرفته در زمینه مهندسی قبل از ادامه تحصیل، خیلی مفید است. برای من هم خیلی مفید بود.
- دو عیب اصلی در دانشگاه‌های ما هست. این که به دانشجویان امید کافی نمی‌دهند و حرف‌ها و ادعاهای خیلی بزرگ و غیر علمی زیادی وجود دارد.
- انتشارات علمی را باید با معیارهای با کیفیت خیلی بالاتر محک بزنیم و فقط انتشار در مجله ISI کافی نیست.
- معیار علمی‌تر، مهم‌تر، محکم‌تر، و واقعی‌تر برای سنجش علم patent های ثبت شده در کشورهای پیشرفته است که به کمپانی‌های خارجی لیسانس شده است.
- دانشی که در لبه فناوری است، راحت‌تر تبدیل به محصول می‌شود.
- کارآفرین، کسی است که آن‌قدر اراده و توانایی فنی و عدم مایوس شدن در مقابل مشکلات را در خودش می‌بیند که ریسک بزرگی را انجام دهد.
- کسی که Ph.D. می‌گیرد یعنی آن‌قدر توانایی دارد که هر چه را که دلش می‌خواهد از دهان شیر می‌تواند بیرون بکشد.
- کارآفرین کسی است که می‌تواند شالوده شبکه تفکر نرمال را کنار بگذارد و این جوهر هر حرکت پیشرفته‌ای هست.
- چنین چیزی در دنیای واقعی وجود ندارد که شما از اول تا آخر همه مراحل را به دقت برنامه‌ریزی یا پیش‌بینی کنی و بروی حتماً جواب بگیری.
- آدم باید از کار کردن در زمینه خودش لذت ببرد، در عین حال بر اساس توانایی‌های خود باور و ایمان داشته باشد که کار خوبی می‌تواند انجام دهد.
- متأسفانه در کشورهایی مثل ما روحیه تلاش را کم داریم (شاید به خاطر نفت) و همه دلشان می‌خواهد که زود یک پول خوبی گیرشان بیاید.

کارآموزی مان خیلی مفید بود و عملاً مسیر حرفه‌ای ما را مشخص کرد.



گفتگو با آقای علی خاکپور

دانش‌آموخته شیمی، ورودی ۱۳۷۶

مدیرعامل شرکت آراین فن آزما

زمینه فعالیت شرکت:

اندازه‌گیری آلایندہ‌های زیست‌محیطی و تصفیه آب فاضلاب

تلفن: ۶ و ۶۶۵۶۲۲۵

Email: khakpoorenv@yahoo.com

سخنان گزیده:

- در سطح شهر تهران شاید فقط ۱۰ بیمارستان تصفیه‌خانه فاضلابش خوب کار می‌کند. در حالی که همه‌شان این سامانه را دارند ولی نمی‌توانند آن را به کار بگیرند.
- بعد از کارآموزی در شرکت، آنها درخواست همکاری دائمی کردند و من هم ماندم و همزمان دانشجو هم بودم و درس را هم ادامه می‌دادم.
- یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت ما هم که باعث رشد ما بوده و جلب اعتماد دیگران را در پی داشته، بحث مطالعات آب بوده است.
- این باعث خرسندی مان می‌شود که شرکتی که راهاندازی کرده‌ایم، توانسته است اعتماد افراد و شرکتهای بسیار بزرگ و باسابقه را جلب کند.
- فولاد مبارکه در بحث کنترل آلایندہ‌ها پیش‌تاز بوده و جزو یکی از صنایع خوب است که در بحث کنترل آلایندہ‌ها و حفظ محیط زیستشان خیلی فعال هستند.
- افرادی که شاید در راستای تأمین مالی خودشان جسارت به خرج داده‌اند و کسب و کاری را ایجاد می‌کنند کارآفرینند.
- تابستانها را به بطالت نمی‌گذراندم. بعضی‌ها علاقه دارند که درس بخوانند ولی من در آن وادی نبودم، دنبال این بودم که حداقل یک منبع درآمدی داشته باشم.
- هر کسی می‌تواند کارآفرین بشود ولی تفاوتش با آن کارآفرینی که پشتوانه خلاقیت و نوآوری را دارد، استمرار و تداومش است.
- نوآوری می‌تواند در زمینه مدیریت نیروی انسانی باشد یا در زمینه مدیریت منابع مالی باشد و یا این که در حیطه در مدیریت کیفیت و فنی باشد.
- احساس، پشت هر کاری باشد تأثیرش بیشتر از کلام است. اگر در حین صحبت یک احساس قلبی پشتش باشد تأثیری که در بازگشت مجدد او دارد بیشتر است.
- در مجموعه خودمان نفراتی هستند که واقعاً گاهی بیش از توانشان برای ما کار می‌کنند و این به دلیل همان احساس عاطفی است که با ما دارند.
- درست است که کتاب روش استاندارد هست و به ما الگو را داده است، اما ما هم باید به آن یک چیزی را اضافه بکنیم.
- اگر بتوانیم در یک مجموعه‌ای ارائه خدمت بکنیم و این خدمت ما ماندگار باشد و تداوم داشته باشد این یعنی این که ما موفق بوده‌ایم.
- موفقیت این می‌شود که دوستان کاری خیلی زیادی داشته باشم. این جوری احساس می‌کنم که اینها از کار من رضایت داشته‌اند.
- بحث نیروی انسانی یکی از گلوگاههای اصلی هر فعالیتی است. در انتخاب اولیه و این که چه فردی باشد و چه خصوصیتی داشته باشد.
- صداقت و گذشتی که طرفین می‌توانند نسبت به همدیگر داشته باشند پایه‌های اساسی استمرار و تداوم شراکت است.
- فکر نمی‌کنم موفقیت یک شرکت به ابعاد، خیلی بستگی داشته باشد. یعنی در هر مقیاسی شرکتهای خیلی بزرگ را هم می‌شود با انعطاف اداره کرد.
- دانشجو مقطعی را که می‌خواهد انرژی بگذارد و کارآموزی برود بهتر است که بالاخره به بطالت نگذارد و حداقل یک حرفه را یاد بگیرد.
- شاید یک مقداری فضای کسب و کار هم در چند سال اخیر آن جور که باید، رونق نداشته است، ولی هنوز برای نیروی متخصص در اینجا کمبود کار نیست.
- اگر دیدگاه‌هایمان به صورت انفرادی درست بشود قطعاً مجموعه هم درست می‌شود.



فقط ۵ درصد مشکلات صنعت ما تقصیر دانشگاه است!



گفتگو با آقای مهندس مصطفی خسروشاهلی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۱

مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور رادها

زمینه فعالیت شرکت:

مشاوره، طراحی، مهندسی و مدیریت پروژه‌های زیربنایی، انرژی، نفت، گاز، پتروشیمی، شیمیایی، معدنی، سلولزی، غذایی، بهداشتی و محیط زیست

تلفن: ۸۸۷۸۳۰۷۸

Email: engineering@radhaco.com

سخنان گزیده:

- نوآوری پدیده دائمی همه جوامع انسانی است. جوامع انسانهایی با کیفیت بالا نیازهای متعالی دارند. ارزش انسان به فرهنگ عالی زندگی اوست.
- جوامع انسانی به ظهور و رشد ارزش های آرمانی زنده اند. جامعه های دنباله رو و با الگوهای عاریتی فاقد هویت آرمانی هستند.
- اگر نسل قبل از خود را به دلایل مختلف دنباله رو و با فرهنگ عاریتی را بیابند، یقیناً به آنسوی مرزها روی خواهند سپرد.
- تا آن زمان که رویکرد نسلهای جدید به پیوستگی با نسلهای قبل از خود نباشد، نگرانی از دست دادن هویت ملی جدی است.
- خیلی از جوامع، نمی توانند جواب نیازهایشان را پیدا کنند و این به دلیل اراده که خود ناشی از فقدان پیش آهنگان است اتفاق می افتد.
- زمانی از انسان کامل بودن میتوان گفت که نه در پندار و گفتار بلکه نیز در کردار نشان دهیم، به بهترینهای ممکن عمل کرده ایم.
- کسی که بی انگیزه و بی اعتقاد باشد، با خودش رو راست نیست، نتیجه آن که عملش مال خودش نیست.
- صداقت، راستی و یقین هم باید باشد تا بشود به اعتقاد اندیشید. نشان ایمان به ساختن خود نیز با نشان از دست دادن خود یکی نیست.
- کارهای زادی داریم که باید انجام دهیم. ولی اولویت بندی و کوتاه کردن زمان برای بهره مندی بیشتر مهم است.
- مهندس بیش از آنچه که به حرفه خود بیندیشد باید به عنوان خود و تکالیفی که برعهده خودش گذاشته است باید بیندیشد تا راهی را پیدا کند یا بسازد.
- از هر ده مورد کسانی که برای توسعه و کارآفرینی ایراز علاقه کرده و یا اقدام می کنند نه مورد کارجو هستند.
- مشکل جامعه مهندسی ایران این است که شرکتهای مهندسی باید خاک پا باشند. منافع مردم را بشناسند و بدانند برای مردم، امروز چه چیزی مهم است.
- من امروز ادعای هیچ شرکت مهندسی را که می گوید پروژه ندارد قبول ندارم. اتفاقاً وقتی همه راهها بسته است، تازه کار مهندسیها شروع می شود!
- در جامعه ای که یک آپارتمان بیمه شده وجود ندارد، مهندس وجود ندارد. پس فقر مهندسی وجود دارد و سازمانهای نظارتی ما ضعیف است.
- از جمله مسائلی که نیروی انسانی دارد موضوع مهارتهاست. علاوه بر دانش باید یادگیری و تلاش را به نیروی انسانی یاد بدهیم تا به عمل درآوریم.
- شاخصهای اداری مطلوب باید در نظام اجرا شود و اگر اجماع نباشد و مثلاً در یک شرکت فقط یک نفر کار کند، آن شرکت خیلی عمر نخواهد داشت.
- کارآفرین کسی است که بتواند از امکاناتی که ظاهراً برای دیگران می توانست امکانات حساب شود ولی نتوانستند آنها را توسعه دهند، بهره برداری کند.
- باید چالشهایی که در اثر غفلتها اتفاق افتاده اند، اندازه گیری شوند و تا اندازه گیری ها نباشد حرکتها منجر به کارآفرینی نمی شود.
- اتلاف منابع، انرژی و سوزاندن گازهایی که کشور ما امروز دومین منبع آن است، امری ضد کارآفرینی است.
- مدیریت دانش در کشور ما بحرانی است. حل همین یک مشکل، کارآفرینی است.
- مطالعات تطبیقی در کشورمان ضعیف است و به مرور که مشکلات و جمعیت زیاد می شود، حل این مشکلات، دست نیافتنی می شود.
- همیشه دانشگاه را مثل کارخانه تولید فکر می دانم و علم و دانش از آنجا که جبهه فکر است یاد گرفتنی است. سرچشمه نوآوری در آنجاست.
- کسانی که کار فکری نکنند، بعد از ده سال بازدهی فکری آنها یکدهم می شود. کیفیت کاربردی مغز و توان مهارتی در گرو تمرین فکری است.
- خدمات فنی در صنعت، زمانی موفق و پیشتاز است که تحصیل کرده های جدید و نخبه را جذب کند و از آنها کارآفرین بسازد.
- مشکل صنعت ما قانون کار، بیمه، نظام پولی، قوانین نادرست و ... است. ۹۵ درصد مشکلات صنعت، اینها هستند.



تولید محصول یا ارائه خدمت، باید توجیه اقتصادی داشته باشد.



گفتگو با آقای احمد خلیلیان

دانش آموخته فیزیک، ورودی ۱۳۷۶

مدیر کیفیت شرکت پایکار بنیان پانل

زمینه فعالیت شرکت:

تولید قطعات پیش ساخته ساختمانی

تلفن: ۰۲۲۹-۴۲۱۸۵۰۸ و ۰۹۱۲۷۲۹۱۶۴۱

Email: khalilian@gmail.com

سخنان گزیده:

- انسان باید ذهن خودش را باز کند و افق دیدش فراتر باشد و نباید دربند و محدود به عنوان و جایگاه اجتماعی باشیم.
- مقوله کارآفرینی با مدیریت و اشتغال‌زایی و اشتغال‌آفرینی خیلی فرق می‌کند. کارآفرینی این نیست که برای چند نفر شغل ایجاد کنیم!
- برای یک کارآفرین، ایده‌ای که به دست می‌آورد و کاری را که می‌پروراند مهم است. کارآفرین ایده را به مرحله «سوددهی» خوب هم می‌رساند.
- کارآفرین باید باهوش باشد، شجاعت داشته باشد، پشتکار داشته باشد، ریسک‌پذیر و آینده‌نگر باشد.
- بدون هوش و دانش، امکان هیچ موفقیتی وجود ندارد. البته این اصل برای اقتصاد سالم و فضای کسب و کار پویا و رقابتی است.
- سودی که هر کار یا فعالیت اقتصادی می‌دهد تعریف شده است. در جایی شنیدم اقتصاد مانند موجود زنده می‌ماند که اگر آزاد باشد خودش به تعادل می‌رسد.
- در بازاری که رقابت وجود دارد، نوآوری بهترین ابزاری است که باید وجود داشته باشد و باید روزانه، روزآمد و مداوم باشد.
- R&D های ما بیشتر واحد ارتباط با غرب است! هر کسی سریع‌تر کپی را به انجام برساند موفق‌تر است!
- در ایران بیشتر، کپی از نوآوری دیگران انجام می‌شود تا خود خلق نوآوری که البته این هم به نوعی خوب است و بالاخره باید از یک جایی شروع کرد.
- خیلی از اختراعات و اکتشافات بشری مثل کشف اشعه ایکس، اتفاقی بوده است و این اتفاقات برای اشخاصی پیش می‌آید که در آن مقوله یا محیط کار می‌کنند.
- کارآفرین کسی است که می‌تواند یک ایده خام که ممکن است به ذهن خیلی‌ها خطور کند را به محصول یا خدمت قابل ارائه و فروش به جامعه برساند.
- کارآفرین این توانایی را دارد که در همان ابتدا بفهمد کدام ایده را پرورش دهد و با چه روشی از ایده به محصول برسد.
- یکی از دلایل عقب‌ماندگی و عدم رشد ما نسبت به کشورهای دیگر این است که نوآوری روی فناوری‌هایی که وارد کرده‌ایم انجام ندادیم و ارتباط R&D وجود ندارد.
- دانش‌بنیان بودن هزینه‌بر است. چون دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها باید درگیر این کار بشوند، یک بودجه پژوهشی باید خرج شود.
- باید دغدغه‌های جامعه خودمان را بدانیم تا بهتر بتوانیم کاری را انجام بدهیم. دانش در خیلی جاها وجود دارد فقط کسی نیست که آن را اجرایی کند.
- اگر یک شرکت کوچک بخواهد با شرکتهای بزرگ رقابت کند، باید دانش کافی داشته باشد تا بتواند نقاط ضعف محصولات یا خدمات شرکتهای رقیب را پیدا کند.
- یک شرکت نوپا با توجه به ابتکاری که از خود نشان می‌دهد، باید در «فناوری» با رقیب رقابت کند. چون نمی‌تواند در تبلیغات و بازاریابی، آنها را شکست بدهد.
- یک کارآفرین خوب کسی است که کاری را شروع کند، به اوج برساند و آن را واگذارد و سراغ کار دیگری در همان حیطه برود و به یک مرتبه‌ای از بلوغ برساند.
- بهتر است دانشجویان در زمان تحصیل با استفاده از وقت آزاد و فرصت حضور در دانشگاه، در یک حوزه مطرح در رشته تحصیلی خود کمی فراتر از نمره فکر کنند.
- شرکتهای دانش‌بنیان هستند که می‌توانند ما را نجات بدهند و پیشرفت و شکوفاتر شدن صنعت ما مستلزم ایجاد شرکتهای دانش‌بنیان است.
- هر چند شاید پایه فناوری ما فعلاً باید وارداتی باشد، حتماً ارتقای آن فن باید داخلی باشد.



شرکتهای high tech نباید فقط به بازار محدود ایران فکر کنند.



گفتگو با آقای بهروز خیراندیش کشکویی

دانش آموخته فیزیک کاربردی، ورودی ۱۳۷۳

مدیرعامل شرکت نورآفرین ایده

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی فوتونیک

تلفن: ۰۲۱-۷۶۲۵۰۰۹۷-۹

Email: b.kheyrandish@gmail.com

سخنان گزیده:

- این که مثلاً بروید یک کاری را انجام بدهید که شاید ۲۰ سال بعد به یک محصول تبدیل بشود، این خیلی در من انگیزه ایجاد نمی‌کرد.
- وقتی یک مجموعه‌ای پا می‌گیرد و شناختش از بازار جنبه عملیاتی‌تر پیدا می‌کند به تدریج خودش را به سمت بازار هدف سوق می‌دهد.
- مدیریت یک سازمان دولتی هدفش در وهله اول پایدار نگه داشتن مجموعه است. حتی ممکن است رشد برایش مهم نباشد.
- در مجموعه دولتی وقتی مدیر یک تصمیمی می‌گیرد برای این که حرفش ده تا نشود تا آخر آن را ادامه می‌دهد، حتی اگر بداند که این کار اشتباه است.
- آرمان شما آرمان خودتان است ولی در یک سازمان دولتی معمولاً آرمانهای شما باید با آرمانهای آنها یکسان بشود و آن آرمانها هم خوشایند من نبود.
- به کسی می‌گویم کارآفرین که علاوه بر این که شرایط ایجاد کار را داشته باشد، یک فنی را هم در داخل یک مجموعه‌ای بتواند ایجاد بکند.
- اگر بر اساس نیاز درون جامعه حرکت کنید، سرمایه به سمتتان حرکت داده خواهد شد و انسانهای زبده را می‌توانید جذب آن فعالیت بکنید.
- در بخش کارآفرینی مشتری به معنی واقعی کلمه از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر طبق نیازهای مشتری گام بردارید می‌توانید کارآفرین موفق باشید.
- شرکتی موفق است که می‌تواند محصولی را داشته باشد که بتواند بخش مهمی از بازار فراملی را تصاحب کند. من به این شرکت می‌گویم شرکت موفق.
- از آن جایی که فعالیتی که به دنبالش هستم را دوست دارم که خلاقانه باشد، به دنبال پارامترهای فن‌آفرینی با ارزش افزوده هستم.
- یک شرکت خصوصی برای خودش ارزش‌آفرینی می‌کند و علاوه بر آن چون مالیات می‌دهد پس دارد این ارزش را به نهادهای جامعه بر می‌گرداند.
- ما دیدگاهمان نسبت به شرکتهای خصوصی بسیار بدبینانه است و اینها را زالو می‌دانیم! چون شرکتهای دولتی برخوردار از رانت از این شرکتها می‌ترسند.
- وقتی که جریان آزاد اطلاعات وجود داشته باشد من می‌توانم تشخیص بدهم که نیاز به کدام سمت است و خودم را به آن سمت سوق بدهم.
- اعتقادی ندارم که دولت وامهای زودبازده در اختیار بخشی از مردم قرار دهد. واقعیتش این است که اینها باعث بدهکارتر شدن مردم شود.
- به خاطر ضعف اطلاعاتی، یک دفعه می‌بینید که این محصولی که آن سازمان دولتی مد نظرش بوده آن چیزی نیست که شما تولید کرده‌اید!
- در امریکا شرکتهایی که با شرکتهای «کوچکتر» قرارداد منعقد می‌کنند متناسب با قراردادی که بسته‌اند از معافیت مالیاتی استفاده می‌کنند.
- یک شرکت خصوصی هیچ رسالتی در حوزه اشتغالزایی ندارد و این موضوع، قطعی است. بلکه رسالت آن شرکت، فن‌آفرینی همراه ارزش افزوده است.
- قوانین ما تفسیربردار است.



کار بزرگ، آدمهای بزرگ می خواهد.



گفتگو با آقای مهندس محمدناصر ذهبیون

دانش آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۷۳

مدیرعامل سابق شرکت تینا سامانه از گروه سایپا

زمینه فعالیت شرکت:

مدیریت و اجرای پروژههای فناوری اطلاعات و ارائه مشاوره در زمینه کارت هوشمند، پرداخت الکترونیک، لویالتی و معماری فرایندهای سازمانی

تلفن: ۰۹۱۲۶۳۰۳۹۰۹

Email: monazah@gmail.com

سخنان گزیده:

- دوره MBA واقعاً دوره خوب و کاربردی برای بنده بود. آدم واقعاً خلاء چنین دورههایی را برای فارغ التحصیلان مهندسی حس می کند.
- سازمانهای مختلف با استفاده از ابزاری به نام لویالتی به معنی جلب وفاداری، تلاش می کنند محصولات مختلف خود را در دورههای زمانی مختلف به شما بفروشند.
- این یکی از اصول بازاریابی است که به مشتری فعلی که از تو راضی بوده بهتر می توانی به او دوباره محصولات را بفروشی تا این که مشتری جدید جذب کنی.
- در پروژههای بزرگ اگر آهسته و پیوسته ولی محکم قدم برداری بهتر از این است که پروژهای را از اول بزرگ ببینی و بزرگ بخواهی اجرا کنی.
- کارآفرینی، ایجاد کاری است که درآمدزا و خود اتکا باشد و نیاز آنهایی را که در آن کار درگیرند برآورد و با این شرط که به جامعه هم یک ارزش افزوده ای را بدهد.
- این مشکل در بیشتر ساختارهای کسب و کار و بوروکراسی دولتی جاری است که بیشتر جاهایی که ردپای دولت دیده می شود لختی در سامانه های کاری هست.
- در ساختار دولتی، انرژی های زیادی هدر می رود. کاری که آدم در بخش خصوصی انجام می دهد با سرعت و کیفیت بهتر و بالاتر و هزینه بسیار کمتر انجام می شود.
- در ساختار بوروکراسی دولتی، کارآفرین برتر شدن خودش یک ارزش بالایی دارد.
- این اتفاق خیلی می افتد که آدمهایی که پشتکار بالایی دارند کمبود هوش را جبران می کنند و چه بسا موفق تر از آدمهای باهوشی می شوند که پشتکار کمی دارند.
- فرصتها خیلی وقتها هست ولی دیده نمی شوند. یک آدم هوشمند آن را دیده است. حالا یا ناشی از هوش اوست یا ناشی از تجربه یا ناشی از رانت!
- پشتکار در کارآفرینی، قطعاً پارامتر سنگینی است و بعد ریسک پذیری و فرصت طلبی و همچنین اکتفا نکردن نیز مهم است یعنی داشتن جاه طلبی.
- یکی پشتکارش زیاد است ولی دنبال آن نمی رود، چون جاه طلب نیست. اگر طرف هوش بالایی داشته باشد ولی پشتکار نداشته باشد هم به هیچ جایی نمی رسد.
- حکومت می تواند زیرساختهای قانونی ایجاد کند تا در کشورمان کارآفرینی و خیلی چیزهای دیگر توسعه یابد، چون اینها مثل حلقه های زنجیر به هم وصل می شوند.
- بسیاری از قراردادهایی که منعقد می شود بعد از یک سری مذاکرات است و مذاکره خوب می تواند به قرارداد خوب منجر بشود.
- دانشگاههای ما باید سازوکاری را تدارک ببینند که بخش عمده ای از این قاعده در طول تحصیل به دانشجو منتقل شود و افراد بعد از فارغ التحصیلی رها نشوند.
- کشورهای پیشرفته برای جذب و ارتقای نخبگان برنامه دارند و حتی برای جذب نخبگان کشوری مثل ایران.
- چرا رتبه های ۱ تا ۱۰۰ کنکور ما در رشته برق تحصیل می کنند ولی وضعیت صنعت برق در کشور ما تعریفی ندارد؟ در حالی که صنعت ساختمان بیشتر رونق دارد.
- ما آدمهایی را تربیت می کنیم که در صنعت ما جایی برای آنها نداریم. نتیجه آن که وقتی طرف لیسانس را گرفت می بیند که بهترین فرصتها در آن طرف است.
- الان بجهه های ما بدون هدف برق می خوانند ولی آن شرایط صنعتی که فراهم بشود نیروها به مسیر درستی که سوق داده بشوند می روند.
- نیروهای خبره تیزند. یعنی به محض این که شرایط را از همه لحاظ خوب نبینند تغییر جا می دهند. یعنی در شرایط عدم آرامش فکری، نیروهای نخبه نمی مانند.



ورود ضعیف، بدتر از وارد نشدن است.



گفتگو با آقای مهندس صمصام ذوالقدر

دانش‌آموخته MBA، ورودی ارشد ۱۳۸۵

مدیرعامل شرکت ساروج بُن‌پی

زمینه فعالیت شرکت:

تولید پوششهای ضد خوردگی و کفپوشهای صنعتی

تلفن: ۲۲۲۵۰۱۲۲ و ۲۲۲۴۸۴۲

Email: samsam@sarothane.com

سخنان گزیده:

- یک فرد خلاق چیزهایی را می‌بیند که افراد عادی نمی‌بینند و سوالاتی را مطرح می‌کند که برای مردم عادی پیش نمی‌آید. ولی لزوماً راه حل عملی آن را نمی‌داند.
- لزوماً راه حل یک مخترع، اقتصادی نیست. ولی یک کارآفرین یا را فراتر می‌گذارد و یک کار جدید را که اقتصادی هم هست ایجاد می‌کند.
- در سال گذشته هزاران اختراع، ثبت شده است ولی شاید تعداد کمی امکان تجاری شدن داشته باشند؛ زیرا قیمت تمام شده بالاست یا بازده آن پایین است.
- یکی از چالشهایی که یک کارآفرین با آن مواجه است این است که متکی به دیگران نیست و مطمئن نیست ایده‌ای که دارد واقعاً عملی خواهد شد یا خیر.
- کارآفرین، یک ایده را با قبول تمام ریسکها عملی کرده است. ریسک می‌کند و جلو می‌رود و تلاش می‌کند تا ایده‌اش را اقتصادی کند.
- هوش، تسریع کننده است و اگر فردی حتی ضریب هوشی پایین داشته باشد ولی پشتکار داشته باشد، مثل مسابقه خرگوش و لاک‌پشت است و موفق خواهد بود.
- اگر فردی بخواهد کارآفرین باشد و کاری نو انجام دهد، حتماً نباید فردی بسیار باهوش باشد، بلکه باید پشتکار داشته باشد و امکانات مالی هم تسریع کننده است.
- بخش تحقیق و توسعه، بخشی بسیار هزینه‌بر است. ولی شما بخشی از سود را برای تحقیق و توسعه کار بعدی هزینه می‌کنید و این چرخه ادامه می‌یابد.
- به جرئت می‌توانم بگویم قوی‌ترین و زنده‌ترین بخش شرکت ما بخش تحقیق و توسعه بوده است و همواره محصولات جدید ارائه نموده‌ایم.
- اجازه ندهید بدون آمادگی با بحرانه‌ها مواجه شوید. بخش مالی هم خوب است بر پایه سناریو و با بودجه شناور عمل کند.
- در Business Plan شما برنامه دارید و می‌دانید باید چه کار کنید و در یک شرایط ثابت اقتصادی و اجتماعی گام بر می‌دارید.
- تا تولید پا نگیرد، وضعیت اقتصادی، بهبود نخواهد یافت و باید هر کالایی با یک مزیت رقابتی، غیر از قیمت در بازار، جایگاه خودش را پیدا کند.
- به علت وجود تمایل به خرید کالاهای خارجی گاهی حتی انگیزه تولید در داخل از بین می‌رود. در حال حاضر این اتفاق در حال رخ دادن است.
- ترجیح می‌دهم تنها کار کنم تا به صورت شراکتی. بسیار دیده‌ام افرادی که حتی بسیار با هم نزدیک بوده‌اند بر سر مسائل مالی با هم مشکلات زیادی پیدا کرده‌اند.
- افرادی که می‌خواهند شرکت بزنند اگر در همان ابتدای کار، سخت‌ترین و بدترین حالتها را مطرح کنند و برای حل آن تفاهم کنند، دیگر مشکلی رخ نخواهد داد.
- تعارف و مواردی نظیر آن در آینده ایجاد مشکل کند و پول همان‌طور که بسیار کارگشاست می‌تواند عامل نفاق و کینه و دشمنی هم باشد.
- در ایران کار گروهی ما بسیار ضعیف است. شما حتی در مقاطع دانشگاهی هم می‌بینید که پروژه‌ها اکثراً فردی است.
- یکی از چالشهای مهمی که شرکتهای دانش‌بنیان با آن مواجهند بحث کپی‌رایت است. چون وقتی شما پیشرو هستید برای ایده‌ها و حرکتها پتانزیه هزینه کرده‌اید.
- فرد دانشگاهی وقتی به مشکلی برخورد کند قبلاً یاد گرفته است که از چه منابعی برای حل مشکل استفاده کند و یک فرد غیرآکادمیک دچار سردرگمی می‌شود.
- وقتی در دنیای واقعی هستید نمی‌توانید ریسک کنید و مثلاً محصول جدیدی را بدون مطالعه میزان کشش بازار ارائه کنید.
- انسان تا زحمت نکشد و تا تحت فشار نباشد پیشرفت نمی‌کند. دانشجو باید در حین تحصیل، «کار» کند.



ما یک ساختار تعریف شده نداریم که کارآفرین را حمایت کند.



گفتگو با آقای مهندس محمد ربانی

دانش‌آموخته مهندسی عمران، ورودی ۱۳۵۰

مدیرعامل شرکت سیمان ممتازان کرمان

زمینه فعالیت شرکت:

تولید انواع سیمان

تلفن: ۸۸۰۳۵۵۰۵ و ۳-۸۸۶۱۶۳۹۰

m.rabbani@momtazancement.com

سخنان گزیده:

- با خطای منطقی و قابل قبولی می‌شود نیاز بازار را پیش‌بینی کرد. این ضعف عمیق سازمانهای اداری و دولتی کشور است.
- در کارآفرینی خلاقیت، هوش و قبول ریسک وجود دارد. فرصتها را باید خوب بشناسید و نهایتاً هم باید یک چیز نو ارائه کنید.
- در کار و مسئولیت دولتی هم کارآفرین و کارآفرینی هست اما محدودتر، زیرا زمینه کار طبعاً محدودکننده است.
- کارآفرینی یک حرکت موضعی نیست؛ یک حرکت پیوسته است. شخص کارآفرین این نیست که حرکتی را انجام بدهد و تمام بشود. آن می‌شود اتفاق یا اختراع!
- کارآفرینی هم یک خصلتی است که از همه نمی‌شود انتظار داشت و خداوند آدمها را متفاوت خلق کرده است.
- باید کارآفرینان را به جامعه معرفی کنند تا الگوی سایرین باشند. مخصوصاً در کشور ما که همه چیز دولتی است و کارآفرین ممکن است مهجور بماند.
- دولت باید از لحاظ اجرایی ساختار وزارتخانه‌هایش را طوری تنظیم کند که کارآفرینها را حمایت و برای اینها امکانات را فراهم کند.
- مالکیت دولتی و انرژی ارزان از عوامل عدم توجه به رقابت و قیمت تمام‌شده بوده است.
- واسطه‌گری عموماً نتیجه اقتصاد ناسالم است. اقتصاد رانتي، دلال‌آفرین است.
- کار گروهی این است که یک تیم برای وصول به هدف معینی با یکدیگر و مشترکاً و با برنامه‌ریزی مشخص فعالیت کنند و بیشتر درون‌سازمانی است.
- لازمه کار گروهی، این است که آدمها ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند. مثلاً اگر همه مهندس باشند ممکن است که نشود کار گروهی را انجام داد.
- مدیریت سنتی، اصولاً تمرکزگراست و مثلاً به منابع انسانی، بی‌توجه و به روابط، بیش از ضوابط اهمیت می‌دهد.
- آدمها اول باید الزامات شراکت را بدانند و بعد بر اساس این الزامات عمل کنند و تحلیل کنند که آیا می‌توانند این شراکت را انجام دهند.
- مطالعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایران و کشورهای در حال توسعه به سرعت محققان را به سوی مشکلات فرهنگی هدایت می‌کند.
- این کاملاً درست است که باید مالکیت از مدیریت جدا باشد. این یک مبحث مدیریتی روز است.
- باید زمینه‌های قابل سرمایه‌گذاری و تولید، راههای تأمین سرمایه و منابع مالی و چگونگی برقراری ارتباط را به شرکتهای نوپا معرفی کنند.
- اروپایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اگر صداقت داشته باشند سودشان هم بیشتر است. ما باید فنون تجارت بین‌المللی را بدانیم تا بهتر رقابت کنیم.
- به نظر می‌رسد که آموزش در دانشگاهها با عمل فاصله زیادی دارد.
- در دانشگاه شریف دانشجویها بیشتر هوش ریاضی دارند ولی هوش اجتماعی که همان روابط اجتماعی و قدرت برقراری ارتباط است بحث دیگری است.
- دانشجو انتظار دارد هر جا برود تحویلش بگیرند. بعد می‌بیند این طوری نیست و لذا سرخورده می‌شود. انجمن فارغ‌التحصیلان هم می‌تواند کمک کند.
- این همه استاد مدیریت در دانشگاههای ما هستند، چرا وضع مدیریت دانشگاهها با بقیه تفاوتی ندارد؟!



نباید مثل کیمیاگران قدیم از دنیا بروم!



گفتگو با آقای مهندس هوشنگ رستمیان

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۴۵

مدیرعامل شرکت رازک پژوهش

زمینه فعالیت شرکت:

آموزش، طراحی و استقرار سامانه‌ها و تکنیک‌های نوین نگهداری و تعمیرات، آموزش و مشاوره سامانه‌های مدیریت و مهندسی صنایع، خدمات فنی

تلفن: ۲۲۰۹۲۴۱۹

Email: razakpajuhesh@yahoo.com

سخنان گزیده:

- خیلی صادقانه بگویم با نوعی احساس برتری که چون برترها می‌خواهند به رشته برق بروند در دوره نوجوانی وارد رشته برق شدم!
- کیفیت فراگیر، مهندسی ارزش، بهره‌وری و مدیریت ضایعات بخش جدایی‌ناپذیر از نگهداری و تعمیرات بهینه‌اند.
- این نگاه کارآفرینانه خواهد بود که اگر ما ماهیگیری را یاد بدهیم می‌توانیم بگوییم کارآفرین بوده‌ایم.
- مکتوبات دانشگاه را مشاهده کنید: می‌نویسند: «تعمیر و نگهداری»! اول باید «نگهداری» باشد، نه نوشدارو بعد از مرگ سهراب!
- ارتباط دانشگاه و صنعت را این گونه می‌دانم که پایان‌نامه‌های دانشجویی مبتنی بر آسیب‌شناسی صنعتی / اقتصادی / اجتماعی باشد.
- گونه‌ای پایان‌نامه‌ها شکل بگیرد که از ابتدای شروع نوشتن هر پایان‌نامه، یک نیاز صنعتی / اقتصادی / اجتماعی مطرح باشد. با رویکرد طراحی و توسعه.
- هم اکنون بسیاری از پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های ما در قفسه‌ها و آرشیوها خاک می‌خورد. این نشان می‌دهد دانشگاه با صنعت، ارتباط مطلوبی ندارد.
- باید دانشگاهیان بروند در صنعت تا ورزیدگی و دید پیدا کنند و صنعت‌گران بیایند در دانشگاه تا آموزش ببینند یعنی بازآموزی دوباره.
- تا زمانی که این حلقه بازآموزی صنعت و دانشگاه ایجاد نشود، ارتباط صنعت و دانشگاه پایه درستی ندارد.
- با به‌کارگیری عبارات مبهم و کیفی مخالفم. اگر به دانشجو بگوییم هدفمند جلو برو، وقتی هدف مشخص نیست چه انتظاری می‌توان داشت؟
- این که بخواهم مهندس برق یا ... بشوم، این که هدف نیست! مهندس شدن «ابزاری» است برای رسیدن به اهداف.
- ارتباط دانشگاه و صنعت با کدام راهبرد و هدف و نقشه؟ نقشه راه را باید در یک کار تلفیقی و شروع از دانشگاه و پیشنهاد به صنعت دریافت.
- چون نیازهای صنعت و دانشگاه مرتب در حال تغییر است، بنابراین ارتباط صنعت و دانشگاه هم باید رو به بهبود مستمر باشد.
- تحصیل یک نوع «سفر» است. شما هیچ‌وقت از منزل، بی‌هدف راه نمی‌افتید که به شمال یا شیراز بروید. هر کدام هدف خاصی را می‌طلبید.
- افراد، کارآفرینی را وابسته به خودشان می‌دانند؟ کارآفرینی باید بتواند ارزش افزوده اجتماعی ایجاد کند.
- در ایران به کار کارآفرینی طوری نگاه می‌کنند که برای خود سازمان متبوع، مطلوب است و ایجاد سود زیاده‌تری بکند.
- کارآفرینی را با تعهد کار و ارزش افزوده ببینیم. هم باید کار را در نظر بگیریم و هم باید توسعه را مورد نظر قرار دهیم.
- کارآفرینی مجموعه‌ای از روش‌های متعدد برای ایجاد فعالیت ارزش‌آفرین است و شما نمی‌توانید خلاقیت را جدا از کارآفرینی مطرح کنید.
- فردی که زایش فکر می‌کند به دلایل متعدد بار زیاده‌تری روی دوشش است. خلاقیت باعث زایش فکری می‌شود که گام اولیه کارآفرینی است.
- کارآفرینی هم نوعی تئوری است. وقتی مبتنی بر «فرایند» باشد، بعد به عمل تبدیل خواهد شد و بر اساس بازخورد، عملیاتی خواهد شد.
- کارآفرینی نوعی خلاقیت است، این خلاقیت‌ها گاهی اوقات تابع میزان تحصیلات افراد نیست که کسی خلاقیتش را به کار بگیرد.
- اشتغال‌زایی قسمت خیلی کوچکی از کارآفرینی است. اشتغال‌زایی در اقتصاد کشور بسیار مهم است، ولی کارآفرینی مقوله‌ای جداگانه است.
- برای کارآفرین شدن، همه مراحل رفع نیازهای انسانی را باید طی کند. انسان کارآفرین نباید دغدغه داشته باشد.
- اگر انسان سه مرحله «رضایت»، «خوشنودی» و «شعف» از رسیدن به اهداف را کسب کند، آدم موفق است.
- آدم موفق کسی است که قبل از رسیدن به آن سه مرحله، مصرف‌کننده از کالای او راضی باشد، خشنود شود و به شعف برسد.



خلاقیت، انگیزه و پشتکار، لازمه کارآفرینی است.



گفتگو با آقای دکتر میرمجید رضویان

دانش آموخته مهندسی صنایع، ورودی ارشد ۱۳۷۵

مدیر بازرگانی شرکت فناوران کارزا

زمینه فعالیت شرکت:

تحقیق و ساخت مواد شیمیایی

تلفن: ۸۸۵۷۰۳۰۷

Email: Razavian@Fanavarankarza.com

سخنان گزیده:

- بهتر است افراد، دوره لیسانس را در رشته‌های مهندسی بگذرانند و فوق لیسانس را در رشته مهندسی صنایع.
- فرد نوآور ممکن است پنج سال روی یک پروژه کار بکند. معمولاً در کار نوآورانه باید چرخه سعی و خطا را استفاده و شکستهای متعدد را تجربه کرد.
- کارآفرین نیازی به تکریم ندارد، یعنی توقع این را ندارد. چون هدف، یک چیز دیگر بوده است. آدم این کار را نکرده که مورد احترام قرار بگیرد.
- اگر می‌خواستم مورد احترام قرار بگیرم نمی‌رفتم در شهرستان کار کنم و سرمایه و وقتم را آنجا ببرم.
- برای کارآفرین مهم این است که موانع کارآفرینی شناسایی و مرتفع گردد. مشکلات کارآفرینان را بررسی کنید و به اطلاع مسئولان ذیربط برسانید.
- مهمترین چیزی که افراد را در کنار همدیگر نگه می‌دارد صدق نیت است و احساس این که کار باید تقسیم بشود.
- موقعی که در خانواده، مادر یا پدر می‌خواهد جای دیگری را بگیرد و دخالت می‌کند، مشکلات شروع می‌شود؛ چون نقشها با هم تداخل می‌کنند.
- شاید بیشترین عاملی که این مجموعه را کنار هم نگه داشته است همین بوده است که توانسته‌ایم سختی ۱۰ ساله را پشت سر بگذاریم.
- برای هدفهایمان یک تعهدنامه نوشته‌شده داریم و از همه مهم‌تر یک شانس هم من داشته‌ام که با دوستان خوبی آشنا شده‌ام که همفکر شده‌ایم.
- در جامعه ما نیروی خوب و با انگیزه وجود دارد. اطراف خود را که بگردیم نیروی خوب را پیدا می‌کنیم. نگرانی ما در «تثبیت» نیروهاست.
- سعی کردیم که اصل را بر صداقت بگذاریم، یعنی اگر شرکت در شرایط خیلی خوبی باشد سعی کرده‌ایم که بچه‌ها را از این قضیه بهره‌مند کنیم.
- اصل را بر سلامت بچه‌ها در کار، گذاشته‌ایم و جوابش را هم گرفته‌ایم. یعنی وقتی که به بچه‌ها اعتماد کرده‌ایم پاسخش را هم گرفته‌ایم.
- توصیه می‌کنیم که دانشگاه برای فارغ‌التحصیلان خود ارزش قائل بشود ... ما توصیه می‌کنیم ولی نیامده‌ایم یک گام عملی برداریم.
- بیایند منافشان را با همدیگر گره بزنند؛ مثلاً دانشگاه نباید برای ارائه یک سری خدمات پول بگیرد، بلکه در سود آن محصول شریک بشود.
- چرا دانشگاه به صنعت فقط یک نگاه اقتصادی می‌کند. مثلاً وقتی این پروژه را تعریف کردید بگویید افراد شما هم در تیم ما شرکت بکنند.
- چرا دانشگاه این فرصت را به خبره‌های صنعت نمی‌دهد که بیایند در کارگاههایشان تا کلاسهای آموزشی آنها را عملی‌تر کنند؟



آدم باید غیر تمندانه نسبت به محیط کارش نگاه بکند.



گفتگو با آقای مهندس محمدرضا رهبر

دانش آموخته مهندسی عمران، ورودی ارشد ۱۳۷۵

مدیرعامل شرکت پرمایون



زمینه فعالیت:

ساخت، مقاوم سازی و بهسازی لرزه ای سازه ها و شریانهای حیاتی (پلها و ...)

تلفن: ۹-۲۲۰۳۵۱۰۷

Email: rahbar@permayon.com

سخنان گزیده:

- وظیفه اصلی یک مدیر به اوج شایستگی رساندن افراد بارز و موفق است. این یک جور ارزش گذاشتن به نیروی انسانی است.
- اگر یک شرکتی می خواهد در کارآفرینی موفق بشود، در سالهای اول کار و شاید برای یک مدت قابل توجه نباید فقط سودآوری مد نظرش باشد.
- ما مطالعات را به عنوان برگ برنده مان داریم و این چیزی است که دارد بخش اجراییمان را حمایت می کند و مهندسی ارزش و بهبود روش ایجاد می کند.
- فرمول «امروز کار کن، فردا خداقدهای» نشان دهنده این است که به سرمایه اصلی (نیروی انسانی) توجه نمی شود.
- مدیریت، یک سری حداقلهای ذاتی لازم دارد ولی بعداً برای ارتقای حتماً باید مطالعات مدیریتی انجام بشود.
- فرصتها زودگذرند. باید مثل پلنگ در کمین فرصتها باشی. به جای این که لم بدهی، همیشه در لبه صندلی بنشین تا آماده خلق یک شگفتی باشی.
- بقای سازمان باید مهم ترین هدف یک مدیر باشد. یک مدیر راهبردی هر وقت دید که سرعت پیشرفت شرکت مجانب می شود، باید احساس خطر بکند.
- باید از دانش موجود در جامعه استفاده کرد و یک حرکت جدید انجام داد و باید دید که کجا نیاز هست تا برایش راه حل ایجاد کرد.
- در دانشگاه، خیلی چیزها مغفول می ماند. مثل کار گروهی، تحقیق، گزارش نویسی، گزارش دهی، نامه نگاری که به هر حال یک مهارت و ارزش است.
- هنوز خیلی از فارغ التحصیلان دانشگاه، روش حل مسئله، طریقه درست مطالعه و پژوهش و روش رسیدن به پاسخ را نمی دانند.
- باید از گذشته رها شد، با تشخیص، آینده مناسب خود را انتخاب، طرح و برنامه ریزی کنیم و از محدودیتها عبور کنیم و از مشکلات، فرصتها و امکانات را بسازیم.
- برای توسعه کارآفرینی، یکی از واحدهای اصلی ما بخش تأمین و توسعه بازار است. ما اینجا صرفاً دفتر فنی نداریم که مناقصه ها را واریس کند و اسناد را بفرستد.
- شعار ما این است که: «کار را از دل بخواهید نه از دست» یک مجسمه را نمی خواهیم که پشت کامپیوتر بنشیند یا در کارگاه بچرخد.
- مدیر خوب باید از سلطه جویی کناره بگیرد. این یک کلیدی است تا به قلبها حکومت کند. اگر به دیگران احترام نگذارد دیگران هم به او احترام نمی گذارند.
- یکی از چیزهایی که ما به بچه ها الزام کردیم بحث مستندسازی است. مستندسازی پیشرفت پروژه و کنترل زمان بندی انجام می گردد.
- این نکته ای کلیدی است که آدم کف تلاش را نبیند بلکه بتواند سقف توانایی هایش را ببیند.
- اگر دانشجوی دکتری هستی باید صرفاً تحقیق کنی، فقط درس بخوانی تا بتوانی یک نتیجه کارآمد و با ارزش از این چهار سال در بیاوری.
- «استیو جابز» در یک سخنرانی گفته است: «به دنبال چیزی بروید که دوستش دارید و با آن احساس خوشایندی دارید.»
- جوانها منعطف ترند، آموزش پذیرترند. ما کسی را داشته ایم که از مهندس کارگاه شروع کرد و الآن مدیر پروژه است. شاید فردا، مدیرعامل یک شرکت بشود.
- باید در ابتدای کار خیلی با احتیاط جلو رفت ولی وقتی که جلو رفتی، بازتر عمل کنی و گذشت داشته باشی تا مجموعه بتواند بقا داشته باشد.
- معضلات و مشکلات هست ولی این که آدم بخواهد ناامید بشود، از همه چیز بدتر است. باید دوام آورد، تلاش کرد و به آینده امیدوار بود تا به نتیجه رسید.

کار آفرینی یعنی شما در زنجیره گردش کالا و خدمات می توانید نقطه‌ای جدید ایجاد کنید.

آقای دکتر رضا روستا آزاد

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۸

رئیس دانشگاه صنعتی شریف

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی شیمی و نفت



زمینه فعالیت:

مدیریت آکادمیک، بیوتکنولوژی

تلفن: ۶۶۱۶۴۰۴۰ و ۶۶۱۶۵۴۱۶

Email: roosta@sharif.com

سخنان گزیده:

- کار آفرینی زنجیره است که یک بخش ورودی و یک بخش خروجی جدید (کالا یا خدمات جدید) داشته باشد و چند نفر اشتغال به کار پیدا کنند.
- کار آفرینی فعالیتی است که از منابع موجود استفاده می‌کند و فرآورده جدیدی ایجاد می‌کند.
- به صورت طبیعی ارزش خروجی باید بیشتر از ورودی باشد و در این صورت می‌توانیم این اشتغال را یک اشتغال مولد حساب کنیم.
- بعضی از وقتها اشتغالها مولد نیستند. اگر مولد باشد نهایتاً فرد، خودش می‌تواند کار خودش را بدون هیچ حمایتی ادامه دهد.
- بزرگترین سرمایه یک فرد یا یک ملت، دیدگاه جهان‌بینی و شخصیتی آن است.
- در بحث کار آفرینی، عنصری که بسیار می‌تواند مؤثر باشد دید مثبت به جهان است.
- زمانی که شما می‌خواهید حرکتی را انجام دهید باید هزینه کنید و از امکاناتی که در اختیار دارید استفاده کنید و امید و اعتماد داشته باشید.
- انگیزه‌های مثبت و روحیه مثبت به آینده و اجتناب از حرص و آز و طمع برای کار آفرینی و ایجاد کار، ضروری است.
- حتی در استخدام افراد نیز بسیاری از کارفرمایان به دنبال افرادی هستند که خود، حرکت‌زا و حرکت‌آفرین باشند.
- دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف باید از روز اول که وارد دانشگاه می‌شود به فکر ایجاد کار و خلاقیت باشد.
- شما باید انگیزه‌ای در وجودتان باشد تا دانشگاه کمک کند در غیر این صورت کسی که انگیزه ندارد دانشگاه به او کمک نمی‌کند.
- بحث کار آفرینی اولین اصلی است که ما باید در همان ترم اول به دانشجویان آموزش دهیم.
- دانشگاه به هر دلیلی برای شخصیت و روح دانشجویان برنامه ندارد اما برای فکر و پرورش فکر او، برنامه دارد.
- دانشگاه باید در خصوص مسائل فرهنگی و خلاقیت برنامه‌ریزی کند، ولی دانشجویان نمی‌توانند معطل باقی بمانند و خودشان هم باید فعالیت کنند.
- کارهایی در ایران انجام می‌گیرد که در خارج انجام نمی‌شود و در کشور خودمان بهتر می‌توانیم خلاقیت و کار آفرینی داشته باشیم.
- برای نهادینه کردن ارتباط صنعت با دانشگاه، احتیاج به تعدادی افراد کلیدی است که به عنوان قهرمانان این ارتباط باشند.
- در هر جا اگر قهرمانان ارتباط صنعت با دانشگاه حضور داشته باشند کار را پیش می‌برند. برای این منظور باید این‌گونه افراد را شناسایی کنیم.
- باید قدر کسانی را که عضو هیئت علمی دانشگاهند و بیرون از دانشگاه هم کارهای عملیاتی انجام می‌دهند بدانیم.
- اگر شرکت‌های دانشجویی تأسیس شده گسترش پیدا کردند و پیشرفت کردند آن موقع ثبت شرکت را صورت دهید.



توانایی بازرگانی و سازماندهی شرکتهای موجود در صنعت در گسترش روابط صنعت و دانشگاه مؤثر است.



آقای مهندس میرعباس ریاضی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۶۲

مدیرعامل شرکت صدرصانع

زمینه فعالیت شرکت:

مشاوره مهندسی و تأمین تجهیزات خطوط تولید لوله و پروفیل

تلفن: ۸۹۱۰۲۷۶

Email: sadrsaaneco@hotmail.com

سخنان گزیده:

- ما در شرکتان دانش طراحی و ساخت ماشینهای تکمیلی خط لوله سازی را کسب نموده ایم.
- ما کار را با دو نفر شروع کردیم! در اوج کار، تعدادمان به ۲۲ نفر رسید.
- برای هماهنگی با دانش روز، همواره با سازنده های صاحب فناوری، در ارتباط هستیم.
- یکی از برنامه های آینده ما، بازاریابی در کشورهای همسایه است.
- کارآفرینی، ابداع روشهای جدید، سازماندهی و کنترل آن است.
- فارغ التحصیلان دانشگاه، متولیان و مدیران آینده صنایع هستند.
- مدیران هستند که تصمیم می گیرند نیازهایشان به چه روشی تأمین شود.
- اگر نیازهای اقتصادی و فنی، با عبور از مسیر مجموعه های مهندسی در دانشگاههای داخلی تأمین شود، موجب شکوفایی و ارتباط مؤثر با صنعت خواهد شد.
- مشخصات فرد کارآفرین، داشتن قابلیت های همچون خلاقیت، سازماندهی، استقامت و پایداری در برابر مشکلات، موانع و ریسک پذیری است.



درها باز است، لطفاً وارد شوید. فقط دل و جرئت داشته باشید!



گفتگو با آقای دکتر ناصر زاهدی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی سال ۱۳۵۲

مدیرعامل شرکت پارس سینا

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و ساخت خطوط تولید قطعه و قطعه‌سازی

تلفن: ۷۷۴۳۱۵۷۵

Email: naser-zahedi@yahoo.com

سخنان گزیده:

- زمانی که نسل ما فارغ‌التحصیل شد جو حاکم بر جامعه، جو تشویق به خودکفایی صنعتی و پیشرفت صنعتی در کشور بود.
- شما در بعضی شهرهای هندوستان می‌بینید که کارگاههای صنعتی در داخل خانه‌ها استقرار پیدا کرده است.
- صنعت ایران در قبل از انقلاب صنعت مونتاژ بود.
- فقط تحصیلات آکادمیک برای وارد کردن دانشجوی فارغ‌التحصیل در عرصه کار صنعتی کافی نیست.
- گنجینه‌های دانشگاهی موجود ما از نظر کتب و مستندات علمی بسیار قوی است ولی متأسفانه مراجعه‌کننده کم دارد.
- یک دانشجوی رشته مهندسی در حین تحصیل به ویژه در سالهای آخر باید رشته کاری آینده خودش را تا حدودی در ذهنش ترسیم کرده باشد.
- معنی کارآفرینی شاید یک پکیج است و شاید هم یک مفهوم است. مفهومی که دارای خصوصیات مختلف باشد.
- کلمه کارآفرین گستره‌اش وسیع‌تر از این مفهوم است که ایده جدیدی عرضه کند و محصول جدید و اشتغالزایی در سطح جامعه ایجاد بکند.
- بهترین فرصت برای فراگیری، همان دوران دانشجویی است. بعد از فارغ‌التحصیلی خیلی مشکل‌تر می‌شود.
- قابل توصیه است به دانشجویها که یک رشته را به عنوان رشته تخصصی آینده خودشان در نظر بگیرند و روی آن رشته تمرکز و مطالعه کنند.
- روش «مهندسی معکوس» با کمترین ریسک، در کمترین زمان و با صرف کمترین هزینه، نتایج بسیار ارزشمندی از آن حاصل می‌شود.
- زمینه مهندسی معکوس برای کشورهای در حال توسعه نسخه بسیار خوبی است که همان کپی‌کاری، از کارهای انجام شده به دست دیگران است.
- روش مهندسی معکوس برای کشورهایی مثل کشور ما و برای تازه‌کارهایی که وارد صنعت می‌شوند نسخه بسیار به صرفه‌ای است.
- کارآفرین باید بتواند انسانها را بالا ببرد، جایگاه صنعت را بالا ببرد و منافع ملی را هم محقق بکند.
- اگر ما مسئله شانس را کنار بگذاریم، باید بگوییم که کارآفرین باید یک سری کاراکترهای کارآفرینی را هم داشته باشد.
- کارآفرینی بالای ۵۰ درصدش اکتسابی است. همین‌قدر که فرد تعصب به جامعه، کشور و مردمش داشته باشد، انگیزه حرکت در فرد ایجاد می‌شود.
- ۹۰٪ کارآفرینها اعتقادات دینی، ملی و ... دارند. یعنی رسالتی برای خودشان قائلند و حیفشان می‌آید که توانایی‌شان دست نخورده باقی بماند.
- نتیجه‌ای که دانشجویان در هر بازدید کارخانه می‌گیرند کمتر از یک درس دو واحدی در دانشگاه نیست.



اهمیت «زمان» هنوز در ایران جا نیفتاده است!



گفتگو با آقای مهندس سعید زکایی

دانش‌آموخته رشته مهندسی و علم مواد، ورودی ۱۳۷۶

مدیرعامل شرکت پارسا پلیمر شریف

زمینه فعالیت شرکت:

تولید انواع ترکیبات پیشرفته پلیمری برای صنایع خودروسازی، ساختمان، آبیاری، لوازم خانگی و بسته بندی

تلفن: ۶۶۰۸۴۷۵۲

Email: zokaei@parsapolymercom

سخنان گزیده:

- شرکتی که منشعب از یک دانشگاه خوب باشد، در ایران کم است.
- ذهنیتی که همه چیز باید آماده باشد تا ما کار و پروژه‌ای را انجام بدهیم، غلط است.
- وقتی تمام تلاش‌تان را در یک مسیر بگذارید، موفقیت از آن تلاش حاصل می‌شود نه از شرایط بیرونی.
- اگر بخواهید از حمایت دیگران استفاده کنید، اول باید اعتماد دیگران را جلب نمایید، از پول و زمان خود هزینه کنید تا بتوان آنها را همراه خود نمود.
- در ایران اصل بر بی‌اعتمادی است! اما می‌توان اعتماد ایجاد کرد.
- کارآفرین واقعی باید کار واقعی ایجاد کند. کاری که هم برای کشور و هم برای افراد سهم در آن، منفعت داشته باشد.
- اگر بتوانی کاری ایجاد کنی که افراد با «توانایی بیشتر» را جذب کنی این یک «کارآفرینی» واقعی است.
- «شرایط ناپایدار» در ایران خیلی زیاد است. برنامه‌ریزی خیلی سخت است تا حدی که آدم عادت به بی‌برنامگی می‌کند.
- در ایران حمایت‌ها یک جورهایی سلیقه‌ای است. مثلاً گاهی یک زمینه، تحقیقات مد می‌شود و همه فقط از آن حمایت می‌کنند.
- اگر در ایران کسی کارآفرین باشد ممکن است سرعت رشدش از بقیه جاهای دنیا بیشتر باشد؛ به شرطی که فرصت‌ها را خوب بشناسد.
- اهمیت «زمان» هنوز در ایران جا نیفتاده است. مثلاً در زمان دریافت تسهیلات از بانکها، آنچه اهمیت ندارد زمان است!
- در اداره‌جات دولتی، پیش‌فرض‌شان این است که شما آدم بیکاری هستید! درک نمی‌کنند که یک شخص کارآفرین مشغله زیادی دارد.
- یک سری قوانین هست که لحظه به لحظه عوض می‌شوند و یک سری قوانین هست که تصویب می‌شود و اجرا نمی‌شود.
- مشکل عمده در این صنعت این است که آینده‌نگری وجود ندارد و این امر رقابت را برای ما دشوار می‌کند.
- قطعه‌سازان ما دانش کافی نسبت به مواد اولیه ندارند! گاهی «کارگری» که پای دستگاه تزریق کار می‌کند نقش کنترل کیفی کارخانه را بازی می‌نماید.
- با وجود تمام مشکلات کارآفرینی در ایران، فرصت‌های نابی در این کشور وجود دارد که در کمتر جایی در دنیا به دست می‌آید.
- در حال حاضر موادی از خارج وارد می‌شوند که واقعاً بی‌کیفیت هستند، ولی به دلیل رواج فرهنگ اشتباه در جامعه، به راحتی به فروش می‌رسند.
- هر کسی می‌خواهد به بحث کارآفرینی وارد شود و کارآفرین خوبی باشد، باید با حمایت فکری و مالی و اجرایی چند نفر آغاز کند.
- کسانی که می‌خواهند کاری را شروع کنند، اولین ضرورت‌شان همدلی است. باید نگاهشان، خواسته و آرزوی آنها یکی و یا حداقل بسیار نزدیک باشد.
- وقتی می‌خواهیم کارآفرینی بکنیم، خودمان باید الزامات کار جمعی را بپذیریم. اگر نه، همه رئیس هستند و می‌خواهند حرف خودشان پیش برود.
- بزرگترین چیزی که دانشگاه به یک فرد یاد می‌دهد، اعتماد به نفسی است که شما می‌گویید «می‌توانید» هر کاری را انجام دهید.
- کسی که بخواهد شنا یاد بگیرد اگر در خشکی تمام فنون را هم یاد بگیرد، تا درون آب نیفتد، نمی‌تواند شنا یاد بگیرد.
- مشکلات کارآفرینی، خیلی زیاد است. اما در کنار منافع مادی، منافع بسیاری دارد که کمتر از منافع مادی نیست و خود از جنس ثروت است!
- وقتی شما کارآفرینی می‌کنید، فقط به نتیجه مادی توجه نکنید، کارآفرینی از شما یک مدیر چند بعدی می‌سازد!
- مشکلات کارآفرینی از شما فردی آبدیده و محکم می‌سازد. «رشد شخصیت» و به دست آوردن «اعتماد به نفس» بزرگترین دستاورد کارآفرینی است.



یکی از ضعفهای ما نداشتن مدل ملی نفت در توسعه و بهره‌برداری است.



گفتگو با آقای مهندس محمود زیرکچیان‌زاده

دانش‌آموخته مهندسی شیمی (ارشد)، ورودی ۱۳۶۹

مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره

زمینه فعالیت شرکت:

اکتشاف، توسعه و تولید میادین هیدروکربنی دریایی

تلفن: ۵- ۲۲۶۶۴۳۹۳

Email: m.ziracchian@iooc.co.ir

سخنان گزیده:

- بعد از انقلاب شاهد مدیرانی هستیم که از بیرون ساختار نفت می‌آیند و بعضاً از ساختار نفتی اطلاع ندارند و از تجارب جهانی هم بهره‌مند نمی‌شوند.
- با توجه به این که زمان مدیریت آنها هم بسیار کوتاه است می‌خواهند حرکت‌هایی چشمگیر و بزرگ و دارای تحول و نوآوری انجام دهند.
- هر کاری باید بر اساس دیدگاه‌های کارشناسی باشد و نیز باید اول بسترهای مطالعاتی و بسترهای کارشناسی و مشاوره‌ای را طی بکند.
- ما هم ضعف بینشی و نگرشی داریم و هم انقطاع مدیریتی و هم نگاه کارشناسی و کارگروهی کمتر داریم.
- نفت در چند دهه اخیر، زیاد دستخوش تغییر و تحولات غیر کارشناسی شده است.
- دنیای نفت و گاز پس از چند دهه فراز و نشیب‌هایی که داشته است به یک مدل خاص برای توسعه و تولید از منابع هیدروکربوری رسیده است.
- نظام‌های پیمانکاری منقطع از هم را داریم که نتوانسته‌اند در بخش فناوری و اجرایی، صنعت ما را تعمیق ببخشند تا ما به بلوغ جهانی برسیم.
- باید بتوانیم مدل‌های خود را در سطح ملی به شکل درازمدت و ریشه‌ای ارائه کنیم که یک کشور می‌خواهد چه مدل نفتی را انتخاب نماید.
- باید متناسب با سیاستگذاری‌هایمان مدل‌ها را انتخاب کنیم و برای این مدل‌ها زیرساخت، بستر و فضاهای لازم درست کنیم.
- مثل این است که شما برای تمام بیماری‌ها از یک نسخه استفاده کنید که این درست نیست.
- بعضی موقع‌ها ما می‌خواهیم آن قدر زرنگی کنیم که همه چیز را از دست می‌دهیم. این تفکر به لحاظ تجارتي و مدیریتی تفکر خوبی نیست.
- یکی از مشکلات ما نیز این است که مدیرانی داریم که کار غیر تیمی و غیر گروهی انجام می‌دهند که این، سازمان را دچار مشکل می‌کند.
- یکپارچگی مدیریت مخزن و تأسیسات بهترین روش برای رفتار بهینه با میادین و داشتن حداکثر بازایافت و تولید است.
- علم، چیزی جز مدل کردن تجربه نیست و فرهنگ‌سازی نیز نباید جز این باشد. یک تلفیقی از اینها را باید در عمل آموزش دهیم.
- ما در صنعت کسی را موفق می‌دانیم که در زمینه‌های مختلف مرتبط با کار خود اطلاعات کافی را داشته باشد.
- فضای مثبت کاری، کار گروهی و برنامه‌ریزی مناسب و درازمدت پارامترهایی هستند که باعث ایجاد خلاقیت و نهایتاً کارآفرینی می‌شوند.
- هر موضوعی که انتخاب می‌شود چه ملی و چه بین‌المللی باید کسی که این کار را انجام می‌دهد دارای سابقه و تجربه و فناوری روز دنیا باشد.
- دانشگاهی می‌تواند موفق باشد که کار تجربی کرده باشد و خودش در تولید علم، نقش مهمی داشته باشد.



اگر بدون وقفه و با تیم ثابت، کارتان را ادامه بدهید برنامه‌هایتان به موفقیت می‌انجامد.



آقای مهندس مهدی سیداحمدیان

دانش‌آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۴۶

مدیرعامل شرکت پنج تاش

زمینه فعالیت شرکت:

ساخت تابلوهای برق

تلفن: ۷۷۳۴۹۲۷۲ و ۷۷۳۴۰۶۴۱ و ۷۷۳۲۷۴۷۳

Email: panjtash@yahoo.com, info@panjtash.com

سخنان گزیده:

- ما کار را با یک خم‌کن دستی و یک قیچی ۲ متری ساده شروع کردیم و سرمایه اندکی داشتیم.
- در طول این سالها سرلوحه کارمان، صداقت و کیفیت کار بود.
- پس از سال ۷۹ پروژه‌های پتروشیمی و میدان گازی پارس جنوبی، گشایش عجیبی در کارهای تولیدی ایجاد نمود.
- در آن سالها بازار، آن قدر تشنه بود که فرصت تفکر را برای بازاریابی خارجی نمی‌داد اما ما باید به فکر صادرات هم باشیم.
- من دیگر در مرز بازتنسنگی هستم و با توجه به شرایط کنونی، تصمیم‌گیری بسیار مشکل شده است. در این شرایط، چشم‌اندازی برای آینده شرکت نمی‌بینم.
- معمولاً هزینه‌های انجام یک کار تحقیقاتی در دانشگاه، آن قدر بالاست که صنعت بخش خصوصی، توان پرداخت این هزینه‌ها را ندارد.
- عدم‌آشنایی با توانایی‌های مراکز دانشگاهی و نیز بالا بودن هزینه‌های تحقیقاتی، باعث شده است که ارتباط بین صنعت و دانشگاه ضعیف باشد.
- وقفه نابه‌جا در مسیر کارتان، باعث به هم خوردن بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها خواهد شد.
- ما باید از افرادی که در دانشگاه صنعتی شریف کارهای مختلفی را در راستای بهبود وضعیت این دانشگاه انجام داده‌اند قدردانی به عمل آوریم.



همه سرمایه و درآمدهای شرکت ما صرف توسعه گروه می‌شود.



گفتگو با آقای مهندس فرشید سیدحسینی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۳

مدیرعامل شرکت مهندسی و مدیریت سرمایه‌گذاری رزموند

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی، مدیریت و اجرای پروژه‌های نفت و گاز و زیربنایی و انجام مطالعات توجیه فنی و اقتصادی طرحها

تلفن: ۸۹ و ۸۸۳۷۳۴۸۷

Email: f.hosseini@rosemond-emi.com

سخنان گزیده:

- دولت ناگزیر است میادین نفت و گازی را به بخش خصوصی واگذار نماید و ما در حال تدارک دیدن زیرساختهای مربوط هستیم.
- یک کارآفرین باید بتواند به کمک دولت بیشترین تولید ناخالص ملی در کشور ایجاد کند. بحث کارآفرینی بر می‌گردد به درگیر کردن افراد «بومی».
- قبل از قوانین باید فرهنگ‌سازی شود. یعنی این فرهنگ ایجاد شود که بخش خصوصی نباید به عنوان رقیب بخش دولتی دیده شود.
- بخش اقتصادی سفارتخانه‌ها خیلی فعال نیستند. باید کار فرهنگی انجام شود و این دیدگاه که بخش خصوصی رقیب بخش دولتی است حذف شود.
- به نظر من وقتی انسان از کار خودش راضی باشد موفق است. وقتی بتوانید تغییر مثبتی را به صورت مستمر ایجاد کنید فردی موفق هستید.
- از نظر شرکتی، باید ببینید شرکت شما چقدر توانسته است کار انجام دهد و چقدر توانسته است کارفرما را راضی نگه دارد.
- در گروه ما به واسطه تجربه‌ای که مدیرانش پیش از پیوستن به گروه داشتند به هم اعتماد دارند. بحث شناخت، اعتماد و اعتقاد مهم دارد.
- بچه‌های شریف اغلب فن-محورند؛ اما کار ما اجرایی و فیزیکی است و من با چنین افرادی کمتر برخورد داشته‌ام.
- یک دلیل برای این که اغلب بچه‌های شریف در شرکتهای پیمانکاری فعال نیستند این است که تقریباً همه از ایران رفته‌اند!
- در ایران این موضوع که دانشگاه بتواند باری را از دوش صنعت بردارد اصلاً تعریف نشده است!
- در ایران سالهاست که می‌خواهیم ارتباط دانشگاه و صنعت را تعریف کنیم، اما به دلایل فرهنگی این کار، اجرایی نشده است.
- در شرکتها هم بخشی برای برقراری ارتباط با دانشگاه وجود ندارد.
- یک مؤسسه‌ای باید مشخص کند دانشگاه چه سرویسی می‌تواند به بخش خصوصی بدهد و بخش خصوصی چه سرویسی می‌تواند بگیرد.
- اگر شرکتهایی باشند که بتوانند با قیمت کمتر سرویس‌دهی کنند، شرکتهای بزرگ لازم نیست خودشان برای هر بخشی نیرو استخدام کنند، جا بگیرند.
- بحث فرهنگی هم مطرح است که باید در این زمینه کار شود و دیدگاههای غلط باید اصلاح شود.
- تا یک شرکت خصوصی در داخل یا خارج از کشور سودی به دست بیاورد آن را به صورت رقیب ببیند.
- دولت اصلاً نباید وارد بخشهای اقتصادی شود و یا بهتر بگوییم نباید وارد حوزه‌هایی شود که بخش خصوصی به خوبی از عهده آن بر می‌آید.
- چیزی که به دیدگاه شما آسیب می‌زند، دیدگاه غلط فرهنگی است.



تا حالا ۶ بار رأی اعتماد گرفته‌ام!



گفتگو با آقای مهندس غلامرضا شافعی

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۹

رئیس هیئت مدیره شرکت مدبر



زمینه فعالیت شرکت:

سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعتی و خدماتی

تلفن: ۶ - ۲۲۷۵۴۰۱۵

Email: Shafei_reza@yahoo.com

سخنان گزیده:

- بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی تأکید دارد که دولت باید به عبارتی از کارآفرینان حمایت نماید.
- سرمایه‌گذاران که عموماً افراد متنفذ هستند و راههای استفاده از مجاری قانونی و غیره را بلدند، به طور طبیعی از خدمات استفاده می‌کنند.
- خیلی از کارآفرینان جزء که تجربه‌ای در استفاده از خدمات ندارند نیازمند تشکیلاتی هستند که به آنها آموزش و اطلاعات و خدمات مؤثر بدهد.
- از کارآفرینان خواسته می‌شود از افراد هم‌سلیقه خود دعوت کنند تا با مشارکت هم، یک شرکت تعاونی تشکیل دهند و برای خود شغل ایجاد کنند.
- آفت کار در دادن یارانه یا رانت، اینجاست که هر جایی امتیازی داده شود تعدادی صف می‌کشند و تشخیص سره از ناسره هم راحت نیست.
- منابع قابل تخصیص همواره محدودتر از میزان تقاضاست. در چنین مواقعی بحث سهمیه‌بندی پیش می‌آید.
- با افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی، ایجاد شغل برای تعداد کثیری از اقشار فرودست جامعه و نیز ارتقای درآمد اعضای تعاونی محقق می‌شود.
- برداشتهای مختلف از یک قانون کم و بیش در همه جا باشد. به عبارت دیگر، همه کس از یک قانون یک برداشت نمی‌کنند.
- کارآفرینان الگوهای تولید را از طریق استفاده از اختراعات و احتمالات فنی تجربه نشده، اصلاح یا متحول می‌کنند تا محصولی کاملاً جدید تولید شود.
- کارآفرینان منابع جدیدی را به عنوان منابع اولیه برمی‌گزینند یا به طرق جدید اقدام به فروش محصولات می‌کنند و به سازماندهی مجدد صنایع می‌پردازند.
- در ایران هم گرچه بین اعضا و تعاونی‌ها، کارآفرینانی بوده‌اند، غالب کارآفرینان در بخش غیرتعاونی و در بخش خصوصی بوده‌اند.
- نقش حمایت از کارآفرینان و مدیران فقط اختصاص به وزارت تعاون ندارد و مراکز دیگر نیز در این زمینه رسالت داشته‌اند.
- اگر بنگاهداری در جامعه، رقابتی باشد در آن صورت بقای آن مشروط به تولید و ارائه کالا و خدمت رقابتی خواهد بود.
- در جوامعی که رقابت، تعیین‌کننده است شرط بقا، نوآوری است ولی در جوامعی که رقابت در عرصه‌های مختلف وجود ندارد چنین شرطی اجباری نیست.
- ایجاد شرکت تعاونی باید بر اساس احساس نیاز و پاسخ به رفع آن نیاز باشد. اعضا باید با هم سختی و درک مشترک داشته باشند و کار را بشناسند.
- در کشور ما دانشگاه و صنعت به مفاهیم امروزی، هر دو وارداتی است و رابطه بین دانشگاهها و بنگاهها مثل کشورهای صنعتی پایه‌ای هم شکل نگرفته است.
- در زمان حل مسائل، نوآوری‌ها شکل می‌گیرد و دانشجو در جوار استاد دانشمند و مهندسان مجرب کارخانه و تکنسینهای کارآزموده به راه‌های جدید می‌اندیشند.
- از مدیران ارشد دستگاههای عمومی و دانشگاهها و بنگاهها که به تربیت و خلق نیروهای کارآفرین می‌پردازند، به عنوان رهبران «عصر آفرین» نیز تعبیر می‌شود.
- انسانها با هم تفاوت‌هایی دارند. گروهی خطرپذیرند و گروهی محافظه‌کارترند. تعدادی ذهن‌گرا و بعضی‌ها عمل‌گرایند.

صلاح نیست همه کسانی که استعداد دارند، مهندسی بخوانند!



گفتگو با آقای مهندس ابوالحسن شمس

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۸

مدیر گروه مالی و سرمایه‌گذاری مرکز مطالعات تکنولوژی شریف

زمینه فعالیت مرکز:

مطالعات مالی و سرمایه‌گذاری

تلفن: ۷ و ۶۶۵۲۴۸۲۶

Email: a.shams@gmail.com

سخنان گزیده:

- این فضا شاید فضای جالبی نباشد که خیلی چیزها را آدم از مهندسی شروع کند. کسی که می‌خواهد یاد بگیرد باید تمرین کند و با استاد، ارتباط برقرار کند.
- شاید در رشته‌های دیگر خیلی ضعف وجود دارد و برای خیلی‌ها ارضاکننده نیست. این ضعف در رشته‌های دیگر باید اصلاح شود.
- «مهندسی» فرمول نیست. فرمول را ماشین هم می‌تواند حساب کند. مهندسی، دید و «شهود» است و کسی که به آن برسد، می‌تواند مهندس خوبی باشد.
- کسی که به شهود و دید برسد، حتی برای درک مسائل علوم انسانی و همچنین خلاقیت در حوزه‌های دیگر هم کمکش می‌کند.
- در بحث تأمین مالی به صورت کلی در کشور مشکل داریم و دانش تأمین منابع مالی در کشور وجود ندارد.
- در اینجا فرد می‌تواند آزاد فکر کند و ارضا می‌شود و نیازی هم نیست پنج میلیون تومان حقوق بدهیم. با این حقوقی که شاید خیلی کمتر باشد راضی است.
- اگر ما یک اشتباهی کردیم مسئولان دانشگاه سعی کردند آن را مدیریت کنند ولی حذفان نکردند. یعنی اگر هزینه داشتیم دانشگاه هزینه‌ها را پذیرفت.
- این یک نکته مهم در کار ماست که نخواستیم آدم‌های بسیار گران را دائمی در استخدام خودمان در آوریم، ولی چنین افرادی همیشه در کنار ما بوده‌اند.
- کارگاه آموزشی کار جمعی است، می‌آیند و می‌نشینند و بعضاً همین ارتباطاتی که فرد با افراد دیگر دارد کمک می‌کند که راه حلش را بیابد.
- ارزش افزوده کار تیمی بسیار بیشتر از کار فردی است. تجربه من این بوده است که کار تیمی را در این شغل یاد گرفته‌ام.
- شاید ما کار تیمی را در دانشگاه‌ها، در دبستان یا راهنمایی تمرین نکرده باشیم ولی ما در مرکز مطالعات، کار تیمی را یاد گرفته‌ایم.
- انصاف و عدالت، پیش‌زمینه کار تیمی است. به هیچ عنوان به کار فردی اعتقاد ندارم و فکر نمی‌کنم جواب مطلوب را بدهد.
- شما یک روز بالا باشید و یک روز پایین. در تیم، کسی که توانمندی‌اش بالاتر است، در هر حوزه‌ای متفاوت است. باید بتوانیم به هم اعتماد کنیم تا کار جلو برود.
- یکی از دلایلی که توانسته‌ایم در شرایط بد و با وجود مشکلاتی که در حوزه اقتصاد هست بایستیم، پشتیبانی تیمی است.
- آنهایی که در کار تیمی موفق نبوده‌اند یاد نگرفته‌اند، چون آموزش ندیده‌اند و آدمی هم که ریسک‌پذیر است مطمئن نیست، ولی امیدوار است.
- صاف و عدالت اگر در طول زمان وجود نداشته باشد، تیم از هم می‌پاشد و اگر شایسته‌سالاری نباشد کسی که شایسته‌تر است از مجموعه جدا می‌شود.
- من به ایجاد ارزش می‌گویم کارآفرینی. کارآفرینی از جنس ایجاد ارزش و توسعه منابع انسانی است و توسعه ظرفیت کشورها کارآفرینی است.
- دانشجویهای ما و آدم‌هایی که در سَن‌های پایین‌ترند ریسک‌پذیرترند و اینها هستند که می‌توانند تحول ایجاد کنند.
- آنهایی موفق می‌شوند که علاوه بر توانایی علمی که دارند، توانمندی‌های ارتباطی، توانمندی‌های روابط انسانی و شناخت از فضای کار را هم داشته باشند.
- نمی‌شود گفت موفقیت به شانس ارتباطی ندارد و نمی‌شود هم گفت که موفقیتها فقط شانس است. شانس ارتباط‌دهنده عواملی است که در عرض هم هستند.
- خیلی مهم است که یکی باشد که بتوانیم با او مشورت کنیم. با دلسوزی و برادری دوستان باشد.



دنیای آینده، دنیای شبکه‌هاست!



گفتگو با آقای دکتر سیدمحمد صاحبکار خراسانی

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۵

مدیر شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران (ایتان)

زمینه فعالیت شبکه:

حمایت از ایجاد و شبکه‌سازی کانونهای تفکر در حوزه‌های فناوری، صنعت و اقتصاد

تلفن: ۸۸۹۵۰۵۱۵

Email: sahebkar@gmail.com

سخنان گزیده:

- ما نمی‌توانیم توسعه صنعتی را به معنای تمام کلمه ایجاد کنیم مگر اینکه مدیریت فناوری را درست انجام دهیم.
- دانشجو باید فرایند «حل مسئله» یاد بگیرد.
- مهم‌ترین خصوصیت نیروی کارآفرین، علاقه‌مندی به تحول است.
- در افراد کارآفرین، میزان تحول‌خواهی از میانگین جامعه بالاتر باید باشد که لازمه آن جسارت، ریسک‌پذیری و دیگری تحمل ابهام است.
- نخبه باید در مسیر پیشرفت کشور، تأثیر کم‌نظیر داشته باشد. یعنی بتواند در مسیر پیشرفت کشور و حرکت به سمت چشم‌انداز مؤثر باشد.
- کسانی که می‌فهمند چگونه بستر کار را برای سایر کارآفرینان مهیا کنند، باید در بخش حاکمیت قرار بگیرند.
- اگر فردی با توانمندی پایین، در حاکمیت قرار بگیرد می‌تواند ضرری به کشور بزند که هیچ فرد دیگری نتواند آن را درست کند!
- فرصتهای حذاقلی می‌تواند فرصتهای بزرگتری را خلق کند. یک سری فرصتهای حذاقلی در همه جا وجود دارد. کارآفرین موفق کسی است که از این فرصتها استفاده کند. پس این که می‌گویند فرصت فراهم نیست تا کارآفرینی بکنیم، بی‌معنی است.
- هنر یک فرد زمانی است که در شرایط «سخت» بتواند کاری بکند.
- هر چقدر بیشتر از مشکلات گله کنید، وظیفه خودتان سنگین‌تر می‌شود، چون باید بیشتر کار کنید تا این دردها و مشکلات در کشور حل شود.
- نمی‌خواهم بگویم هر کسی از کشور می‌رود، راحت‌طلب است؛ ولی بعضی از آنها از مسائل فرار می‌کنند که به دلیل راحت‌طلبی‌شان است.
- یکی از چیزهایی که فرد در دانشگاه باید یاد بگیرد، این است که در طول زمان، چطور «فرایند یادگیری» را در خودش «نهادینه» کند.
- یک مدیر موفق بهتر است با کسانی کار کند که خودش تربیت کرده باشد.
- دانشگاه فرصت تعامل، یادگیری و افزایش توانمندی اجتماعی فرد است. فرصت سعی و خطا کردن در دانشگاه، فرصت خیلی مهمی است.
- ارتباط «صنعت و دانشگاه» باید به ارتباط «دانشگاه و جامعه» تبدیل شود؛ یعنی دیدمان را باید عوض کنیم.
- دانشجوی ما باید یاد بگیرد که نیازهای «جامعه» را برآورده کند که یک بخش از آنها نیازهای بخش صنعت است.
- ما باید بیشتر یاد بگیریم که «چه کار نکنیم». اگر من یک چشم‌انداز مشخص داشته باشم، هر کاری را نمی‌کنم!
- شما باید «شبکه‌ای» کار کنید. شما باید در یک شبکه، با افراد و تیمهای موفق تعاملی مثبت داشته باشید.
- دنیای آینده را کسی کنترل می‌کند که بتواند شبکه‌ها را کنترل کند و همه چیز در آینده، شبکه‌ای خواهد شد.
- خیلی‌ها هستند که با انگیزه نمی‌روند سر کار و کارشان را دوست ندارند. آدم باید از کارش لذتی ببرد که در بیرون محیط کار نیست.
- چون کار ما دولتی نیست و نیروهای ما کارمند دولت نیستند؛ نسبتاً استقلال عمل دارند که این استقلال باعث خلاقیت می‌شود.
- کشور ما در مقایسه با سایر کشورها در بعضی مسائل عقب است مثل «اقتصاد و فناوری». ما باید چه کار کنیم؟ باید تلاش مضاعف کنیم.
- در ژاپن یکی از جملات در کلاس اول ابتدایی این است: «کشور ما کشوری فقیر است! ولی ما باید تلاش کنیم که کشورمان فقیر نماند».
- نخبه، هم در دنیا مسئولیت دارد و هم در آخرت. این خیلی مهم است که سختکوشی در افراد توانمندتر بیشتر باشد.



ره صد ساله را نمی‌شود یک‌شبه از راه درست رفت!



گفتگو با آقای مهندس سعید صادقی‌پور وجدی

دانش‌آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۶۳

مدیرعامل شرکت پکتوس

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و تولید تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری ویژه نایبانیان

تلفن: ۸۸۱۰۲۹۱-۲

Email: sadeghpour@pactos.ir

سخنان گزیده:

- از دوره راهنمایی تابستانها کار می‌کردم. دوره دانشگاه مسافرخشی و تدریس خصوصی، کار ثابتم بود! برای همین با کار کردن آشنا بودم.
- به شریف رفتن، خواندن و بیرون آمدن سخت است و صرفاً با «هوش» نمی‌شود آنجا رفت و با هوش نمی‌توان تمام کرد. پشتکار هم می‌خواهد.
- در شریف، دور و برم همه، بچه‌های خوش فکر، باهوش و با استعداد بودند.
- دانشگاه بیشترین کمک را به من کرد. همین طور البرز. معلمهای خوبی داشتم. ورزش برایم خیلی مفید بود. من محیط را مؤثر می‌دانم.
- دبیرستانهای نایبانیان به علت ضعف تجهیزات، فقط رشته علوم انسانی دارد. خارج از کشور این طوری نیست.
- آمار نایبانیان، هفت در هزار نفر است که علل مختلفی هم دارد و ربطی هم به عدم پیشرفت و جهان‌سومی بودن ندارد.
- تصادفات و بیماری‌ها در کشورهای توسعه‌یافته، مهمترین عامل نایبانی است.
- از سایت جام جهانی فوتبال، یک نایبنا شکایت کرده بود، کلی هم جریمه شدند! چون در بعضی از قسمتهای سایت، قابل دسترسی برای نایبانیان نبود.
- صرف این که کسی سر کار برود، «کارآفرینی» نیست. باید جهتدار و بهره‌ور باشد. خیلی از روشهای تجاری هست که اشتغال را کم کرده‌اند.
- فکر نمی‌کنم کارآفرینی با اشتغال رابطه داشته باشد. کارآفرینی یعنی روشهای جدید را راه‌اندازی کنند. راه‌اندازی کسب و کار، راه‌اندازی تجارت.
- کارآفرینی شرکت مایکروسافت فقط این نیست که پرسودترین شرکت دنیاست. کنار ویندوز، من هم دارم برنامه‌سازی می‌نویسم و می‌فروشم.
- در خیلی از کشورها این گونه تجهیزات نایبانیان تحت پوشش بیمه است چون، گران‌قیمتند، بدون حمایت بیمه افراد نایبنا قادر به خریداری آنها نیستند.
- چک برگشتی را نگاه نمی‌کنند که شما فارغ‌التحصیل دانشگاه شریف هستید یا کلی ثبت اختراع دارید!
- مشکل ما اختلاف دانشگاه و صنعت نیست. بلکه فرق گذاشتن بین خصوصی و دولتی است.
- در آلمان ظاهراً به این شکل است که دوره لیسانس ۶ سال است و نه فقط یک کارآموزی ۲۴۰ ساعتی. واقعاً بین تحصیلاتشان کار می‌کنند.
- خیلی از شرکتها قبل از این که تحصیل تمام شود، بورسیه می‌کنند و ارتباط را برقرار می‌کنند. این تناسب بازار کار با واحدهای تحصیلی است.
- سرمایه‌گذاری را قبل از این که فرد، فارغ‌التحصیل شود روی او انجام می‌دهند. برای خود شخص هم اشتغال بعد از تحصیلش بیمه شده است.
- وقتی که واحدهای درسی تناسب با بازار کار ندارد حالا چطور ما نیاز بازار کار را بیاوریم و وارد دانشگاه کنیم؟
- فکر می‌کنم اصلی‌ترین علت موفقیتیمان در پیشرفت علمی، همین بحث کار گروهی است. هم به آن اعتقاد و هم ایمان داشته‌ایم.
- صنایع معلولین و تجهیزات توانبخشی هم باید مثل خود معلولین مورد حمایت دولت باشد.
- کتابی بود درباره ۵۰ مدیر موفق در امریکا. برایم مهم بود که مدیر موفق را چه جوری انتخاب کرده‌اند؟ ... از روی حقوق سالیانه آنها!
- هر سه نفر سهامدار شرکت پکتوس فارغ‌التحصیل دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف هستند.
- راه‌اندازی کسب و کار، ایده جدید و تجاری کردن، همه اینها همان کسب و کار جدید است که به نظر من ترجمه کارآفرینی باید همان باشد.



کارآفرین، باید به سمت کارهایی برود که علاوه بر خود، برای طرف مقابل هم ارزش افزوده ایجاد کند.



گفتگو با آقای مهندس امین صارمی

دانش آموخته مهندسی کامپیوتر، ورودی ۱۳۷۸

مدیرعامل شرکت پشتیبان تصمیم مدیران

زمینه فعالیت:

نرم افزار، سخت افزار، مکانیزاسیون، راه‌حلهای مدیریت و صنایع

تلفن: ۰۸۰۱۲۷۲ و ۶۶۰۸۲۳۱۸ ۶۶۱۹۲۱۶۴ ۶۶۱۹۲۱۶۳

Email: ptmcom.com@gmail.com

سخنان گزیده:

- حتی قبل از ورود به دانشگاه خیلی علاقه‌مند بودم که کسب و کار خودم را داشته باشم.
- در یک شرکت قرار نیست که همه کارها را یک نفر یا یک گروه انجام دهند و پیدا کردن نیروهای خارجی و مدیریت آن پروژه باعث تجربه خوبی شد.
- شاید فرهنگ ما به صورتی نیست که قادر باشیم به صورت گروهی کار کنیم. البته این به بینش افراد هم بستگی دارد.
- کسانی که می‌خواهند در یک کسب‌وکار با هم شراکت داشته باشند باید شخصیت‌هایی مشابه داشته باشند و از همان ابتدا حد و مرزها را مشخص کنند.
- کارآفرین باید یک سری خصوصیات داشته باشد که مهم‌ترین خصوصیت این است که باید گذشت زیادی داشته باشد.
- اصلاً نیاز نیست که یک کارآفرین، تحصیلات آکادمیک سطح بالا داشته باشد و ممکن است فردی حتی بی‌سواد باشد ولی خیلی موفق باشد.
- داشتن روحیه کارآفرینی داشتن بسیار مهم‌تر است. چون دانش لازم در حین انجام کار کسب خواهد شد.
- کسی که روحیه و جدیت دارد و سخت‌کوش است قادر است دانش را به دست بیاورد. چون اکتسابی است. از دیگر ویژگی‌ها داشتن صبر است.
- ما هدف درازمدت را بیشتر مد نظر قرار داده‌ایم تا اهداف لحظه‌ای و اصلاً قرارمان به این صورت بود که درآمد کارمان را صرف خود کار کنیم.
- فرد باید اعتقاد و اعتماد به نفس داشته باشد که حتماً موفق خواهد شد. فردی که فقط به فکر منافع شخصی باشد موفق نخواهد بود.
- کارآفرینان افرادی مولدند. اگر امروز همه چیزش را از او بگیرند مدتی بعد دوباره به همه چیز خواهد رسید و شاید از امروز هم جلوتر برود.
- اگر دانشگاه به شرکت‌هایی از این دست که عموماً هم دانشجویان فارغ‌التحصیل شریف هستند کمک کند بحث فرار مغزها هم کمتر می‌شود.
- با وجود این که انسان موجودی اجتماعی است این طور به نظر می‌رسد که ایرانی‌ها تک‌تک بودن را ترجیح می‌دهند.
- اگر هر کس صبر بیشتری داشته باشد همه موفق‌ترند و این صبر به معنای فداکاری نیست.
- ما به عنوان کارآفرین انتظار خاصی نباید داشته باشیم، چون زحمت می‌کشیم و در نهایت نتیجه آن را می‌بینیم.
- شرکت‌های کارآفرین شناسایی شوند که مالیات ندهند. اگر مشوق‌ها باشد و معافیت‌هایی به برخی شرکت‌ها بدهند بهتر است.
- یک استاد می‌تواند یک پروژه را بین دانشجویان موفق تقسیم کند و فرهنگ کارآفرینی را ترویج کند. در این صورت او هم کارآفرین است.
- وقتی یک پروژه صنعت از سوی دانشگاه گرفته می‌شود دانشگاه هزینه سربار اولیه‌ای را بر می‌دارد و بقیه را به یک استاد یا شرکت می‌دهد.



«کارآفرینی» یکی از بالاترین جلوه‌های خدمت به مردم است.



گفتگو با آقای مهندس مصطفی صفری

دانش‌آموخته مهندسی مواد و متالورژی، ورودی ۱۳۷۶

مدیرعامل شرکت بهینه‌سازان صنعت تأسیسات

زمینه فعالیت شرکت:

مدیریت انرژی و خدمات مهندسی

تلفن: ۲ - ۶۶۵۷۵۹۸۰

Email: safari@behineh-sazan.ir

سخنان گزیده:

- خود کارخانه‌ها معمولاً مشکلاتشان را می‌دانند. فقط باید اینها را ترغیب کنید که بروند و مشکلاتشان را حل بکنند.
- قیمت برای دولت خیلی معنای خاصی ندارد. بخشنامه‌ها خیلی مؤثرترند.
- در حوزه انرژی مفاهیم مختلفی هست: ممیزی انرژی، بازرسی، استاندارد، مدیریت انرژی، اجرای راهکارهای صرفه‌جویی انرژی و ...
- هر کس بتواند در هر عرصه‌ای یک ارزش جدیدی ایجاد بکند می‌شود به او گفت کارآفرین. چون ایجاد ارزش قاعدتاً به دنبال کار هم خواهد داشت.
- وقتی شما یک خدمتی را ارائه می‌دهید یک زمینه‌ای را فراهم می‌کنید. حتماً موفقیت مالی هم خواهید داشت.
- مهم‌ترین چیزی که باعث می‌شود یک فرد، کارآفرین بشود یا در کارآفرینی موفق باشد نیت است. یعنی نیت اولین شرط است.
- «هوشمندی» عاملی است که در انتخاب راه و انتخاب همکاران نزدیک خودش را نشان می‌دهد.
- بازار به هر حال قواعدی دارد که شما هر چه کیفیت کارت بالاتر باشد طبیعتاً باید جلوتر بیفتی. این قواعد را دولت نباید به هم بزند.
- در جاهایی که دولت باید ارزیابی بکند و به شرکتها رتبه بدهد، گرید یا گواهینامه بدهد، در این موارد واقعاً باید عدالت را رعایت بکند.
- در همه جای دنیا روی مصرف انرژی ساختمانها یک نوعی کنترل هست ولی در اینجا نیست.
- مشکل ما در حوزه‌ای است که در سیاستگذاری‌ها هم خود دولت کندی نشان می‌دهد یا در اعمال آن سیاستها.
- من همیشه این حرف را می‌زنم که خیلی بهتر است که آدم با دوستانش همکار بشود تا این که مجبور شود با همکاراش دوست بشود!
- تا مادامی که پیوند دوستی باشد ما ممکن است تا مرز سقوط هم برویم ولی هیچ‌وقت سقوط نمی‌کنیم.
- دوستی کجا می‌تواند نقطه ضعف باشد؟ زمانی که شما چشمتان را بر روی اصول کار بیندید.
- باید شرکت مأموریتش را تعریف کند و ببیند واقعاً برای چه کاری ساخته شده و دنبال چیست؟ به اهدافش که بتواند نزدیک بشود طبعاً موفق‌تر است.
- برای رفتن هزار و یک دلیل می‌شود گفت. یعنی این قدر بدیهی است که نخواهیم چیزی بگوییم. اما برای ماندن خیلی سخت می‌شود دلیل گیر آورد!
- اولین کار باید این باشد که بهترین سرویس را ارائه بدهیم. بهترین نوع تبلیغ، کار خوب است.



کارآفرینها کلیدهای توسعه هر جامعه هستند.



آقای دکتر محمد طباطبایی

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۵۴

مدیرعامل مرکز توسعه فناوری نیرو

زمینه فعالیت شرکت:

امور مهندسی در صنعت برق و انرژی

تلفن: ۰۹۱۲۱۱۱۱۳۳۷ و ۸۸۵۸۰۳۶۴-۵

Email: radtaba@yahoo.com

سخن گزیده:

- کارآفرین شخصی است که توانایی خلق ایده دارد. ایده‌های خوب می‌دهد و با جسارت و پایداری به دنبال عملی نمودن ایده‌هایش می‌رود.
- کارآفرین فضای فعالیت را خوب می‌شناسد و می‌کوشد با کمک گرفتن مناسب از دیگران ایده‌هایش را تبدیل به فعالیت اقتصادی نماید.
- می‌توان گروه‌هایی که هر یک از افراد آن بخشی از ویژگی‌های فرد کارآفرین را دارند تشکیل داد.
- کارآفرینی ریسک هم دارد. از آنجا که معمولاً همه ویژگی‌ها در وجود یک نفر جمع نمی‌شود، شانس موفقیت گروه کارآفرین خیلی زیاد می‌شود.
- دولت باید فضای لازم برای توسعه گروه‌های کارآفرین را ایجاد کند و از آنها حمایت کند. مثلاً سرمایه‌های ریسک‌پذیر در اختیار ایشان قرار دهد.
- عمده‌ترین مشکلات بر سر راه توسعه کشور ما، عدم استفاده از مغزها، به‌کارگیری افراد ناوارد و ضعیف در مسئولیتها و از دست دادن فرصتهاست.
- ای‌کاش می‌شد با سازوکاری از مغزها بیشتر و بهتر استفاده نمود که برای این کار نظریه‌ای دارم که تحت عنوان «دکترین گپ» ارائه شده است.
- اگر فرصتها را بهتر می‌شناختیم و آسان از دست نمی‌دادیم، وضع و حال بسیار بهتری در کشور ما به وجود می‌آمد.
- کارآفرین شخصی است که توانایی خلق ایده دارد، ایده‌های خوب می‌دهد و با جسارت و پایداری به دنبال عملی نمودن ایده‌هایش می‌رود.
- دانشگاه و صنعت هر دو وارداتی هستند و متأسفانه به صورتی که در کشورهای پیشرفته نهادینه شده و در شبکه توسعه فناوری، نقش و رسالت جدی برای آنها تعریف شده است، در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته‌اند.
- بخشی از این نابسامانی را ناشی از رانت بزرگ نفت می‌دانم که باعث رخوت و سستی شده است و نتیجتاً هیچ یک از عوامل اصلی توسعه مانند صنعت و دانشگاه، نقش خود را به درستی ایفا نمی‌کنند.
- صنعت باید صنعتی پویا، علمی و رقابت‌پذیر در سطح دنیا باشد تا به دنبال مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی برود و به درستی از توانشان استفاده کند.
- صنعتی که به عنوان واسطه تولید برای داخل طراحی شود و محصولات آن عقب‌مانده، ضدتوسعه پایدار و غیررقابتی باشد، به چه دلیل باید از دانشگاه و مراکز علمی و تحقیقاتی استفاده کند؟
- یکی از مشکلات ارتباط صنعت و دانشگاه، هم‌زمان نبودن آنهاست.



کارآفرین با روحیه و توانمندی خاصی که حاصل لطف خداوند و تجربیات اکتسابی اوست مسئولیتهای بیشتری را در جامعه به طور داوطلبانه می پذیرد.



گفتگو با آقای مهندس محمد مهدی طوفانی نژاد

دانش آموخته مهندسی مواد و متالورژی، ورودی ۱۳۴۹

مدیرعامل گروه مهندسی سدید

زمینه فعالیت شرکت:

تولید تأمین لوله های قطور فولادی اسپیرال برای انتقال آب، نفت و گاز

تلفن: ۵۵۲۴۱۰۲۱ و ۸۸۸۷۰۶۲۸ و ۹۰-۸۸۷۸۸۱۸۹

Email: info@sadidpipe.com

سخنان گزیده:

- در صورت داشتن خصوصیت مهم شجاعت، در فضای کسب و کار می تواند حضور یابد و از فرصتها استفاده و یا تهدیدها را به فرصت تبدیل کند.
- به طور قطع امکانات مالی یا عدم وجود این امکانات در مورد من نقش جدی و مهمی را نداشته است.
- همه افراد موجود در یک جامعه از خصوصیات ذکر شده در یک فرد کارآفرین برخوردار نیستند.
- یک کارآفرین با ایجاد امکانات و الزامات و فرایندهایی که منجر به تولید یا ارائه خدمات می شود، نیازمند عواملی است که وی را یاری دهند.
- به طور طبیعی اشتغالزایی، یکی از اثرات فعالیتهای یک فرد کارآفرین است و هر یک از این افراد با توجه به توانمندی خود نقشی را بازی می کنند.
- تولید ثروت نیز یکی از نتایج عملکرد یک کارآفرین است، بنابراین با ثروت تولید شده، خدمات اجتماعی شایسته ای را می تواند انجام دهد.
- بهترین چیزی که برای تکریم یک کارآفرین در یک جامعه می تواند مطرح شود، استفاده از امکاناتی است که یک کارآفرین ایجاد می نماید.
- معمولاً نیازهای مالی یک کارآفرین در جهت رفع تمایلات شخصی او استفاده نمی شود بلکه در جهت توسعه فعالیتهای او به کار گرفته خواهد شد.
- ایجاد فضایی که یک کارآفرین بتواند با دغدغه کمتر به دنبال اهداف علمی، صنعتی و اجتماعی خود باشد یکی از ضروریات است.
- نکته دیگری که باید مورد نظر قرار گیرد، تمایل کارآفرینان به انتقال تجربیات و خصوصیات خود به سایر افراد جامعه است.
- می باید امکاناتی در یک جامعه توسعه یافته وجود داشته باشد که کارآفرینان به راحتی دستاوردهای خود را به دیگر علاقه مندان منتقل سازند.
- کارآفرینان همواره در حال مبارزه با فشارهایی هستند که از محیط و به دلیل عدم وجود قوانین حمایتی و فضای مناسب کسب و کار وارد می شود.
- برای تبیین نقش حمایتی دولت از کارآفرینان می توان از کشورهای توسعه یافته و با رعایت فرهنگ بومی کشور خودمان الگوسازی کرد.
- یک کارآفرین معمولاً چشم و گوش قوی دارد و از آخرین تحولات فناوری در زمینه های مورد علاقه خودش با خبر می شود.
- یک کارآفرین به شدت مایل است که هرگونه نوآوری جدید یا فناوری مطرح را به کار گیرد و با ابداعات خودش باعث بومی شدن آن گردد.
- حسگرهای کارآفرین در قسمت مصرف جامعه حضور دارد، چون یکی از محلهایی که نیازهای جدید را مطرح می سازد بازار مصرف است.
- اگر فردی (نهادهی) به طور آگاهانه اهدافی را برای خود تعریف کند و در یک فرایند بهینه به آنها نایل شود، می تواند ادعا نماید که موفق بوده است.
- کارآفرینی، جوهر اولیه می خواهد و بعد از آن، شرایط محیطی است که اجازه رشد سریع به آن شخص را می دهد.



کارآفرینی را می‌توان نتیجه طبیعی و بدون تغییر غلبه نشاط حرکت بر لختی و سکون دانست.



گفتگو با آقای مهندس غلامرضا عالمی

دانش‌آموخته مهندسی متالورژی، ورودی ۱۳۶۴

رئیس هیئت مدیره شرکت سرو هیدرولیک پویا

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و ساخت سامانه‌های هیدرولیک و نیوماتیک و شیرهای سرو

تلفن: ۴۴۷۵۴۴۷۶

Email: reza8075@gmail.com

سخنان گزیده:

- توانستیم دومین شرکتی باشیم که در سطح کشور، موفق به اخذ گواهی صنایع نوین و دانش بنیان از وزارت صنایع و معادن می‌شود.
- فعالیتهای مستمر و خستگی‌ناپذیر همکاران سبب شد تا عنوان کارآفرین برتر بخش صنعت در جشنواره کارآفرینی سال ۱۳۸۹ را کسب کنیم.
- نیروهای جوان و نخبه دانشگاهی، مسئولیت شرکتهای تخصصی جدید را به عهده گرفتند و به صورت مستقل، مشق مدیریت و شرکت‌داری کردند.
- نیروهای پرتوان‌تر ما که از ما مستقل شدند، در بعضی موارد از ما پیشی گرفتند.
- ما افتخار می‌کنیم و لذت می‌بریم که نیروهای جوان در قالب گروههای جدید کاری و تخصصی‌تر، کار کنند و به ما خدمات هم بدهند.
- دوست دارم تجربیاتم را در اختیار جوان‌ترها بگذارم. «دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم تا دیگران بخورند».
- بزرگترها از این که کار را به نیروهای جوان‌تر و خوب و نخبه بسپارند نگران نباشند و نترسند.
- کارآفرینی ترکیبی از سه عامل و عنصر اصلی است: خلاقیت و توانایی ایجاد ارزش نو، لحاظ نمودن مخاطرات و تلاش و کوشش همراه با تعهد.
- کارآفرینی یعنی در سر داشتن آرزوی آن چیزی که امروز نیست، ولی فردا می‌تواند باشد. کارآفرینی یعنی اندیشیدن به چیزی که دیگران نمی‌اندیشند.
- کارآفرین کسی است که علاوه بر داشتن قدرت ریسک بالا، از قابلیت خطرپذیری مناسبی نیز برخوردار باشد.
- در جمع همکاران شرکت خودمان، این باور را در پرسنل به وجود آورده‌ایم که «می‌توانند» و این جزو شرایط اصلی و فازهای اولیه کارآفرینی است.
- غربی‌ها حتی فکرش را نمی‌کردند که در خاورمیانه کشوری بتواند قد علم کند و خود باوری را به تمام لایه‌های جامعه تزریق نماید.
- من به خودباوری و این که «می‌توانیم» باور دارم. کاریزما و حکومت به قلوب را کارآفرینی می‌داند.
- با ایجاد بستر مناسب و تعریف پروژه‌های ناب و به کار گیری نیروهای متخصص و فارغ‌التحصیلان برتر، از خروج این سرمایه‌ها از کشور جلوگیری کرده‌ایم.
- باید اعتراف کنم در برخی موارد هم بد عمل کرده‌ایم و این باعث جدایی برخی افراد از ما شد. چون وعده‌هایی دادیم که محقق نشد.
- اصلاً فکر نمی‌کردم که شرکت ما روزی به عنوان کارآفرین برتر، آن هم رتبه اول بخش صنعت، شناخته بشود!
- باید بگویم من خودم را آدم موفق نمی‌دانم! چرا که نقطه توقفی برای این مسیر، قائل نیستم.
- انسان، زمانی موفق است که از کاری که انجام داده راضی باشد و کار انجام شده نیز مفید باشد، و مهم باطن افراد است.



همیشه در زمان تحصیل کار می کردم.



گفتگو با آقای مهندس غلامرضا عسگری

دانش آموخته مهندسی عمران، ورودی ۱۳۵۴

مدیرعامل شرکت سازه دژ

زمینه فعالیت شرکت:

مجری پروژه های ساختمانی

تلفن: ۲۲۳۶۹۹۶۱-۲

Email: info@sazedej.com

سخنان گزیده:

- از همان اول، کار کردن را دوست داشتم. کار کردن یعنی مرد عمل بودن به جای مرد حرف و هنوز هم که هنوز است دوست دارم نصف روز را در کارگاه بروم.
- مملکت موقعی ساخته می شود که کار کنیم و اگر فقط تئوری باشد به درد نمی خورد. کار کردن بدون تئوری هم زیاد جالب نیست و پیشرفت نمی کنیم.
- در زمانی که همه چیز دارد خوب کار می کند که مدیر بودن کار سختی نیست! باید در هنگام بروز مشکلات، خودت را نبازی و امور را مدیریت کنی.
- من اصلاً با استخدام شدن در جایی مخالف هستم!
- ما بهترین مهندسان را داریم، بهترین شرکتها را داریم و بهترین تجربه موجود است. اما وسیله نداریم، یعنی فناوری ساخت ما بسیار عقب افتاده است.
- فناوری ساخت یک طرف قضیه است و شاید فقط ۳۰ یا ۴۰ درصد کار ما فناوری ساخت است. بقیه آن فرهنگ و آموزش افراد و پرسنل است که بتوانند کار بکنند.
- در رشته عمران که از قدیمی ترین رشته های مهندسی در ایران است، مهندسهایی خوبی داریم، ولی متأسفانه در این ۱۰ سال آخر، بیشتر آنها رفته اند یا دارند می روند.
- ۷۰ شرکت مهندسی مشاور از بهترین مهندسان ما با تجربه های خیلی بالا منحل شده اند. یعنی در کار دیگری رفته اند یا بازنشست شده اند و یا رفته اند و تاجر شده اند!
- شرکتهای پیمانکاری و مشاور می توانند بهتر از چاههای نفت ما باشند، دارند عملاً از گردونه خارج می شوند.
- کارفرما در زمان ابلاغ کار، تمام بودجه اش باید صد درصد تعیین بشود، یعنی منابش مشخص بشود که کارفرما بداند که این پول را از کجا دارد به پیمانکار می دهد.
- همین چرخ صنایع هم که دارد می چرخد به نوعی وابسته به بخش ساختمان هستند که دارد خوب می چرخد.
- یک شرکت ساختمانی تنها نمی تواند بلند شود و برود در یک مملکت بیگانه برای خودش کار کند. آنجا همه می گویند ضمانت نامه بده! من چه باید بدهم؟
- مملکتی موقعی ساخته می شود که «کار» کنیم. به حرف نیست، شما بهترین دانشمندان دنیا هم باشید ولی حرفتان به عمل تبدیل نشود یعنی اصلاً کاری نکرده اید!
- اگر شما ۵۰۰ تا کتاب و مقاله هم بدهید ولی هیچ کدام عمل نشود به درد نمی خورد. خارجی ها این تئوری ها را در کارخانجات و شرکتهایشان تبدیل به عمل می کنند.
- اگر کاری را به ۸۰ درصد برسانند و ولش کنند از نظر من کاری نکرده اند. کسی کار را انجام می دهد که صد درصدش را انجام بدهد.
- حتماً هم نباید چند نفر با هم شریک بشوند. یکی از دلایل انحلال شرکتهای این است که آدمها نمی توانند با هم کار کنند.
- دنیای کار به صورتی است که اگر کسی منفعتی داشته باشد می دود! اصلاً گروههای پیمانکاری بر اساس این واقعیت چیده شده اند.
- پسر را به کارگاهمان فرستادم. بعد از یک هفته بیرونش کردند! برگشت خانه و هر کاری کرد گفتم برو دوباره تقاضای کار بده، من اصلاً نمی توانم برایت کاری کنم!
- به نظام مدیریتی از بالا به پایین معتقدم. مثل حالت نظامی می ماند، یک سرهنگی مستقیم نمی رود با یک سربازی صحبت کند و باید سلسله مراتب را حفظ کند.
- با دل و جان کار می کردم. کار که به من می دادند تمامی نداشت، یعنی به سرعت که یک کاری را تمام می کردم می رفتم سراغ یکی دیگر و همیشه جویای کار بودم.
- اگر این مملکت بخواهد آباد بشود باید به دست بچه های تحصیل کرده اش آباد بشود.



کارآفرین باید یک کاری را زودتر توسعه بدهد.



گفتگو با آقای مهندس احمد عطار

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۴۵
مدیرعامل شرکت مهندسان مشاور ناموران

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی مشاور، EPC

تلفن: ۲۲۳۳۱۶۱۷

Email: a.attar@namvaran.com

سخنان گزیده:

- ما که به عنوان کارآفرین تلقی می‌شویم، روز اولی که شروع کردیم اصلاً نمی‌دانستیم که کارآفرینی چیست؟
- این فرهنگ هنوز برای همه ما جا نیفتاده است که کارآفرینی یعنی چه؟ به چه شکلی باید جلو رفت تا یک کارآفرینی به وجود بیاید؟
- آنهایی که از نظر درسی در سطح متوسطی بودند، کارآفرینان بهتری شده‌اند تا آنهایی که خیلی عالی بودند!
- کارآفرین باید یک سری مشخصه‌هایی داشته باشد مثل «گذشت»، «حس همکاری» و اگر «تیم» نباشد کار انجام نمی‌شود.
- گروهی که با هم کار می‌کنند قبول داشته باشند چه مثبت و چه منفی «کار جمع بوده است» نه این که اگر مثبت بود فقط من بودم.
- ما باید قبول داشته باشیم که به عنوان کارآفرین یک عده‌ای را برای کمک بیاوریم و از اول طی بکنیم.
- اگر یک چیزی را من بتوانم یاد بگیرم، دیگران هم می‌توانند یاد بگیرند. دلیل ندارد که قایم کنیم. من چیزی را برای خودم نگه نمی‌دارم.
- کارآفرین نباید فقط یک کار جدید انجام دهد. نه! بلکه باید یک کاری را زودتر توسعه بدهد. نوآوری هم می‌خواهد.
- کارآفرینی از نگاه مدیریتی یعنی که من باید چه جوری کار را انجام بدهم که آن تیمی که با من کار می‌کنند با من همراه باشند.
- یکی از مسائل بسیار مهم در زمینه کارآفرینی، بعد از این که کار به وجود آمد «نگهداری از آن تیم» است.
- آنهایی که از دانشگاه‌های سطح پایین‌تر به شرکت ما می‌آیند خیلی بهتر و راحت‌تر کار می‌کنند و بیشتر می‌مانند.
- چون سطح هوش فارغ‌التحصیلان شریف بالاتر است آنها باید بهتر کار کنند. در صورتی که این طور نیست!
- ما که اختراع نمی‌کنیم! اجرا می‌کنیم. نمی‌دانم چطور می‌شود به بچه‌ها گفت که این طوری فکر نکنید، خلاصه حرف‌گوش‌کن شوید!
- هر وقت که ما تحریم شویم یا فشار را از بیرون به ما وارد کنند، کارآفرینی خواهد شد!
- ما ثابت کردیم که می‌توانیم کار انجام دهیم؛ با توجه به مشکلاتی که از قبل داشتیم، کارها را انجام داده‌ایم.
- همیشه وقتی شما برای اولین بار یک کاری را انجام می‌دهی، در آن ریسک هست.
- در شرکت‌های نو باید یک بخش R&D داشته باشیم. این بخش یعنی هزینه و در همه دنیا دولتها هستند که باید کمک کنند.
- تغییرات خیلی زیادی در قوانین داریم و بسیار هم شفاف نیستند که همه یک برداشت داشته باشند.
- در این شرکت، مدیران ما همیشه خودشان درگیر کار بوده‌اند و این یک «تقویت روحیه برای تیم» بوده است.
- در همه جای دنیا به جای این که بیایند جبر و مثلثات درس بدهند، کار گروهی یاد می‌دهند. از بچه دبستانی شروع می‌کنند به آموزش.
- من آدم خارق‌العاده نمی‌خواهم. یک سری آدم معمولی ولی «اجتماعی» می‌خواهم!
- در ایران همیشه سعی می‌کنیم که «قهرمان» درست کنیم و اینجا اختلاف به وجود می‌آید و در نتیجه نمی‌توانیم «تیمی» کار کنیم.
- از سال سوم دانشگاه یک سری از دانشجویها بیایند اینجا و کار کنند و با سازمان شرکت‌های شبیه ما آشنا شوند و دید پیدا کنند.
- باید انگیزه «ملی» به وجود آورد. وقتی انگیزه ملی باشد، دیگر مهم نیست در بخش دولتی یا خصوصی باشیم. انگیزه ما را جلو می‌برد.
- ۳۰ سال طول کشیده است تا الان شرکت‌هایی مثل شرکت ما به وجود آمده‌اند و اینها برای خودشان نیستند، بلکه سرمایه ملی هستند.
- شرکت‌هایی که سرمایه ملی هستند، باید حفظشان کرد. حالا نصف آن دولتی یا خصوصی است، فرقی نمی‌کند. در این مملکت واقع شده است.



سرمایه واحدهای کوچک، سرمایه ملی است.



گفتگو با آقای مهندس سید جلال عفیف

دانش آموخته مهندسی شیمی، ورودی ۱۳۴۷

رئیس دانشکده صنعت غذای هشتگرد

زمینه فعالیت:

دانشگاه جامع علمی- کاربردی

تلفن: ۰۲۶۲ - ۴۲۲۲۲۹۲ و ۴۲۲۸۱۶۰

Email: s_j_afif@yahoo.com

سخنان گزیده:

- ایران جزو ۱۰ کشور استثنایی اول دنیا در صنایع غذایی است. چون هر کشوری ۴ فصل آب و هوایی را همزمان ندارد.
- غذا می‌تواند حتی بهتر از نفت ایران را اداره کند. منتهی از این پتانسیل هیچ استفاده‌ای نمی‌شود! در سالهای اخیر فعالیت خوبی در زمینه غذا شده و ادامه دارد.
- ما صنایع تبدیلی‌مان و نیز مدیریتمان ضعیف است ولی من در جاهایی که حس کرده‌ام کم مفید بوده‌ام، مأیوس نشده‌ام.
- امیدوارم که بتوانیم صنایع غذایی را طوری به پیش ببریم که طبق هدفی که داریم که بتواند جای نفت را بگیرد.
- در مملکت ما یک سری جریانهایی هست که کار و کارآفرینی را تضعیف می‌کند که واسطه‌گری و دلالتی است.
- سیاست اقتصادی مملکت ما بر مبنای تجارت سنتی گذاشته شده است. مملکت را دولتها نمی‌چرخانند. ۱۵۰ نفر تاجر عمده‌ای که در مملکت هستند می‌چرخانند.
- کارآفرینی، جغرافیایی و منطقه‌ای است، یعنی تعریف واحدی از آن نمی‌توانیم داشته باشیم. ممکن است یک نفری در ایران کارآفرین باشد و در فرانسه نتواند.
- در جامعه، دهها جریان تضعیف‌کننده کارآفرینی وجود دارد و در این جامعه با این شرایط موجود و با این قوانین، به جوهر کار اهمیت داده نمی‌شود و تحقیر می‌شود.
- اگر تولید باشد اشتغال و ارزش هست. اگر تولید نباشد و تجارت سنتی و انحصاری باشد آن وقت فقط جیب یک نفر پر می‌شود و عدالت اجتماعی برقرار نمی‌شود.
- باید ببینیم کشورهای پیشرفته صنایع تبدیلی و تکمیلی‌شان چیست که محصول کشاورزی را به یک محصول دیگر تبدیل می‌کند؟
- در کشورهای خارج هر کس در یک شرکت، به نظر جمع اهمیت می‌دهد، اما اینجا هر کسی می‌خواهد نظر خودش را اعمال کند!
- شریفی‌ها دوست دارند تکی کار کنند. دلیلش هم این است که فارغ‌التحصیل شریف، خودش را یک سر و گردن بالاتر می‌داند.
- در دنیای متری و پیشرفته توصیه به این است که باید کار تیمی و گروهی باشد. پروفیسور رضا چهل سال پیش توصیه کرد کار تیمی بکنید.
- اگر ایرانی تنبل است زمینه دارد، چون همین ایرانی در امریکا این قدر رشد می‌کند. این ایرانی می‌رود در ناسا و ... چرا در جاهای دیگر رشد می‌کند؟
- صنعتگر باید هم تجربیاتش را منتقل کند و هم نقاط ضعفش را به دانشگاه بگوید ولی دانشگاهی‌ها نه تجربیات را می‌پذیرند و نه آن ضعف را می‌شنوند!
- دانشگاه انتقال تجربه را نمی‌پذیرد چون مثلاً یک دکتری که ۳۰ سال استاد بوده است نمی‌آید از شاگردش در صنعت که فقط یک لیسانس دارد چیزی یاد بگیرد.
- از خارج دیکته می‌شود که روی این ۲ هزار موضوع کار کنید و اینها تحقیقات دوره دکترای دانشجویان ما می‌شود.
- معیار دانشمند بودن در ایران شده است این که چند مقاله چاپ کرده باشم! معیار باید این باشد که فرد دانشگاهی ۲ تا مسئله صنعت را حل کرده باشد.
- دانشگاه جامع ۱۵ سال است که دایر است ولی یک بار هم به این مسئله فکر نکرده‌اند که اینجا که دانشگاه علمی و کاربردی است اصلاً کاربردی نیست!
- من از آرایشی و بهداشتی نرفته‌ام به نساجی! اما این که ما از یک رشته‌ای به یک رشته دیگر که بستر یکسان ندارند برویم عمرمان و تجربه‌مان را هدر داده‌ایم.
- الان در دنیا حرف اول را نیروی انسانی می‌زند. آلمان غیر از نیروی انسانی هیچ ندارد. ما باید این نیروی انسانی را درست بکنیم.



می گفتند اگر برگردی ایران، پشیمان می شوی!



گفتگو با آقای دکتر محمدرضا غروی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ارشد ۷۱

مدیرعامل شرکت پترو ساخت چلستون

زمینه فعالیت شرکت:

انجام پروژه‌های EPC در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

تلفن: ۸۸۲۰۰۴۳۳

Email: mr.gharavi@petrosakht.com

سخنان گزیده:

- اینجا مشکلات زیادی هست. گاهی آدم از بعضی چیزها ناامید می‌شود. ولی برآیند اینها طوری نبود که از برگشتن پشیمان باشم.
- تحریم گرچه در بسیاری جاها فرصت ایجاد کرده ولی در خیلی از موارد هم جلوی پیشرفت خیلی از زمینه‌های صنعت را هم گرفته است.
- کسی در بخش Hi-tech سرمایه‌گذاری می‌کند ولی احتمالاً اتفاقی که می‌افتد این است که به خاطر یک قطعه، کل کارش لنگ می‌ماند.
- صنعتی کردن طرح Hi tech با توجه به محدودیت بازار مصرف در ایران مستلزم دستیابی به بازارهای جهانی است تا توجیه اقتصادی داشته باشد.
- در شرایط موجود، امکان جهانی کردن محصولات Hi-tech تولید داخلی وجود ندارد و به همین خاطر سرمایه‌گذاری در این بخش رشد مناسبی نداشته است.
- در زمینه EPC خیلی پیشرفت کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که این توانایی را داریم که پروژه‌ای را در یک کشور اروپای شرقی انجام بدهیم.
- در زمینه R&D نظر من این است که ما باید به عنوان لیسانس‌دهنده در دنیا نقش آفرینی کنیم، اصلاً همین الان ما داریم دانش فنی را می‌فروشیم.
- اگر بخواهیم جهانی فکر کنیم، نوع ارتباطات خیلی مهم است. ما با دو تا از کشورهای پیشرو در فناوری، ارتباط برقرار کرده‌ایم تا در مسائل R&D همکاری کنیم.
- برای تولید دانش فنی، اولویت را ارتباط با دانشگاه‌های کشور نگذاشته‌ایم، چون خواستیم که به شرکت‌هایی وصل بشویم که تجارب عملی به همراه دانش فنی دارند.
- اعتقاد دارم که تحقیقات، خیلی مهم است. شاید خیلی از صنعتگران ما این اعتقاد را ندارند ولی قطعاً اگر تحقیقات نباشد تقریباً می‌شود گفت رشد، خطی خواهد بود.
- در سالهایی که در شریف بودم می‌دیدم که اصلاً این پروژه‌ها به لحاظ اجرایی در کشور، پروژه‌های واقعی نیستند! این پروژه‌ها زائیده ذهن استادان است.
- در امریکا بحث مقاله برایشان اصلاً اهمیت ندارد و یا خیلی کم‌اهمیت است. ممکن هست خیلی راحت پنج تا مقاله در بیاید و شاید هم اصلاً در نیاید.
- در ایران صنعتگران نیاز به انجام تحقیقات پایه‌ای و بنیادی که نیازمند استفاده از دانشگاه‌ها و یا شرکت‌های فعال در زمینه کارهای تحقیقاتی باشند نمی‌بینند.
- در ایران خیلی‌ها ریسک را نمی‌پذیرند ولی تفکر غالب در کشورهای پیشرفته این است که معمولاً ریسک می‌کنند.
- کارهای بدون ریسک اصلاً شما را بارز و مشخص نمی‌کند. ولی مثلاً یک پروژه R&D می‌تواند یک شبه شما را از فرش به عرش برساند.
- ما مراجع دولتی‌مان باید ارتباط قوی با جامعه دانشگاهی داشته باشند. ولی الان متأسفانه این طور نیست.
- شاید اگر حلقه مفقوده‌ای را در ارتباط دانشگاه و صنعت متصور شویم، می‌باید آن را در اعتماد مدیران به کارهای تحقیقاتی و زیربنایی جستجو کرد.
- در کشورهای غربی از دوره ابتدایی به دانش‌آموز یاد می‌دهند که کارهای گروهی را انجام بدهند و این که مرتب از کارشان ایراد نمی‌گیرند و مرتب اصلاح نمی‌کنند!
- در فرهنگ ما فردسالاری هست. یعنی هر کسی سعی می‌کند خودش را بالا بکشد. این نقطه منفی فرهنگ ماست. حداقل ما نیامده‌ایم فرهنگ‌سازی بکنیم.
- کسی موفق هست که وقتی به عقب نگاه می‌کند احساس ندامت نمی‌کند و این که اثرات موفقیت من بر اطرافیان چقدر بوده است؟
- در جمع یک شرکت ما با یک عده در ارتباط هستیم که آنها هم در سرنوشت ما نقش دارند. پس موفقیت شخص هم فقط به صورت فردی قابل ارزیابی نیست.
- کسی موفق به حساب می‌آید که به غیر از خودش، افرادی که با او در تعامل بوده‌اند و باعث پیشرفت او شده‌اند نیز احساس موفقیت کنند.
- شرکت می‌تواند با تحقیقات پایه‌ای رشدِ نمایی کند.



با روزی ۸ ساعت کار، نمی‌توان کارهای بزرگ را آغاز کرد!



گفتگو با آقای سید محمد باقر فاضلیان

دانش آموخته شیمی کاربردی، ورودی ۱۳۶۶

۱. معاون توسعه صنعتی گروه صنعتی گلرنگ
۲. رئیس هیئت مدیره شرکت پدیده شیمی نیلی
۳. رئیس هیئت مدیره شرکت تیان گاز استیل
۴. رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت پدیده شیمی پایدار

زمینه فعالیت شرکتها:

- ۱- شرکت سرمایه گذاری
- ۲- تولید مواد اولیه صنایع بهداشتی و پتروشیمی
- ۳- تولید تجهیزات آشپزخانه های صنعتی
- ۴- تولید انواع محصولات بهداشتی

تلفن: ۸۸۵۳۱۹۷۷ و ۸۸۷۹۴۳۹۲

Email: fazelian@padidehshimi.net

سخنان گزیده:

- مردم، طبقات و سلیقه‌های مختلف دارند و همیشه به دنبال کارهای نو هستند.
- یک کارآفرین قبل از هر چیز باید جرأت و جسارت شروع کردن را داشته باشد. شروع کار نصف کار است و صد البته ابتدای کار انرژی زیادی را می‌طلبد.
- یک کارآفرین قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را تا حدی دارد و می‌تواند حدود بازار را ببیند و توان استفاده از دیگران را نیز دارد.
- قلمعا یک کارآفرین به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و خوب می‌داند که همه چیز را همگان می‌دانند.
- فرد کارآفرین باید شخصیتی قابل اعتماد و دوست داشتنی داشته باشد تا افراد بزرگ از کار کردن با این فرد لذت ببرند.
- فرد کارآفرین خوب می‌داند که افراد بزرگ را چگونه جذب، چگونه حفظ و در کجا و چگونه استفاده نماید.
- فرد کارآفرین فضایی را برای کار میسر می‌کند که انسانها با کارشان زندگی کنند و لذت ببرند.
- همواره یک کارآفرین فراتر از دیگران می‌اندیشد و جامعه را خانواده خود می‌داند و عشق به وطن و همنوع از خصلتهای بارز این افراد است.
- کارآفرینان، خوب می‌دانند که مسئولیتی سنگین‌تر از دیگران بر دوش آنهاست و آنانند که باید موتور دیگران را نیز روشن کنند و به حرکت وا دارند.
- یکی دیگر از خصلتهای یک کارآفرین این است که خوب می‌داند که باید کار را به صورت تیمی پیش ببرد و از توان دیگران نیز استفاده نماید.
- چرا استادان راهنما باید فقط در تعیین و انتخاب واحد، دانشجو را کمک کنند و آیا این همه مسئولیت یک استاد راهنما نسبت به یک دانشجویست؟
- از یک دانشجوی جوان توقع نداشته باشیم که برای زندگی‌اش خوب برنامه‌ریزی کند و از سرمایه زندگی‌اش یعنی جوانی بالاترین بهره را ببرد.
- یک استاد راهنمای خوب در دانشگاه می‌تواند در این مهم، کمک بسیار بزرگی به دانشجویان جوان و سرمایه‌های مملکت بنماید.
- فارغ‌التحصیلان پزشکی به نسبت، موفق‌ترند زیرا از سال دوم یا سوم درگیر کارهای عملی می‌گردند، چرا این کار را برای سایر گرایشها نکنیم؟
- لازم است برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان، انگیزه‌هایی ایجاد شود تا رغبت بیشتری برای همکاری با دانشگاهها داشته باشند.
- ما امروزه می‌بینیم دانشگاه صنعتی شریف دانشگاه اثرگذاری است ولی با توجه به جذب نخبگان کشور، انتظار جامعه را برآورده نمی‌کند.
- در کشورهای پیشرفته دنیا دانشجو بخشی از هزینه زندگی‌اش را خودش در می‌آورد، ولی این مهم در کشور ما میسر نیست.
- در زندگی هر انسانی فرصتهایی پیش می‌آید که باید به موقع شکار شود، زیرا با از دست رفتن هر یک معلوم نیست که فرصتی دیگر پیش آید.
- هوشیار باشیم که تسلیم تهدیدها نشویم و بکوشیم آنها را به فرصت تبدیل نماییم. این کار شدنی است، زندگی بزرگان را مطالعه نمایید تا باور کنید.



به شدت با کار در زمان دانشجویی مخالفم!



گفتگو با آقای سید ولی‌الله فاطمی اردکانی

دانش‌آموخته مهندسی کامپیوتر، ورودی ۱۳۶۳

مدیرعامل شرکت توسن (کیش ویر)



زمینه فعالیت شرکت:

تولید و توسعه نرم‌افزارهای بانکی

تلفن: ۸۲۱۹۸۵۱۰ و ۸۲۱۹۸۰۰۰

Email: fatemi@tosan.com

سخنان گزیده:

- ما توانستیم کارهای جدیدی را شروع کنیم و به نتیجه برساییم و نشان دهیم که هر کاری که تصورش وجود داشته باشد قابل انجام هست.
- دانش طراحی نرم‌افزار بانکی قابل خرید و فروش نیست. ولی با خرید یک نرم‌افزار به‌روز و استفاده‌اش می‌توانیم دانش را افزایش بدهیم.
- اگر می‌خواهی دانش پیدا کنی، باید بروی و در آن تیپ کار کنی یا این که یک محصولی را بخری و از رویش، دانش آن را به دست بیاوری.
- انتخاب محیط بانکی برای ادامه کار، انتخابی هوشمندانه و یا کلاً انتخابی برای من نبود. من با توصیه و معرفی رفتم و در این زمینه شروع به کار کردم.
- در حوزه بانکی، هیچ مدیری نمی‌تواند ادعا کند که فناوری نرم‌افزار بانکی را باید از بیرون بیاوریم. فرق این صنعت این است که در این حوزه، ریسک خیلی بالاست.
- برنامه‌ام این بود که دانش ایرانی را می‌خواستم به رخ بکشم، میل من این بود که باید توان بچه‌های دانشگاه صنعتی را به این مدیرها نشان بدهم که اینها می‌توانند.
- در یک دوره دو هفته‌ای که در لندن داشتم، از نگاه تحقیرآمیز به ما، شبها گریه‌ام می‌گرفت. تو را تحقیر می‌کند و واژه مدیریت را هر شب برای تعریف می‌کند.
- اگر مدیرهای ما مسیرهای بهتری را می‌رفتند قطعاً می‌توانستند از همین جوانها و از همین استعدادها کلی بهره‌برداری بهتر بکنند.
- شاید یکی از دلایل اصلی موفقیت نسبی ما در این مسیر این است که ما در بخش خصوصی شروع کردیم، یعنی شاهد تغییرات مدیریتی نبودیم.
- در این چند سال جابه‌جایی مدیریتهای ما داشتیم کارمان را پیگیری می‌کردیم و این استمرار فعالیت بوده است که هر قدر هم که زمین خوردیم باز هم بلند شدیم.
- ما توانستیم از محل پیش‌پرداخت قرارداد با چک تضمینی خصوصی، یک پولی بگیریم و میز و کامپیوتر و صندلی و دفترمان را به راه بیندازیم.
- در کارآفرینی دو موضوع می‌تواند خیلی مهم باشد. یکی بحث ریسک، تصمیم یا نگاه آینده است و دیگری بحث ارزش نیروی کار و دوستان و همکاران جوان.
- حوزه اینترنت‌بانک خیلی به کاربردی شدن اینترنت در ایران کمک کرده است. به این که کاربرد داشته باشد و این، فرهنگ جامعه ایرانی را ارتقا داده است.
- همه زیرساخت‌ها برای بانکداری الکترونیکی فراهم هست، ما هنوز غرض‌افش را نداریم و باید شروع کنیم و تا اندازه‌ای هم کرده‌ایم!
- همیشه برای انجام یک کاری ۹۹ دلیل برای انجام ندادنش هست و فقط یک دلیل برای انجام دادنش. مهم است که ما چه جوری نگاه کنیم.
- در انتخابها مدیران ما همیشه برای صد انتخاب می‌کنند، ولی در اجرا برای ده تا جلو می‌آیند. ولی زمان انتخاب نمی‌گوید که من فعلاً برای ده تا می‌خواهم.
- برای من یک الگوی ذهنی وجود داشت که وظیفه من هست که به سهم خود و در حوزه تخصصی‌ام کشور را که در مسیر رشد است، کمک کنم.
- بچه‌های فارغ‌التحصیل دوره لیسانس و فوق لیسانس نرم‌افزار در ایران اصلاً تجربه طراحی در مقیاس بزرگ را نداشتند و هنوز هم به هیچ عنوان ندارند.
- در ایران متأسفانه دولتمردان اگر بخواهند حمایت کنند، سریع یا بودجه می‌دهند یا رانت می‌آورند. مطمئن باشید رانت هیچ موقع دلیل پیشرفت نمی‌شود.
- کافی است که به بچه‌ها ارزش قائل بشوید، دستاوردهایشان و توانایی‌شان را به طور ملموس به خودشان نشان بدهید. یک جوان غیر از این چه می‌خواهد.
- جوانهای ما الان احساس می‌کنند که روحیه تأثیرگذاری را ندارند ولی نسل ما باور داشت که می‌شود این کار را کرد.

بازار ایران بسیار بکر است!



گفتگو با آقای مهندس علی فروزان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۸۱

نایب رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی آسین فولاد

زمینه فعالیت شرکت:

ارائه خدمات مهندسی و فناوری‌های صنعت فولاد و گازهای صنعتی

تلفن: ۸۸۳۷۰۸۰۶

Email: a.forouzan@gmail.com

سخنان گزیده:

- یک شرکت مهندسی سرمایه اصلی‌اش منابع انسانی آن است.
- هر فردی که مفید بودن خود را در مجموعه آسین فولاد اثبات می‌کند سهامدار مجموعه می‌شود.
- میانگین سنی مجموعه ۵۰ نفره ما ۲۷ سال است و روابط خوب و نزدیکی داریم؛ گاهی فوتبال بازی می‌کنیم یا دسته جمعی بیرون می‌رویم.
- کار گروهی واقعاً به تمرین نیاز دارد، صبر و تعامل بین افراد در گروه که مشکل بسیاری از شرکتهای نوپایی است که حتی کارشان به انحلال می‌رسد.
- هگزآگلاید در جشنواره جوان خوارزمی سال ۸۸ با کسب مقام سوم مورد تقدیر قرار گرفت.
- سال گذشته موفق شدیم قرارداد طراحی و ساخت اولین واحد تولید اکسیژن ایرانی را برای یک واحد فولادسازی در آذربایجان منعقد سازیم.
- پروژه‌های کارشناسی را بررسی نمودیم و متوجه شدیم بیشتر پایان نامه‌های دانشجویی در زمینه‌های نامرتبط با تولیدات ملی ماست.
- دانشجویان باید خودآموزی، یادگیری و روش حل مسائل را در دانشگاه بیاموزند.
- دیدگاه بلند مدت به مسائل و اعتماد به توانایی نامحدود منابع انسانی بزرگترین نقطه قوت آسین فولاد است.
- بعضاً کارآفرینی با اشتغال‌زایی مترادف می‌گردد که این اشتباه است.
- با ترویج بیشتر فرهنگ کارآفرینی می‌توان از مشکلاتی همچون فرار مغزها جلوگیری نمود.
- بازار ایران بسیار بکر است و پتانسیل جذب بالایی دارد. اما باید این فرصتها به دست کارآفرینان بالقوه «پایش» شود.
- انسان موفق، آدمی است که «آرزو» داشته باشد و بتواند هر لحظه به آرزوهایش نزدیک بشود و در مسیر آرزوهایش قدم بردارد.
- «انسان موفق» فردی است که بر جامعه خودش «تأثیر مثبت» دارد.
- برای موفق شدن هدف، نقطه نیست و مسیر هم نیست؛ بلکه «جهت» است.



ما به اشخاصی نیاز داریم که مسئله‌های «خاص و مهم» را حل کنند.



گفتگو با آقای مهندس هادی فیوض

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۲

مدیرعامل شرکت لیان پیشرو خلیج فارس

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و ساخت وسایل نقلیه زیردریایی

تلفن: ۶۶۰۶۶۱۴۳

Email: h_fiyouz@yahoo.com

سخنان گزیده:

- باتری ساخت ما در حد چند هزار آمپر شارژ دارد که در حد مصرف یک کارخانه خیلی بزرگ است. ۲۰۰ ولت ولتاژ DC داشتیم که بزرگترین قرارداد در دنیاست! این باتری ۲۰۰ کیلو توان را می‌دهد. به این ترتیب قوی‌ترین باتری جهان را ساختیم و رکورد بزرگترین نسبت انرژی به وزن را در دنیا زدیم.
- در ایران، کارفرمای دریایی در حد ۲ یا ۳ تا هستند که من با یکی از آنها برای غواص بر آشنا شدم. در همان شرکت، نفوذ علمی کردم و مشکلاتشان را به دست آوردم و سعی کردم آن مشکلات را حل کنم. یک جا فهمیدم باتری خاصی به دردشان می‌خورد و فهمیدم در قسمت دیگر الکتروموتور ویژه‌ای نیاز دارند.
- نعمت خیلی بزرگی که در ایران داریم این است که رقیبهای علمی در ایران خیلی ناتوانند! در ایران، رقیبهای خوب، خیلی کم است و بچه‌های خوب ایرانی اگر یک مقداری خودش را نشان دهند، نابغه صنعتی می‌شوند! نیروی انسانی عام جامعه ما توانمند نیست ولی خیلی از بچه‌ها دارای نبوغ کافی هستند و اگر در ایران بمانند و کمی تلاش کنند به نظر من در ایران خیلی بیشتر از آمریکا، جا برای پیشرفت آدم وجود دارد.
- ما به اشخاصی نیاز داریم که مسئله‌های «خاص و مهم» را حل کنند. اما رهبران علمی جامعه ما چنین اشخاصی نیستند. آنها دلیل پیشرفت جامعه هستند ولی کار خاصی انجام نمی‌دهند، چون این کارها که کی‌اش می‌کنند، مهندسی‌های مبتکرانه ما نیستند.
- صنایع، یک واحد تحقیقاتی می‌سازند که مشکلات دانشی آنها را حل کند و دانشگاهها هم یک واحد ارتباط با صنعت درست می‌کنند که مشکلات صنعت را حل کند. ولی صنعت و دانشگاه هیچ ربطی به هم ندارند، چه در ایران و چه در تمام دنیا!
- ما در ایران می‌خواهیم یک محصول با قیمت کم تولید کنیم که مشتری از ما بخرد. اما در آمریکا می‌خواهند آن محصول صنعتی در دنیا سر باشد.
- در صنایع زیرسطحی ایران آرزو بود که مشکل آب‌بندی نداشته باشیم! اما الآن چنین چیزهای ساده‌ای مشکل نیست.
- در صنایع ایران کاهش انرژی در روباتها هم نمی‌گنجید ولی الآن حل شده است.
- الآن به سازمان دریایی می‌روم و می‌گویم که می‌خواهم سمینار بدهم. رئیس آنجا می‌نشیند و صحبت‌های من را گوش می‌کند. یعنی بازار را خودم تولید می‌کنم.
- رفتن بشر به کره ماه که ۵۰ هزار کیلومتر دورتر از زمین است، سال ۱۹۶۹ اتفاق افتاد؛ اما در سال ۱۹۹۲ ربات زیرآبی فقط ۴ هزار کیلومتر در زیر دریا توانست برود و بقایای کشتی تایتانیک را کشف کند.
- سازمانهای دولتی، هزینه سربارشان زیاد است. هزینه سربارش که زیاد باشد تمایلی هم به همکاری با شرکتهای خصوصی ندارد.



امروز در دنیا جنگ بین محصولات نیست؛ بلکه بین مدل‌های کسب و کار است.



آقای دکتر فریدون قاسم‌زاده

دانش‌آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۵۴

مدیرعامل شرکت افرانت

زمینه فعالیت شرکت:

خدمات اینترنت و تجارت الکترونیکی

تلفن: ۹ و ۸۸۷۴۱۹۵۶

Email: ghasemzadeh@afra.net.com

سخنان گزیده:

- یکی از محرک‌های اصلی کارآفرینی حضور سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر و یا اصطلاحاً VC به جای بانکها در فرایند شکل‌گیری کسب و کار است.
- چون VC به دنبال کسب درآمد است به کار کارآفرین قالب و ساختار می‌دهد.
- بخش خصوصی پرچمدار توسعه در کشور است ولی در ایران متأسفانه به ویژه در بخش تولید، این بخش بسیار ضعیف است.
- در ایران مدل‌های روز که در آن کسب‌وکار به دست گروهی کارآفرین ایجاد و پس از راه‌اندازی، شرکت به بورس برده شود وجود ندارد.
- کسانی که با مسائل نوین مدیریتی آشنا نیستند معمولاً دچار وابستگی عاطفی به شرکت خود می‌شوند که این بسیار خطرناک است.
- وجود فاصله بین مقاطع تحصیلی و انجام کار اجرایی بین آنها خیلی به درک و فهم مطالب در کلاس درس در دوران دانشجویی کمک می‌کند.
- اهمیت داشتن تجربه کاری قبل از ورود به دوره فوق‌لیسانس و دکترها به ویژه در رشته مدیریت به دلیل ماهیت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- بسیاری از شرکت‌های IT موفق نیستند چون یک عده با لیسانس فنی شرکت را ایجاد می‌کنند ولی از اصول مدیریت و سازمان، اطلاع ندارند.
- برای ایجاد کسب و کار جدید شما اول باید مدل کسب و کار (Business Model) خوبی داشته باشید.
- مدل کسب و کار، جوهر کار است که اگر درست طراحی شود شانس موفقیت را افزایش می‌دهد.
- کارآفرین با ذهنیت «فروش - محور» به جای «فنی - محور» و «تولید - محور» به ایجاد کسب و کار می‌پردازد.
- برای ایجاد و اداره شرکت، کارآفرینان باید با علوم بازاریابی و فروش، حسابداری در سطح مدیران و نیز حقوق تجارت آشنا باشند.
- در کشورهای خارجی کارآفرین را سرمایه ملی می‌دانند و ما هم به نوبه خود باید از این سرمایه مهم ملی، حمایت و حفاظت کنیم.
- سرمایه ملی ما ذخایر زیرزمینی نیست. مهمترین سرمایه هر کشور انسان‌های آن است که اگر درست مدیریت شوند بدون نفت هم موفق می‌شویم.
- کارآفرینان در زمره مهمترین منابع انسانی در یک جامعه هستند که باید در عمل و نه در تئور روزنامه‌ها و مصاحبه‌ها مورد حمایت قرار بگیرند.
- در غرب، شکست کارآفرین را لطمه به کشور قلمداد می‌کنند و صناعی را که دچار مشکل مالی می‌شوند تحت پوشش قانونی قرار می‌دهند.
- اقدامات حمایتی دولت موجب دلگرمی کارآفرینان و کاهش ریسک و پیوستن جمع بیشتری به فعالیتهای کارآفرینانه می‌گردد.
- کارآفرینان امروز و صاحبان صنایع آینده همیشه به حمایت دولت اعم از مادی و معنوی نیاز دارند.
- سازوکارهای قانونی و ایجاد رویه‌های مناسب برای جلوگیری از رودررویی کارآفرین با بوروکراسی سنگین، یکی دیگر از پیش‌شرط‌های موفقیت است.



بدون اشتیاق، از شرایط سخت نمی‌توان با موفقیت عبور کرد.



گفتگو با آقای مهندس علیرضا قاسم‌زاده

دانش آموخته مهندسی کامپیوتر، ورودی ۱۳۸۳

مدیرعامل شرکت اسکن ایت (Scan it)

زمینه فعالیت شرکت:

مشاوره IT و آموزش

تلفن: ۸۸۷۴۲۶۲۳

Email: ghasemzadeh@scanit.ir

سخنران گزیده:

- به علت تأکید پدرم بر داشتن دانش فنی در مقطع کارشناسی و علم مدیریت در دوره ارشد، رشته مهندسی IT را انتخاب کردم.
- از سال اول دانشگاه مشغول به کار بودم (به صورت نیمه وقت) و سعی کردم هر آنچه را که در دانشگاه فرا می‌گیرم در صنعت تجربه و آزمایش کنم.
- یکی از مهمترین علل موفقیت و پیشرو بودن کشورهای غرب در صنعت، شیوه تدریس آنها از مهد کودک تا دانشگاه است.
- در کشورهای غربی تمام تلاش بر بروز استعدادها و بچه‌ها از سن بسیار کم است.
- هنگامی که در مقطع دبستان به کانادا رفتم می‌توانستم از اعداد رادیکال بگیرم، این در حالی بود که همکلاسی‌های من ضرب و تقسیم را با داشتن ماشین حساب به سختی می‌توانستند انجام دهند.
- این شرکت برای اولین بار در ایران موفق به اخذ گواهی بین‌المللی ISO27001 در تمامی بخشهای سازمان شد.
- اصلی‌ترین چشم انداز شرکتمان بین‌المللی شدن همراه با ارائه خدمات به بالاترین کیفیت ممکن است.
- از منافع بین‌المللی شدن، آشنایی با ادبیات، قوانین و دیگر مسائل کاری در کشورهای مختلف است.
- ما تنها وقتی می‌توانیم موفق باشیم که قادر به کار در گروههای مختلف و متنوع باشیم.
- فردی موفق است که در زندگی اهداف بلندمدت برای خود تعریف کند، این اهداف را به اهداف کوتاه‌مدت تقسیم کند و تا به اهداف کلان خود نرسیده است از تلاش و کوشش دست بردارد.



انتخاب شریک کاری، دست کمی از انتخاب همسر ندارد.



گفتگو با آقای مهندس فریدون قبادی

دانش آموخته مهندسی مکانیک ورودی ۱۳۴۷

مدیرعامل شرکت مهندسان مشاور پارس آب تدبیر

زمینه فعالیت شرکت:

تأسیسات آب و فاضلاب، ساختمان و محیط زیست

تلفن: ۰۲۴۴-۶۶۹۳۰۲۴۴ ، ۰۲۲۲-۶۶۹۳۷۳۹۹ ، ۰۲۷۹۳-۶۶۵۹۲۷۹۳

Email: fr_ghobadi@yahoo.com

سخنان گزیده:

- یادآوری اجرای خوب تعداد بسیار زیادی از پروژه‌های آبرسانی، راه‌سازی و ... در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور منطقه از خاطرات زیبایی من است.
- دانشجویان مستعد که در ضمن تحصیل کار مرتبط هم انجام داده باشند، می‌توانند بعد از فارغ‌التحصیلی سریع‌تر به ایفای نقش در صنعت بپردازند.
- یکی از دلایل پایین بودن نسبی کیفیت کارهای فنی مهندسی و پایین بودن بهره‌وری ملی در کشور، ریشه در نارسایی نظام آموزشی دارد.
- باید نظام آموزش و پرورش مهندس در دانشگاه با کمک صاحب‌نظران موجه از جامعه صنعت و دانشگاه مورد بازنگری زیربنایی قرار گیرد.
- باید آموزش مهندسی در کشورهای صنعتی مورد تحلیل قرار گیرد، برداشتهای منطقی از آنها در تدوین نظام آموزشی و الگوی کار صورت گیرد.
- آرزوی مدیران شرکت این است که یک روزی برسد که این شرکت قابلیت‌های یک شرکت بین‌المللی را داشته باشد.
- تلاش می‌کنیم که استاندارد، روز به روز بیشتر در شرکت نهادینه بشود و حرکت‌های موردی و سلیقه‌ای که احتمال خطا را زیاد می‌کند از بین برود.
- به نوآوری و خلاقیت همکاران که به تصویب کمیته فنی شرکت برسد و در اصلاح کارها تأثیرگذار باشد به شدت اهمیت داده می‌شود.
- پرسنل هم رابطه صمیمانه و نزدیکی با مسئولان و مدیران دارند. یعنی می‌توانم ادعا بکنم مقوله ارباب و رعیتی در اینجا جایی ندارد.
- برای بهتر کردن کیفیت انجام پروژه و شرایط محیط کار همکاران، انتقاد راحت انجام می‌شود و به صورت جدی و صمیمانه مورد توجه قرار می‌گیرد.
- شرکت، پرسنل را اعضای اصلی خانواده‌اش می‌داند که در تمام زمینه‌هایی که می‌تواند کمک بکند این کار را می‌کند.
- برای حفظ و ارتقای شرکت باید هر یک با اعتماد کامل، تلاش صادقانه، احترام متقابل، شفافیت در عملکرد نقش خود را ایفا نمایند.
- یادم نمی‌آید در این ۱۰ سال بین شرکا، یک مورد حتی جزئی اختلاف نظر نامطلوب پیش آمده باشد چون انتخاب افراد، درست بوده است.
- ممکن است نوع زندگی خصوصی یک مدتی با تنش و یا اختلاف نظر بگذرد ولی در شرکت اگر چنین بشود اثرات منفی روی پروژه‌ها می‌گذارد.
- شرکا باید از قبل، با هم کار کرده باشند و رابطه دوستی مطلقاً کافی نیست. ممکن است یک دوست خوب، یک شریک بد باشد.
- شرکا باید روح و روان همدیگر را بشناسند که در فراز و نشیب‌های اقتصادی و اجتماعی، در مواقع بحرانی و بروز تنش‌ها آیا در کنار همدیگر می‌مانند؟
- همواره در فضای کاری و اجتماعی ما و در صورت لزوم و در شرایط خاص، یک نفر که نفر اول شرکت تلقی می‌شود، حرف آخر را باید بزند.
- تعداد شرکتهایی که قبل از ۵ سال به بن بست می‌خورند به مراتب بیشتر از شرکتهایی است که دوره ۵ ساله را طی کرده‌اند.



کار اقتصادی، به نوآوری هم منجر می شود.



گفتگو با آقای مهندس محمد حسین قنبری

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۴۹

عضو سازمان نظام مهندسی تهران (رشته برق)

زمینه فعالیت:

کارشناس رسمی دادگستری در رشته برق، ماشین و تأسیسات کارخانجات

تلفن: ۴۴۰۰۸۷۴۰

Email: ghanbari.mh@gmail.com

سخنان گزیده:

- به مکتوب کردن فعالیتها، علاقه مندم. یک سری مدارک مکتوب هم دارم. پایان نامه کارشناسی ارشدم، مربوط به خدمات صنعتی امیرکبیر است.
- کسی کارآفرین است که ایده جدید، کار اقتصادی جدید و کاری که دیگران نکرده باشند را انجام بدهد.
- کسانی که از فرصتها استفاده بهینه کنند، ابتکار جدید به کار برند، اشتغال ایجاد کنند، بازه را بالا ببرند و قیمتهای تمام شده را کاهش دهند کارآفرین هستند.
- کارآفرین، شخصی است که با استفاده از اطلاعات روز دنیا، دارای ایده و توانمندیهای فوق باشد. البته خیلی معتقد نیستم که کارآفرین باید مخترع باشد.
- کارآفرینان باید نیروی کار، مصارف انرژی و هزینههای سربار را کاهش دهند. بازدهی را بالا ببرند و حرکت و رفت و برگشتهای اضافی فعالیتها را حذف کنند.
- کارآفرینان باید کار اقتصادی بکنند. اگر سودده هستند، سود بیشتری بیاورند و اگر ضرر می دهند آن را کم و در نهایت، سودده کنند.
- در مهندسی، کارآفرینی باید تبدیل به توسعه، افزایش اشتغال، افزایش بهره‌وری، افزایش درآمد و سود اقتصادی شود.
- در فرایند کارآفرینی، این که علاقه‌مند، خبره، خلاق و باهوش باشد، مؤثر است ولی نقش علاقه و اراده مهم‌تر است.
- اگر کسی علاقه‌مند باشد و اراده انجام کاری را هم داشته باشد، مطمئناً به هدفش خواهد رسید. حتی اگر خیلی از امکانات و هوش زیاد برخوردار نباشد.
- اگر اراده داشته باشید و بتوانید سرمایه‌دارها را پیدا کنید و جلب اعتماد کنید تا آنها سرمایه‌گذاری کنند، این بهتر است.
- کارآفرین واقعی کسی است که خودش شروع به کار کند. حمایت‌های دولتی و دیگران متعاقباً به دست می‌آید.
- این که یک بودجه‌ای تصویب بشود و شما آن را خرج کنید هنر نیست. اما این که خودتان فعالیتی را شروع و دنبال کنید، آنجاست که کارساز است.
- هر کاری که آدم باعلاقه و آگاهی به پیش برد و موفق باشد، کارآفرینی است. کارهای خدماتی هم یک نوع کارآفرینی است.
- کارآفرینی می‌تواند هر ایده، کار، تلاش و خدمتی حقیقی و حقوقی باشد که دارای بازدهی اقتصادی است.
- توسعه بدون مشارکت میسر نیست. باید موانع کار گروهی برطرف شود تا توسعه صنعتی و اقتصادی فراهم آید.
- در دانشگاه، کلیات آموزش داده می‌شود. ولی کوشش و علاقه فردی ماست که راه حلها را پیدا می‌کند.
- نیرو حتماً باید خبره و علاقه‌مند به کار باشد. حتماً باید با برخورد انسانی خوب آنها را جذب، حفظ و نگهداری کرد. حتماً باید مرتب آموزش حین کار ببینند.
- اگر بخش بازرگانی، درست مدیریت شود، همه هزینه‌های تولید و پژوهش نیز پوشش می‌یابند.
- در آغاز، شرکت را با حداقل نفرت شروع کنید و از اول ریخت و پاش نکنید و بزرگش نکنید. به تدریج توسعه دهید.
- شرکا هم باید از قبل، خیلی با هم کار کرده باشند و خیلی همدیگر را بشناسند. کاملاً با هم دوست و صمیمی باشند و کار همدیگر را دیده باشند.
- همه کسانی که با اراده خواسته‌اند کاری را انجام بدهند موفق بوده‌اند و اگر آدم فقط به حرف دیگران گوش کند، آرامش زندگی‌اش را از دست می‌دهد.



هر چیزی به اصل خود بر می گردد.



گفتگو با آقای مهندس حمید کارگری

دانش آموخته مهندسی متالورژی، ورودی ۱۳۴۸

رئیس هیئت مدیره صنایع ایران و دانمارک (ایرادان)

زمینه فعالیت شرکت:

بازرگانی و تأمین تجهیزات

تلفن: ۲۲۰۴۹۶۳۳

Email: hamid_karegari@yahoo.com

سخنان گزیده:

- در مملکت ما خودباوری وجود ندارد، یعنی همه خودشان را خوب نمی‌شناسند که ببینند توانایی‌هایشان کجا زیاد است.
- این مملکت به صنعت نفت وابسته است، صنعت دارویی و غذایی این مملکت خیلی ضعیف است.
- چند عامل در کارآفرینی مطرح است که مهم‌ترینش شجاعت ورود به یک عرصه ناشناخته است. بعد از آن شناختن خودتان و توانایی‌هایتان و شرایط آن جامعه است.
- موقعی که آدم به ناکامی‌هایی بر می‌خورد و فکر می‌کند این ناکامی‌ها از فضای بیرون تحمیل می‌شود فکر نمی‌کند که یک بخشی از ناکامی‌ها در درون خودش هست.
- به دلیل رانتهایی که در این مملکت خیلی وجود دارد، هیچ موقع کارآفرینان احترام‌های لازم را ندارند.
- هر جای دنیا وقتی یک آدمی یک اتومبیل خوب سوار شده همه می‌گویند این فرد یا خودش خیلی آدم باعرضه‌ای بوده یا پدرش؛ اینجا می‌گویند حتماً دزدی کرده است!
- وقتی به ادارات دولتی مراجعه می‌کنی و می‌گویی من از بخش خصوصی هستم آن کارمند در آن اداره فکر می‌کند که من با پول کلانی در کیف خود به آنجا آمده‌ام!
- در مملکت ما فقط ۱۵٪ جامعه دارند «کار» می‌کنند. از کارمند بانک و راننده تاکسی و پزشک و مهندس و پلیس و ... بگیرد و تقریباً ۶۰٪ اصلاً کار نمی‌کنند!
- بین کارمندا خیلی‌ها سر کارند ولی کار مثبتی نمی‌کنند. ۲۵٪ می‌ماند که دارند فکر می‌کنند چه جوری چوب لای چرخ آن کسانی که دارند کار می‌کنند بگذارند؟
- در جامعه ما حسادت بیدار می‌کند و ما اصلاً نمی‌گذاریم که کسی حرکت کند!
- در فرایند کارآفرینی، داشتن شجاعت، موقعیت زمانی، شناخت خود و شناخت کاری که فرد می‌خواهد به سراغش برود مهم است.
- آدمی موفق است که همیشه در حالت رشد باشد، نه از نظر اقتصادی، بلکه شخصاً همیشه در حالت رشد باشد. دوم این که از بودنش احساس خوشبختی کند.
- تجربه من در مورد ارتقای کیفی نیروی انسانی زیاد خوب نبوده است. هر موقع ما دوره‌هایی گذاشته‌ایم بعد از گذراندن دوره با هزینه ما به یک جای دیگر رفته‌اند.
- آدم موقعی که هنوز تجربیاتش کافی نیست کوچکترین مشکل برایش معضل بزرگی می‌شود. کوچکترین اشتباه از شریکش برایش گران تمام می‌شود و گذشت ندارد.
- «صداقت» عمده‌ترین مسئله در شراکت است و تکمیل و تصحیح ضعفهای همدیگر هم مهم است. نشستن هر کسی در جای مخصوص خودش هم مهم هست.
- اگر جامعه مهندسی این مملکت از یک آرامش خاطری برخوردار بود، از همه لحاظ، فضای تفکر، کسب و کار، جامعه و ... خلاقیتها بروز داده می‌شد.
- در مورد کار در این مملکت همه‌اش مشکل است. نیروی انسانی مشکل است، نظام بانکی مشکل است.
- یک اصطلاحی هست که پول در بانکداری مثل آتشی است که در دست بانکدار است. اگر من زود به شما بر نگردانم دستم می‌سوزد.
- بانکهای ما همه‌اش دنبال رابطه بازی، قدرت و ... هستند. خب کسی که قدرت دارد پولی را که می‌گیرد دیگر پس نمی‌دهد. بانکداری ما این‌جوری است.
- یک مدیریت دیگر مدیریت ژاپنی بود که آنها نقش «احساس» را در محیط کار بیشتر می‌کردند. همه پرسنل با خانواده‌هایشان به مسافرتها دست‌جمعی می‌رفتند.
- وزیر صنایع باید از اتاق بازرگانی انتخاب بشود. یعنی یک صنعتگری باشد که قبلاً کار کرده است.



نگاه ما به صنعت یک نگاه تولید گرایانه بود نه سوداگرایانه.



گفتگو با آقای مهندس حسن کاظمی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۳

مدیرعامل شرکت پارت سازی مشهد

عضو هیئت مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت



زمینه فعالیت شرکت:

تولید پیچ و مهره

تلفن: ۸۸۵۸۳۶۹۳ و ۸۸۳۷۰۰۸۲

Email: kazemi@sipiem.com

سخنان گزیده:

- در مشهد با وجود این که تعداد زیادی تحصیل کرده و تکنوکرات داریم که پول هم در دستشان دارند ولی در صنعت، سرمایه گذاری نمی کنند!
- ما اولین قراردادن را در زمانی که هنوز سالنمان سقف نداشت بستیم.
- کارآفرین، ارزش آفرینی می کند. باید ارزشها را تعریف کند و آنها را ارتقا دهد. کسی که به سه تا جوان ایده های جدید بدهد و از فکرشان استفاده کند.
- کارآفرینان می توانند آن دسته از افرادی باشند که در هر پستی و در هر بخشی که هستند راه حل های سریع تر، اقتصادی تر و به موقع تری ارائه می کنند.
- کارآفرین یا ارزش آفرین می تواند در هر بخشی باشد و در هر مقطعی می تواند شکوفا شود. حالا فقط یک فارغ التحصیل دانشگاه، کارآفرین نیست.
- یکی از پارامترهایی که بشود کار را به نتیجه رساند صرف وقت و پشتکار است. من هنوز که ۵۴ سال دارم روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می کنم.
- یک اشکالی که در دانشگاه صنعتی شریف هست این است که ما فکر می کنیم اینها افراد خیلی فوق العاده ای هستند و از مریخ آمده اند!
- علاوه بر این که پشتکار باید داشته باشند باید کار را به طور خاص انجام دهند که شاید رمز اصلی کار است.
- یک نفر که ارزش آفرینی کرده است، مبارزاتی داشته است. مطالعات دقیقی از مشکلات داشته است.
- برای کارآفرینی، بعد از پشتکار باید به خوبی با «قوانین بازی» آشنا بشویم و با آن برخورد کنیم و راهمان را باز کنیم و جلو ببریم.
- ما هنوز راهبرد تولید نداریم. نفت را که به صورت دائمی نداریم. بالاخره باید این راه را باز کنیم. کارآفرین هم کارش همین است.
- یکی از مشکلات صنعت، نبود تشکلهای صنفی است که در همه جای دنیا هست.
- خوشبختانه بعد از این که ما این سد را شکافتیم و دیوار بتنی شرکت نفت را سوراخ و نفوذ کردیم مجموعه های دیگری هم ایجاد شدند.
- به راحتی ظرف شاید ۶ ساعت از امارات تا قشم کالای قاچاق را با لنج می رسانند و ما باید با اینها رقابت کنیم.
- موفقیت به این است که شما با ابزار و لوازمی که در اختیارتان هست بهترین نتیجه را بگیرید.
- برای موفق بودن، دانش و بینش توأمان لازم است. به صورت فردی هم کار به پیش نمی رود و باید جمعی به پیش رود.
- چیزی که باعث شد بتوانیم یک هم افزایی ایجاد کنیم این بود که خیلی صادقانه می نشستیم و با هم «کار تیمی» می کردیم.

کاری یا پروژه‌ای نیست که نشدنی باشد.



گفتگو با آقای مهندس رسول کردستانچی

دانش‌آموخته مهندسی متالورژی، ورودی ۱۳۵۴

مدیرعامل شرکت تولیدی صنعتی آذر نسب

زمینه فعالیت شرکت:

تولیدکننده نرده‌های صُراحی و لوله‌های تزئینی فلزی

تلفن: ۰۹۱۲۷۱۲۳۹۰۵ ، ۶۶۳۰۷۵۷۹ و ۶۶۳۰۷۵۹۸

Email: ra_rkordestanchi@yahoo.com

سخن گزیده:

- در درسهایی چون ریاضی، فیزیک و شیمی فوق‌العاده خوب بودم ولی در درسهای حفظی خیلی اذیت می‌شدم!
- انجام موفق هر کاری پشتکار و مطالعه می‌خواهد و نهایتاً با برنامه‌ریزی خوب می‌توان هر چیزی را به مرحله تولید و عرضه رساند.
- قبل از تأسیس دفتر طرح و تحقیق به روش استادکاری که قیمت داده می‌شد چه بسا بعضی وقتها ضرر خیلی هنگفتی را به شرکت وارد می‌کرد.
- قابل توجه جوانهایی که می‌آیند یک کسب و کاری را به راه می‌اندازند و دوست دارند که بلافاصله موفق بشوند: کار «صبر و حوصله» می‌خواهد.
- اگر بازنشست نمی‌شدم نمی‌توانستم به این کار سر و سامان بدهم. همزمانی شکل‌گیری این کار با بازنشستگی‌ام نقطه قوت آن است.
- هر کسی بتواند عوامل یا پارامترهای تولید را هماهنگ و مدیریت بکند و محصولی را بیرون بدهد و از آن ارزش افزوده ایجاد کند، کارآفرین است.
- کسی کارآفرین است که با کمترین سرمایه بتواند با توانمندی در مدیریت نیروهای انسانی و سایر عوامل، یک فعالیت اقتصادی سودآور را شکل دهد.
- کارآفرین واقعی کسی است که «سرمایه» خیلی در کارش دخیل نباشد. این که حتماً سرمایه داشته باشیم تا تولید بکنیم را که همه می‌توانند!
- کارآفرین کسی است که اصلاً سرمایه برایش اهمیت نداشته باشد. کارآفرین اگر کارآفرین باشد می‌تواند سرمایه‌دار را برای شراکت، قانع کند.
- کارآفرین باید بتواند نیروی انسانی، مواد و دانش را مدیریت بکند و محصولی را تولید نماید، ولی سرمایه را نباید بهانه کند.
- «ماتسوشیتا» ادعا می‌کند که قیمت ارزان‌تر و کیفیت بالاتر، شاه‌کلید فعالیت من بوده است و هر موقع که از آن غافل شده‌ام لطمه دیده‌ام.
- کارآفرینها تعدادشان خیلی زیاد نیست، ولی اگر کسی به معنای واقعی، کارآفرین باشد و اگر حمایت بشود کار هم ایجاد می‌کند.
- فضای خودباوری باعث رشد کارآفرینی است. باید در محیط دانشگاهها این فضا را ایجاد کنیم.
- برخورد با بازار و ارتباط داشتن با بازار، توانی است که در مجموعه دانشگاهی کمتر می‌بینید.
- وقتی یکی، بخشی از کار را می‌گیرد و دیگری بخشی دیگر را، بعداً نمی‌خواهند از هم جدا بشوند چون می‌دانند که به تنهایی نمی‌توانند کار کنند.
- چیزی که احساس می‌کنم و آرزویش را دارم، حل معضل دوری ارتباط دانشگاه با صنعت است که هنوز این مشکل سر جایش است.
- در صنعت، سوژه خیلی زیاد است. یعنی شما با هر مدیری تماس بگیرید یک سری پروژه برای اجرا دارند. حاضر هم هستند که هزینه کنند.
- استادان محترم بهتر است تماسی هم با محیط اجرایی داشته باشند تا خودباوری و اعتماد به نفس را به دانشجویان خود انتقال دهند.



باید بتوانیم نظام رهبری مشارکتی را در مجموعه پیاده بکنیم.



گفتگو با آقای مهندس محمد مهدی کریمی اصفهانی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۶

مدیرعامل شرکت انرژی دانا



زمینه فعالیت شرکت:

سرمایه گذاری برای ارائه خدمات در بخش بالادستی نفت و گاز

تلفن: ۸۲۱۰۷۱۱۱ و ۸۲۱۰۷۱۲۱

Email: karimi.m@danaenergy.ir

سخنان گزیده:

- شاید همیشه ما این نقص را داشته ایم که برای هر کدام از موقعیتهایی که به عنوان انتقال فناوری مطرح بوده است، آدمهایی را به صورت فردی آموزش داده ایم.
- نظام مندی و مدیریت از نکات اصلی مورد غفلت در انتقال فناوری بوده است.
- استدلالی که می کردیم این بود که بتوانیم شرکتی ایجاد بکنیم که انعطاف و قدرت مانور بخش خصوصی و توانمندی و حمایت بخش دولتی را داشته باشد.
- شما وقتی که وارد یک کسب و کار می شوید و در حجم وسیع می خواهید فعالیت کنید بالاخره یک مدلی را می باید انتخاب بکنید.
- ما بهتر دیدیم که توسعه کسب و کار به جای این که به صورت واحدهای کاری داخل سازمانی بزرگ باشد، به صورت ایجاد شرکتهای عملیاتی توسعه پیدا کند.
- در ایران باید در خصوص مدیریت به نکاتی توجه کنیم و آن این که مدیریتها جنبه اشتراکی نداشته باشند. بلکه مدیریت، منتج از یک نقطه واحد باشد.
- آن نظامی می تواند کارایی داشته باشد که حدود مثلاً ۷۰ درصد یا بالاتر از سهام یک شرکت به یک یا تعدادی از افراد همفکر، تعلق داشته باشد.
- مدیریتهای کوتاه مدت برای توسعه پایدار یک آفت است. در جایی که ثبات نیست هیچ وقت نگاه درازمدت نمی توانید داشته باشید.
- به محض این که دوران مدیریت تمام می شود و گروه دیگر می آید، حداقل به خودش حق می دهد که یک ارزیابی عموماً منتقدانه نسبت به گذشته بکند.
- برای رسیدن به یک هدف مشخص، لزوماً یک راه مشخص وجود ندارد. مهم این است که یک راه را انتخاب کنید و حرکت کنید.
- وقتی که مالکیت در شرکت بدون توجه به تثبیت مدیریت، بین افراد با نگرشهای متفاوت تقسیم می شود، اینجا نقطه اشکال است.
- در شرکتهای بزرگ شاغل در صنعت نفت که در ایران فعال هستند، من سراغ ندارم که تفکیک بین مالکیت و مدیریت انجام شده باشد.
- همه کسانی که مالک شرکتهای هستند، احساس می کنند که خودشان سر کار باشند و کنترل مسائل در دست خودشان باشد مناسب تر است.
- تا وقتی که شرایط لازم برای تفکیک مالکیت و مدیریت میسر نشود، مثال همان گربه ای است که هر جور بیندازیش بالا با دست و پا می آید پایین!
- اگر شما بتوانید در یک جایی سرمایه و دانش انجام کار را ببرید، ترکیب این دو می تواند به شما قدرت رقابتی بدهد.
- شرکتی مثل شرکت ما که پیمانکار است آنچه دارد و موجب می شود که ارزش ایجاد بکند، توان مدیریتی و دانش کار است.
- اگر بانک عاملی داشته باشید که نتواند وظایف شما را انجام بدهد، به شدت هزینه های اضافی دارد و کار را طولانی می کند و مخاطره ها را افزایش می دهد.
- یکی از آفتهایی که ما در انتخاب پیمانکار داریم، بحث حداقل قیمت است. هیچ بعید نیست که پیمانکاری که پایین ترین قیمت را می دهد اشتباه کرده باشد.
- همه سالیانی که در کار پیمانکاری بوده ام، این تفکر که حالا پروژه را بگیریم بعداً یک کاری اش می کنیم یک تفکر حاکم بوده است!
- این که قوانین، ساده طراحی بشود، شفافیت داشته باشد و حرفه ای باشد تا کمتر در معرض تفسیر قرار بگیرد، یکی از الزامات کار است.

ما نیاز بازار را دیدیم.



گفتگو با آقای محمد کریمی دزفولی ...

دانش آموخته شیمی آلی، ورودی ارشد ۱۳۷۹

مدیرعامل شرکت بنیان نوین شیمی پارس

زمینه فعالیت شرکت:

تولید افزودنی‌ها در صنعت نفت

تلفن: ۴۴۵۸۰۱۲۵

Email: kdezfuli@yahoo.com, m.mortazavi@ippi.ac.ir

سخنان گزیده:

- هیچ وقت یک تیمی را نداشته ایم که این فناوری ما را به سوی ۵ سال آینده ارتقا بدهد.
- در ایران رقابت نبوده است. مشتری‌ها ملزم بوده اند همین چیزی را که هست استفاده کنند، مثل خودروسازی و خیلی صنایع دیگر.
- عدم رقابت، جلوی تفکر برای آینده را گرفته است، حالا که به مشکل خورده ایم از دانشگاه می خواهیم که مشکل ما را حل کند!
- کارآفرینی را همراه با یک دانش یا تولید یک علم جدید در کشور می بینم.
- در کارآفرینی، پشتکار مهم ترین عامل است و این که از چه کاری لذت می بریم و فقط این که به نفع مالی برسیم نیست.
- باید تعریف درستی از اشتغالزایی ارائه بدهیم. آن اشتغالزایی مهم است که پایدار باشد، یعنی باید به دنبال توسعه پایدار باشیم.
- آدم باید مناعت طبع داشته باشد و خودش را بسنجد.
- ما بیشتر به دنبال توسعه محصول هستیم، البته هنوز وجه تحقیقاتی شرکت ما بر وجه تولید، برتری دارد.
- هر کسی که از خودش رضایت واقعی و یا به عبارتی از وجدان خودش راضی باشد موفق است؛ حتی اگر از بیرون چنین دیدی نسبت به او وجود نداشته باشد!
- خیلی ها فکر می کنند که اگر تحصیل کرده اند مشکل کار دارند، در صورتی که الان بیشتر کارآفرینها مشکل در «جذب» نیروی کار خوب دارند.
- خیلی مهم است که شرکا از هم «شناخت» خوبی داشته باشند و مسائل را از ابتدا شفاف بیان کنند تا بعداً به مشکل بر نخورند.
- بهترین راه حفظ پیشتازی، تحقیقات است. یک تصور غلطی که در صنعت هست این است که می خواهند ۲۰ سال از یک محصول با یک فرمول قدیمی سود ببرند!
- این نگاه در صنعت ما وجود نداشت که از تولیدکنندگان داخلی خیلی حمایت بشود و معمولاً نیازها از خارج برطرف می شد، ولی تحریمها این فرصت را ایجاد کردند.
- افرادی که می خواهند شرکت تأسیس کنند ولی معمولاً فقط یک ایده دارند و سرمایه چندان برای شروع کار ندارند می توانند از کمک مراکز رشد بهره ببرند.
- خوب است که یک مدتی آدم به خارج برود چون دید را عوض می کند. خیلی هم این طور نیست که می گویند اگر ایده داشته باشی تمام درها باز است.
- صنعت، این دید را ندارد که اگر دانشجو تربیت بشود بعداً به نفع جامعه خواهد بود.
- این مشکل فرهنگی جامعه ماست که مثلاً در مورد بناهای کشور هیچ کدام از آثار باستانی ما مستندسازی نشده اند.
- در مورد استاندارد ما مشکلات عمده ای داریم، چون در برخی قسمتها چندین مرجع داریم و دچار تشتت آرا هستیم.



ترجیح می‌دهم در جهنم، مهتر باشم تا در بهشت، کهتر.



گفتگو با آقای مهندس حسام‌الدین کولائیان

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۷

مدیرعامل شرکت پلاستونیک ساری

زمینه فعالیت شرکت:

تولید مخازن و قطعات پلاستیکی

تلفن: ۰۹-۳۸۳۳۳۰۸ و ۰۱۵۱-۰۹۱۱۱۵۱۴۱۲۲

Email: hesam.k@gmail.com, info@plastonic.com

سخنان گزیده:

- آموزشهای مدرسه‌ای که در مورد کارآفرینی انجام می‌شود، صرفاً بررسی جنبه‌های مختلف کارآفرینی است.
- هیچ کارآفرینی به تنهایی نتوانسته است کاری انجام بدهد. مطمئناً کسی او را باور و حمایت کرده است.
- کارآفرین در حین انجام کار بارها شکست می‌خورد، بارها زمین می‌خورد، بارها به در بسته می‌خورد، بارها ناامید می‌شود. به همین دلیل این حمایت لازم است.
- کسی که می‌خواهد وارد این میدان شود، باید آماده شرایط خیلی سخت هم باشد و مهمترین ویژگی کارآفرین علاقه شدید به موضوع کارش است.
- کارآفرین باید یک سری روحیات را هم داشته باشد، این که به مدیریت و رهبری علاقه داشته باشد.
- بیشتر شاگردان خیلی خوب، نتوانستند یک کارآفرین موفق بشوند. حتی نتوانستند وارد یک کار مشخصی بشوند و بیشترشان در محیطهای آکادمیک وارد شده‌اند.
- شانس و اقبال هم می‌تواند تأثیر بگذارد. در هر صورت خیلی فرصتها ممکن است که دیگر پیش نیاید. باید آن فرصتها را به موقع شناخت و آنها را از دست نداد.
- پول مهم هست ولی همیشه فرصتهایی هست که شما بتوانید از پول دیگران برای پیشبرد کار استفاده کنید. از بانک وام بگیرید یا بتوانید شریک خوبی پیدا کنید.
- حتی اگر این لغت را درست معنی کنیم، کارآفرین کسب و کار ایجاد می‌کند نه شغل. این دید باعث می‌شود که یک مقدار به مسائل، کلیشه‌ای نگریسته شود.
- برای دریافت تسهیلات بانکی و یا دریافت پروانه بهره‌برداری یا مدارک قانونی دیگر تعداد شاغلان در کارخانه، موضوعی تعیین‌کننده است!
- هر تحصیلکرده‌ای مسئولیتی نسبت به جامعه خود دارد و نباید از کنار سایر مردم بی‌اعتنا بگذریم. خیلی از اینها قوم و خویشهای ما هستند.
- کسی که کارش کارآفرینی محسوب می‌شود درجات و مراتبی از ریسک در کارش هست. هر چه ریسک بیشتری داشته باشد، معمولاً نتیجه‌اش پربارتر است.
- در ابتدا ما مشمول معافیهایی مالیاتی بودیم. دو سال پس از دریافت پروانه بهره‌برداری به ما اعلام شد که این قانون لغو شده است.
- یکی از مهمترین مشکلات کارآفرینان و به طور کلی فعالان اقتصادی، بی‌ثباتی در قوانین است.
- در چهار سال گذشته دولت به عنوان صاحب کارخانجات پتروشیمی چهار بار به طور اساسی برای ارائه مواد اولیه تغییر رویه داده است.
- از دیگر مشکلات مهم که در کشور ما وجود دارد، عدم حمایت از حقوق مالکیت معنوی افراد است.
- نبود حمایت قانون، روحیه کارآفرین نوآور را تضعیف می‌کند و انگیزه را می‌کشد. در کشور ما تمامی قوانین، طوری چیده شده‌اند که شما را از تولید پشیمان کنند!
- همه دلشان می‌خواهد کار خوب پیش برود و قوانین خوبی داشته باشیم ولی در اجرا همیشه در نهایت به ضرر تولیدکنندگان تمام می‌شود.
- از سال گذشته تا امسال صرفاً از طریق ارتقای بهره‌وری توانسته‌ایم دو برابر بشویم. هیچ سرمایه‌گذاری مهم جدید، سالن جدید و ساختمان جدیدی نداشته‌ایم.
- در نبود آمار درست، بسیاری از مشکلات هم پنهان می‌ماند. وقتی شروع به دریافت اطلاعات و موشکافی آن کردیم خیلی از این مشکلات هم از بین رفتند.
- برای موفقیت در بازار، ساده‌ترین کار کاهش قیمت است و سخت‌ترین کار حفظ کیفیت است.



فضای سالم رقابتی که ایجاد شود، هر کسی سهم خودش را می برد!



گفتگو با آقای مهندس غلامرضا کیانمهر

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۶۵

مدیر بخش Omron، شرکت پایکار بنیان

نایب رئیس هیئت مدیره شرکت پایکار بنیان صنعت

زمینه فعالیت شرکت:

ارائه خدمات مهندسی و انجام پروژه‌های اتوماسیون صنعتی به همراه برگزاری کلاسهای آموزشی برای سامانه‌های کنترل، عرضه محصولات شرکتیهای Omron Phoenix contact و Rittal در قالب نمایندگی انحصاری

تلفن: ۸۲۴۴۰ و ۸۲۴۴۱۲۳۴

Email: kianmehr.reza@paykarbonyan.com

سخنان گزیده:

- عمده کسانی که از دانشگاه خارج می‌شوند، ارتباط خوبی نمی‌توانند با صنعت برقرار کنند. چون چیزهایی که آنها آموخته‌اند چیز دیگری است.
- ما یک سری مباحث عملی مثل آزمایشگاه و کارآموزی داریم. به اینها به دید تکلیفی که به هر نحو باید انجام یا پاس شود نگاه می‌کنند.
- دانشگاهها و مراکز آموزشی، جاهایی هستند که همه مردم به آنجا می‌روند و هر کسی هر کاری در این جاها انجام بدهد، جای دوری نمی‌رود.
- باید پروژه‌هایی که در دانشگاهها تعریف می‌شود بر اساس نیازهای صنعت و آنچه که در صنعت وجود دارد تعریف و کار شود.
- خرد جمعی می‌تواند مسائل را حل کند و کاری نیست که یک قهرمان به تنهایی بتواند از عهده آن بر آید.
- یک کارشناس آلمانی داشتیم که جمله‌ای را می‌گفت: «یک ایرانی از یک آلمانی بهتر است. ولی دو تا ایرانی از یک آلمانی بازده کمتری دارند!»
- ما این طوری بار آمده‌ایم که همه چیز را باید به اسم خودمان تمام کنیم. اگر کاری باشد که به اسم من و شما باشد، پس سهم من کم می‌شود!
- استادان دانشگاه برای ترویج فرهنگ انجام کار گروهی، باید پروژه‌ها را به جای این که تک‌نفره تعریف کنند به صورت گروهی تعریف بکنند.
- اگر فکر و عقاید، درست باشد و افکار خوبی داشته باشید در هر کاری موفق می‌شوید و به نتیجه هم می‌رسید.
- اگر اصل و اساس کار درست نباشد، شما فقط با نمای کار نمی‌توانید به نتیجه برسید. نمای کار، هدفی را به پیش نمی‌برد.
- حداقل اگر با نام نیک از ما یاد نمی‌کنند، بدنام هم نیستیم و نمی‌گویند دور این شرکت را خط بکشید بنابراین روش کار ما خودش تبلیغ کار ماست.
- باید حرفه‌ای و تخصصی کار کنیم. یعنی هر بخش از پروژه را بدهیم به کسی که تخصص آن کار را دارد.
- در شرکت ما هر بخش را متخصص آن کار انجام می‌دهد، نه این که یک نفر به عنوان آچار فرانسه همه کارها را انجام دهد.
- بحث PLC در بعضی از دانشگاهها تازه دارد مطرح می‌شود. در حالی که PLC در صنعت دارد کهنه می‌شود. این یک نقص است.
- نمی‌شود روی پله اول نرفت و در انتهای نردبان قرار گرفت، ولی آن هم به تنهایی کافی نیست. شما باید خیلی سریع از آن مبحث عبور کنید.
- کسی از دانشگاه فارغ التحصیل می‌شود نباید با چیزهایی که در صنعت وجود دارد بیگانه باشد. سدشکن این موضوع، مجامع صنفی هستند.
- هر کسی می‌تواند در حوزه فعالیت خودش کارآفرین باشد که بر دو اصل متکی است: یکی این که خوب فکر کند و دوم این که خوب عمل کند.
- اگر کسی خوب فکر کند و خوب عمل کند، کارآفرین است. حالا این اگر حوزه فعالیتش زیاد باشد یک کارآفرین مطرح‌تر و شاخص‌تری می‌شود.
- آدم علاوه بر منافع خودش باید منافع جامعه را هم در نظر بگیرد. باید ببیند این فعالیت که در پیش گرفته است چقدر برای جامعه ارزشمند است.
- ما پتانسیل و منابع زیادی داریم. پس این منابع را در کنار این نیروهای خلاق و کارآفرین بالقوه، باید به فعلیت برسانیم.
- موقعی که می‌خواهند در مجلس قانونی وضع کنند کمیسیونهای مختلف، نظریات افراد خبره و صاحب نظر (اهل فن) را در صنعت جویا شوند.
- دانشگاه علم و صنعت یک دانشگاهی است که فارغ‌التحصیلان آنها مهندسان عملی و دست به آچار هستند.
- اگر شما آن چیزی را که فکر می‌کنید درست است انجام بدهید و به نتایجی که خودتان فکر کرده‌اید برسید، این «توفیق» است.



دلم می خواست هر چه زودتر وارد بازار کار بشوم!



گفتگو با آقای مهندس مهیار گرائلی

دانش آموخته مهندسی عمران، ورودی ۱۳۷۰

مدیر فنی شرکت ساختمانی سیت

زمینه فعالیت شرکت:

ساختمان سازی

تلفن: ۸۷۱۸۸

Email: mg521590@gmail.com

سخنان گزیده:

- وقتی که کسب و کاری به راه می اندازید، نسبت به یک عده متعهد هستید. یک عده حقوق بگیرند و یک عده هم طرف قرارداد شما هستند.
- بیشتر شرکتهای پیمانکاری فقط پیمانکار نیستند بلکه یک سبد درآمدی دارند و بیرون از شرکت، خرید و فروش دارند.
- یک بار در شرکت خودمان به خاطر اختلافات داخلی، مجبور به تعطیلی کار شدیم و بار دیگر به دلیل این که نتوانستیم کار بگیریم مجبور شدیم تعطیل کنیم.
- خدا نکند که افراد بشنوند فلان کار، سودده است. تمام کار و بارشان را رها می کنند و می چسبند به آن کار و همه هم فقط به سود کردن خودشان فکر می کنند.
- یک سری شرایط، ناخواسته است ولی مقصر بعضی شرایط، خود ما هستیم. اگر ما فقط به فکر سود باشیم مشکلات زیادی پیش می آید.
- کارآفرینی می تواند زیرمجموعه نقش آفرینی باشد. برای این که به آدمهای «منشاء اثر» اهمیت بدهیم.
- یک زمانی هر جا که می رفتی می گفتند مدرک MBA داری؟! در صورتی که شاید دارنده این مدرک، تجربه کافی را نداشته باشد یا برعکس.
- باید نیروی انسانی را دائم پایش کنیم و تئوری های کلاسه های مدیریتی را باید با فرهنگ خودمان منطبق کنیم.
- ما کتابهای رفتار سازمانی داریم که همه اش تئوری های جاهای دیگر است. نظرم این است که بیاییم با توجه به ویژگی های فرهنگی خودمان تئوری سازی کنیم.
- ما متأسفانه خیلی خوب حرف می زنیم ولی وقت عمل که می رسد همه پا پس می کشیم. همه ما علامه دهر هستیم ولی عالم بی عمل.
- هرم دانایی در جامعه ما برعکس است. یک عده بسیار زیادی در بالا قرار دارند و در مورد همه چیز فقط نظر می دهند ولی در آن پایین، نیروی اجرایی وجود ندارد.
- زمانی معلوم نبود چند درصد از شرکتهای ارزیاب ایزو، واقعاً سختگیرانه مدرک می دادند. الآن طوری است که هر کس سختگیری کند مشتری را از دست می دهد!
- ما حرفهایمان عملی نمی شود. چون نتیجه و ضرر «عمل نکردن» را نمی بینیم.
- خیلی ها به نیروی باتجربه عقیده دارند و خیلی ها نیروی جوان می گیرند و آموزش می دهند. یک مدیر خوب در شرکت باید تلفیقی از این دو را داشته باشد.
- باید بدون تعارف بپذیریم که شرکت، حق جایگزین کردن هر کدام از نیروهایش را دارد و هر کارمند هم حقوقی دارد که شرکت باید به آنها احترام بگذارد.
- این که چطور نیروی کار را حفظ کنیم ما باید به نیازهای نیروی کار توجه کنیم. یک مدیر باید بتواند خوب تشخیص بدهد که نیاز نیروی کارش چیست؟
- صحبتیم در فرهنگ سازی، این است که بیاییم آدمها را بشناسیم، از ظرفیتهایشان استفاده کنیم و سعی نکنیم که همان اول، طرف را تغییر بدهیم.
- همواره هر فردی در هر سازمان باید دائم پایش بشود. بالادستی من یا یک مدیر، حتماً باید بتواند در مورد کارکنانش نظر بدهد.
- ما این فرهنگ را نداریم که قرار است گروهی کار کنیم تا یک پروژه ای به نتیجه برسد و در کل، ما آن را بلد نیستیم!
- عوامل خارجی روی فعالیت یک شرکت دانش بنیان خیلی می تواند تأثیرگذار باشد. مثلاً طرز برخورد با این آدمها باید متفاوت باشد.
- ما صرف نظر از این که خودمان را خیلی آگاه می دانیم شخصاً در جایگاههای مختلف هم می خواهیم همه کاره باشیم!



بازار ایران کشش صنایع پیشرفته را ندارد!



گفتگو با آقای دکتر فرید مبصر

دانش آموخته مهندسی کامپیوتر، ورودی ۱۳۷۱
بنیانگذار و مدیرعامل شرکت کاردانان یکانه آسیا

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی پزشکی، سامانه‌های هوشمند و رباتیک

تلفن: ۴ و ۸۸۷۳۷۰۰۳

Email: farid.mobasser@gmail.com

سخنان گزیده:

- به خاطر این که نوع کاری که ما انجام می‌دهیم R&D از نوع سطح بالاست، به بچه‌های نخبه احتیاج دارد.
- دانشجویانی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند متأسفانه نه مهارت عملی و نه مهارت تحلیلی کافی ندارند که بتوانند در این قسمت فعالیت کنند.
- توانایی تحلیلی چیزی است که طی آموزش دراز مدت در افراد ایجاد می‌شود مانند درست تحقیق کردن و تحلیل کردن بر مبنای علمی درست.
- فکر می‌کنم که هم دیدگاه دانشجویان نسبت دانشگاه و هم روشهای تدریس در دانشگاه متحول شده‌اند.
- بچه‌ها به دنبال علم و تحلیل و ساخت و تولید نیستند. دنبال چیزهای خیلی آسان‌تری هستند و هدف اصلی این است که بروند خارج از کشور.
- کارآفرین، کسی است که رأساً شروع می‌کند به ایجاد کسب و کار و درآمد و لزوماً اشتغال ایجاد نمی‌کند.
- برخی دانشگاهها رشته کارآفرینی راه‌اندازی کرده‌اند. کارآفرینی را نمی‌شود با درس و دانشگاه ایجاد کرد و فرد را سر کلاس، کارآفرین کرد.
- کار آفرینی بستگی به خصوصیات فرد دارد. این جور افراد خصوصیات خاصی دارند و خودجوشند.
- در دانشگاه هم یک درصد محدودی کارآفرین می‌شوند. نمی‌توان انتظار داشت که همه دانشجویان یک بنگاه اقتصادی یا تولیدی ایجاد کنند.
- یک فردی ممکن است در کارمندی، موفق باشد و یک فرد دیگر ممکن است کارآفرین موفق باشد.
- در ایران کارآفرین شدن در بخش فناوری و فن‌آفرینی، سخت است. فکر می‌کنم کارآفرینی مبتنی بر فناوری سخت‌تر است؛
- نیازهای بازار ایران زیاد کشش صنایع پیشرفته را ندارد. در ایران کارهای ساده و معمولی خیلی می‌تواند ثروت‌زاتر باشد تا کارهای مبتنی بر فناوری!
- اگرچه سیاستگذاران، علاقه‌مند به تحرک و پیشرفت صنایع نوین هستند، این صنایع در ایران بازار ندارد. مگر این که بستری درست شود که در خارج از کشور فروش داشته باشند.
- خیلی از مشکلاتی که ما داریم در این بخش است که مشتری‌ها در پرداخته‌ایشان خوش‌رفتار نیستند و حتی در سفارش دادن تأخیر دارند.
- شما باید نیروی انسانی را همیشه نگاه دارید و آماده باشید و برای این قضیه هزینه پرداخت کنید.
- تربیت نیروی انسانی هم مشکلات خودش را دارد. تعهد و برنامه کاری و فرار بودن نیروها جزو مسائل اساسی است.
- در کار گروهی مشکل داریم که مربوط به تربیت ماست. ما برای کار گروهی تربیت نشده‌ایم. یک سری مسائل «فرهنگی» در این میان مطرح است.
- باید به آن توجه شود که خیلی «خودمحور» نباشیم و فقط دنبال «سود خودمان» نباشیم. اخلاق کار گروهی «کتابایی» است.
- آدم موفق کسی است که در راه هدفش با جدیت تلاش بکند. حالا این هدف اصلاً مهم نیست که چه باشد.
- هیچ چیزی توان مقابله در برابر اراده انسان را ندارد. اگر انسان اراده کند با کمک خداوند به هر چیزی که بخواهد می‌تواند دست پیدا کند.



باید «فرهنگ اعتقاد به برنامه‌ریزی» و نیز «مقید بودن به اجرای آن برنامه» ایجاد شود.



گفتگو با آقای مهندس عبدالحمید مبصری

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۴۸

مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور تناوب

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی مشاور

تلفن: ۱ - ۲۲۰۳۷۵۵۰ و ۲۲۰۱۰۰۸۸ و ۲۲۰۳۷۵۴۷

Email: mobasseri@tanavob.com

سخنان گزیده:

- شرکت تناوب که روزی با سرمایه اندک شروع به کار کرد، امروز به لطف خدا و کمک همکاران از اعتبار نسبتاً خوبی در سطح ایران برخوردار است.
- یک شرکت جهت رشد، نیازمند توسعه فعالیتهای سازمانی و آموزش مستمر پرسنل با دانشهای جدید مربوط به فعالیت خود می‌باشد.
- اولین و مهم‌ترین مسئله در بحث کارآفرینی، اعتقاد به حرکت است و ماندگاری و ثبات قدم عوامل مهمی به شمار می‌آیند.
- تمام اعتبار و سرمایه ما از همین خاک بدست آمده و متعلق به آن است.
- باید در ایران بمانم و کار کنم به همکاران جوانم در شرکت پیاموزم که تنها با کار می‌توان امید بهبودی شرایط کشور، شرکت و خانواده را داشت.
- اصلاح ساختار باید به دست خود ما صورت گیرد و زمانی سرنوشت ما تغییر می‌کند و درست می‌شود که تک‌تک ما درست شویم.
- اگر خواهان وجود قانون در همه عرصه‌ها هستیم، تک‌تک ما باید به قانون احترام گذاشته، به آن عمل کنیم.
- در ایران، امکانات بسیاری برای رشد و حرکت وجود دارد. چون در ایران حوزه‌های بسیاری وجود دارد که در آنها فعالیتی صورت نگرفته است.
- اگر بخواهیم می‌توانیم تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. رمز موفقیت یک کارآفرین آن است که توانایی تبدیل تهدید به فرصت را داشته باشد.
- امثال من به عنوان فردی که مسئولیت دارند اگر بدلیل مشکلات نتوانند افراد نخبه کشور را جذب کنند، طبیعی است که افراد نخبه در ایران نمی‌مانند.
- انگیزه‌ای برای پیاده‌سازی نظم وجود ندارد و عدم ضابطه‌مندی مشکلی است که در ساختار شرکتهای ما وجود دارد.
- یک شرکت و یا کارخانه و یا حتی یک کشور، زمانی که نظام‌مند شود تنشها کاهش می‌یابد.
- بنابراین «ایجاد نظم» و ارتباط معقول یکی از بزرگترین دغدغه‌های کارآفرینان است.
- دانشگاه به ما آموخت که هنگام مواجه شدن با مشکل بتوانیم راه حل را پیدا کنیم و پیدا کردن راه‌حل بهینه همان تبدیل تهدید به فرصت است.
- در حال حاضر فضای دانشگاه تا حدودی نمایانگر جو کلی جامعه است. یعنی در جامعه هم می‌بینیم که افراد از هم دور شده‌اند.
- مراکزی که فقط تکنسین تربیت نماید، یعنی فرد در یک حوزه خاص تخصص پیدا کند، مثل مراکز فنی و حرفه‌ای را در ایران باید تقویت کرد.
- در حال حاضر، یافتن تکنسینی که در حوزه ابزار دقیق، جوشکاری و یا لوله‌کشی یا صنعت مربوطه آموزش تئوری داشته باشد، بسیار مشکل است.
- تغییر ضوابط که از حالت سلیقه‌ای خارج شود، نظم مفهوم می‌یابد.



در ایران هر فردی می خواهد خودش همه کاره باشد؛ در حالی که هر کسی باید نقش خودش را بازی کند و لازم نیست همه کارگردان باشند.



گفتگو با آقای مهندس حسین مجدفر

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۴

مدیرعامل شرکت ربات پارسیان

زمینه فعالیت شرکت:

خدمات مهندسی شامل: مشاوره، طراحی سلول، تدوین سناریوی تولید، آموزش، اجرا، نصب و راه اندازی سلولهای رباتیک صنعتی

تلفن: ۶-۰۹۱۲۱۴۴۹۱۷۷ و ۲۶۲۱۱۰۵۴

Email: ceo@ingora.com

سخنان گزیده:

- برای این که بتوانم اولین پروژه شرکت را بگیرم ۵ سال تلاش کردم ولی هیچ وقت به خودم اجازه ندادم که نه دست از سماجت بردارم و نه به کسی باج بدهم.
- بهتر است هر کشوری یک تعداد افراد برگزیده داشته باشد و اینها برای دیگران فکر کنند و کارهای «جدید» طراحی کنند تا از این طریق، کارآفرینی کنند.
- در دنیا عدالتی وجود ندارد. پس به جای آن که وقت را صرف حسادت، خودخوری یا غر زدن کنی به فکر استفاده از زمان باقیمانده برای برداشتن موانع و ارتقای خودت باش.
- کسی را دست کم نگیر و از روی ظاهر کسی درباره توانایی هایش قضاوت نکن و اگر کسی امروز در اوج است سالهای زیادی را هم که مشغول تحمل بدبختی ها بوده است ببین.
- حاصل ضرب ادعاها و داشته های افراد، عدد ثابتی است. پس اگر کسی جلوی شما بیشتر ادعا کرد در مشارکت با او بیشتر مراقب باشید. به عبارت دیگر، طبل هرچه تو خالی تر باشد صدای آن بلندتر است. معمولاً افراد و شرکتها با نام بردن از برخی موارد یا تأکید بیش از حد بر یک توانایی، به سادگی شما را به سمت نقاط ضعفشان راهنمایی می کنند.
- هرچه انجام کاری سخت تر باشد، حصول به نتیجه بزرگتری در انتظار ماست و امید تنها نیروی پیشرانی است که برای بقا در یک حرکت، با دستهای خالی در اختیار داریم.
- استمرار در کار، اولین عنصر در ساختار روحی یک کارآفرین است. تاریخ پر از نام شرکتهایی است که با گذشت دو سال و تحقق نیافتن یکشبه سراب اولیه، منحل شده اند.
- امروز در دنیای ارتباطات، افرادی سریع تر رشد می کنند که از دنیای اطراف خود آگاه تر باشند، نه آنها که سابقه طولانی تری دارند. پس مهم نیست نخستین فرد در یک صنعت چه کسی بوده است و نخستین بار کدام شرکت یک محصول را تولید کرده یا یک نوع خدمات را ارائه داده است؛ بلکه با کیفیت ترین و ارزان ترین محصول، برنده خواهد شد.
- همه جای دنیا آسمان به همین رنگ است. فقط یک کم آبی اش کم و زیاد است؛ بنابراین خانه، بهترین جای دنیاست و پدر و مادر، آخرین دوستان واقعی ما هستند که محبتشان بی دریغ و تمام نشدنی است. دیدن کشورهای خارجی و الگوبرداری از شرکتهای دیگر به شرطی مفید است که برای محل مصرفش بومی سازی بشود.
- هنگام قضاوت درباره فرد، کسی که به دور از هرگونه غرور، به موقع قهرمانی کند و درجا بتواند عذرخواهی کند، شجاع است. هنگام قضاوت میان دو نفر، کسی که به دور از هرگونه غرور، زودتر گذشت کند و درجا بتواند ببخشد، شجاع تر است و هنگام قضاوت درباره یک جمع، متواضع ترین فرد، شجاع ترینشان است.
- استحکام یک رشته زنجیر به مقاومت ضعیف ترین حلقه آن بستگی دارد. پس در زندگی اجتماعی، منت گذاشتن در هنگام کمک به یک ممنوع توجیهی ندارد، بلکه یک وظیفه است؛ چون سرنوشت خود ما هم به آن گره خورده است. رسیدگی به مشکلات شخصی پرسنل، از مهمترین وظایف یک مدیر است که ممکن است دست کم گرفته شود.
- هیچ وقت موقع عصبانیت کاری را انجام نده! واکنشی که در هنگام عصبانیت به یک حرف یا عمل نشان داده می شود بیش از این که ناشی از تدبیر ما در برابر بروز یک مشکل باشد، نماینده احساسات لحظه ای و قضاوت خطا دار ماست. پرسنلی را که با هزار زحمت دستچین کرده اید، نباید به سادگی از دست داد حتی اگر حق هم با شما باشد.
- بخشش، کار بزرگان هست ... ولی اگر کسی یک بار اشتباه کند «می تواند» باز هم مرتکب آن شود. بنابراین آدم خطاکار، مثل داروی یکبار مصرف است. برای خودت بهتر است که دیگر کارهای «خطیر» را به او نسپاری و به پشتگرمی او دل نبندی. تقریباً در تمام پروژه هایی که به سرانجام رسیده اند، یک نفر بیش از بقیه فداکاری کرده است.
- توهم لیاقت، عمده ترین سوء تفاهمی است که یک جوان در سالهای ابتدایی اشتغال، دچارش می شود. قرار نیست دنیا جلوی کسی تعظیم کند. در عالم، آدمهای کاردان تر از ما هم وجود دارند و اتفاقاً تعدادشان نیز خیلی بیشتر از تصور ماست. برای پیروزی در پروژه ها باید عرق ریخت و برای کسی مهم نیست شما کجا درس خوانده اید.
- خدا آن قدر عادل هست که هیچ وقت همه چیز را به همه کس، یکجا نمی دهد. یک چیزی را من دارم که تو نداری؛ یک چیزی را تو داری که من ندارم و چیزهایی را ما داریم که دیگران ندارند، اما ... «خیلی چیزها هست که دیگران دارند ... ولی ما نداریم»؛ پس هر وقت خواستی به داشتن چیزی مغرور شوی، کافی است یاد آن همه چیزی بیفتی که نداری!
- در روند تکامل، نه قوی ترها باقی ماندند و نه باهوش ترها، بلکه آنها که توانستند «تغییر» کنند، ماندند. در شرکت داری هم باید بتوان به نیازهای بازار، به موقع پاسخ داد.
- به آدمها اطلاعات زیادی نده. هر کس باید فقط به اندازه حجم قابل پردازش ذهنش از توانایی ادراکش از واقعیتها خبر داشته باشد وگرنه قاطی می کند و رفتارش ناهنجار می شود.
- چه در شراکت کاری و چه در روابط اجتماعی، مواردی هست که غیر قابل بخششند. باید این موارد را «پشت سر بگذاری». این طوری خودت راحت تری و می توانی ادامه بدهی.



تفاوت دانشمند با مهندس، تفاوت علم با فناوری است.



گفتگو با آقای مهندس محمد محزون

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۶۵

مدیرعامل شرکت افرا صنعت هوشمند

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و مهندسی برق و اتوماسیون پروژه‌های صنعتی و ساخت تابلوهای فشار متوسط و فشار ضعیف و تأمین تجهیزات

تلفن: ۴۴۱۶۸۸۱۹ و ۴۴۱۳۲۹۷۸

Email: info@afrasanatco.com

سخنان گزیده:

- متأسفانه برنامه آموزشی دانشگاه‌های ایران مبتنی بر تئوری و آموزش علم بود و مناسب تربیت دانشمند و نه تربیت مهندس.
- شما به راحتی به مقالات روز دنیا دسترسی دارید اما فناوری و نحوه ساخت هر دستگاهی در دست شرکتی است که PATENT آن را دارند.
- برنامه آموزشی دانشگاه صنعتی شریف به هیچ وجه با روحیات من سازگاری نداشت. من برای مهندسی آفریده شده بودم.
- خوبی رشته‌های مهندسی در این است که شما ناچارید پویایی خود را همگام با فناوری حفظ کنید و خواندن و آموختن جزو زندگی شما می‌شود.
- در بخش خصوصی، رقابت شدیدتر و رمز موفقیت، پویایی است. در بازار کار ایران، موقعیتهای شغلی بالا را بر اساس شایستگی تقسیم نمی‌کنند.
- بچه‌های دانشگاه تا زمان فارغ‌التحصیل شدن فقط درس خوانده‌اند و دید درستی از بازار کار ندارند.
- در کشور ما از این برنامه‌ها زیاد است و بچه‌هایی که سرشان پایین است و دارند کار می‌کنند بعد از یک مدت مشکل روحی و روانی پیدا می‌کنند.
- تا آخر عمر که نمی‌توان در باد رتبه خوب و دانشگاه شریف خوابید! بلکه در عرصه کاری هم باید شایستگی‌ها را ثابت کرد.
- موضوع بسیار مهم، جسارت پذیرفتن مسئولیت است. پذیرفتن مسئولیت هم تنشها و سختی‌های خودش را دارد و با روحیه هر کسی همخوانی ندارد.
- فشار سنگین انجام پروژه، منطقی آدم را به آن سمت سوق می‌داد که پس چرا برای خودم کار نکنم؟!
- مدیریت نیروی انسانی، بازرگانی، مدیریت مالی، بازاریابی و ... برای یک شرکت ضروری است که نداشتن آنها پیشرفت هر شرکتی را کند می‌کند.
- به فارغ‌التحصیلان جدید توصیه می‌کنم زیر بار مسئولیت بروند و با تحمل سختی و مرارت، تجربه انجام کامل کار را پیدا کنند.
- هدف من از سخت کار کردن یافتن دانش فنی انجام یک کار بود. همان چیزی که غربی‌ها آن را حفظ و بهتر می‌کنند و بارها از آن پول در می‌آورند.
- نظم و انضباط و فناوری و پیشرفت و خلاقیت و پیرو آن ایجاد ثروت و زندگی بهتر، فرایندهای تصادفی نیستند و با خوشگذرانی به دست نخواهند آمد.
- فرهنگ کار ما ایرانی‌هاست که ترجیح می‌دهیم به جای این که یک زمینه را خوب بدانیم چندین زمینه را ناکامل بدانیم.
- در کشور ما صاحبان سرمایه تصور می‌کنند ۹۰ درصد کار را آنها انجام می‌دهند و باید با همین نسبت هم با صاحبان تخصص شریک شوند.
- مدیر دولتی با مینی‌بوس خودش آمد و مدیران خودش را هم که هیچ تخصصی در برق و تابلوسازی نداشتند آورد.
- تصور کنید برای من که به کار فکر می‌کردم چقدر آزاردهنده بود که کسانی را که نه مدیر بودند و نه مهندس باید دکتر خطاب می‌کردم.



نتایج کارآفرینی، باعث تحرک بیشتر در صنعت می‌شود.



آقای مهندس محمودرضا محمدزاده

دانش‌آموخته مهندسی برق، ورودی ارشد ۱۳۷۱

مدیرعامل شرکت امیدسازان حیات

زمینه فعالیت شرکت:

ساخت و تأمین تجهیزات مهندسی پزشکی، دستگاه جنین‌یاب و کابل‌های پزشکی برای دستگاه مانیتورینگ، الکتروشوک، آزمون ورزش و هالتر (قلبی)

تلفن: ۰۹۱۲۳۳۶۷۳۶۵ و ۷۷۶۳۳۹۷۹ و ۷۷۵۳۱۸۳۷

Email: info@osh-medco.com

سخنان گزیده:

- افرادی که می‌خواهند خلاقیت داشته باشند اصلاً کار تکراری، آنها را راضی نمی‌کند و رسالت خدمت‌رسانی، انگیزه‌ای برای کارآفرینی است.
- کارآفرین باید از لحاظ علمی و فنی با یک مرکز علمی و تحقیقاتی در ارتباط باشد چون نیاز به یک منبع تغذیه فکری در زمینه کاری خود دارد.
- خلاقیت در طول زمان، خود را نشان می‌دهد. به دلیل این که معمولاً پشت سر خلاقیت که می‌خواهد عملی شود یک فناوری هم وجود دارد.
- زمانی که کارآفرین ایده‌ای را مطرح می‌کند باید با سرعت معقول به نتیجه خوبی برسد، اما شتاب بی‌مورد نتایج خوبی ندارد.
- لوازم کارآفرینی، تلاش مستمر، پشتوانه مالی، علمی و فنی، شجاعت و قدرت تصمیم‌گیری درست در مقاطع مختلف است.
- تلاش پیگیر و توکل به خداوند، پیرو انتخاب هدف و ابزار درست، همیشه با موفقیت مواجه می‌شود.
- در شروع یک کار، انتظار برداشت مالی باید حداقل باشد. تثبیت و توسعه کار، صبر می‌خواهد.
- برای رسیدن به هدف، موانع بسیاری در راه است. باید این مسائل را منطقی تحلیل کرد و برای رسیدن به اهداف، تلاش و پشتکار داشت.
- نخستین محصول ما چیز جدیدی بود، از همین نقطه قوت استفاده کردیم و فروش خوبی داشتیم. پیش‌نیاز این تولید، یک دانش فنی کوچک بود.
- اگر از محصولات خارجی کپی محض نشود، بلکه در موقع لزوم طرح آن با نیازها تطبیق داده شود، موفقیت شما بیشتر و هزینه‌ها کمتر خواهد بود.
- در برخی مواقع اگر بخواهیم قطعه‌ای را در داخل کشور بسازیم هزینه زیادی را باید بپردازیم، پس بهتر است که آن را از کشور دیگری وارد کنیم.
- در حال حاضر مرسوم و مقرون به صرفه نیست که شرکت‌های کوچک، همه چیز را خودشان تولید کنند.
- باید بخشهایی از محصول را که خود، توان تولید آن را نداریم، تحت مدیریت و نظارت خود، به گروه‌های تولیدی دیگر واگذار کنیم.
- گرفتن استاندارد جهانی راه سختی است، اما اگر این استاندارد را دریافت کنیم، به راحتی می‌توانیم به کشورهای مختلف صادرات داشته باشیم.
- واحدهای پژوهشی دانشگاه‌ها باید با صنعتی که ما داریم، سازگار شود. برخی کارهایی که در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، به کار صنعت نمی‌آید.
- چون در دیدگاه دانشگاه‌ها اهداف خاصی هست که آنها را دنبال می‌کنند، اگر ما مشکلات صنعتی داشته باشیم، باید خود به دنبال راه حل آن برویم!
- دانشگاه باید با مدیران صنایع، جلساتی را داشته باشد و نیازهای صنعت به صورت مکتوب اعلام شوند.
- گروهی دانشگاهی باید به عنوان واسطه تعریف شوند تا صنایع را مورد بررسی قرار دهند و اطلاعات، جمع‌آوری شود تا کمبودها مشخص شود.
- می‌توان زمینه‌ای را ایجاد کرد که پروژه دانشجویان در بیرون از محیط‌های دانشگاه تعریف شود که این خود واسطه خوبی می‌شود.
- اگر دانشجویان بخواهند کارهایی که انجام می‌دهند به نام آنها تمام شود و منافع مادی هم داشته باشد، روند پیشرفت طرح‌ها، کند خواهد شد.
- زمانی که یک گروه دانشجویی بزرگ می‌شود، تعداد نفرات مدیر هم زیاد می‌شود و در نتیجه اختلاف سلیقه‌ها زیاد می‌شود!
- این طور نیست که هر فردی شرکتی را تأسیس کند حتماً موفق بشود. تحقیقاتی لازم است و فقط با تلاش، نمی‌توان موفق بود.



در کشورهای توسعه یافته، مجموعه‌های موفق، مجموعه‌های دانش بنیان خصوصی هستند.



گفتگو با آقای دکتر حسین مختاری

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق، از سال ۱۳۷۹

رئیس هیئت مدیره شرکت یکتا بهینه توان

مدیرعامل شرکت ریل ران گستر شریف



زمینه فعالیت شرکت:

الکترونیک قدرت و کیفیت برق

تلفن: ۶۶۱۶۵۹۶۲ و ۵ - ۶۶۰۳۴۷۲۴

Email: mokhtari@sharif.edu

سخنان گزیده:

- دانشگاه در بعضی از موارد به جهت اینرسی که دارد نمی‌تواند آن خدمات را بدهد. الان بستر برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مناسب‌تر است.
- درصد بسیاری از تأخیرهایی که در پروژه‌های داخلی داریم جدا از مسائل اقتصادی آن برمی‌گردد به تعاملاتی که ما با این شرکتهای خارجی داریم.
- این توانمندی را داریم که بتوانیم در حد تولید انبوه، کار را جلو ببریم. الان داریم کانالهای صادرات را شناسایی می‌کنیم.
- مدیریت در مجموعه‌های دولتی این امکان را به شما نمی‌دهد که بتوانید برای درازمدت برنامه‌ریزی بکنید.
- یکی از انگیزه‌هایی که دانشجویان از کشور می‌روند این است که احساس می‌کنند طوری تربیت می‌شوند که در این کشور، قابل استفاده نیستند.
- اگر افرادی کارآفرین می‌شوند، عمدتاً بر اساس توانمندی‌های ذاتی خودشان و پشتوانه‌های خانوادگی است و نه بر اساس یک نظام آموزشی مناسب.
- فارغ‌التحصیلان ما به تنهایی به خوبی کار می‌کنند ولی در ایجاد کارهای گروهی که نیاز به مدیریت قوی منابع انسانی دارد خیلی موفق نیستند.
- زمان مناسب، فرد مناسب و مکان مناسب ... این ۳ تا پارامتر که آماده بشود موفقیت حاصل می‌شود.
- بحث اقتصادی، نکته بسیار مهمی است. الان ما می‌فهمیم که اگر پول داشتیم شاید اینجا نبودیم.
- در مواردی که من خدم درگیر آن شده‌ام، چه در زمینه مشاوره و چه در زمینه ساخت، واقعاً موردی نبوده است که ما نتوانیم حلش کنیم.
- در داخل کشور کم نیستند که نمونه‌ای از یک دستگاه را ساخته باشند. ولی نتوانسته‌اند این را گسترش بدهند و تجاری کنند.
- از جمله زیرساختها، تدوین قوانین حمایتی و آیین‌نامه‌های اجرایی مناسب و از همه مهم‌تر سازوکار درست و سریع اجرای این قوانین است.
- در بعضی موارد خیلی قوانین وجود دارند، ولی تعریف آیین‌نامه و اجرایی کردن آن بسیار پیچیده و طولانی و بعضاً غیر کارشناسی است.
- فرایند دریافت حمایت، بسیار طولانی است که باعث خسته شدن می‌شود. موفق کسی است که بتواند استعدادهای خود را به مرحله ظهور برساند.
- الان بحران مدیریت داریم و در آینده این بحران جدی‌تر می‌شود. چون نیروهای توانمند و قابل، انگیزه حضور در مجموعه‌های دولتی را کمتر دارند.
- چون در کشور ما متأسفانه پول و سرمایه در دست دولت است و تصمیم‌گیرنده نهایی دولت است، مشکل مدیریت منابع، بسیار جدی خواهد بود.
- عدم وجود مدیریت کلان و یکپارچه در هدایت سرمایه‌ها سبب شده تا تصمیم‌گیری‌ها مقطعی و با سلیقه افراد صورت بگیرد.

از پروژه‌های تئوری خوشم نمی‌آید!



گفتگو با آقای مهندس احمد رضا مرسی

دانش‌آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۷۷

مدیرعامل شرکت شناور صنعت تندرو

رئیس هیئت مدیره شرکت پیشرو صنعت کارمانیا

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و ساخت شناورهای سطحی، زیر سطحی و تندرو، تأمین تجهیزات دریایی، تغییر کاربری، تعمیر و عیب‌یابی موتورهای بنزینی و دیزلی دریایی

تلفن: ۷۱-۷۷۷۲۵۸۷۰ و ۹۱۲۱۴۳۱۸۱۶

Email: kntugroup@yahoo.com

سخنان گزیده:

- در صورتی که صورت مسئله دقیق و کامل طرح شود و تیم اجرایی نیز خوب انتخاب شوند قطعاً برای رسیدن به نقطه هدف مسیر خوبی طراحی خواهد شد.
- پول، خود به نحوی درمی‌آید و ما باید یاد بگیریم که پول خودش بعد از کار می‌آید.
- درست است که فرد دانشگاهی، فردی با دانش فنی بالاست ولی صرفاً با این افراد نمی‌شود یک کار کاملاً اجرایی انجام داد.
- هر کسی بتواند در این مملکت فکر کند قطعاً موفق است. بعضی از افراد این جوری نیستند، یعنی باید به ایشان بگوییم که برو و یک کاری را انجام بده.
- اخلاق، مهم‌تر است. اول اخلاق و بعد تخصص، چون تخصص را در حین کار می‌شود کسب کرد ولی اخلاق را نمی‌شود.
- در کار تیمی مهم این است که هر کاری با توجه به پتانسیل هر فرد به او واگذار شود و این موضوع در روند انجام کار، بسیار مؤثر است.
- ارتباط صنعت و دانشگاه باید کمی حمایت بشود، به خصوص در صنعت، چون در صنعت صبر کم است.
- چرا بیشتر پروژه‌های صنعت با دانشگاه به سرانجام نمی‌رسد؟ چون به مشکل می‌خورند، ولی هیچ موقع مشکل را حل نمی‌کنیم که این بیشتر جنبه رفتاری دارد.
- اگر در کل کشور نگاه کنیم برای یک کشور، شرکت‌های سلولهای پیکره صنعتی آن هستند که نیروی انسانی هم جزو این شرکت‌هاست.
- «کار گرفتن» ساده است، ولی کار انجام دادن در ایران سخت است، برای این که قانون و قاعده ندارد و در پروژه‌ها جذب آدم مناسب، سخت‌ترین مسئله است.
- عدم داشتن گذشت در کار و دخالت در کار هموطنان، برای ما رایج است. بیشتر مشکلات در رده‌های پایین به وجود می‌آید؛ یعنی رده‌هایی که درگیر کارند.
- ما «مهندس» کم داریم، در ایران چون کار با فناوری سطح بالا نیست اکثراً می‌روند درس می‌خوانند تا در بازار کار با دیگران که تعدادشان کمتر است رقابت کنند.
- آن کارآفرینی می‌تواند موفق‌تر بشود که بتواند حجم زیادی از نیازها را در ذهنش بپرواند و راهکار مناسب برای برطرف کردن آنها ارائه بدهد.
- کارآفرین کسی است که بتواند از پتانسیل آدم‌هایی که می‌شناسد، در جایگاه مناسب خودش به خوبی استفاده بکند.
- کارآفرین‌هایی که بخواهند برتر باشند، آدم‌هایی هستند که در آن روش‌های صنعتی، تغییر ایجاد کنند و نیازی نو را بشناسند و برطرف کنند.
- کسی که می‌خواهد شرکت بزند اول باید روی حیات خودش دقیق برنامه‌ریزی کند، خیلی از بچه‌ها و خیلی از دوستان شرکت زدند، ولی به نتیجه نرسیدند.
- اگر آدم‌ها خود را یک پله از آن چیزی که واقعاً هستند پایین‌تر بدانند در شرایط جامعه ما و در کار و همه چیز، خیلی می‌توانند موفق‌تر باشند.
- یکی هم این که «صبر» خیلی مهم است. تجربه کارم در ایران به من می‌گوید باید صبر داشت و کار خوب است که کار بعدی را می‌آورد.
- مشکلات هست ولی تا موقعی که به مشکل برخورد نکرده‌ایم نباید برای آن راه حل ارائه دهیم، چون ذهن انسان بیشتر به سمت آن مشکل می‌رود.
- در ایران با صبر کردن بسیاری از مشکلات حل می‌شود.



باید ذهنهای قوی وارد رشته مدیریت شوند!



گفتگو با آقای دکتر علینقی مشایخی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۵

عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

تلفن: ۶۶۱۶۵۸۵۶

Email: mashayakhi@gmail.com

سخنان گزیده:

- مسئله مدیریت و اقتصاد خیلی مهم است و حس کردم که در ایران توجه به این رشته‌ها متناسب با اهمیتی که دارند نیست.
- اگر می‌خواهید یک رشته را در یک جامعه قوی کنید، باید جوانان با استعداد خوب بروند سراغ آن رشته و اگر نروند، رشته قوی نمی‌شود.
- اقتصاد برای اداره جامعه خیلی مفید است و بی‌توجهی به جذب استعدادها برچسته به این رشته باعث می‌شود که دانش جامعه برای اداره امور مهم، پایین باشد.
- کارشناسهای زبده حاضر نیستند در قالب تعاونی کار کنند که به اندازه‌ای حق رأی داشته باشند که یک فرد عادی حق دارد!
- مدیریت، یکی از چالشهای بزرگ کشور ماست و باید ذهنهای قوی وارد رشته مدیریت شوند و ذهنهای قوی می‌آیند در دانشگاههای مهندسی.
- می‌دیدم که کشور نیاز دارد که دانشجویهای خوب، مدیریت بخوانند و راهش هم این است که دانشکده مدیریت دانشگاه صنعتی شریف را ایجاد کنیم و این برای من انگیزه و علاقه ایجاد می‌کرد.
- MBA یک آموزش حرفه‌ای است! از تمام رشته‌ها می‌توانند وارد رشته MBA شوند، حتی از روانشناسی و جامعه‌شناسی و ...
- ما باید یک کاری بکنیم که یک جنبش آموزشی در مدیریت کشور راه بیفتد و این جنبش هم یک جوری محک بخورد که آن آموزشها مؤثرند یا نه؟
- این که اشتیاق به فراگیری مدیریت وجود آمده خوب است، ولی پاسخ دادن به این اشتیاق هنوز سازمان کافی پیدا نکرده است.
- کشور به مسئله آموزش مدیریت توجهی نداشت و سرمایه‌گذاری کشور در این مسئله در مقایسه با سرمایه‌گذاری در جاهای دیگر هیچ بود.
- سمینارها برای توسعه یک رشته لازمند. وجودشان بهتر از نبودشان است ولی باید سامانش داد.
- این که ارتباط صنعت و دانشگاه قوی بشود، از دو طرف باید حرکت کنیم.
- دانشگاه می‌تواند یک برنامه آموزشی را کپی کند و کاری نداشته باشد که در صنعت چه اتفاقی می‌افتد. ولی این راه دانشگاه نیست.
- آموزش و پژوهش دانشگاه باید «مسائل جامعه» را حل کند. پس دانشگاهها باید دغدغه‌شان حل مسائل جامعه باشد.
- نقش نوآوری که در حل مسائل صنعت بیشتر شود، آن وقت نیاز به مغزهای دانشگاه احساس می‌شود و این دو، به طرف هم حرکت می‌کنند.
- ما می‌توانیم بنشینیم در دانشگاه و بگوییم که صنعت باید قدر ما را بداند و بیاید سراغمان و صنعت هم همین‌طور! خوب، این اتفاق نمی‌افتد.
- باید در دانشگاه، نیروهایی که توان تشخیص و حل مسائل صنعت را دارند فعال‌تر باشند و رابطه‌شان را با صنعت بیشتر کنند و پل ارتباطی بشوند.
- اگر ما صورت مسئله صنعت را بفهمیم، این روی درسی که به دانشجو می‌دهیم تأثیر می‌گذارد و به صنعت نزدیک‌ترمان می‌کند.
- دانشجویهای ما که فارغ‌التحصیل می‌شوند تازه «مستعد» شده‌اند که در صنعت، روش حل مسئله را یاد بگیرند و کارا شوند.
- ما باید آموزشهایمان را در دانشگاه طوری بکنیم که کسی که فارغ‌التحصیل شد بتواند یادگیری‌اش را ادامه دهد.
- کارآفرینی شوق به وجود آوردن، تشخیص پتانسیلها و طراحی برای به وجود آوردن و از پا ننشستن و راههای مختلف را طی کردن است.
- یک کارآفرین اول باید مثبت‌اندیش باشد، چون برای داشتن انرژی به منظور حرکت کردن، باید مثبت فکر کنی!
- مشکل در آموزش ما این است که یک ساختار فکری ایستا داریم، مثلاً من می‌گویم که «اگر» این شرایط برقرار بود ما این کار را می‌کردیم.
- یکی از مسائل پیش روی کارآفرینی‌های ماست که وقتی کارشان بزرگ شد، دیگر متوقف می‌شوند.
- دولت باید توان تشخیص حرکتهای کارآفرینانه را در بخش‌هایی از سازمان به وجود بیاورد و از این حرکتها حمایت کند.
- فکر می‌کنم آدمی که یک هدفی برای خودش می‌گذارد و بعد آن هدف را محقق می‌کند، این آدم قاعدتاً احساس توفیق و رضایت می‌کند.



بازار هم یک نوع دانشگاه است!



گفتگو با آقای مهندس محمدباقر معتمد

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۷

مدیرعامل شرکت مهندسی زحل

رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم شفاژ و تهویه مطبوع

زمینه فعالیت شرکت:

خرید، فروش، خدمات پس از فروش و خدمات مهندسی تأسیسات

تلفن: ۸۸۸۲۰۴۱۱

Email: mbmotamed@gmail.com

سخنان گزیده:

- در مملکت ما مهم‌ترین دوره‌هایی که مدیران باید ببینند MBA یا مدیریت اجرایی است و چقدر هم این رشته‌های مهندسی، خوب جفت می‌شود.
- الآن در مملکت ما این‌جوری است که طبق برداشت جامعه، جاهایی که دنبال مدیر می‌گردند مهندس را بهتر از یک مدیر بازرگانی استخدام می‌کنند.
- در بازار، باید هر روز ابتکار، خلاقیت، انعطاف و ... داشته باشی. اینها مصداق‌هایی است که شاید بشود گفت بازار هم یک نوع دانشگاه است.
- کسانی را داریم که هفتاد هشتاد سال دارند و خواندن و نوشتن بلد نیستند ولی مدیران بسیار موفقی‌اند. اینها بازار برایشان دانشگاه کاربردی است.
- الآن دیگر نمی‌توانیم بگوییم که یکی که ۳۵ سالش است مدیر موفقی است ولی لیسانس ندارد!
- سرعت تغییرات روشهای کسب و کار در آینده آن قدر بالاست که بدون پیش‌زمینه اطلاعات و آموزش یادگیری و تفکر، اعضا از قافله جا می‌مانند.
- اعتماد، این‌جوری حاصل می‌شود که شما مردم را زیاد ببینید و با مردم مراوده داشته باشید.
- شما هیچ نداشته باشی، همین که احساس تنهایی نکنی انگار همه چیز را داری! یعنی اگر همه با شما باشند هیچ وقت احساس تنهایی نمی‌کنید.
- تنها بودن یعنی یک عده شما را تنها گذاشته‌اند، اما احساس تنهایی یعنی شما خودت قبول کرده‌ای که تنهایی.
- هر کاری را در کنار کارهای مهندسی‌ام شروع کرده‌ام، کار مطالعه و نوشتن را هم داشته‌ام و این خیلی مفید بوده است.
- جامعه سنتی، خیلی در برابر تغییر مقاومت می‌کنند و البته این را هم باید در نظر داشته باشید که این تغییر از طرف کیست.
- با توجه به این سیاست که در کل مملکت هست و سیاستی است که همراه تولید نیست تصمیم‌گیری برای من خیلی مشکل است.
- چرا خارجی‌ها می‌توانند قیمت پایین به ما بدهند؟ ما مشکلمان در قسمت ارز است. قیمت ارز را اگر شناور نکنند روی عدد فعلی نمی‌ایستد.
- طرف یک آپارتمان دارد که ۱۰۰ میلیون تومان می‌فروشد. می‌شود ۱۰۰ هزار دلار که بر می‌دارد می‌رود در امریکا یک ویلا ۲۰۰۰ متری می‌خرد!
- قیمت مسکن در زعفرانیه از بهترین جای واشنگتن گران‌تر است! دلیلش، قیمت دلار است.
- بزرگترین مشکلی که امریکا با چین دارد این است که چین قیمت واحد پولش، یوان، را به طور مصنوعی پایین نگه داشته است.
- کشوری پیشرفت می‌کند که قیمت ارزش واقعی باشد. زیرا صادرات و توریسم رونق پیدا می‌کند.



لحظه‌ای که کاملاً راضی باشید، می‌توانید به راحتی بمیرید!



گفتگو با آقای مهندس کاوه مقدم تبریزی

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۶۶

مدیرعامل شرکت بهسام افزار تهران

زمینه فعالیت:

سامانه‌های بانکی، اتوماسیون صنعتی و خانگی (الکترونیک و رایانه)

تلفن: ۸۸۵۳۶۹۹۹

Email: k_moghaddam_t@yahoo.com

سخنان گزیده:

- انرژی که در درون ماست نیاز به یک بستر دارد که بتواند اینها را جذب کند و راضی‌شان کند که بتوانند یک کار برجسته انجام دهند.
- خیلی از از بچه‌هایی که جذب خارج می‌شوند احساس می‌کنند اینجا نمی‌توانند «کار بزرگی» انجام بدهند. باید در این زمینه کار بشود.
- وقتی می‌توانیم بگوییم فرایندهای موفق در دنیا «هدفمند» شده‌اند که نهایتاً به یک فرایند «اقتصادی» منتهی شود.
- شرکتهای بزرگ و دولتی هم متأسفانه روی تحقیقاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که آخرش به درد کسی نمی‌خورد.
- در این روندی که برای ایجاد آن کار طی می‌کند به طور خودکار، یک سری عوامل دورش جمع می‌شوند.
- هیچ وقت در ذهن من این نبود که یک روز یک شرکت با حدود ۶۰ نفر پرسنل داشته باشم.
- چند سال پیش هم ما یک سری به مرکز رشد زدیم، ولی فقط یک اتاق می‌دهند! نه کمکی، نه این که یک بانکی بیاید به ایده‌ها کمک کند.
- ما فقط ظاهر هر چیزی را می‌بینیم! مرکز رشدمان یک ساختمان است. بیشتر، مشخصات سخت‌افزاری را می‌بینیم تا «کمکهای فکری».
- مهم این است که شخصی که می‌خواهد یک صنعتی را ایجاد کند همه چیز را به روش سعی و خطا جلو نرود.
- یک مشکل فرهنگی در ما هست به نام «اعتقاد به ذات»! می‌گویند طرف ذاتش این جور است. ولی ما آموزش را همیشه فراموش می‌کنیم.
- بحث کارآفرینی را از بچگی می‌شود در مدارس شروع کرد. ما این اجازه را به بچه‌هایمان نمی‌دهیم.
- ما این فرهنگ را در بچه‌هایمان جا نینداخته‌ایم که: «بچه‌ها! شما هر کدامتان می‌توانید منشأ اثر باشید، به شرطی که خودتان فکر کنید».
- حتماً نباید کارآفرین شرکت بزند. یک کارمند که در یک شرکت کار می‌کند اگر کار خودش را یک جور دیگر انجام بدهد، دارد کارآفرینی می‌کند؛
- کارمندصفت همیشه به ساعتش نگاه می‌کند و همیشه دنبال این است که روز تمام شود و به خانه برود.
- یک نفر که مدتش «کارمندی» نیست هرچند کارمند یک اداره است، کار برایش مهم است و به ساعتش نگاه نمی‌کند.
- الآن خودروسازی ما کم سخت‌افزار ندارد. حجم کارخانه خودروسازی که در ایران داریم، بنز هم ندارد.
- تمام بچه‌هایی که من دیدم از سال دوم، سوم شروع کردند به کار کردن، اینها معمولاً در آینده مهندسی‌شان موفق‌تر بودند.
- من به این معتقد نیستم که می‌گویند ایرانی‌ها خیلی باهوش هستند. من معتقدم در ایران آدمهای باهوش زیاد است.
- من نگران این هستم که چند نسل دیگر ما با فقر زن باهوش مواجه می‌شویم و این اتفاق خواهد افتاد!
- واقعاً ایران دارد روی شانه یک سری آدمهای خوب می‌چرخد. یک سری ستونهای نامرئی!
- اگر شما بخواهید در ایران «منطقی» حرکت کنید، نباید «تولید» کنید.
- یک تولیدکننده اگر حساب کند شاید آخر سال چیزی برایش نمانده باشد. «سرمایه» دارد؛ ولی «درآمد» خیلی زیادی ندارد.
- تعریف من از موفقیت، رسیدن به یک نقطه‌ای خاص نیست؛ مثلاً به نظر من قهرمان کشتی جهان شدن، موفقیت نیست!
- مسیر، خیلی مهم است و یک مسئله دیگر که خیلی مهم است، این که خودت را برای موفقیت نباید با دیگران مقایسه کنی!
- هر کدام از ما در آسمانمان یک قله‌ای است که می‌خواهیم به آن برسیم. به خاطر همین است که به تعداد آدمها روش برای موفقیت وجود دارد.
- فکر می‌کنم یکی از مهمترین چیزها این است که آن «آدم همراه» که با شما می‌آید یک جورهایی مسئله‌اش همان مسئله شما باشد.



در ژاپن، برای یک فرد «زندگی»، کار است و بقیه بخشهای زندگی در حاشیه قرار دارند. اما در کشور ما کار، در حاشیه است!

آقای مهندس علیرضا مقصودی

دانش آموخته مهندسی متالورژی، ورودی ۱۳۵۲

مدیرعامل شرکت لوله و ماشین سازی ایران



زمینه فعالیت شرکت:

تولید لوله و اتصالات چدن نشکن، قطعات ریخته‌گری، شیرآلات پروانه‌ای و یکطرفه

تلفن: ۵۵۲۴۴۲۶۶ و ۵۱۰۵۱۰۹۳

Email: info@lmico.net

سخنان گزیده:

- قبل از تعریف کارآفرینی باید تعریف کار را بدانیم. در کشور ما هنوز آن ارزشی که باید به کار داده شود، وجود ندارد.
- تعریف کار در کشور ما با کشورهای پیشرفته به طور کامل متفاوت است. طبیعی است که کارآفرینی هم همین معنا را پیدا می‌کند.
- کشور ما در طول قرون گذشته هیچ زمان از کار خود درآمد کسب نکرده است، بلکه همیشه به تعبیری از طریق تجارت درآمد کسب کرده است.
- بسیاری از مسائل وجود داشته است که در طول تاریخ دانشمندان ما به آن رسیده‌اند، اما هیچ کدام نتوانسته‌ایم آنها را به «کار» تبدیل کنیم.
- به راه حل بسیاری از پدیده‌ها برخورد می‌کنیم اما نمی‌توانیم از آن بهره‌برداری کنیم. این دیدگاه خاص در حال حاضر در کشور ما وجود دارد.
- امروزه، امکانات در کشور بسیار زیاد است، اما با بهره‌وری پایین مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ما از نظر حجم ماشین‌آلات شاید در سطح کشورهای پیشرفته هستیم، ولی اگر به بهره‌وری توجه کنیم، متوجه می‌شویم که پایین است.
- کارآفرینی آن است که با وجود ضعفها و مشکلاتی که در کشور داریم بتوانیم از امکانات، به نحو احسن بهره‌برداری کنیم.
- یکی از ضروری‌ترین درسهایی که باید در دوره مهندسی ارائه دهند بحثهای مدیریتی است.
- هیچ مدیری حتی کارآفرین‌ترین مدیر در سطح جهان، بسیاری از کارها را خود انجام نداده است.
- کارآفرینان وظیفه داشته‌اند تا محیطی آرام فراهم کنند و به افراد، امکان فعالیت را بدهند تا بتوانند خلاقیت‌هایشان را نشان دهند.
- در کشورهای پیشرفته شهرها در حاشیه کارخانجات درست شده‌اند، یعنی ابتدا صنایع ایجاد شده‌اند. اما در کشور ما شهرها دور بازار ایجاد شده‌اند.
- در اروپا بعد از تحولاتی که در آن رخ داد، همه چیز بر اساس تولید شکل گرفت. اما دانشگاه ما برای «تولید» به وجود نیامده است.
- اگر شما به سیلابس درسی در دانشگاهها توجه کنید، می‌بینید اصلاً با دانش روز تغییر نمی‌کند و از دانش روز دور افتاده‌اند.
- ما زمانی که وارد صنعت می‌شویم، تازه می‌خواهیم تجربه کاری به دست آوریم، که این باعث لطمه زدن به صنعت می‌شود.
- بهره‌وری ما پایین است، افراد می‌آیند در صنعت کار را فرا بگیرند ولی باید در دانشگاه یاد می‌گرفتند و به صنعت می‌آمدند تا بهره‌وری داشته باشند.
- به دلیل تجربه عملی، افرادی که از صنعت بیرون آمدند موفق بودند نه آنهایی که از دانشگاه بیرون آمدند.
- در اروپا دانشجو باید در هنگام تحصیل کار هم انجام دهد، اما برای دانشجویان ما زمینه کار فراهم نیست و فرهنگ ما هم این اجازه را نمی‌دهد.
- هر فعالیتی نیاز به هزینه دارد، حتی اگر بخواهیم دوره کارآموزی بگذاریم، این هزینه‌ها به هزینه‌های تولید اضافه و رقابت‌پذیری تولید، کمتر می‌شود.
- شرکت‌های کوچک در دنیا، حتی بخش R&D برای خود ایجاد نمی‌کنند و سعی می‌کنند خود را به شرکت‌های بزرگتر و مادر متصل کنند.
- من تجربه بدی در دوره کارآموزی کسب کردم. اگر دوره کارآموزی را درست می‌رفتم چه بسا امروز نتایج کارم بهتر بود!
- کارآموزان باید کنترل شوند و فردی را به عنوان سرپرست برای آنها قرار داد.



فرد کارآفرین باید خود نمونه و الگوی کاری خوبی باشد و از اعتبار و اعتماد شرکا و همکارانش برخوردار باشد.



آقای مهندس فرخ ملیحی

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۵۰

مدیرعامل گروه تحقیقاتی فرگل

رئیس انجمن دانشگاه صنعتی شریف (SUTA)

زمینه فعالیت شرکت:

طرح و توسعه محصولات، طرحهای تحقیقاتی، آموزش و مشاوره به صنایع شوینده و بهداشتی

تلفن: ۰۹۱۲۳۳۹۰۱۰۶ و ۸۸۰۶۳۰۳۶

Email: f.malihi@gmail.com

سخنان گزیده:

- عوامل اصلی در کارآفرینی شامل خلاقیت و نوآوری، جمع‌آوری منابع لازم و سازماندهی یک بنگاه اقتصادی، استفاده از یک فرصت برای موفقیت اقتصادی در شرایط مبهم و خطرپذیر می‌شوند.
- از نظر خصوصیات، فرد کارآفرین باید ابتدا هدف کار را به صورت دقیق و شفاف تعیین کند.
- کارآفرین باید یک برنامه کاری دقیق (Business Plan) با توجه به نیازها و امکانات تنظیم کند و به جزئیات کار توجه کند.
- توجه به امور مالی در شروع کار و توانایی جذب سرمایه در مواقع لازم از نکات کلیدی در موفقیت یک کارآفرین است.
- کارآفرین باید نظم داشته، اولویتها را تشخیص دهد، پشتکار، سعی و تلاش و قدرت ریسک‌پذیری و علاقه داشته باشد تا کار را به انتها برساند.
- حضور یک مدیر قوی با قدرت رهبری گروه کاری و سازماندهی یک تیم کاری با تخصصهای مختلف، اهمیت زیادی دارد.
- معمول این است فردی که می‌خواهد کسب و کار تجاری خود را راه‌اندازی کند، ابتدا باید چند سالی در یک سازمان کار کند که هم دانشی را که در دانشگاه فرا گرفته است به کار برد و هم یک سرمایه اولیه برای خود ایجاد کند.
- با تمرین ایجاد کارآفرینی در دانشگاه افراد مطالبی از جمله ساختار سازمان، ارتباطات داخل سازمان، اصول مدیریت و مهارتهای مالی و غیره را فرا می‌گیرند.
- نتیجه تعهد به کاربرد دانش روز، قدرت ابتکار و نوآوری در بازار، ایجاد مزیت و وجه تمایز در خصوصیات محصول جدید و نهایتاً جذب سهم بیشتر از بازار و سودآوری مناسب برای شرکتهاست.
- طبق تعریفی که این روزها در دنیا برای تحقیق و توسعه وجود دارد، R&D یعنی جابه‌جایی اطلاعات در جهت نوآوری و یا حل یک مشکل.
- قبل از مرحله طراحی محصول لازم است تا کارهای تحقیق بازار، تکمیل شود؛ شامل ارزیابی ایده خود محصول و نظرسنجی درباره نمونه محصول.
- امروزه شرکتها باید بازار را به طور دقیق ارزیابی کرده، نیازها و مشکلات مصرف‌کننده را شناسایی کنند و بعد از آن به دنبال فناوری بروند.
- در طراحی محصولات جدید، عادات و فرهنگ مصرف خاص در جامعه و میزان درآمد سرانه باید در نظر گرفته شود.
- تا زمانی که واحدهای تحقیقات صنایع به سطح قابل قبولی از دانش، مهارت و امکانات نرسند نمی‌توان صنعت را به طور مؤثر با دانشگاه ارتباط داد.
- پروژههای مشترک در سالهای گذشته باعث ارتباطاتی بین صنعت و دانشگاه شده اما در زمان مناسب تکمیل نشده و به نتیجه قطعی نرسیده است.
- باید یک گروه کاری متخصص که هم آشنایی خوبی از مشکلات صنعت دارند و هم از تخصص و امکانات دانشگاهی مطلع هستند تشکیل شود.
- دانشگاه باید اعتماد ایجاد کند که می‌تواند مشکلات صنعت را در زمان و با بودجه قابل قبول حل کند و صنعت کشور نیز اعتقاد پیدا کند که باید صنعت ما تخصصی و بر پایه دانش روز باشد تا بتواند در بازار بین‌المللی رقابت کند.



نوآوری، شرط لازم برای بقای کارآفرینی است.



گفتگو با آقای مهندس سعیدرضا مؤمنی

دانش آموخته مهندسی عمران، ورودی ۱۳۵۳

مدیرعامل شرکت حاسب سیستم

زمینه فعالیت شرکت:

مشاوره در حوزه فناوری اطلاعات و سامانه‌های مدیریتی

تلفن: ۸۸۳۶۹۰۸۸-۹ و ۵-۱-۸۸۳۷۳۵۰

Email: saeedmomeni@yahoo.com

سخنان گزیده:

- احساس کردم که بودن در بخش دولتی کمک نمی‌کند یا این که شرایطش فراهم نیست که آدم بتواند کاری جدی و مؤثری در این حوزه انجام بدهد.
- وقتی یک کاری را ایجاد می‌کنید اگر نوآوری نداشته باشید نمی‌توانید با بقیه متمایز باشید.
- شما باید یک ایده نو داشته باشید که بقیه ندارند و بتوانید این ایده را در طول زمان به‌روز بکنید، توسعه‌اش بدهید و محصولات جدید ارائه بدهید.
- سلاقی و بازار عوض می‌شود، انسانها و فناوری عوض می‌شوند و هزاران اتفاقی که در محیط می‌افتد، شما را مجبور می‌کند که خودتان را به‌روز بکنید.
- مهم‌ترین ویژگی‌ای که مطرح هست برای این که یک نفر بتواند کارآفرین موفق باشد، این است که «اراده» قوی‌ای داشته باشد.
- کارآفرین باید به این باور رسیده باشد که قرار نیست برای شروع کار، همه چیز فراهم باشد، بلکه هر کاری زمان خودش را می‌خواهد.
- کسی که می‌خواهد کاری به راه بیندازد باید ایده مشخص و شفاف داشته باشد و بداند که چطور این ایده را به یک محصول یا یک خدمت تبدیل کند.
- کسی که اعتماد به نفس دارد، حتماً از یک ضریب هوشی متوسط به بالایی باید برخوردار باشد که بتواند دقیق و منظم فکر کند.
- اگر شما بخواهید یک کاری به راه بیندازید ارتباط با جاهای مختلف می‌تواند حرکت شما را تسریع بکند و کسب و کار شما سریع‌تر به جواب برسد.
- سازمانهایی که در زمینه حمایت از افراد کارآفرین نوپا در ایران داریم به لحاظ نیروی انسانی خیلی ضعیف‌تر از سازمانهای مشابه در دیگر کشورهاست.
- کارآفرینهای مختلفی که به دنبال استفاده از حمایتها بوده‌اند، خیلی موفق نشده‌اند، بلکه عمدتاً کسانی موفق بوده‌اند که روی پای خودشان ایستاده‌اند.
- در ایران با ایجاد مشکل، اولین بخشی که بودجه آن کاهش می‌یابد یا قطع می‌شود فعالیتهای مشاوره‌ای و پژوهشی است.
- در حال حاضر، صنعت مشاوره در کشور وضعیت خوبی ندارد. این به ویژه برای شرکتهایی مثل ما که به طور خالص کار مشاوره‌ای انجام می‌دهیم، بارزتر است.
- سازمانهای ما برای بقا نیاز دارند که به‌رورتر بشوند. در حوزه‌های مختلف از هر زاویه‌ای که نگاه بکنیم دولت باید نگران نحوه خرج کردن منابع باشد.
- حوزه فناوری اطلاعات، حوزه‌ای است که سرعت تغییرات در آن بسیار بالاست.
- یکی از واقعیتهای نامطلوبی که ما در کشور می‌بینیم این است که تعداد شرکتهای بزرگ خصوصی با قدمت بالای ۳۰ - ۴۰ سال خیلی کم است.
- باید به این باور برسیم که آن میزان سهم من ناشی از شکل‌گیری این «مجموعه» است و اگر این مجموعه از هم بپاشد سهم من نیز از بین می‌رود.
- مقایسه کردنهای اصلی‌ترین آفتی است که کار شراکتی می‌تواند داشته باشد.
- ما نه تنها در صنعت که در بقیه بخشها هم خیلی، کار مشارکتی را تمرین نکرده‌ایم و سالها زمان می‌برد تا جا بیفتد.
- جوانانی که تازه وارد حوزه کسب و کار شده‌اند، اگر می‌خواهند موفق باشند باید نگاهشان به کسب و کار، همیشه یک نگاه خوشبینانه و بلندمدت باشد.
- آدمهایی موفق بوده‌اند که هیچ وقت از وضع موجودشان راضی نبوده‌اند. هیچ کسی از شکم مادر، توانمند و ثروتمند و بدون مشکل، زاده نمی‌شود.



این که چقدر به هدف رسیده‌اید معیار خوبی برای موفقیت است.



گفتگو با آقای احمد مهدوی اردکانی

دانش آموخته فیزیک، ورودی ارشد ۱۳۷۱

مدیرعامل شرکت پوششهای نانو ساختار

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و ساخت سامانه‌های لایه نشانی در خلاء و تأمین تجهیزات خلاء

تلفن: ۶۶۰۳۳۵۵۵ و ۶۶۰۶۷۷۸۵

Email: mahdaviia@yahoo.com

سخنان گزیده:

- افرادی که توانایی‌های خودشان را در فناوری از قوه به فعل برسانند و دیگران در زمینه‌های نو کار ایجاد کنند می‌توان کارآفرین نامید.
- به دلیل مشکل بیکاری که وجود دارد، اگر کسانی می‌توانند وارد عمل شوند و چند نفری را مشغول به کار کنند، کم از جبهه رفتنهای زمان قدیم ندارد.
- اگر الآن افرادی را که فارغ‌التحصیل می‌شوند و شغل ندارند نتوانید جذب بکنید خیلی از آنها برای مهاجرت تلاش می‌کنند.
- کشورهای دیگر به راحتی، به ویژه کسانی را که ضریب هوشی بالایی دارند، جذب می‌کنند.
- کودکانی که به دنیا می‌آیند و دولت برای آنها هزینه می‌کند تا ۱۶ یا ۱۸ سال تحصیل کنند به جای ما آن خارجی زیرک، بهره‌اش را می‌برد.
- تأثیر عوامل مختلف در موفقیت افراد مختلف، متفاوت است و باید شرایط «مکان و زمان» را هم اضافه کنیم.
- ایجاد یک کار جدید در اینجا راحت‌تر از کشورهای خارجی است چون در کشور ما زمینه‌هایی وجود دارد که می‌توان راحت‌تر حرکت کرد و پیش‌تاز بود.
- تصویب و اجرای قوانین درست، معافیت‌های مالیاتی، تأمین منابع مالی مناسب، ایجاد فضای آرام از مواردی است که دولت می‌تواند به کارآفرینان کمک کند.
- نقد حرکت‌های ضعیف یا اشتباه گذشته نیز سبب خواهد شد در آینده تصمیم‌ها با بررسی بیشتری انجام شود.
- بیشتر شرکت‌ها مشکلاتشان منابع مالی است. قطعاً اگر شرکت‌ها بخواهند به حیاتشان ادامه بدهند باید برنامه داشته باشند.
- هر شرکت برای خود برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد و با گذشت زمان ممکن است اولویت‌هایش عقب و جلو بشوند.
- وقتی شما سود خوبی ندارید نمی‌توانید زیاد رشد کنید و نیروی انسانی زیادی را به کار بگیرید و همیشه در شرایط بحران به سر می‌برید.
- بزرگترین خدمتی که دولت می‌تواند به اقتصاد کشور کند این است که فضای کار داخلی را که متأثر از سیاست‌های بین‌المللی است آرام کند.
- هم اکنون من با یک بازار ۷۰ میلیونی داخلی طرف هستم ولی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی نمی‌توانم با یک بازار ۷ میلیارد نفری کار کنم.
- مشکل این بود که به دلیل عدم شناخت از محصول اکسیدتیتانیوم نانومتری نتوانسته‌ایم آن را در داخل کشور بفروشیم.
- برای هر کاری استانداردهایی وجود دارد که فرد یا شرکت باید خودش را با آنها ارزیابی کند.
- بهتر است مرکز کارآفرینی دوره‌هایی را برای شرکت‌های کوچک برگزار کند.
- کسانی که موفق بوده‌اند کلاس‌هایی برای تازه‌کارترها بگذارند و تجربیات خود را در اختیار آنها قرار دهند.



تغییر پی در پی قوانین، خیلی مضر است!



گفتگو با آقای مهندس میرسعید میرهادی زاده

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۴۷

رئیس هیئت مدیره شرکت گنج چم آرمان

زمینه فعالیت شرکت:

گاو صندوقهای نسوز و دربهای ضد انفجار

تلفن: ۴۶۸۲۲۸۴۴

Email: ganjco@gmail.com

سخنان گزیده:

- خیلی از پروژه‌ها به خاطر بودجه و نارسایی تدارکات و مسائلی که در پروژه‌های EPC ایجاد شده می‌خواهد و کار دچار وقفه می‌شود.
- پروژه ترمینالهای بندری قضیه‌اش این بود که قبلاً واردات زیاد داشتیم. اینها همه‌اش می‌آمد تهران و بعد از تهران توزیع می‌شد.
- یکی از فرقه‌های اساسی ما با خارجی‌ها در فرهنگ کار است. هم روش و هم ایده که از کجا باید شروع کنی و به کجا برسی؟
- فرد باید در بستر مناسب قرار بگیرد. فقط داشتن هوش کافی نیست و اگر بستر مناسب نباشد شخص یا هدر می‌رود یا در مسیر نادرست می‌افتد.
- مدیریت منابع انسانی یکی از قسمتهای مهم مدیریت است که ما بعد از انقلاب این داستان را به شکلهای مختلف داشتیم و هنوز هم داریم.
- داستان عدالت پرسنل و مدیریت منابع انسانی، بسیار حساس است که کیفیت کار را پایین می‌آورد، هزینه‌ها را بالا می‌برد و انواع ضررها را به شما می‌زند؛
- گاو صندوق هم الآن چند سالی است که مثل هندوانه روی وانت و کنار خیابان می‌فروشند! این است که در فروشگاهها فروش سخت شده است.
- خیلی از افراد مثل کارگر خود ما می‌روند تقلید می‌کنند یا مثلاً طرف، کانال‌ساز است و می‌گوید بیا با هم گاو صندوق بسازیم!
- کارآفرینی به زبان ساده این است که شخصی یا اشخاصی بیایند وقتشان و پولشان را در کاری بگذارند. ایجاد کار، پول می‌خواهد و بدون پول نمی‌شود.
- البته یکی از دوستانمان بودند که با زحمت خیلی زیاد از زمان تحصیلی کار می‌کردند. ولی اینها انگشت‌شمارند و زحمت خیلی زیاد می‌خواهد.
- خیلی چیزهای دیگر هم لازم است ولی اگر پول نباشد نمی‌شود. افراد با هم فرق می‌کنند و همه علاقه‌مند به چنین کارهایی نیستند.
- شما وقتی برای یک جایی کار می‌کنید شب می‌روید و راحت می‌خواهید. ولی کسی که خودش کاری را راه می‌اندازد تمام مسئولیتها به دوش اوست.
- هر چه کار سخت‌تر می‌شود مشکلاتش هم بیشتر می‌شود. شما شب که می‌خواهید ممکن است به این فکر کنید که این ماه حقوق افراد را از کجا بدهم؟
- الآن خیلی سال است که می‌گویند پول به جایی می‌رود که امنیت داشته باشد. خوب امنیت سرمایه‌گذاری در کشور ما خیلی کم است.
- چون قوانین، ثابت نیست شما نمی‌توانید برنامه‌ریزی درازمدت بکنید. باید مطابق شرایط روز تصمیم بگیرید که در این دو ماه آینده چه کار کنم؟
- کارآفرینی را هم، باید یک شخص حال و حوصله‌اش را داشته باشد و به زور نمی‌شود. ضمن آن که شخص کارآفرین باید فنون مذاکره هم بلد باشد.
- در مورد آوردن شانس، اولاً شانس کار کردن ضررش خیلی بیشتر از منافع خودشناسی است.
- دانشگاه باید برای صنعت مجانی کار انجام بدهند که صنعت ببیند که دانشگاه می‌تواند کاری انجام دهد و بعداً که صنعت نتیجه گرفت، پول زیادی هم می‌دهد و خود به خود مشکل رفع می‌گردد.
- شما اگر بخواهید کشاورزی انجام دهید در سنگلاخ هم می‌شود انجامش داد. بعضی کشورها انجام می‌دهند و صادر هم می‌کنند.
- باید در مملکت آن بستر لازم درست شود. ولی ما باید در همین بستر موجود ببینیم چه کار می‌توانیم انجام دهیم؟



آدم موفق هر جا برود موفق است.



گفتگو با آقای مهندس داریوش ناصری

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۶۶

مدیرعامل شرکت پارین کنترل

زمینه فعالیت شرکت:

اتوماسیون صنعتی، اندازه‌گیری با سامانه مانیتوری یا سامانه اسکادا

تلفن: ۸۸۹۹۹۴۵ و ۸۸۹۹۳۱۰۴

Email: daryoush.nasseri@parincontrol.com

سخنان گزیده:

- اگر کسی بخواهد کاری را به بار بنشاند باید روی آن کار، وقت و عشق و علاقه بگذارد.
- سرمایه یک شرکت خصوصی، آدمهای آن هستند. اگر از دستش بدهی یعنی تمام سرمایهات را از دست می‌دهی.
- یک تجربه‌ای که به لحاظ کاری داشته‌ام این بود که برای خارجی‌ها مفهوم کار گرفتن و کار ایجاد کردن خیلی مهم است.
- جوانهای ما که در یک شرکتی کار می‌کنند با کار خوب برخورد نمی‌کنند، مخصوصاً کسانی که فارغ‌التحصیل یک دانشگاه خوب باشند.
- کسی که از دانشگاه بیرون می‌آید به دنبال این است که موشک هوا کند! حتماً ۱۰۰٪ کار فنی بکند.
- به محض این که کار ایجاد شد یک سازمانی باید انجامش بدهد یا به پیش ببرد. واقعیت این است که در مملکت ما «تولید»، کار سختی است.
- قوانین ما در جهت تولید نیست. می‌بینیم که همه قوانین متأسفانه به سمت واردات و خرید است.
- اگر کسی بتواند ۴ تا استکان هم بفروشد آدم بزرگی است و ارزش خیلی زیادی دارد.
- اگر خودروسازی ما را تعطیل کنند و همه کارکنانش را بفرستند به خانه‌هایشان و بگویند حقوق بازنشستگی را بگیرد بهتر از این است.
- من هم خیلی دوست دارم که کشورم یک چیزی را تولید کند و صاحب فناوری شود. ولی لازم نیست همه تولیدکننده و مخترع شوند.
- یک عده‌ای هم باید باشند که خوب بفروشند. ای کاش ما هم در ایران چند تا شرکت داشتیم که یک روز پاناسونیک یا سونی می‌شدند.
- ما با یک شرکت بلژیکی کار می‌کنیم که ۱۵ نفر پرسنل دارد. اینها به همه دنیا دارند جنس می‌فروشند. شبکه فروش را خیلی خوب یاد گرفته‌اند.
- ما در کارهایمان به یک خرابی بخوریم چون اینجا نمی‌شود تعمیرش کرد و اگر بخواهیم برای تعمیر بفرستیم در گمرک یک مصیبت است.
- من می‌بینم علم و صنعتی‌ها به صنعت ایران خیلی نزدیک‌ترند و خیلی بیشتر جذب می‌شوند. به خاطر این که استادانشان در خود صنعت هستند.
- در دانشگاه شریف به طور اخص، روند تربیت دانشجویهای یک مقدار با واقعیت‌های داخل مملکت متفاوت است!
- کاربرد دانش شریفی‌ها در این کشور وجود ندارد. بنابراین به درد این می‌خورد که برای ادامه تحصیل به خارج بروند و همانجا هم زندگی کنند.
- اینجا عنوان، خیلی مهم است. برای همین است که وقتی دانشگاه آزاد تأسیس می‌شود بنگاه اقتصادی می‌شود.
- کسی که از دانشگاه‌های خارج بیرون می‌آید با مهندسی آشنا تر است و خیلی سریع با صنعت سازگار می‌شود. ولی اینجا درست برعکس است.
- یک واقعیتی در مملکت ما هست که شرکت‌های دولتی نه احترامی برای هم قائل هستند و نه کاری را بلدند که انجام بدهند.
- الآن اگر بخواهی در یک اداره بروی و آدماس بخری ۳ هزار نفر باید امضا کنند تا مجوز بدهند.
- چون ما یک شرکت تولیدی نیستیم، بانک‌ها در دادن تسهیلات به ما محدودیتهای خیلی زیادی دارند و این برای ما خیلی دردسر شده است.
- هر دفعه که شما کالایی را می‌آوری در گمرک خیلی اذیت می‌شوی. طرف آنجا فقط جملات شما را شکار می‌کند. آدمهای تخصصی ندارند.
- عمده آدم‌ها در بخش دولت رشد نیستند، بلکه دنبال بقا هستند. به خاطر همین، هیچ رشدی در بخش دولت وجود ندارد.
- در ایران ورود به دانشگاه سخت است، ولی خروجش کاری ندارد؛ در صورتی که در خارج عکس این است.
- دانشگاه باید یک ارائه خیلی خوب از توانایی‌هایش داشته باشد تا صنعت را مجاب کند که به سمتش بیاید.



در کارآفرینی، سلوک با مردم و متعهد بودن به قول و قرار هم نقش دارد.



گفتگو با آقای مهندس محمد نظری

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۰

مدیرعامل شرکت سینا ماشین

زمینه فعالیت شرکت:

ماشین سازی، ساخت فن و تجهیزات جابه جایی هوا

تلفن: ۶۶۹۴۰۴۲۸

Email: sinamachine@gmail.com

سخنان گزیده:

- در کشورهای مختلف و جوامع مختلف تعداد آدمهایی که از صف، بیرون می زنند متفاوت است و به شرایط محیط، خیلی بستگی دارد.
- تمام دوستان ما که بعد از انقلاب شروع به کار کردند الآن صنعتگرانی نامی هستند. همین بچه ها رفقا و هم دانشگاهی های شما هستند.
- سعی می کنم صادرات نکنم! چون کار به صرفه ای نیست و مسئولیت سنگینی دارد همراه با درآمد کم.
- وقتی Know How یک چیزی را می فروشید مسئولیتش را به عهده می گیرید ولی نحوه اجرایش از نظارت شما خارج می شود.
- همه می گویند که فالانی این را طراحی کرده و نمی گویند چه کسی ساخته است که خیلی می تواند دردسر داشته باشد.
- در کار آزمایش شما باید آدم درستی باشید تا به شما اعتماد بکنند. اگر پول بگیری و نتایج را بخواهی تغییر بدهی نمی شود!
- ما هم یک سری در دانشگاه شریف، اخراجی داریم که اینها صنعتگران خیلی خوبی هستند و کارخانه های بزرگی را دارند اداره می کنند.
- یک دکان دار کوچک را هم می گویند کارآفرین. یعنی هر کسی که برای خودش کار بکند و الزاماً بیل گیتس یا استیو جابز و ... کارآفرین نیستند.
- هر کسی که بیرون رفت و امیدش را از حقوق ثابت در آخر ماه توانست ببرد کارآفرین است.
- کارآفرینی به مفهوم فرنگی آن یعنی کسی که حاضر باشد برای خودش یک کسب و کاری به راه بیندازد و ریسکش را هم بپذیرد.
- شما نمی توانید بدون نوآوری دوام بیاورید! هیچ ضمانتی برای موفقیت در هر کار جدیدی وجود ندارد و شما باید بتوانید رقابت کنید.
- در ایران بعد از انقلاب که ما همه چیز را می خواستیم از نو شروع کنیم خیلی لازم نبود که خلاقیت ویژه ای داشته باشیم.
- معمولاً مصرف کننده اعتقادی به حمایت از صنعت داخلی ندارد و روی اجبار است که از ما خرید می کند.
- هر کسی که در کار، دوام آورده است پشتکارش از هوش مهم تر بوده است. شما می توانید شاگرد اول دانشگاه شریف را دعوت به همکاری کنید.
- کارآفرینها آدمهای سمج و پوست کلفتی هستند، البته کلفتی پوست کارآفرینها هم ضخامت های مختلف دارد.
- شب بیرون خوابیدن، شب اولش سخت است؛ بعد راحت می شود! ولی من جرئت نکرده ام که آن یک شب را هم بیرون بخوابم.
- ما خیلی بیش از اینها جای گرفتن مالیات داریم. نه این که دولت نمی تواند مالیات بگیرد بلکه سازوکارهای مناسب را ندارد.



راه استفاده درست از زمان، کپی کردن است!



گفتگو با آقای مهندس محمد نظریزاده

دانش آموخته مهندسی عمران، ورودی ۱۳۶۹

رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی آرمان سازه

مدیرعامل شرکت توسعه گردشگری مهر نیکان

زمینه فعالیت شرکت:

آرمان سازه: مدیریت پروژه‌های ساختمانی و عمرانی - طرح و اجرا
مهرنیکان: سرمایه‌گذاری و مدیریت پروژه‌های گردشگری

تلفن: ۸۸۷۰۷۵۳۶

Email: nazaryzadeh@yahoo.com

سخنان گزیده:

- به دلیل خاطرات خوبی که از یکی از معلمان دوره راهنمایی داشتم و ایشان مهندس ساختمان بودند آرزو داشتم که راه ایشان را بروم.
- در ۱۲ سال دوره تحصیل تقریباً همیشه ساعت ۶ صبح می‌رفتم و ۷ بعد از ظهر که برمی‌گشتم هوا تاریک بود. ما «آدم» ندیده بودیم!
- من و تعداد انگشت شماری از دوستان هم دوره، جزو معدود بچه‌های شریفی بودیم که در کنکور فوق‌لیسانس شرکت نکردیم چون نمی‌دانستیم کدام گرایش خوب است و این جور ادامه تحصیل را دوست نداشتیم.
- بچه‌های شریف وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند فکر می‌کنند باید حتماً مشاور و محاسب شوند و کار طراحی انجام بدهند!
- مشکل بسیاری از شرکت‌ها، رفتن بسیار راحت آدم‌های محوری بعنوان سرمایه‌های اصلی از شرکتهاست.
- سه محور مهم باید بطور همزمان و هم طراز در مدیریت یک پروژه مورد توجه قرار گیرند: یکی زمان، یکی کیفیت و یکی هم هزینه
- اشکال تافل این است که مانند کنکور خودمان به معلومات آدم اضافه نمی‌کند. شما باید یکسری مهارت تست زدن و پاسخگویی را یاد بگیرید.
- پشت هر کاری، یکی از این سه انگیزه باید وجود داشته باشد: «انگیزه اقتصادی، انگیزه اجتماعی و انگیزه اخلاقی»
- هم این «باور» را باید داشته باشید و هم باید «انگیزه» خیلی قوی داشته باشید. من اسم آن را گذاشته‌ام «ظرفیت کارآفرینی».
- آن کارآفرینی موفق است که این قابلیت را داشته باشد که چطور از منابع موجود، بهره‌برداری مناسب‌تری بکند.
- همیشه یک مشکلی که وجود دارد «محدودیت منابع» است و یکی از اولین موانع برای کارآفرینی همین نبودن منابع است.
- کارآفرین‌ها آدم‌هایی هستند که دنبال «فرصت» می‌گردند و در هر زمینه‌ای که ممکن است ایجاد شده باشد به دنبال فضاهای جدیدند.
- یکی از خصوصیات کارآفرینان آن است که به شدت دوست دارند موفق باشند! این باعث می‌شود بیشتر از بقیه انرژی بگذارند و پایدار باشند.
- یکی از ویژگی‌های یک مدیر موفق و کارآفرین این است که بتواند چشم‌انداز را به بهترین وجه ممکن تعریف کند و به بقیه هم منتقل نماید.
- در علم مدیریت، رهبری موفق‌تر است که چشم‌انداز بهتری تعریف می‌کند. در مقابل مدیرهایی موفق‌ترند که مأموریت‌ها را مناسب‌تر تعریف می‌کنند.
- کارآفرین‌ها کسانی هستند که اعتقاد دارند باید استانداردهای زندگی بالاتری داشته باشند و لازم نیست همه یکسان زندگی کنند.
- همه آنها که یک جورهایی تقسیم وظایف به شکل ستاره‌ای داشته‌اند موفق بوده‌اند. در ایران مجبورید یکی در بالا باشد و ۲ تا هم در پایین او.
- بچه‌ها با افتخار می‌گویند که هیچ‌کس تا حالا مشابه کارمان را ندیده است. اما واقعیت این است که در دنیا بهترین محصولات قبلاً ساخته شده‌اند.
- دیگر الان ما در زمانی نیستیم که بیاییم سعی و خطا کنیم. باید از زمان استفاده کنیم و یک راه استفاده درست از زمان کپی کردن است.
- یکی از مهمترین ابزارها در دست دولت، مالیات است. کافی است دولت خیلی راحت نگاه کند و ببیند بقیه دولتها چه کار می‌کنند.
- در ایران کارآفرینان، کمترین توقعات را دارند بنابراین کوچکترین حمایت و قدرشناسی، این انگیزه را ایجاد می‌کند که با وجود سختی‌ها، کارشان را ادامه بدهند.
- در بحث کارآفرینی، مهمترین نظام حمایتی، همان نظام درست مالیاتی است چون منابع کافی دارد.



لزومی ندارد کسی که سواد مهندسی ندارد مدرک مهندسی بگیرد!



گفتگو با آقای مهندس مصطفی نوروزیان

دانش آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۶۸ (ارشد)

مدیرعامل شرکت گام الکتریک

زمینه فعالیت شرکت:

تولید ماشینهای جوشکاری و برشکاری

تلفن: ۵ و ۴ و ۸۸۶۳۷۰۶۰

Email: sarigaam@yahoo.com

سخنان گزیده:

- از دوره دبیرستان در یک کارگاه خصوصی که متعلق به معلم بود کار می‌کردم. البته مجانی کار می‌کردم!
- تولید صنعتی با آن چیزی که انسان نمونه‌سازی می‌کند کاملاً متفاوت است و همان چیزی نیست که یک دانشجو بخواهد، نمونه‌سازی کند.
- چیزهایی که الآن تکنسینهای شرکت ما می‌دانند در آن زمان ما یک جمله‌اش را می‌خواستیم بفهمیم، خیلی سخت بود.
- سعی کردم اصول مهندسی صنایع را خیلی خوب در کارمان پیاده کنیم و توانستیم کیفیت خیلی خوبی در کارمان ارائه دهیم.
- هر کسی که ایجاد ثروت در جامعه بکند کارآفرین است. ممکن است به ایجاد اشتغال منجر شود، ولی لزومی ندارد که حتماً این امر اتفاق بیفتد.
- معمولاً وضع تعرفه‌های بازرگانی، یک درصدی تأثیر دارد ولی وقتی شما تعرفه را می‌کنید ۶۰ درصد، قاچاقی می‌آید!
- استاندارد ملی دستگاه جوش را شرکت ما نوشت. الآن ایران استاندارد ملی دستگاه جوش دارد. حالا من باید بتوانم این را «اجباری» کنم.
- در زلزله رودبار بسیاری از سقفها ریخت؛ چون جوش آنها بد بود. به خاطر کیفیت بد دستگاههای جوش میلیونها دلار ارز از کشور خارج می‌شود.
- بعضی صنایع خیلی نو هستند و در صنعت نو، نوآوری زیاد است. خیلی کارهای جدیدی انجام می‌دهند و کار جدید انجام دادن خیلی سخت است.
- وقتی یک کار صنعتی جدید که کسی تا حالا آن کار را انجام نداده انجام می‌دهید، خیلی ریسک دارد و باید دست آن شخص را بوسید.
- دو سال روی یک پروژه کار می‌کنیم، یک شرکت می‌آید و در ظرف دو ماه طرح ما را کپی می‌کند! قوانین ایران برای این کار کافی نیست.
- باید در اداره ثبت شرکتها بخشی را بگذارند که اگر کسی می‌خواهد لوگو ثبت کند این لوگو قبلاً به صورت «اسم شرکت» نباشد.
- در مورد قوانین کار، خیلی‌ها پیش باید با ما مشورت شود. چون خیلی از آنها از ظاهر که بگذریم در باطن و در انتهای کار، به ضرر کارگر است.
- چینی‌ها به محض این که صادر کنند بین ۱۰ تا ۳۰ درصد پولشان را از دولت پس می‌گیرند. جایزه صادراتی اینجا یک رقم فوق‌العاده ناچیز است.
- نرخ تورم در کشور ما بالا می‌رود ولی نرخ ارز ثابت. قیمت کالای صادر شده بالا می‌رود و من پتانسیل صادر کردن را از دست می‌دهم.
- قوانینی که ما داریم و مربوط به کار صنعتی ماست بسیاری از این قوانین اشکال دارند و کسی هم در پی رفع این اشکالات نیست.
- ما درست است که رشد صنعتی داشته‌ایم ولی با کشورهای دیگر مثل مالزی یا تایلند مقایسه کنید. تایلند یک زمانی فقط توریست داشت.
- تقریباً تمام دستگاههای صنعتی که ساخته‌ایم برای اولین بار در کشور ما ساخته‌ایم و بعداً دیگران ساخته‌اند.
- در امریکا بسیاری از اختراعات و ابداعات در دانشگاه انجام می‌شود. در ایران این طوری نیست.
- اگر آن استاد دانشگاه بتواند مثلاً بعد از ۱۰ سال کار در صنعت استاد دانشگاه بشود، آن کسی است که می‌تواند پروژه صنعتی هم اجرا کند.
- در ایران این طوری است که اگر استادی بگوید من فقط کار دانشگاهی و تحقیق انجام می‌دهم وجهه بهتری دارد!
- پروژه‌هایی که دانشگاهیان کار می‌کنند یا مثالهایی که می‌زنند کاربردی و عملی نیست و پروژه صنعتی نیست.
- پروژه‌های ما پروژه‌هایی است که «زمان» خیلی برای ما مهم است بنابراین نمی‌توانیم این کار را به دانشگاه بسپاریم.
- دبستانها و دبیرستانها و دانشگاههای ایران برای کارگروهی اصلاً برنامه‌ای ندارند. کار گروهی چیزی نیست که در خون انسانها باشد.
- در کار تحقیقاتی وقتی پروژه بزرگی دارید، یک پروژه بزرگ را اصلاً نمی‌شود یک مهندس به تنهایی انجام دهد و باید یک کار گروهی باشد.
- ما وقتی برای گزینش نیرو مصاحبه می‌کنیم، می‌فهمیم که تعداد مهندسهایی جوان با سطح دانش پایین، «خیلی زیاد» است.



جامعه توسعه یافته و صنعتی، از قدرت مانور بیشتری در جهان کنونی برخوردار است.



آقای مهندس محمدحسین وزیری بزرگ

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی ۱۳۵۴

مدیر عامل شرکت بالین تک

زمینه فعالیت شرکت:

تولید قطعات خودرو، ریخته‌گری و ماشینکاری قطعات آلومینیومی موتور خودرو مانند سرسیلندر و بلوک سیلندر

تلفن: ۸۸۵۱۸۳۷۲ و ۶-۸۸۷۳۴۲۴۴

Email: info@mvghgroup.com

سخنان گزیده:

- برای شکافتن مفهوم کارآفرینی باید تأثیرات احتمالی آن را بر جامعه، تأثیرات بیرونی و جنبه فردی مورد توجه قرار دهیم.
- با تداوم و گسترش تأثیرات کارآفرینی بر جامعه، علاوه بر تحول صنعتی، کلیه پارامترهای اجتماعی نیز متحول می‌گردد.
- کارآفرینی به لحاظ رفاه اجتماعی و به لحاظ اشتغال و کاهش ناهنجاری‌های ناشی از آن و رفع آن از اولویت بسیار بالایی برخوردار است.
- کارآفرینی یکی از ابعاد خلاقیت است که با تشکیل شرکت و راه‌اندازی خط تولید محصول جدید، موجودی شیبه موجود زنده خلق شده است.
- سازمان کارآفرین، حتی می‌تواند بعد از حیات شخص کارآفرین نیز ادامه حیات دهد و از این جنبه است که کارآفرینان خود را اقلان می‌کنند.
- هر کشوری بر اساس توانمندی صنعتی، مدار چرخش خود را در معادلات پیچیده جهانی تعیین می‌کند. هر چه این مدار در موقعیت مطلوب‌تری باشد تأثیرپذیری ناخواسته، کمتر و تأثیرگذاری بیشتر بر دیگران را می‌توان متصور بود.
- در کنار هم قرار گرفتن توانمندی‌های مختلف شرکاست که چیزی را خلق می‌کند که غیرقابل تصور است و در موفقیت شرکت، مؤثر است.
- جمع‌های دانشجویی که قبلاً کارهای مشترک داشته‌اند و از هم شناخت نسبی دارند در شراکت کاری، موفق‌تر خواهند بود.
- نزدیکی دیدگاهها و خصوصیات فردی شرکا در فرایند فعالیتهای جنبی دانشجویی در سالهای قبل است که شرایط گردهمایی آنها را فراهم می‌نماید.
- اصل اشتراک منافع و به اصطلاح «جیبها را یکی دانستن» و عدم توجه به مسائل جزئی دیگر در راستای تحقق این اصل، لازمه شکل‌گیری طولانی مدت این گونه جمع‌هاست.
- در شرایطی که معمولاً به واسطه سختی کار و عدم توفیق و یا در شرایط رونق و تقسیم سود، اختلافات اوج و موجب از بین رفتن جمع اولیه می‌شود، می‌توان با اتکا به توانمندی‌های همدیگر شرایط رشد را فراهم نمود.
- شرایط اجتماعی کشور و موقعیت صنعتی آن به‌نحوی نیست که دانشگاه‌های ما توانمندی لازم برای کمک به صنعتگران را در خود فراهم نموده باشند.
- به علت تقلید صنعتی کشور از محصولات خارجی و انجام روش مهندسی معکوس در تولیدات صنعتی، فرایند طبیعی تکوین دانشگاهها و تجهیز آنها به علوم روز فراهم نشده است.
- علاوه بر عزم مدیران برنامه‌ریز کشور در طرح‌ریزی راهبرد توسعه صنعتی کشور و تشخیص درست زمینه‌های صنعتی اولویت‌دار و روشهای صحیح حمایتی مربوطه، باید از پایین نیز عزم ملی توسعه وجود داشته باشد و از این نظر، صنعتگران نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.
- تقویت تشکلهای صنعتی و به بازی گرفتن این نهادها در برنامه‌ریزی‌های کلان مملکت می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برآورد اهداف داشته باشد.



ما پیکان را به زور به مردم فروخته‌ایم!



گفتگو با آقای مهندس سیروس وقایع‌نگار

دانش آموخته مهندسی شیمی، ورودی ۱۳۴۶

مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور چگالش

زمینه فعالیت شرکت

مدیریت و اجرای پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی شامل مهندسی مقدماتی به روش تفصیلی و EPC

تلفن: ۷-۴۷۷۰۰۸۸۸

Email: vaghayenegar@chagalesh.com

سخنان گزیده:

- کارآفرین باید یک چیزی را تولید کند که «مورد استفاده قرار بگیرد» و محصولی را که ایجاد می‌کند محصولی باشد که به نسبت نو باشد و قبلاً به تعداد زیاد ساخته نشده باشد و مورد نیاز افراد بسیاری باشد.
- کارآفرین باید بلد باشد که چه جوری تأمین مالی کند و آن نظام را چگونه برای تولید، دسته‌بندی و مدیریت کند و چطور آن را هدایت کند؟ پس علاوه بر دانش آن محصول، دانش مدیریتی هم نیاز دارد و از نظر اقتصادی و اجتماعی هم باید تا حدی آگاه باشد که این کاری که دارد انجام می‌دهد چه منفعتی برای جامعه خودش دارد و آیا می‌تواند در سطح بین‌المللی هم مطرح شود؟
- بخشهایی از دانشگاه با شرکتهای گاز و نفت همکاری می‌کنند و برنامه‌ریزی می‌کنند ولی به نظر می‌آید که می‌خواهند پروژه‌ای را بنویسند و بدهند و برونند! این که هدفش چیست؟ کسی نمی‌داند! نه آن سفارش‌دهنده می‌داند نه سفارش‌گیرنده.
- اگر برنامه آموزشی دانشجویان به دست صنعتگران را ببریم درون دانشگاهها و قبل از فارغ‌التحصیلی آنها را با برنامه کارآموزی دو ماهه، آماده کار کنیم خیلی خوب می‌شود. اگر این کار را بکنیم، کارآموزی هدفمند می‌شود.
- کار گروهی انجام دادن مستلزم این است که این گروه با هم تفکرات مشترکشان را هر چه بیشتر کنند. برای این که بتوانند تفکرات مشترک داشته باشند باید با هم مراودات فکری مشترک داشته باشند یا روح مشترک در آنها به وجود بیاید. عقل مشترک یا خرد جمعی هر چه بیشتر حادث شود بهتر است. به خاطر همین است که جوامع پیشرفته راحت‌تر هستند؛ چون تفکرات جمعی یا عقل گروهی بین آنها بیشتر است.
- اگر مملکتی شرکتهای بزرگ ایجاد نکند نمی‌تواند در بازار جهانی که ورود به آن یک اجبار است وارد شود. از این لحاظ سابقه کشور ما خیلی ضعیف است.
- یکی از چیزهایی که یک کارآفرین نیاز دارد انتقاد از خود است. لازم هم نیست به کسی بگوید! اگر با خودش صادق باشد خیلی بهتر می‌تواند رشد کند و خیلی مهم است که بهبود مستمر درونی داشته باشد و دانش و روابط خود را ارتقا بدهد.
- خودروسازی وابسته به شرکتهای قطعه‌سازی است که این مجموعه اگر فرهنگ مشترک داشته باشد می‌تواند اتومبیل خوبی تولید کند؛ مثل کره جنوبی. چون آنها در نظم جهانی حضور داشتند. یعنی رقابتی کار کرده‌اند؛ ولی ما در نظم داخلی باقی مانده‌ایم و پیکان را به زور به مردم فروخته‌ایم! در نتیجه نتوانسته‌ایم خوب پیشرفت کنیم.



ارزش دوستی‌های قدیمی را نمی‌توان با هیچ چیز مقایسه کرد.



گفتگو با آقای مهندس غلامرضا وهاب

دانش آموخته مهندسی برق، ورودی ۱۳۵۰

مدیرعامل شرکت ایجاد نیرو

رئیس هیئت‌مدیره شرکت سنجشگران نیرو انرژی



زمینه فعالیت شرکت:

پیمانکاری و تأمین تجهیزات ابزار دقیق، خدمات کالیبراسیون

تلفن: ۲۰ و ۸۸۳۱۳۹۱۹

Email: gholamreza.vahab@gmail.com

سخنان گزیده:

- کار «نگهداری» از تجهیزات در ایران ارزش کافی را ندارد و کم‌اهمیت است.
- یک مورد هم بحث آموزش پرسنل است که پرسنلی که قرار است کاری را انجام دهند از لحاظ تئوری و عملی در سطح کافی و به صورت متبحر نیستند.
- اگر شرکا در تقسیم سود و ضرر، گذشت داشته باشند و هر کسی یک گام به سوی تفاهم بردارد کل کار، به نتیجه خواهد رسید.
- ایرانی‌ها تمایلی به جمع شدن با هم و انجام دادن کارهای مشترک ندارند و این شاید ریشه در تجربه‌های ناموفق داخل کشور دارد.
- در قدیم شراکت، شکل برادری به خود می‌گرفت و هیچ چیز مکتوبی وجود نداشت و تا آخر عمر هم به آن پایبند می‌ماندند و «گذشت» مسائل را حل می‌کرد.
- مسئله کارآفرینی با مسئله اشتغال تفاوت دارد. یعنی کارآفرین باید ایجاد اشتغال کند ولی همراه با یک نوآوری و صرف ایجاد اشتغال، کارآفرینی نیست.
- کارآفرین کسی است که جاهایی که در بازار مصرف، مورد غفلت واقع شده را نگاه بیندازد و محصول یا خدماتی را که نیاز است ارائه دهد و یک خلاء را پر کند.
- کاری که مولد نیست بلکه افراد بیشتری همان حجم تقاضای قبلی را پاسخ بدهند (اشتغالزایی) کارآفرینی نیست. کار باید بازده افراد در جامعه بالا ببرد.
- آدم موفق کسی است که از راهی که آمده است پشیمان نباشد و به نگاه از بیرون ارتباطی ندارد.
- فارغ‌التحصیلان شریف، توانایی علمی بالایی دارند ولی در ایران شما تا یک سطحی می‌توانید رشد کنید. بازار کار به شما اجازه نمی‌دهد که بیشتر رشد کنید.
- کسی که احساس کند از راهی که رفته پشیمان نیست، موفق است و موفقیت هم بسته به پست و مقام و ... نیست.
- در تمام مدت، حقوق پرسنل در روز اول یا دوم ماه پرداخت شده است؛ علی‌رغم این که ما از کارفرما پول گرفته باشیم یا نه. این مشکلات مربوط به مدیر است.
- با چند شرکت چینی وارد کار شده‌ایم و طبق خواسته ما تولید می‌کنند ولی با کیفیت درجه یک! ما بهترین کارخانه‌ها را انتخاب کرده‌ایم.
- در هر کاری دوره بازپرداخت و یا بازگشت سرمایه، فرق دارد. گاهی سرمایه یک سال یا ۶ ماه بعد بازدهی را شروع می‌کند و گاهی ۵ یا ۶ سال بعد.
- در دنیا ثابت شده است که بازاریابی در پیشبرد اهداف یک واحد تولیدی یا خدماتی نقش زیادی دارد. در ایران هم مسلماً همین‌طور است.
- در عین حال که نقش بازاریابی خیلی مهم است «کیفیت کار» هم خودش نوعی بازاریابی است. کار خوب خودش تداوم پیدا می‌کند.
- بازاریابی نوعی هنر و تخصص است و کمی فن بیان است و به اثرگذاری فرد ربط دارد که بتواند رابطه فکری ایجاد کند و باعث شود شما از او خرید کنید.
- پرسنل اگر مشکل داشته باشند بازتاب آن در شرکت دیده می‌شود. البته در مورد همه پرسنل سیاست این است که اگر بخواهند بروند ما مانع نمی‌شویم.
- هیچ‌کس تا آخر عمرش در یک شرکت نمی‌ماند. تا روزی که بتوانم راضی نگه دارم می‌ماند و روزی که نتوانم، ممکن است برود و این روندی طبیعی است.

اگر ایران خودرو خصوصی بود الان در دنیا، هم سطح هیوندا بود!



گفتگو با آقای دکتر رضا ویسه

دانش آموخته مهندسی متالورژی، ورودی ۱۳۵۲

مدیرعامل شرکت رضوان صنعت آسیا

زمینه فعالیت شرکت:

خدمات فنی و مهندسی و مدیریتی برای شرکتهای تولیدی و صنعتی، مشاوره مدیریتی، مشاوره فنی و اجرا

تلفن: ۵-۲۲۷۲۴۶۶۴

Email: reza_veyseh@yahoo.com

سخنان گزیده:

- خیلی مهم است که تیمی که می‌خواهد جایی را اداره کند به آن هدف و محصولی که می‌خواهد به بازار عرضه کند «باور» داشته باشد.
- اعتماد موقعی از بین می‌رود که اهداف مختلف باشد و با اهداف تیمی فرق بکند. آدمهایی که هم ذهن نباشند دور هم جمع هم بشوند تیم نمی‌شوند!
- مشخصه تیم این است که در آن، کاری که می‌خواهند انجام دهند یکی باشد یعنی «انطباق اهداف» شخصی با اهداف سازمانی.
- آدمهایی که در دنیا در بخش صنعت اسمشان ماندگار است آدمهایی هستند که هسته اولیه گلوله برفی را درست می‌کنند.
- هر قدر آن سازمان و نظام، از ابتدا طراحی و ساخت آن مستحکم‌تر باشد بعد به راحتی نمی‌شود آن را از بین برد.
- ممکن است ما در شرایط تحریم خیلی کارها بتوانیم انجام دهیم که در شرایط آزاد نمی‌توانیم!
- در شرایط نداشتن منابع ارزی خیلی کارها می‌توانیم انجام دهیم که در حالت عادی نمی‌شود انجام داد.
- بازارهای ایران را کالاهای چینی پر کرده‌اند. کالاهای چینی بازارهای ایران را پر کرده است که جای نفس کشیدن به تولیدکنندگان داخلی نمی‌دهند.
- ما آمدیم یک قطعه را از یک تولیدکننده انگلیسی گرفتیم با هفتاد سال تجربه، با فناوری، با علم، با پول و سرمایه هنگفت و دادیم به صنایع زیرپله‌ای.
- برای صنعتی شدن به جای رقابت با تولیدکننده خارجی باید رقابت داخلی کنیم. رقابت باید باشد ولی رقابت در داخل
- بعد از این که ما رسیدیم به یک حدی که قدرت رقابت با، بازار خارجی داشتیم آن وقت بازار را باز کنیم.
- یکی از مسائل بزرگ شرکتهای خصوصی کشور ما این است که مدیریت با مالکیت یکی است و مدیر موقعی که برود، شرکتش هم از بین می‌رود.
- شما وقتی می‌روید در یک شرکت آلمانی که ۱۲۰ سال از عمرش گذشته و ۱۰ نسل عوض کرده است، می‌بینید مالکیت از مدیریت جدا شده است.
- وقتی مالکیت از مدیریت جدا شده مدیریت توانسته است کار خودش را بکند و سهامدار هم کار خودش را بکند.
- الان در ایران شرایطی که هست می‌گویند دوره مدیرعاملی دو ساله است! وقتی او می‌رود همه برنامه‌ها از اول تدوین می‌شود!
- آدمهای جدید سلیقه‌های جدید دارند بنابراین بخش دولتی، پایداری ندارد. ولی بخش خصوصی این جوری نیست.
- بخش عمده کارخانجات ما دولتی است و سلیقه‌ای اداره می‌شود. یک نفر که می‌رود نفر بعدی ممکن است خوش نیاید و این کار را حمایت نکند.
- «پرورش مدیر به روش مربیگری» یعنی شما به جای این که استاد درس تئوری بگذارید، جلوی دانشجو مربی می‌گذارید.
- مربی در حقیقت بیشتر روی شخصیت آدمها کار می‌کند تا بر عملشان ولی عملکردشان هم باید رشد کند.
- مظهر یک شرکت دولتی در جوانی پیرشده، شهروند است! در صنعت خودرو هم اگر قطعه‌سازان را خصوصی نکرده بودیم همین بلا بر سرش می‌آمد.
- صنایع بخش خصوصی خیلی تمایل ندارند که گروههای جداگانه‌ای بروند در درونشان و معمولاً سعی می‌کنند که همه چیزشان محرمانه باشد.
- شرکتهای ما جوان هستند و طول عمر زیادی ندارند و اینها برای این که بتوانند محصولشان را نهاده‌ای کنند باید «برند» بسازند.
- برندسازی R&D می‌خواهد. خوب چرا برندسازی نمی‌شود؟ چون که شرکتها طول عمرشان کوتاه است و برند در طول عمر کوتاه نمی‌گنجد.
- صنایعی که دولتی است قدرت رقابت ندارند. R&D یک مرکز هزینه است. شما باید هزینه کنید و در درازمدت بهره‌برداری کنید.
- شرکتهای دولتی به دلیل این که نباید هزینه کنند، پس نباید R&D داشته باشند! یعنی برندسازی کار یک شرکت دولتی نیست.
- برای توسعه رابطه صنعت با دانشگاه این رابطه را بر روی صنایع پیشرفته متمرکز کنیم.



کاری را ایجاد می‌کنم که دیگران نیز برای من کار کنند!



گفتگو با آقای مهندس هادی ویسی

مدیرعامل شرکت عصر کویش پرداز

دانش‌آموخته مهندسی رایانه، ورودی ۱۳۸۲ (ارشد)

زمینه فعالیت شرکت:

- رایانه: نرم‌افزار و سخت‌افزار
- هوش مصنوعی (Artificial Intelligence)
- شناسایی الگو (Pattern Recognition)
- پردازش سیگنال (Signal Processing)
- تشخیص گفتار - تبدیل گفتار به متن
- (ASR: Automatic Speech Recognition)
- سنتز گفتار - تبدیل متن به گفتار (TTS: Text To Speech)
- پردازش زبان طبیعی (NLP: Natural Language Processing)
- بهبود کیفیت گفتار (Speech Enhancement)
- طراحی دادگان‌های گفتاری و متنی
- طراحی، توسعه و پشتیبانی نرم‌افزارهای کاربردی مرتبط
- سامانه‌های تلفن گویا (با قابلیت تشخیص گفتار)
- برنامه‌نویسی روی ریزرایانه‌ها (PDA، DSP، تلفن همراه و ...)

تلفن: ۶۶۰۰۳۷۱۰

Email: veisi@ce.sharif.edu

سخنان گزیده:

- داشتن یک مرکز کارآفرینی در دانشگاه خیلی خوب است اما جا انداختن فرهنگ آن در بین دانشجویان مهم‌تر است.
- کارآفرینی، «ایجاد یک کسب و کار نوآورانه» است، یعنی سه ستون اصلی دارد: تجارت، کار و نوآوری.
- صنعت ما در حال حاضر به دانشگاه اعتماد ندارد و اگر من یک صنعتگر باشم به سختی می‌توانم یک پروژه صنعتی را به دانشگاه بدهم چون در بیشتر موارد چیزی که تحویل می‌گیرم، از جنس مقاله و گزارش و کار آزمایشگاهی است تا یک محصول صنعتی که در عمل بخواهد استفاده شود.
- برای اصلاح ارتباط دانشگاه و صنعت، علاوه بر فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر، نیاز به تعدادی عامل انسانی داریم که «هنر برقراری ارتباط دانشگاه و صنعت» را داشته باشند. یعنی نیاز آن طرف را با دید صنعتی خودشان تجزیه و تحلیل کنند، توان دانشگاه را هم کاملاً بدانند و متناسب آن برای طرف مقابل کار را تعریف و ترجمه نمایند.
- ادیسون یک جایی می‌گوید: موفقیت، یک درصد خلاقیت است و ۹۹ درصد عرق ریختن.
- یکی از دلایلی که نمی‌توانیم در کار تجاری، کار گروهی انجام دهیم این است که همیشه دوست داریم کل این کار مال خودمان باشد، در حالی که به نظر من ارزش ۱۰۰ درصدی یک کسب و کار یک میلیونی از ارزش ۱۰ درصدی یک کار یک میلیاردی کمتر است.
- معمولاً تفکر ما این است که تحصیل می‌کنیم برای این که دیگران ما را سر کار ببرند، در حالی که باید تفکر این باشد: من کاری را ایجاد می‌کنم که دیگران نیز برای من کار کنند!



رشد، همیشه پله پله میسر است.



گفتگو با آقای مهندس حسن هاشمی

دانش آموخته مهندسی شیمی، ورودی ۱۳۴۶

رئیس هیئت مدیره شرکت چگالش

زمینه فعالیت شرکت:

مهندسی مشاور در حوزه طراحی تأسیسات نفتی

تلفن: ۸۸۸۰۵۸۲۸ و ۷-۸۸۸۰۴۷۷۰

Email: h.hashemi@chagalesh.com

سخنان گزیده:

- باید به جوانها فرصت داد و کمکشان کرد. جوانها نیاز دارند که همه‌جور فعالیت اجتماعی داشته باشند.
- ما از نظر ذهنی همدیگر را خوب می‌شناختیم و یک مقداری هم فداکاری بود و تا ماهها حقوق نمی‌گرفتیم. به این ترتیب توانستیم شرکت را نگه داریم.
- به جوانهایی که شروع به کار می‌کنند توصیه می‌کنم که برای پول شروع به کار نکنند. علتش هم این است که باید ابتدا کار را یاد بگیرید.
- باید باور دیگران بشود که شما توانمند هستید تا تجربه کاری به دست بیاورید. آن‌گاه شرکت به دنبال شما خواهد بود.
- توصیه دیگر من این است که به خاطر حقوق پایین، کم‌کاری نکنند. علتش این است که خودتان خراب خواهید شد چون به کم‌کاری عادت می‌کنید.
- در کشورهای غربی و اروپایی برای تمامی رشته‌ها کار مرتبط با آن رشته وجود دارد ولی در ایران برای رشته‌ها عیناً کار مرتبط نیست یا کم هست.
- اگر هدف شما، اول کار باشد و بعد پول، رشد خواهند کرد. ما سعی کردیم در یک سطح متوسط زندگی کنیم تا درآمدهایمان را برای رشد کار سرمایه‌گذاری کنیم.
- با وجودی که در خانواده مرفهی رشد کرده بودم، فکر می‌کردم که خودم باید فعالیت کنم تا پیشرفت بکنم.
- کسانی رشد می‌کنند که تلاش و مطالعه بیشتری داشته باشند ولی اگر کسی نتواند بالادستی‌ها را راضی نگه دارد قطعاً رشد نمی‌کند.
- جلوی شروع به کار جوانان را نباید گرفت. باید فرصت داد تا خودشان را نشان بدهند و باید سعی کنند که خودشان را با علم روز هماهنگ کنند.
- باید فرهنگ کار در کشور، نهادینه شود.
- هر مؤسسه، کارگاه یا حتی فکری که به وجود می‌آید که هدفش رشد است یک نوع کارآفرینی محسوب می‌گردد.
- کارآفرین، یک مشخصه اخلاقی باید داشته باشد، روحیه مثبت باید داشته باشد. حتی باید آینده‌نگر باشد و ساختار حوزه کاری خودش را بشناسد.
- دولت باید بسترهای کاری را به وجود بیاورد تا بشود در این بسترها به خوبی کار کرد.
- برای موفقیت فراگیر باید هم خود آدم راضی باشد هم از بیرون ما را موفق بدانند، یعنی رضایت داخلی و رضایت خارجی به همراه پیشرفت کاری وجود داشته باشد.
- ارتقای سطح کاری به همراه پیشرفت مالی باید ایجاد بشود. مثلاً واگذار کردن دسته دوم و سوم پروژه‌ها به بخش خصوصی درست نیست.
- انسانهای پولدار هم این‌طور نبودند که لاتاری بخزند و شانسی پولدار بشوند. باید کار همراه با فکر انجام بشود تا به بقا امید داشت.
- ما از شرکتها می‌توانیم بخواهیم که به علم کمک کنند ولی این انتظار از NGOها بجایتر است و باز خورد بیشتری هم دارد.
- در دانشگاهها خوب است که یک مؤسسه مالی وجود داشته باشد تا علم را با ثروت حمایت کنیم. چون همیشه علم و ثروت با هم هستند.
- در دنیا گاهی مهم‌ترین تصمیمها در لابی‌ها و مهمانی‌ها شکل می‌گیرد. مثلاً ما ایرانی‌ها یک لابی قوی در امریکا داریم.
- حدود ۲ درصد مردم امریکا ایرانی هستند ولی ۸ درصد ثروت آن کشور را در اختیار دارند.



شما هیچ فناوری را نمی‌توانید بخرید!



گفتگو با آقای مهندس مرتضی هداوندی

دانش آموخته مهندسی صنایع، ورودی ۱۳۸۰

رئیس هیئت مدیره شرکت ایباکو

مدیرعامل شرکت رازین پلیمر راه ابریشم



زمینه فعالیت شرکت:

خدمات توسعه کسب و کار، تولید ورقهای پلیمری PVB، تولید پلاستیکهای مهندسی (آلیاژهای پلیمری پیشرفته)

تلفن: ۴۴۴۷۱۶۷۰-۱

Email: hadavandi@ibacogroup.com, hadavandi@yahoo.com

سخنان گزیده:

- یکی از خلاءهای صنعت کشور این است که رویکرد خلق ثروت و یا توسعه کسب و کار وجود ندارد.
- هر کسب و کاری که بخواهد به راه بیفتد سه پایه تأمین فناوری، مطالعه بازار و تأمین مالی را لازم دارد.
- فضای کسب و کار در ایران قابل پیش‌بینی نیست. همه دارند روی مرز ورشکستگی حرکت می‌کنند، یعنی تولیدکننده‌ها، بدهکارهای خیلی بزرگی هستند!
- در ایران ریسکها شدیدتر است، به خصوص نوسانات نرخ ارز برای ما که مواد اولیه‌مان اکثراً از خارج از کشور است نقش مهمی دارد.
- فضای کسب و کار در ایران فضای صنعتی و تولیدی نیست بلکه فضای خدمات و تجارت، خیلی بهتر است.
- تأمین اجتماعی یک سازمان حمایت‌کننده از تولید نیست. یک سازمان بازدارنده تولید است!
- وقتی برنامه‌ریزی جامع نباشد آدمها هم بر اساس برنامه‌ریزی و منافع کوتاه مدتشان تصمیم می‌گیرند.
- من اگر در کانادا زندگی می‌کردم الآن نهائش یک کارمند خیلی منظم بودم یعنی این فرصتها در آنجا فراهم نیست.
- اینجا چون فرصتهای ناسالم خلق ثروت هم خیلی زیاد است، آدمهایی که کارآفرینی می‌کنند بعد از یک مدت، به سمت آن کارهای ناسالم سوق داده می‌شوند.
- دلم می‌خواهد اگر ۷۰ سالم شد وقتی برمی‌گردم و پشت سرم را نگاه می‌کنم غرور داشته باشم و بگویم که مفید بوده‌ام.
- ادبیات نظارت، روش خوبی نیست. مگر دولت چقدر می‌تواند نظارت کند؟ من می‌گویم ادبیات رقابتی باید به جای نظارتی باشد.
- اگر کسی توانست، کار کند و اگر نتوانست خب، صنعت حمایتی اصلاً شکل نگیرد بهتر است.
- هر قدر هم آدم بانقوا و سامانه‌های نظارتی داشته باشیم، هر جا که امتیازی وجود دارد خواه‌ناخواه فساد در آن شکل می‌گیرد.
- در تجارت، اگر محرک وجود داشته باشد همه چیز شکل می‌گیرد. یک جایی اگر سودآور باشد آدمها خودشان به آنجا می‌آیند. تجارت، دستوری نیست.
- هر کارآفرینی باید یک درصدی خلاقیت هم داشته باشد، ولی هر فرد خلاق کارآفرین نیست.
- یک آدمی یک ایده قشنگ دارد پس خلاق است ولی یک نفر ایده را به تجارت تبدیل کرده است و معاش روزی ۲۰ نفر تأمین می‌شود. او کارآفرین است.
- یک آدمی خلاق است ولی نمی‌تواند پولدار بشود چون ایده‌اش تجاری نبوده است یا اگر هم بوده یک کارآفرین در کنارش نبوده تا این کار را بکند.
- شما صنعتگران خوب ایران را نگاه کنید. اکثراً متعلق و تحت مدیریت یک شخص و بعداً خانواده‌اش است. ولی شراکت بزرگ و موفق کمتر پیدا می‌شود.
- در سالهای تحصیل در دانشگاه پول در نیاوردم. اگر کاری هم کرده‌ام عشقی بوده است، ولی همه رقیقهایی که از آن دوران دارم از بقیه زمانها ناب‌تر است.
- بنیاد نخبگان، درگیر کارهای اجرایی توزیع جوایز و حمایت شده و از لحاظ ساختاری مثل یک اداره خدماتی مانند بانک شده است.

با افزودن زمینه‌های مدیریت به دانش تخصصی، استعدادهای فردی متبلور می‌شود.



گفتگو با آقای مهندس سیدعلیرضا هندی

دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی سال ۱۳۴۷

مدیرعامل مهندسان مشاور صنعتی رعدان

زمینه فعالیت شرکت:

طراحی و نظارت بر پروژه‌های صنعتی

تلفن: ۸۸۷۷۴۵۳۸ و ۳-۸۸۷۷۵۳۴۲

Email: alirezahendi@yahoo.com

سخنان گزیده:

- یک مشکل در کشور ما این است که اگر در شرکت مهندسی مشاور، کار پیمانکاری یا بازرگانی انجام بدهیم معمولاً تداخل منافع به وجود می‌آید.
- اگر اجبار به استفاده از امکانات داخلی کشور به وجود آید می‌توانیم در یک فاصله زمانی کوتاه، در بیشتر صنایع به خودکفایی برسیم.
- ما صدها کارخانه ماشین‌سازی در کشور داریم که پتانسیل بسیار بالا دارند و به راحتی می‌توانیم از شرکتهای بزرگ صاحب فناوری استفاده کنیم.
- باید هم تسهیلات بانکی داده شود و هم با وضع قوانین جدید، مشکلات قانونی که مانع تولید و خودکفایی هستند را مرتفع نمود.
- هر یک از دانشگاهها باید واحدهای ارتباط با صنعت داشته باشند که به صورت «شرکت» اداره شوند و از صنعت، پروژه‌های تحقیقاتی بگیرند.
- دانشگاهها توان بالایی دارند ولی باید نیاز هم وجود داشته باشد. باید پروژه تعریف بشود. بیشتر دانشگاههای دنیا در خدمت صنایع هستند.
- قبلاً که دانش فنی را از کمپانی خارجی تهیه می‌کردیم بسیار گران می‌فروختند و ترجیح دارد از داخل و ارزان‌تر تهیه شود.
- قبل از انقلاب با دانشگاههای بزرگ دنیا قراردادهایی بسته شده بود که یک سری دانش فنی به صورت راهبردی در ایران به وجود آید.
- برای ما نیز با شرایط فعلی راهی وجود ندارد مگر این که دانشگاههای ما با ایجاد تشکلهای مناسب، نیازهای دانش فنی صنایع را فراهم نمایند.
- کارآفرین، فردی خلاق است که با یک ایده نو، محصولی جدید تولید می‌کند و با روش جدیدی یا خدمتی نو و جدید را ایجاد می‌نماید.
- کارآفرین فردی است که خود کار را ایجاد می‌کند و موجب می‌شود تعدادی کارگر ساده و افراد متخصص به اشتغال جدیدی بپردازند.
- باید دانش لازم وجود داشته باشد و هر کس دانش و اطلاعات بیشتری داشته باشد او کارآفرین‌تر است.
- در کشور پیشرفته‌ای مثل ژاپن دانشکده‌های کارآفرینی وجود دارد و یا در دانشگاههای بزرگ دنیا دانشکده‌های کارآفرینی هست.
- به عنوان یک مهندس مکانیک اگر رشته‌های دیگر را هم به من می‌آموختند و اطلاعات دیگری هم می‌داشتم، بهتر می‌توانستم مدیریت کنم.
- اگر دانش کارآفرینی را در دانشگاههایمان بیشتر بیاموزیم فارغ‌التحصیلان هم گرایش بیشتری به کارآفرینی پیدا می‌کنند.
- برای تولید یک محصول جدید، قیمت آن نیز مهم است لذا کارآفرین باید مسائل اقتصادی را نیز بداند و بتواند تصمیمات اقتصادی بگیرد.
- اگر کارآفرینان کشور شناسایی شوند و از آنها تجلیل و تکریم شود و به مردم معرفی گردند، جوانان کشور از آنها پیروی و تقلید خواهند کرد.
- همکاری وزارت اقتصاد و دارایی در کاهش یا معافیت مالیاتی کارآفرینان، به رشد تولیدات صنعتی و رونق کسب و کار کمک خواهد کرد.





حسین مجدفر

مهندسی مکانیک جامدات، دانشگاه صنعتی شریف

مهر ۱۳۷۴ - شهریور ۱۳۷۸

۰۹۱۲۱۴۴۹۱۷۷

majdfar@gmail.com

زمینه فعالیت تخصصی:

مشاوره، طراحی سلول، تدوین سناریوی تولید، آموزش، اجرا، نصب و راه اندازی سلولهای رباتیک صنعتی

کتابهای دیگر از همین نگارنده :

- سی کارآفرین (۱)
- سی کارآفرین (۲)
- سی کارآفرین (۳)
- سی کارآفرین (۴)
- دانشگاه کارآفرین (۱)
- دانشگاه کارآفرین (۲)
- گنج پنهان
- دانشگاه ارزش آفرین (۱)
- آشیانه سیمرغ
- دانشگاه زندگی
- آوای ققنوس
- کتاب اتوماسیون (۱)
- کتاب اتوماسیون (۲)
- کتاب اتوماسیون (۳)
- کتاب اتوماسیون (۴)
- لذت مهندسی
- آب استخودوس
- ابرشغل کوچک
- کمپوت هلو
- مغز گردو
- لواشک آلو
- سیب ترشو
- آنچه نو مهندسان نمی دانند
- راه اندازی کسب و کار امروزی
- دانشگاه ماندگار
- شکست تجاری
- راه دشوار پیروزی
- دنیای وارونه
- درسهای مهندسی از حیوانات
- بازاریابی در خرطوم فیل
- رد پای یک ملت
- شترمرغ گاو پلنگ



میران خلیل میران:

آنان که به شادمانی می‌بخشند همچون شکوفه که زنبور، شیره جانش را
می‌مکد بر این باورند که کام دادن، نیاز ناگزیر زندگی است و خود بیش از
آن که گامشان را می‌ستاند به شیدایی می‌رسند.

